



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

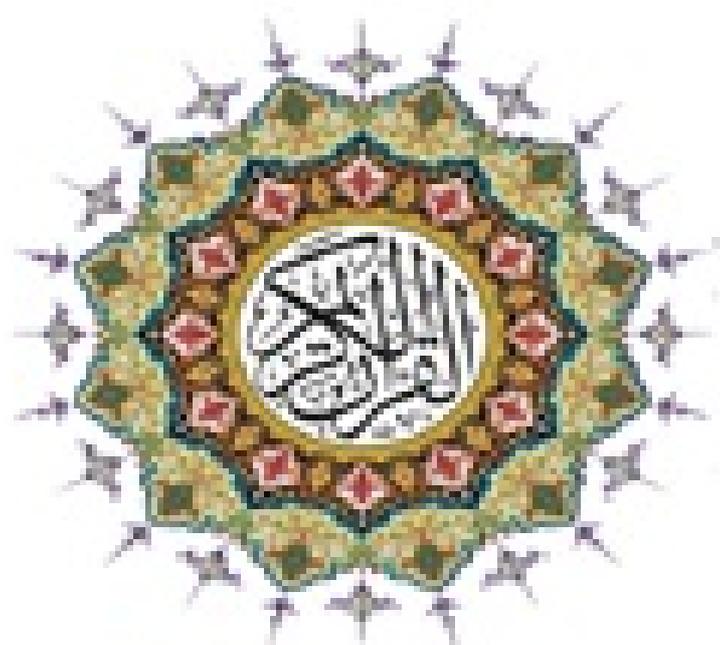
گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۶۸

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 68

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۱	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۶۸
۴۱	مشخصات کتاب
۴۱	۱- عذر
۴۱	۱- رد عذر ظالمان
۴۱	۲- رد عذر کافران
۴۱	۳- رد عذر کافران پیرو
۴۳	۴- رد عذر گناهکاران
۴۳	۵- رد عذر متخلفان از جهاد
۴۳	۶- رد عذر متخلفان غزوه تبوک
۴۵	۷- رد عذر مشرکان
۴۵	۸- رد عذر معرضان از سبیل الله
۴۵	۹- رد عذر منافقان استهزاگر
۴۶	۱۰- شرایط قبول عذر
۴۷	۱۱- شرایط قبول عذر مکلف
۴۷	۱۲- صداقت در عذر خواهی
۴۷	۱۳- عذر اخروی کافران
۴۷	۱۴- عذر بدتر از گناه
۴۹	۱۵- عذر بر تکذیب آیات خدا
۴۹	۱۶- عذر بر دنیاطلبی
۴۹	۱۷- عذر بر فراموشی قیامت
۵۰	۱۸- عذر بر کفر
۵۱	۱۹- عذر بر گمراهی
۵۱	۲۰- عذر بر گناه

- ۵۱ ۲۱- عذر برادران یوسف
- ۵۳ ۲۲- عذر به پیشگاه خدا
- ۵۳ ۲۳- عذر جامعه فاسد
- ۵۳ ۲۴- عذر در تکلیف
- ۵۳ ۲۵- عذر در گمراهی
- ۵۵ ۲۶- عذر غیر مقبول
- ۶۰ ۲۷- عذر غیرمقبول کافران
- ۶۱ ۲۸- عذر فراموشی
- ۶۱ ۲۹- عذر گمراهان
- ۶۱ ۳۰- عذر مصلحان
- ۶۱ ۳۱- عذر مقبول
- ۶۵ ۳۲- عذر مقبول هدهد
- ۶۵ ۳۳- عذر ناهیان از منکر
- ۶۶ ۳۴- عوامل رد عذر
- ۶۷ ۳۵- عوامل عذر خواهی از خدا
- ۶۷ ۳۶- قبول عذر خطاکاران
- ۶۷ ۳۷- قبول عذر موسی(ع)
- ۶۷ ۳۸- قبول عذر مؤمنان
- ۶۹ ۳۹- قطع عذر در قیامت
- ۶۹ ۴۰- موانع قبول عذر
- ۶۹ ۴۱- موانع قبول عذر کافران
- ۷۰ ۴۲- موانع قبول عذر مشرکان
- ۷۱ ۴۳- موانع قبول عذر منافقان
- ۷۱ ۴۴- عذر خواهی
- ۷۱ ۴۵- صداقت در عذر خواهی
- ۷۲ ۴۶- عوامل عذر خواهی از خدا

۷۴	۲- عرب
۷۴	۱- اتمام حجت بر عرب
۷۴	۲- انبیای عرب
۷۴	۳- بتهای عرب
۷۶	۴- بشارت اسلام قبایل عرب
۷۶	۵- تاریخ عرب
۷۸	۶- عرب ها و قرآن
۷۸	۷- عوامل عظمت عرب
۷۸	۸- ملاک گروهبندی در عرب
۷۹	۹- عرب ها و قرآن
۸۱	۳- عربی
۸۱	۱- آثار تعلیم زبان عربی
۸۱	۲- اهمیت تعلیم عربی
۸۱	۳- بلاغت زبان عربی
۸۳	۴- زبان عربی
۸۳	۵- فصاحت زبان عربی
۸۴	۶- فصاحت عربی
۸۵	۷- نقش زبان عربی
۸۷	۸- ویژگیهای زبان عربی
۸۹	۹- ویژگیهای عربی
۹۰	۴- عرش
۹۰	۱- آثار تدبیر عرش
۹۰	۲- ابراهیم(ع) و رؤیت عرش
۹۰	۳- استغفار حاملان عرش
۹۲	۴- استوای خدا بر عرش
۹۲	۵- استیلای خدا بر عرش

- ۹۴ ۶- اقرار حاملان عرش
- ۹۴ ۷- اهمیت عرش
- ۹۴ ۸- تدبیر عرش
- ۹۴ ۹- تسبیح حاملان عرش
- ۹۵ ۱۰- حاکم عرش
- ۹۶ ۱۱- حاکمیت بر عرش
- ۹۷ ۱۲- حاملان عرش
- ۹۸ ۱۳- حرکت عرش
- ۹۹ ۱۴- حقیقت عرش
- ۱۰۰ ۱۵- حقیقت عرش خدا
- ۱۰۱ ۱۶- حمایت‌های حاملان عرش
- ۱۰۲ ۱۷- حمد حاملان عرش
- ۱۰۲ ۱۸- خلقت عرش
- ۱۰۲ ۱۹- دعای حاملان عرش
- ۱۰۴ ۲۰- رؤیت عرش در قیامت
- ۱۰۴ ۲۱- شکل هندسی عرش
- ۱۰۵ ۲۲- صفات عرش
- ۱۰۶ ۲۳- عرش خدا
- ۱۰۶ ۲۴- عرش خدا و آب
- ۱۰۶ ۲۵- عرش در قیامت
- ۱۰۷ ۲۶- عظمت عرش
- ۱۰۸ ۲۷- عظمت عرش خدا
- ۱۰۸ ۲۸- فلسفه حرکت عرش
- ۱۰۸ ۲۹- مالک عرش
- ۱۱۰ ۳۰- محمد(صلی الله علیه و آله) و رؤیت عرش
- ۱۱۰ ۳۱- مدبر عرش

- ۱۱۱ ----- ۳۲- مراد از عرش
- ۱۱۲ ----- ۳۳- مراد از عرش خدا
- ۱۱۲ ----- ۳۴- معبودان باطل و عرش
- ۱۱۲ ----- ۳۵- مکان استقرار عرش
- ۱۱۴ ----- ۳۶- ملائکه اطراف عرش
- ۱۱۴ ----- ۳۷- نجات حاملان عرش
- ۱۱۵ ----- ۳۸- نقش عرش
- ۱۲۰ ----- ۳۹- نقش عرش خدا
- ۱۲۰ ----- ۴۰- وسعت عرش
- ۱۲۰ ----- ۴۱- هماهنگی تدبیر عرش
- ۱۲۲ ----- ۵- عرف
- ۱۲۲ ----- ۱- ارزش عرف
- ۱۲۲ ----- ۲- اهمیت عرف
- ۱۲۲ ----- ۳- عرف و دین
- ۱۲۲ ----- ۴- عرف و قوانین
- ۱۲۴ ----- ۵- عرف و موضوع شناسی
- ۱۲۴ ----- ۶- ملاک عرفی
- ۱۲۵ ----- ۷- ملاکهای عرفی
- ۱۲۶ ----- ۸- نقش عرف
- ۱۲۷ ----- ۶- عرفات
- ۱۲۷ ----- ۱- عرفات
- ۱۲۷ ----- ۲- استغفار در عرفات
- ۱۲۷ ----- ۳- برکات عرفات
- ۱۲۹ ----- ۴- خیریت عرفات
- ۱۲۹ ----- ۵- قریش و عرفات
- ۱۲۹ ----- ۶- نامگذاری عرفات

- ۷- وقوف در عرفات ۱۳۰
- ۸- روز عرفه ۱۳۳
- ۹- سوگند به روز عرفه ۱۳۳
- ۷- عروس ۱۳۴
- ۱- ازدواج با عروس ۱۳۴
- ۲- محدوده حجاب عروس ۱۳۴
- ۸- عزت ۱۳۵
- ۱- عزت ۱۳۵
- ۲- آثار ایمان به عزت خدا ۱۳۵
- ۳- آثار درک عزت خدا ۱۳۵
- ۴- آثار ذکر عزت خدا ۱۳۷
- ۵- آثار عزت خدا ۱۳۹
- ۶- آثار عقیده به عزت خدا ۱۴۵
- ۷- آرزوی عزت اخروی ۱۴۷
- ۸- ادعای عزت ۱۴۷
- ۹- ازلیت عزت خدا ۱۴۷
- ۱۰- اقرار به عزت خدا ۱۴۹
- ۱۱- اهل مدین و عزت خدا ۱۴۹
- ۱۲- اهمیت عزت ۱۴۹
- ۱۳- اهمیت عقیده به عزت خدا ۱۵۰
- ۱۴- اهمیت علم به عزت خدا ۱۵۱
- ۱۵- خدا و عزت ۱۵۱
- ۱۶- درخواست عزت اخروی ۱۵۱
- ۱۷- درخواست عزت از خدا ۱۵۲
- ۱۸- درخواست عزت از غیر خدا ۱۵۲
- ۱۹- درخواست عزت دنیوی ۱۵۲

- ۲۰- دلایل عزت خدا ۱۵۳
- ۲۱- زمینه درک عزت خدا ۱۵۵
- ۲۲- زمینه عزت ۱۵۵
- ۲۳- زمینه عزت اسلام ۱۵۶
- ۲۴- زمینه عزت خدا ۱۵۷
- ۲۵- زمینه عقیده به عزت خدا ۱۵۷
- ۲۶- سوگند به عزت خدا ۱۵۷
- ۲۷- سوگند به عزت فرعون ۱۵۷
- ۲۸- ظهور عزت خدا ۱۵۹
- ۲۹- عجز از درک عزت خدا ۱۵۹
- ۳۰- عجز از درک عزت محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۵۹
- ۳۱- عجز از درک عزت مؤمنان ۱۵۹
- ۳۲- عزت اخروی اولیاء الله ۱۵۹
- ۳۳- عزت اخروی متقین ۱۶۱
- ۳۴- عزت اخروی محسنان ۱۶۱
- ۳۵- عزت اخروی محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۶۱
- ۳۶- عزت اخروی مستضعفان ۱۶۱
- ۳۷- عزت اخروی مؤمنان ۱۶۳
- ۳۸- عزت الله ۱۶۳
- ۳۹- عزت بنیامین ۱۶۵
- ۴۰- عزت بهشتیان ۱۶۵
- ۴۱- عزت جن ۱۶۵
- ۴۲- عزت خدا ۱۶۵
- ۴۳- عزت صابران ۱۸۱
- ۴۴- عزت طلبی انسان ۱۸۲
- ۴۵- عزت طلبی ملکه سیا ۱۸۳

۱۸۳	۴۶- عزت فرعون
۱۸۳	۴۷- عزت متقین
۱۸۳	۴۸- عزت محسنان
۱۸۵	۴۹- عزت معبود راستین
۱۸۵	۵۰- عزت مؤمنان
۱۸۷	۵۱- عزت یوسف(ع)
۱۸۷	۵۲- عقیده به عزت خدا
۱۸۹	۵۳- عوامل عزت
۱۹۴	۵۴- عوامل عزت اخروی
۱۹۵	۵۵- عوامل عزت رهبران
۱۹۵	۵۶- عوامل عزت مسلمانان
۱۹۵	۵۷- کفر به عزت خدا
۱۹۷	۵۸- مال دوستان و عزت
۱۹۷	۵۹- محرومان از عزت
۱۹۷	۶۰- مشرکان صدر اسلام و عزت
۱۹۷	۶۱- مظاهر عزت خدا
۱۹۹	۶۲- ملاک عزت
۱۹۹	۶۳- منشأ عزت
۲۰۱	۶۴- موانع عزت
۲۰۱	۶۵- ناپایداری عزت دنیوی
۲۰۱	۶۶- نشانه های عزت
۲۰۳	۶۷- نشانه های عزت بخشی خدا
۲۰۳	۶۸- نشانه های عزت خدا
۲۱۳	۶۹- نقش عزت خدا
۲۱۳	۷۰- وسعت عزت خدا
۲۱۴	۷۱- ویژگیهای عزت خدا

- ۲۲۲ ----- ۹- عزرائیل
- ۲۲۲ ----- ۱- استهزاهای عزرائیل
- ۲۲۲ ----- ۲- تعدد عزرائیل
- ۲۲۲ ----- ۳- دستان عزرائیل
- ۲۲۲ ----- ۴- سرزنشهای عزرائیل
- ۲۲۴ ----- ۵- عزرائیل و مشرکان
- ۲۲۴ ----- ۶- گفتگوی عزرائیل با مشرکان
- ۲۲۴ ----- ۷- مرگ عزرائیل
- ۲۲۴ ----- ۸- نجات عزرائیل
- ۲۲۶ ----- ۹- نقش عزرائیل
- ۲۲۹ ----- ۱۰- عزلت
- ۲۲۹ ----- ۱- آثار عزلت
- ۲۲۹ ----- ۲- عزلت پسندیده
- ۲۲۹ ----- ۳- عزلت پسندیده رهبران دینی
- ۲۲۹ ----- ۴- عزلت گزینی اصحاب کهف
- ۲۳۰ ----- ۵- عزلت گزینی مریم(س)
- ۲۳۲ ----- ۶- عوامل عزلت گزینی مریم(س)
- ۲۳۳ ----- ۱۱- عزیر(ع)
- ۲۳۳ ----- ۱- احیای عزیر(ع)
- ۲۳۳ ----- ۲- الاغ عزیر(ع)
- ۲۳۵ ----- ۳- پرسش عزیر(ع)
- ۲۳۵ ----- ۴- تکلم خدا با عزیر(ع)
- ۲۳۶ ----- ۵- علم عزیر(ع)
- ۲۳۷ ----- ۶- قصه عزیر(ع)
- ۲۳۷ ----- ۷- مرگ عزیر(ع)
- ۲۳۷ ----- ۸- مسافرت عزیر(ع)

- ۲۳۹ ۹- نبوت عزیز(ع)
- ۲۳۹ ۱۰- یهود و عزیز(ع)
- ۲۴۰ ۱۲- عزیز مصر
- ۲۴۰ ۱- آگاهی عزیز مصر
- ۲۴۰ ۲- تحریک عزیز مصر
- ۲۴۰ ۳- تصمیم کارگزاران عزیز مصر
- ۲۴۰ ۴- تفحص عزیز مصر
- ۲۴۲ ۵- خواسته های عزیز مصر
- ۲۴۴ ۶- عدالت عزیز مصر
- ۲۴۴ ۷- عزیز مصر در دوران قحطی
- ۲۴۴ ۸- عزیز مصر و زلیخا
- ۲۴۵ ۹- عزیز مصر و صداقت یوسف(ع)
- ۲۴۶ ۱۰- عزیز مصر و قصه یوسف(ع)
- ۲۴۷ ۱۱- عزیز مصر و مجازات یوسف(ع)
- ۲۴۸ ۱۲- عزیز مصر و مقامات یوسف(ع)
- ۲۴۸ ۱۳- عزیز مصر و مکر زنان
- ۲۴۸ ۱۴- عزیز مصر و یوسف(ع)
- ۲۵۲ ۱۵- عزیز مصر هنگام خرید یوسف(ع)
- ۲۵۲ ۱۶- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر
- ۲۵۲ ۱۷- عقیمی عزیز مصر
- ۲۵۲ ۱۸- قضاوت عزیز مصر
- ۲۵۴ ۱۹- ملّیت عزیز مصر
- ۲۵۴ ۲۰- همسر عزیز مصر
- ۲۵۴ ۲۱- یوسف(ع) در خانه عزیز مصر
- ۲۵۶ ۲۲- یوسف(ع) و عزیز مصر
- ۲۵۷ ۱۳- عزی

- ۲۵۷ ۱- عزی در جاهلیت
- ۲۵۷ ۲- نقش عزی
- ۲۵۸ ۱۴- عسر و حرج
- ۲۵۸ ۱- عسر و حرج
- ۲۵۸ ۲- عسر و حرج در روزه
- ۲۶۰ ۳- قاعده نفی عسر و حرج
- ۲۶۲ ۱۵- عسل
- ۲۶۲ ۱- تشویق به استفاده از عسل
- ۲۶۲ ۲- تنوع رنگ عسل
- ۲۶۲ ۳- شفابخشی عسل
- ۲۶۳ ۴- فواید عسل
- ۲۶۳ ۵- مکان تولید عسل
- ۲۶۳ ۶- منشأ تنوع رنگ عسل
- ۲۶۳ ۷- منشأ تولید عسل
- ۲۶۴ ۸- نهرهای عسل بهشت
- ۲۶۶ ۱۶- عصا
- ۲۶۶ ۱- آداب عصا
- ۲۶۶ ۲- اتکا به عصا
- ۲۶۶ ۳- تبدیل عصا به اژدها
- ۲۶۸ ۴- تبدیل عصا به مار
- ۲۷۱ ۵- تبدیل مار به عصا
- ۲۷۲ ۶- فواید عصا
- ۲۷۲ ۷- منشأ تبدیل عصا به مار
- ۲۷۲ ۸- منشأ تبدیل مار به عصا
- ۲۷۳ ۱۷- عصمت
- ۲۷۳ ۱- آثار عصمت

- ۲- ارزش عصمت ----- ۲۷۳
- ۳- امکان عصمت انسان ها ----- ۲۷۳
- ۴- زمینه عصمت انبیا ----- ۲۷۴
- ۵- عصمت آدم(ع) ----- ۲۷۴
- ۶- عصمت ابراهیم(ع) ----- ۲۷۴
- ۷- عصمت از خطا ----- ۲۷۵
- ۸- عصمت از گناه ----- ۲۷۶
- ۹- عصمت اسحاق(ع) ----- ۲۷۸
- ۱۰- عصمت انبیا ----- ۲۷۸
- ۱۱- عصمت اهل بیت(ع) ----- ۲۸۳
- ۱۲- عصمت خضر(ع) ----- ۲۸۴
- ۱۳- عصمت در ابلاغ رسالت ----- ۲۸۴
- ۱۴- عصمت در امامت ----- ۲۸۴
- ۱۵- عصمت در تبلیغ ----- ۲۸۴
- ۱۶- عصمت در تبلیغ وحی ----- ۲۸۶
- ۱۷- عصمت در دریافت وحی ----- ۲۸۶
- ۱۸- عصمت صادقان ----- ۲۸۶
- ۱۹- عصمت عیسی(ع) ----- ۲۸۶
- ۲۰- عصمت محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۲۸۸
- ۲۱- عصمت مخلصین ----- ۲۹۳
- ۲۲- عصمت مریم(س) ----- ۲۹۴
- ۲۳- عصمت ملائکه ----- ۲۹۴
- ۲۴- عصمت موسی(ع) ----- ۲۹۶
- ۲۵- عصمت نوح(ع) ----- ۲۹۶
- ۲۶- عصمت یحیی(ع) ----- ۲۹۸
- ۲۷- عصمت یعقوب(ع) ----- ۲۹۸

- ۲۹۸ عصمت یوسف(ع) ۲۸
- ۳۰۰ عوامل عصمت انبیا ۲۹
- ۳۰۰ عوامل عصمت یوسف(ع) ۳۰
- ۳۰۰ محدوده عصمت انبیا ۳۱
- ۳۰۱ مقام عصمت ۳۲
- ۳۰۲ منشأ عصمت انبیا ۳۳
- ۳۰۲ منشأ عصمت اهل بیت(ع) ۳۴
- ۳۰۲ منشأ عصمت محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۵
- ۳۰۴ منشأ عصمت یوسف(ع) ۳۶
- ۳۰۵ ۱۸- عصیان ۱۸
- ۳۰۵ ۱- عصیان ۱
- ۳۰۷ ۲- آثار اجتناب از عصیان ۲
- ۳۰۷ ۳- آثار اخروی عصیان ۳
- ۳۰۷ ۴- آثار عصیان ۴
- ۳۲۶ ۵- آثار عصیان آدم(ع) ۵
- ۳۲۷ ۶- آثار عصیان ابلیس ۶
- ۳۳۱ ۷- آثار عصیان اجتماعی ۷
- ۳۳۲ ۸- آثار عصیان از انبیا ۸
- ۳۳۶ ۹- آثار عصیان از خدا ۹
- ۳۴۵ ۱۰- آثار عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۰
- ۳۵۰ ۱۱- آثار عصیان اشراف فرعون ۱۱
- ۳۵۱ ۱۲- آثار عصیان امت های پیشین ۱۲
- ۳۵۱ ۱۳- آثار عصیان بنی اسرائیل ۱۳
- ۳۵۱ ۱۴- آثار عصیان حوا ۱۴
- ۳۵۲ ۱۵- آثار عصیان شیطان ۱۵
- ۳۵۲ ۱۶- آثار عصیان فرعون ۱۶

- ۱۷- آثار عصیان قوم سبأ ۳۵۵
- ۱۸- آثار عصیان کافران صدراسلام ۳۵۵
- ۱۹- آثار عصیان نعمت ۳۵۵
- ۲۰- ابلیس قبل از عصیان ۳۵۷
- ۲۱- اجتناب از عصیان ۳۵۷
- ۲۲- اجتناب از عصیان از خدا ۳۵۹
- ۲۳- اجتناب از عصیان خدا ۳۵۹
- ۲۴- اقرار آدم(ع) به عصیان ۳۶۱
- ۲۵- اقرار به ناپسندی عصیان از خدا ۳۶۲
- ۲۶- اقرار حوا به عصیان ۳۶۳
- ۲۷- انبیا و عصیان ۳۶۳
- ۲۸- انذار از فرجام عصیان ۳۶۳
- ۲۹- انگیزه عصیان ابلیس ۳۶۳
- ۳۰- اهمیت اجتناب از عصیان ۳۶۵
- ۳۱- پرسش از انگیزه عصیان ۳۶۵
- ۳۲- تبیین عصیان ۳۶۶
- ۳۳- تبیین عوامل عصیان ۳۶۷
- ۳۴- تداوم بر عصیان ۳۶۷
- ۳۵- توجیه عصیان از خدا ۳۶۷
- ۳۶- جرم عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۶۸
- ۳۷- حرمت عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۶۹
- ۳۸- خطر عصیان از خدا ۳۶۹
- ۳۹- خطر عصیان انسان ها ۳۶۹
- ۴۰- زمینه اجتناب از عصیان ۳۷۰
- ۴۱- زمینه اجتناب از عصیان انبیا ۳۷۱
- ۴۲- زمینه اجتناب از عصیان خدا ۳۷۱

- ۳۷۱ ۴۳- زمينه ترك عصيان
- ۳۷۳ ۴۴- زمينه عصيان
- ۳۷۷ ۴۵- زمينه عصيان آدم(ع)
- ۳۷۷ ۴۶- زمينه عصيان از خدا
- ۳۷۹ ۴۷- زمينه عصيان از محمد(صلى الله عليه و آله)
- ۳۷۹ ۴۸- زمينه عصيان اهل كتاب
- ۳۸۰ ۴۹- زمينه عصيان بنى اسرائيل
- ۳۸۱ ۵۰- زمينه عصيان حوا
- ۳۸۱ ۵۱- زمينه عصيان فرزند
- ۳۸۱ ۵۲- زمينه عصيان قريش
- ۳۸۲ ۵۳- زمينه عصيان مسلمانان
- ۳۸۳ ۵۴- زمينه عصيان نسل قوم نوح
- ۳۸۳ ۵۵- زيان عصيان از خدا
- ۳۸۳ ۵۶- زيان عصيان از محمد(صلى الله عليه و آله)
- ۳۸۳ ۵۷- سرزنش عصيان
- ۳۸۵ ۵۸- سرزنش عصيان اهل كتاب
- ۳۸۵ ۵۹- سرزنش عصيان مشركان
- ۳۸۵ ۶۰- شرايط آمرزش عصيان
- ۳۸۷ ۶۱- شگفتى عصيان از خدا
- ۳۸۷ ۶۲- شگفتى عصيان اهل كتاب
- ۳۸۷ ۶۳- شگفتى عصيان مشركان
- ۳۸۹ ۶۴- ظلم عصيان
- ۳۸۹ ۶۵- ظلم عصيان از خدا
- ۳۸۹ ۶۶- عصيان
- ۳۹۱ ۶۷- عصيان آدم(ع)
- ۳۹۳ ۶۸- عصيان ابليس

- ۴۰۱ ۶۹- عصیان از ابراهیم(ع)
- ۴۰۱ ۷۰- عصیان از انبیا
- ۴۰۵ ۷۱- عصیان از انجیل
- ۴۰۵ ۷۲- عصیان از اوامر خدا
- ۴۰۵ ۷۳- عصیان از اوامر موسی(ع)
- ۴۰۷ ۷۴- عصیان از تعالیم موسی(ع)
- ۴۰۷ ۷۵- عصیان از تورات
- ۴۰۷ ۷۶- عصیان از حدود خدا
- ۴۰۹ ۷۷- عصیان از خدا
- ۴۳۳ ۷۸- عصیان از دین
- ۴۳۴ ۷۹- عصیان از رهبری
- ۴۳۵ ۸۰- عصیان از شیطان
- ۴۳۵ ۸۱- عصیان از عبادت
- ۴۳۵ ۸۲- عصیان از عیسی(ع)
- ۴۳۷ ۸۳- عصیان از غیر خدا
- ۴۳۷ ۸۴- عصیان از فرماندهی
- ۴۳۸ ۸۵- عصیان از قرآن
- ۴۳۹ ۸۶- عصیان از قوانین نظامی
- ۴۳۹ ۸۷- عصیان از کافران
- ۴۴۱ ۸۸- عصیان از کتب آسمانی
- ۴۴۱ ۸۹- عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۵۵ ۹۰- عصیان از منافقان
- ۴۵۷ ۹۱- عصیان از موسی(ع)
- ۴۶۱ ۹۲- عصیان از نوح(ع)
- ۴۶۱ ۹۳- عصیان از والدین مشرک
- ۴۶۲ ۹۴- عصیان از هارون(ع)

- ۴۶۳ ۹۵- عصیان اصحاب سبت
- ۴۶۳ ۹۶- عصیان اقوام پیشین
- ۴۶۳ ۹۷- عصیان اکثریت
- ۴۶۵ ۹۸- عصیان اکثریت مسیحیان
- ۴۶۵ ۹۹- عصیان اکثریت یهود
- ۴۶۵ ۱۰۰- عصیان امت ها
- ۴۶۵ ۱۰۱- عصیان امت های پیشین
- ۴۶۷ ۱۰۲- عصیان انسان
- ۴۶۷ ۱۰۳- عصیان اهل ایله
- ۴۶۸ ۱۰۴- عصیان اهل کتاب
- ۴۶۹ ۱۰۵- عصیان اهل مکه
- ۴۶۹ ۱۰۶- عصیان بنی اسرائیل
- ۴۷۹ ۱۰۷- عصیان پسر نوح(ع)
- ۴۷۹ ۱۰۸- عصیان جن
- ۴۸۰ ۱۰۹- عصیان جنیان
- ۴۸۱ ۱۱۰- عصیان جهنمیان
- ۴۸۱ ۱۱۱- عصیان حاکمان قوم عاد
- ۴۸۱ ۱۱۲- عصیان حرام
- ۴۸۲ ۱۱۳- عصیان حق ناپذیران مکه
- ۴۸۳ ۱۱۴- عصیان حوا
- ۴۸۵ ۱۱۵- عصیان در مسلمانان
- ۴۸۵ ۱۱۶- عصیان شیاطین
- ۴۸۷ ۱۱۷- عصیان شیطان
- ۴۸۷ ۱۱۸- عصیان ظالمان
- ۴۸۷ ۱۱۹- عصیان علمای یهود
- ۴۸۷ ۱۲۰- عصیان فاسقان

- ۴۸۸ ----- ۱۲۱- عصیان فرزندان قوم نوح
- ۴۸۹ ----- ۱۲۲- عصیان فرعون
- ۴۹۱ ----- ۱۲۳- عصیان فرعونیان
- ۴۹۱ ----- ۱۲۴- عصیان قابیل
- ۴۹۳ ----- ۱۲۵- عصیان قوم ابراهیم
- ۴۹۳ ----- ۱۲۶- عصیان قوم ثمود
- ۴۹۳ ----- ۱۲۷- عصیان قوم عاد
- ۴۹۵ ----- ۱۲۸- عصیان قوم لوط
- ۴۹۵ ----- ۱۲۹- عصیان قوم نوح
- ۴۹۷ ----- ۱۳۰- عصیان کافران
- ۴۹۷ ----- ۱۳۱- عصیان کافران صدراسلام
- ۴۹۹ ----- ۱۳۲- عصیان کافران قوم ثمود
- ۴۹۹ ----- ۱۳۳- عصیان مجاهدان احد
- ۴۹۹ ----- ۱۳۴- عصیان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۹۹ ----- ۱۳۵- عصیان مردم
- ۵۰۱ ----- ۱۳۶- عصیان مسلمانان
- ۵۰۱ ----- ۱۳۷- عصیان مسلمانان صدر اسلام
- ۵۰۲ ----- ۱۳۸- عصیان مسیحیان
- ۵۰۳ ----- ۱۳۹- عصیان مشرکان
- ۵۰۳ ----- ۱۴۰- عصیان مشرکان صدر اسلام
- ۵۰۵ ----- ۱۴۱- عصیان مشرکان مقارن بعثت
- ۵۰۵ ----- ۱۴۲- عصیان مکذبان انبیا
- ۵۰۷ ----- ۱۴۳- عصیان مکذبان قیامت
- ۵۰۷ ----- ۱۴۴- عصیان منافقان
- ۵۰۸ ----- ۱۴۵- عصیان منافقان صدراسلام
- ۵۰۹ ----- ۱۴۶- عصیان مؤمنان

- ۱۴۷- عصیان نسل قوم نوح ۵۰۹
- ۱۴۸- عصیان نعمت ۵۰۹
- ۱۴۹- عصیان و استکبار ۵۰۹
- ۱۵۰- عصیان یهود ۵۱۱
- ۱۵۱- عصیان یهود ایله ۵۱۳
- ۱۵۲- عوامل ترس از عصیان خدا ۵۱۳
- ۱۵۳- عوامل عصیان ۵۱۴
- ۱۵۴- عوامل عصیان آدم(ع) ۵۱۶
- ۱۵۵- عوامل عصیان ابلیس ۵۱۷
- ۱۵۶- عوامل عصیان از انبیا ۵۱۹
- ۱۵۷- عوامل عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله) ۵۱۹
- ۱۵۸- عوامل عصیان بنی اسرائیل ۵۱۹
- ۱۵۹- عوامل عصیان حوا ۵۲۱
- ۱۶۰- عوامل عصیان فرزند ۵۲۱
- ۱۶۱- عوامل عصیان منافقان ۵۲۱
- ۱۶۲- فرجام شوم عصیان ۵۲۱
- ۱۶۳- فرجام عصیان از انبیا ۵۲۳
- ۱۶۴- فطرت تبری از عصیان ۵۲۳
- ۱۶۵- فطرت نفرت از عصیان ۵۲۳
- ۱۶۶- کیفر اخروی عصیان ۵۲۳
- ۱۶۷- کیفر عصیان ۵۲۵
- ۱۶۸- کیفر عصیان آدم(ع) ۵۳۱
- ۱۶۹- کیفر عصیان از انبیا ۵۳۲
- ۱۷۰- کیفر عصیان از خدا ۵۳۲
- ۱۷۱- کیفر عصیان از دین ۵۳۵
- ۱۷۲- کیفر عصیان از سلیمان(ع) ۵۳۵

- ۱۷۳- کیفر عصیان از قوانین نظامی ۵۳۵
- ۱۷۴- کیفر عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله) ۵۳۷
- ۱۷۵- کیفر عصیان حوا ۵۳۷
- ۱۷۶- کیفر عصیان شیطان ۵۳۷
- ۱۷۷- کیفر عصیان قوم ثمود ۵۳۷
- ۱۷۸- گناه عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله) ۵۳۸
- ۱۷۹- مراتب عصیان ۵۳۹
- ۱۸۰- مراد از عصیان آدم(ع) ۵۳۹
- ۱۸۱- ملائکه و عصیان ۵۳۹
- ۱۸۲- منشأ عصیان ابلیس ۵۴۱
- ۱۸۳- منشأ عصیان قوم ثمود ۵۴۱
- ۱۸۴- منشأ نفرت از عصیان ۵۴۱
- ۱۸۵- موارد عصیان ۵۴۲
- ۱۸۶- موانع عصیان ۵۴۲
- ۱۸۷- موانع عصیان از خدا ۵۴۸
- ۱۸۸- موانع عصیان محمد(صلی الله علیه و آله) ۵۴۹
- ۱۸۹- موانع عصیان ملائکه ۵۵۱
- ۱۹۰- ناپسندی اصرار بر عصیان ۵۵۱
- ۱۹۱- نشانه عصیان از خدا ۵۵۱
- ۱۹۲- نفرت از عصیان ۵۵۱
- ۱۹۳- نگرانی از عصیان از خدا ۵۵۲
- ۱۹۴- هماهنگی فسق با عصیان ۵۵۲
- ۱۹۵- هماهنگی کفر با عصیان ۵۵۲
- ۱۹۶- آرزوی عصیانگر ۵۵۲
- ۱۹۷- ابتلای یهود عصیانگر ۵۵۵
- ۱۹۸- جن عصیانگر ۵۵۵

- ۱۹۹- حسابرسی جوامع عصیانگر ۵۵۵
- ۲۰۰- زمینه کیفر جوامع عصیانگر ۵۵۵
- ۲۰۱- زیانکاری جوامع عصیانگر ۵۵۷
- ۲۰۲- سرزنش فرزند عصیانگر ۵۵۷
- ۲۰۳- شکنجه یهود عصیانگر ۵۵۷
- ۲۰۴- عذاب جوامع عصیانگر ۵۵۹
- ۲۰۵- عصیانگر در قیامت ۵۵۹
- ۲۰۶- فرجام جوامع عصیانگر ۵۵۹
- ۲۰۷- کیفر جوامع عصیانگر ۵۶۰
- ۲۰۸- مستکبران عصیانگر ۵۶۱
- ۲۰۹- هلاکت جوامع عصیانگر ۵۶۱
- ۲۱۰- {عصیانگران} ۵۶۱
- ۲۱۱- آثار پیروی از عصیانگران ۵۶۵
- ۲۱۲- ابزار سرکوبی عصیانگران ۵۶۵
- ۲۱۳- اتمام حجّت با عصیانگران ۵۶۵
- ۲۱۴- اجتناب از پیروی عصیانگران ۵۶۵
- ۲۱۵- اطاعت از عصیانگران ۵۶۷
- ۲۱۶- بی اعتباری خویشاوندی عصیانگران ۵۶۷
- ۲۱۷- بی یآوری عصیانگران ۵۶۷
- ۲۱۸- حتمیت عذاب اخروی عصیانگران ۵۶۷
- ۲۱۹- حتمیت عذاب عصیانگران ۵۶۷
- ۲۲۰- حسابرسی عصیانگران ۵۶۹
- ۲۲۱- دشمنی عصیانگران ۵۶۹
- ۲۲۲- ذلت عصیانگران ۵۶۹
- ۲۲۳- روش مبارزه با عصیانگران ۵۷۱
- ۲۲۴- زمینه عذاب عصیانگران ۵۷۱

۵۷۱	۲۲۵- زیان عصیانگران
۵۷۱	۲۲۶- سرزنش عصیانگران
۵۷۲	۲۲۷- شرایط کیفر عصیانگران
۵۷۳	۲۲۸- طرد عصیانگران
۵۷۳	۲۲۹- عذاب اخروی عصیانگران
۵۷۳	۲۳۰- عذاب دنیوی پیروان عصیانگران
۵۷۳	۲۳۱- عذاب دنیوی عصیانگران
۵۷۵	۲۳۲- عذاب عصیانگران
۵۷۵	۲۳۳- عذاب عصیانگران بنی اسرائیل
۵۷۷	۲۳۴- عصیانگران بنی اسرائیل
۵۷۷	۲۳۵- عصیانگران در جهنم
۵۷۷	۲۳۶- عصیانگران در قیامت
۵۷۹	۲۳۷- عصیانگران قوم عاد
۵۷۹	۲۳۸- عصیانگران یهود
۵۷۹	۲۳۹- فرجام عصیانگران
۵۷۹	۲۴۰- کیفر اخروی عصیانگران
۵۸۱	۲۴۱- کیفر دنیوی عصیانگران
۵۸۱	۲۴۲- کیفر عصیانگران
۵۸۲	۲۴۳- کیفر عصیانگران بنی اسرائیل
۵۸۳	۲۴۴- محرومیت عصیانگران
۵۸۳	۲۴۵- مراتب عصیانگران
۵۸۳	۲۴۶- مرگ عصیانگران
۵۸۳	۲۴۷- مسخ عصیانگران
۵۸۴	۲۴۸- موانع حاکمیت عصیانگران
۵۸۵	۲۴۹- هدایت عصیانگران
۵۸۵	۲۵۰- هشدار به عصیانگران

- ۵۸۶ ----- ۱۹- عطایا
- ۵۸۶ ----- ۱- اجتناب از زیاد شمردن عطایا
- ۵۸۶ ----- ۲- عطایای شوم
- ۵۸۸ ----- ۳- اهمیت عطایای اخروی
- ۵۸۸ ----- ۴- عطایای اخروی خدا
- ۵۸۸ ----- ۵- قانونمندی عطایای اخروی
- ۵۸۸ ----- ۶- آثار ذکر عطایای خدا
- ۵۸۹ ----- ۷- آثار عطایای خدا
- ۵۹۰ ----- ۸- اجتناب از هبه عطایای خدا
- ۵۹۰ ----- ۹- ارزش عطایای خدا
- ۵۹۰ ----- ۱۰- امیدواری به عطایای خدا
- ۵۹۱ ----- ۱۱- اهمیت عطایای خدا
- ۵۹۲ ----- ۱۲- تداوم عطایای خدا
- ۵۹۲ ----- ۱۳- دریافت عطایای خدا
- ۵۹۲ ----- ۱۴- ذکر عطایای خدا
- ۵۹۲ ----- ۱۵- رضایت به عطایای خدا
- ۵۹۴ ----- ۱۶- زمینه عطایای خدا
- ۵۹۴ ----- ۱۷- عطایای خدا
- ۶۶۴ ----- ۱۸- عطایای خدا به ابراهیم(ع)
- ۶۶۶ ----- ۱۹- عطایای خدا به انبیا
- ۶۶۶ ----- ۲۰- عطایای خدا به بنی اسرائیل
- ۶۶۶ ----- ۲۱- عطایای خدا به بهشتیان
- ۶۶۸ ----- ۲۲- عطایای خدا به متقین
- ۶۶۸ ----- ۲۳- عطایای خدا به محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۶۷۰ ----- ۲۴- عطایای خدا به مؤمنان
- ۶۷۰ ----- ۲۵- فلسفه عطایای خدا

- ۶۷۰ ۲۶- مضمونان عطایای خدا
- ۶۷۳ ۲۷- موانع عطایای خدا
- ۶۷۴ ۲۸- ناخشنودی از عطایای خدا
- ۶۷۴ ۲۹- وسعت عطایای خدا
- ۶۷۴ ۳۰- هبه عطایای خدا
- ۶۷۵ ۲۰- عفت
- ۶۷۵ ۱- آثار عفت خانواده لوط(ع)
- ۶۷۵ ۲- آثار عفت زنان
- ۶۷۵ ۳- آثار عفت لوط(ع)
- ۶۷۶ ۴- آثار عفت مریم(س)
- ۶۷۶ ۵- آثار عفت یوسف(ع)
- ۶۷۶ ۶- ارزش عفت زن
- ۶۷۶ ۷- ارزش عفت همسر
- ۶۷۷ ۸- اهتمام مخلصان به عفت
- ۶۷۸ ۹- اهتمام یوسف(ع) به عفت
- ۶۷۸ ۱۰- اهمیت عفت بی همسران
- ۶۷۸ ۱۱- اهمیت عفت زن
- ۶۷۸ ۱۲- دلایل عفت مریم(س)
- ۶۸۰ ۱۳- دلایل عفت یوسف(ع)
- ۶۸۰ ۱۴- زلیخا و عفت یوسف(ع)
- ۶۸۰ ۱۵- عفت بی همسران
- ۶۸۲ ۱۶- عفت جامعه
- ۶۸۲ ۱۷- عفت حورالعین
- ۶۸۴ ۱۸- عفت خانواده لوط(ع)
- ۶۸۴ ۱۹- عفت دختران شعیب(ع)
- ۶۸۵ ۲۰- عفت در ازدواج

- ۶۸۶ ۲۱- عفت در سخن
- ۶۸۷ ۲۲- عفت در صدا
- ۶۸۸ ۲۳- عفت زن
- ۶۸۸ ۲۴- عفت متقین
- ۶۹۰ ۲۵- عفت مرد
- ۶۹۰ ۲۶- عفت مریم(س)
- ۶۹۴ ۲۷- عفت موسی(ع)
- ۶۹۴ ۲۸- عفت مؤمنان
- ۶۹۵ ۲۹- عفت والدین مریم(س)
- ۶۹۶ ۳۰- عفت همسر محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۶۹۶ ۳۱- عفت همسران بهشتی
- ۶۹۶ ۳۲- عفت همسران بهشتی
- ۶۹۷ ۳۳- عفت یحیی(ع)
- ۶۹۸ ۳۴- عفت یوسف(ع)
- ۷۰۲ ۳۵- گواهان عفت مریم(س)
- ۷۰۲ ۳۶- گواهی بر عفت مریم(س)
- ۷۰۲ ۳۷- گواهی بر عفت یوسف(ع)
- ۷۰۲ ۳۸- نشانه های عفت یوسف(ع)
- ۷۰۴ ۳۹- آثار عفت
- ۷۰۸ ۴۰- ارزش عفت
- ۷۰۹ ۴۱- اهمیت عفت
- ۷۱۴ ۴۲- توصیه به عفت
- ۷۱۴ ۴۳- خیریت عفت
- ۷۱۴ ۴۴- ظلم بی عفتی
- ۷۱۶ ۴۵- عفت در خانواده
- ۷۱۶ ۴۶- عفت کنیز

۷۱۶	۴۷- عوامل عَفْت
۷۱۶	۴۸- فضیلت عَفْت
۷۱۸	۴۹- فطریّت عَفْت
۷۱۸	۵۰- نشانه های عَفْت
۷۲۰	۲۱- عفو
۷۲۰	۱- عفو
۷۲۰	۲- آثار عفو
۷۲۴	۳- آثار عفو از خطاکاران
۷۲۴	۴- آثار عفو از قصاص
۷۲۴	۵- آثار عفو از گناه
۷۲۴	۶- آثار عفو بندگان خدا
۷۲۶	۷- آثار عفو خدا
۷۲۷	۸- آثار عفو فرزند
۷۲۸	۹- آثار عفو همسر
۷۲۸	۱۰- ارزش عفو
۷۳۱	۱۱- امیدواری به عفو
۷۳۲	۱۲- اهمیت عفو
۷۳۵	۱۳- اهمیت عفو از کافران
۷۳۶	۱۴- اهمیت عفو خدا
۷۳۶	۱۵- اهمیت عفو دشمنان
۷۳۶	۱۶- پاداش عفو
۷۳۸	۱۷- تشویق به عفو
۷۳۸	۱۸- توصیه به عفو
۷۴۰	۱۹- جرایم غیر قابل عفو
۷۴۱	۲۰- جرم غیرقابل عفو
۷۴۲	۲۱- جرم قتل بعد از عفو

- ۲۲- حق قابل عفو ۷۴۲
- ۲۳- درخواست عفو ۷۴۳
- ۲۴- زمینه عفو ۷۴۴
- ۲۵- زمینه عفو خدا ۷۴۴
- ۲۶- زمینه عفو دشمنان ۷۴۴
- ۲۷- زمینه عفو دیگران ۷۴۶
- ۲۸- سختی عفو ۷۴۶
- ۲۹- شرایط عفو ۷۴۶
- ۳۰- شرایط عفو اصحاب کهف ۷۴۸
- ۳۱- شرایط عفو خدا ۷۴۸
- ۳۲- صبر در عفو ۷۴۸
- ۳۳- ظلم عفو ظالمان ۷۵۰
- ۳۴- عفو ۷۵۰
- ۳۵- عفو از اسراف ۷۵۱
- ۳۶- عفو از اصحاب یمین ۷۵۲
- ۳۷- عفو از انتقام ۷۵۲
- ۳۸- عفو از اهل کتاب ۷۵۴
- ۳۹- عفو از بدی ۷۵۴
- ۴۰- عفو از برادران یوسف ۷۵۴
- ۴۱- عفو از بنی اسرائیل ۷۵۶
- ۴۲- عفو از تائبان ۷۵۷
- ۴۳- عفو از حقوق ۷۵۸
- ۴۴- عفو از خطا ۷۵۸
- ۴۵- عفو از خطاکاران ۷۶۰
- ۴۶- عفو از دشمنان ۷۶۲
- ۴۷- عفو از دشمنی ۷۶۴

- ۴۸- عفو از دیه ۷۶۴
- ۴۹- عفو از زشتی ۷۶۴
- ۵۰- عفو از سوء پیشینه ۷۶۶
- ۵۱- عفو از ظالمان ۷۶۶
- ۵۲- عفو از عذاب ۷۶۶
- ۵۳- عفو از قصاص ۷۶۶
- ۵۴- عفو از کافران ۷۷۰
- ۵۵- عفو از کیفر ۷۷۲
- ۵۶- عفو از گناه ۷۷۲
- ۵۷- عفو از گناهکاران ۷۷۲
- ۵۸- عفو از لغزش ۷۷۴
- ۵۹- عفو از متخلفان غزوه تبوک ۷۷۴
- ۶۰- عفو از مجاهدان ۷۷۴
- ۶۱- عفو از مجاهدان احد ۷۷۶
- ۶۲- عفو از محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۷۶
- ۶۳- عفو از مردم ۷۷۶
- ۶۴- عفو از مشرکان ۷۷۷
- ۶۵- عفو از مشرکان مکه ۷۷۸
- ۶۶- عفو از مقابله به مثل ۷۷۸
- ۶۷- عفو از مؤمنان ۷۷۸
- ۶۸- عفو از یهود ۷۸۰
- ۶۹- عفو الله ۷۸۰
- ۷۰- عفو انفاقگران ۷۸۰
- ۷۱- عفو اهل تسلیم ۷۸۰
- ۷۲- عفو اهل کتاب ۷۸۱
- ۷۳- عفو با ارزش ۷۸۲

- ۷۸۲ ۷۴- عفو با قدرت
- ۷۸۲ ۷۵- عفو بدهی
- ۷۸۴ ۷۶- عفو برپاکندگان نماز
- ۷۸۴ ۷۷- عفو بی منت
- ۷۸۵ ۷۸- عفو تائبان
- ۷۸۶ ۷۹- عفو تلاوت کنندگان قرآن
- ۷۸۶ ۸۰- عفو جاهلان
- ۷۸۶ ۸۱- عفو حق پذیران
- ۷۸۶ ۸۲- عفو خدا
- ۷۹۴ ۸۳- عفو خطا
- ۷۹۴ ۸۴- عفو خطاکار
- ۷۹۴ ۸۵- عفو خطاکاران
- ۷۹۶ ۸۶- عفو خطاهای رهبری
- ۷۹۶ ۸۷- عفو خطاهای فرماندهی جنگ
- ۷۹۷ ۸۸- عفو خویشاوندان گناهکار
- ۷۹۸ ۸۹- عفو در تبلیغ
- ۷۹۸ ۹۰- عفو در خانواده
- ۷۹۸ ۹۱- عفو در معاشرت
- ۸۰۰ ۹۲- عفو دزد
- ۸۰۰ ۹۳- عفو دشمنی فرزند
- ۸۰۰ ۹۴- عفو دشمنی همسر
- ۸۰۰ ۹۵- عفو شاکران
- ۸۰۱ ۹۶- عفو علما
- ۸۰۲ ۹۷- عفو قاتل
- ۸۰۲ ۹۸- عفو گناه
- ۸۰۴ ۹۹- عفو گناه صغیره

- ۸۰۴ ----- ۱۰۰- عفو گناهکاران
- ۸۰۵ ----- ۱۰۱- عفو مالی
- ۸۰۶ ----- ۱۰۲- عفو مجاهدان
- ۸۰۶ ----- ۱۰۳- عفو مجرمان
- ۸۰۷ ----- ۱۰۴- عفو محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۰۸ ----- ۱۰۵- عفو مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین
- ۸۰۸ ----- ۱۰۶- عفو مساکین گناهکار
- ۸۱۰ ----- ۱۰۷- عفو مشرکان از محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۱۰ ----- ۱۰۸- عفو مظلوم
- ۸۱۰ ----- ۱۰۹- عفو معاونان جرایم
- ۸۱۱ ----- ۱۱۰- عفو مفلس
- ۸۱۲ ----- ۱۱۱- عفو منافقان
- ۸۱۳ ----- ۱۱۲- عفو مؤمنان
- ۸۱۴ ----- ۱۱۳- عفو مهاجران گناهکار
- ۸۱۴ ----- ۱۱۴- عفو مهریه
- ۸۱۶ ----- ۱۱۵- عفو نفاق
- ۸۱۶ ----- ۱۱۶- عفو هابیل
- ۸۱۶ ----- ۱۱۷- عفو هنگام غضب
- ۸۱۸ ----- ۱۱۸- عفو هنگام قدرت
- ۸۱۹ ----- ۱۱۹- عفو یعقوب(ع)
- ۸۲۰ ----- ۱۲۰- عفو یوسف(ع)
- ۸۲۱ ----- ۱۲۱- عوامل عفو گناه
- ۸۲۲ ----- ۱۲۲- فضیلت عفو
- ۸۲۲ ----- ۱۲۳- فلسفه تشویق به عفو
- ۸۲۳ ----- ۱۲۴- فلسفه عفو از بنی اسرائیل
- ۸۲۴ ----- ۱۲۵- کشتن قاتل پس از عفو

- ۱۲۶- گناه قابل عفو ۸۲۴
- ۱۲۷- گناهان قابل عفو ۸۲۴
- ۱۲۸- مجازات قتل بعد از عفو ۸۲۶
- ۱۲۹- محدوده عفو از قصاص ۸۲۶
- ۱۳۰- محرومان از عفو خدا ۸۲۶
- ۱۳۱- مشمولان عفو ۸۲۶
- ۱۳۲- مشمولان عفو خدا ۸۲۸
- ۱۳۳- منشأ عفو ۸۲۸
- ۱۳۴- منشأ عفو گناه ۸۲۸
- ۱۳۵- موارد عفو از مجازات ۸۲۹
- ۱۳۶- موجبات عفو ۸۳۰
- ۱۳۷- موجبات عفو خدا ۸۳۰
- ۱۳۸- نشانه های عفو ۸۳۰
- ۱۳۹- وسعت عفو خدا ۸۳۰
- ۱۴۰- آثار عفو خدا ۸۳۲
- ۱۴۱- اهمیت عفو خدا ۸۳۳
- ۱۴۲- زمینه عفو خدا ۸۳۴
- ۱۴۳- شرایط عفو خدا ۸۳۴
- ۱۴۴- عفو خدا ۸۳۴
- ۱۴۵- محرومان از عفو خدا ۸۴۰
- ۱۴۶- مشمولان عفو خدا ۸۴۲
- ۱۴۷- موجبات عفو خدا ۸۴۲
- ۱۴۸- وسعت عفو خدا ۸۴۲
- ۲۲- عقیف ۸۴۴
- ۱- آموزش زنان عقیف ۸۴۴
- ۲- آموزش مردان عقیف ۸۴۴

- ۳- ازدواج با زنان عقیف ۸۴۴
- ۴- ازدواج با عقیف ۸۴۶
- ۵- ازدواج با مردان عقیف ۸۴۶
- ۶- افترا به عقیف ۸۴۸
- ۷- اهمیت انفاق به فقرای عقیف ۸۴۸
- ۸- پاداش زنان عقیف ۸۴۸
- ۹- پاداش مردان عقیف ۸۴۸
- ۱۰- تنزیه زنان عقیف ۸۴۹
- ۱۱- تنزیه مردان عقیف ۸۵۰
- ۱۲- زنان عقیف ۸۵۰
- ۱۳- زندگی با زنان عقیف ۸۵۲
- ۱۴- زندگی با مردان عقیف ۸۵۲
- ۱۵- سخن پسندیده زنان عقیف ۸۵۲
- ۱۶- سخن پسندیده مردان عقیف ۸۵۲
- ۱۷- شخصیت زنان عقیف ۸۵۴
- ۱۸- شخصیت مردان عقیف ۸۵۴
- ۱۹- فضایل بی همسران عقیف ۸۵۶
- ۲۰- فضایل زنان عقیف ۸۵۶
- ۲۱- فضایل مردان عقیف ۸۵۷
- ۲۲- فقیر عقیف ۸۵۸
- ۲۳- گرایش به زنان عقیف ۸۵۹
- ۲۴- گرایش به مردان عقیف ۸۶۰
- ۲۵- گرایشهای زنان عقیف ۸۶۰
- ۲۶- گرایشهای مردان عقیف ۸۶۰
- ۲۷- {عقیفان} ۸۶۱
- ۲۸- آثار قذف عقیفان ۸۶۲

- ۲۹- آموزش عقیقان ۸۶۲
- ۳۰- ازدواج با عقیقان ۸۶۲
- ۳۱- امداد به عقیقان ۸۶۲
- ۳۲- اهمیت آبروی عقیقان ۸۶۴
- ۳۳- پادشاه مصر و عقیقان ۸۶۴
- ۳۴- تفصل به عقیقان ۸۶۴
- ۳۵- تهمت به عقیقان ۸۶۵
- ۳۶- حمایت از عقیقان ۸۶۶
- ۳۷- روزی نیکوی عقیقان ۸۶۶
- ۳۸- سرزنش تهمت به عقیقان ۸۶۷
- ۳۹- فاسدان و عقیقان ۸۶۸
- ۴۰- قذف عقیقان ۸۶۸
- ۴۱- کیفر قذف عقیقان ۸۷۰
- ۴۲- منشأ امداد به عقیقان ۸۷۰
- ۴۳- نقش عقیقان ۸۷۰
- ۲۳- عقد ۸۷۱
- ۱- احکام عقد ۸۷۱
- ۲- احکام عقد شرکت ۸۷۱
- ۳- تاریخ عقد شرکت ۸۷۱
- ۴- عقد جعاله ۸۷۲
- ۵- عقد شرکت در ادیان ۸۷۲
- ۶- عقد ضمان ۸۷۲
- ۷- عقد کفالت ۸۷۲
- ۸- گواهان عقد ۸۷۴
- ۹- مشروعیت عقد شرکت ۸۷۴
- ۱۰- نظارت خدا در عقد ۸۷۴

- ۱۱- وفای به عقد ۸۷۴
- ۱۲- احکام عقود ۸۷۶
- ۱۳- عقود در دوران یوسف(ع) ۸۷۶
- ۱۴- عقود قانونی ۸۷۶
- ۲۴- عقل ۸۷۹
- ۱- عقل ۸۷۹
- ۲- آثار بی عقلی ۸۷۹
- ۳- آثار رشد عقلی ۸۸۱
- ۴- آثار سلامت عقل محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۸۱
- ۵- آثار عقل ۸۸۲
- ۶- آثار عقل سلیم ۸۸۳
- ۷- آثار کمال عقل محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۸۴
- ۸- ارزش عقل ۸۸۵
- ۹- اهمیت تبعیت از عقل ۸۸۷
- ۱۰- اهمیت عقل ۸۸۷
- ۱۱- بی عقلان ۸۸۷
- ۱۲- بینش عقل ۸۸۹
- ۱۳- توصیه های عقل ۸۸۹
- ۱۴- دلایل سلامت عقل محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۸۹
- ۱۵- دین و عقل ۸۸۹
- ۱۶- زمینه بی اعتنایی به ملاکهای عقلی ۸۹۰
- ۱۷- زمینه رشد عقل ۸۹۱
- ۱۸- زمینه زوال عقل ۸۹۱
- ۱۹- سلامت عقل مؤمنان ۸۹۱
- ۲۰- سلامتی عقل برگزیدگان بهترین سخن ۸۹۳
- ۲۱- عدم استفاده از عقل ۸۹۳

- ۸۹۳ ----- عقل جبرئیل - ۲۲
- ۸۹۳ ----- عقل جن - ۲۳
- ۸۹۴ ----- عقل در قضاوت - ۲۴
- ۸۹۵ ----- عقل سلیم - ۲۵
- ۸۹۵ ----- عقل لقمان - ۲۶
- ۸۹۵ ----- عقل و ولایت خدا - ۲۷
- ۸۹۷ ----- عقل همسران بهشتی - ۲۸
- ۸۹۷ ----- عوامل احیای عقل - ۲۹
- ۸۹۷ ----- عوامل تضعیف عقل - ۳۰
- ۸۹۷ ----- عوامل زوال عقل - ۳۱
- ۸۹۹ ----- عوامل زیان به عقل - ۳۲
- ۸۹۹ ----- فاقدان عقل - ۳۳
- ۸۹۹ ----- فاقدان عقل سلیم - ۳۴
- ۸۹۹ ----- قرآن و عقل - ۳۵
- ۹۰۱ ----- محدوده عقل انسان - ۳۶
- ۹۰۱ ----- ملاکهای سنجش عقل - ۳۷
- ۹۰۱ ----- نشانه های بی عقلی - ۳۸
- ۹۰۶ ----- نشانه های رشد عقلی - ۳۹
- ۹۰۷ ----- نشانه های عقل - ۴۰
- ۹۰۷ ----- نشانه های عقل سلیم - ۴۱
- ۹۰۹ ----- نعمت عقل - ۴۲
- ۹۰۹ ----- نقش عقل - ۴۳
- ۹۱۷ ----- نقش عقل سلیم - ۴۴
- ۹۱۷ ----- هماهنگی اسلام با عقل - ۴۵
- ۹۱۷ ----- هماهنگی دین و عقل - ۴۶
- ۹۱۹ ----- هماهنگی سبیل الله با عقل - ۴۷

۹۱۹ ۴۸- هماهنگی عقل و دین

۹۲۱ درباره مرکز

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 68

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- عذر

1- رد عذر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 52 - 10

10 - پذیرفته نشدن عذر ستمگران ، دوری آنان از رحمت خداوند و جای گرفتن در سرایی بد ، مظهر نصرت الهی به پیامبران و مؤمنان در قیامت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُدُ . يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظُّلْمِينَ مَعذِر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر چگونگی نصرت الهی در قیامت از رسولان و مؤمنان است که در آیه پیش (یوم يقوم الأشهد) به آن اشاره شده بود.

2- رد عذر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 4

4 - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقى ت ذكراً . عذراً أو نذراً

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

3- رد عذر کافران پیرو

9- تبعیت کورکورانه از رهبران گمراه ، عذری برای رهایی از عذاب الهی در قیامت نیست .

فَقَالَ الضَّعْفُؤُا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا . . . مِنْ شَيْءٍ

درخواست کمک از رهبران گمراه در قیامت برای کاستن از عذاب از سوی کسانی که تابع محض بوده اند، حکایت از آن دارد که تبعیت بی چون و چرا موجب نمی شود که عذاب برداشته شود، بلکه پیروان نیز عذاب خواهند شد.

4- رد عذر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 4

4- با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقى ت ذكراً . عذراً أو نذراً

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

5- رد عذر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 7

7_ لزوم خودداری از پذیرش عذر متخلفان از جهاد ، قبل از بررسیِ درستی یا نادرستی ادعای آنان

لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا و تعلم الكذابين

مقصود از اذن دادن در آیه فوق، اذن ترک جهاد برای کسانی است که از شرکت در جهاد خود را معذور دانسته اند و خداوند چنین اذنی را بدون بررسی معذور بودن یا نبودن متخلفان از جهاد، سرزنش و محکوم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 94 - 7

7_ باز بودن راه توبه برای متخلفان از جهاد ، با وجود مأموریت مؤمنان به نپذیرفتن عذر تراشی آنان *

لن نؤمن لكم . . . و سیری الله عملکم و رسوله

جمله «سیری الله . . .» می تواند بیانگر این جهت باشد که اگر چه مؤمنان نباید برای عذرخواهی متخلفان از جهاد وقعی بنهند، ولی این بدان معنا نیست که آنان راهی به سوی توبه نداشته باشند ؛ بلکه توبه آنان منوط به عملکرد آینده شان است که خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آن ناظر خواهند بود.

6- رد عذر متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9_ إخبار خداوند به بی اساس بودن عذرتراشی متخلفان از جنگ تبوک به دلیل ادامه داشتن کجروی ها و تخلفات آنان در آینده

قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم . . . و سیری الله عملکم

جمله «سیری الله . . .» می تواند بیانگر علت عدم پذیرش عذر متخلفان باشد؛ یعنی، عملکرد خلاف اینان در آینده، خود

ص: 2

بهترین گواه بر نادرستی معذرت جویی آنان خواهد بود.

7- رد عذر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 75 - 4

4 - اقدام خداوند به بستن راه هرگونه عذر و بهانه بر روی اهل شرک، با برگزیدن افراد خبره آن جوامع جهت پاسخ گویی به سؤالات خود در قیامت

و نزعنا من کلّ اُمّه شهیداً

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند به جای این که مستقیماً از مردم مطالبه دلیل کند، افراد خبره ای را از میان آنان بیرون می آورد و در حضور آن جوامع، از آن افراد می خواهد که برهان خود را برای شرک بیان کنند.

8- رد عذر معرضان از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 40 - 2

2 - اخطار های الهی درباره عذاب، از میان برنده هرگونه عذر در ترک راه خدا

إنا أنذرناکم عذاباً قریباً

جملاتی نظیر «إنا أنذرناکم» _ که پس از هشدار به عذاب گفته شود _ خبر از تحقق انذار نیست؛ زیرا مخاطب به آن آگاه است؛ بلکه در مقام اظهار برائت و قطع عذر مخاطب است. ذکر این جمله پس از «من شاء اتّخذ...» _ در آیه قبل - گویای معذور نبودن کسی است که سیر زندگانی خود را، به سوی خدا قرار نمی دهد.

9- رد عذر منافقان استهزاگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 66 - 2

2 _ پذیرفته نشدن عذر منافقان استهزاکننده به اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

کنتم تستهزءون. لا تعتذروا قد کفرتم بعد ایمنکم

10- شرایط قبول عذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 16

16- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ،

ص: 3

جهاد و مقاومت در راه خداست .

من كفر بالله ... إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان ... إن ربك للذین هاجروا

11- شرایط قبول عذر مکلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 8

8_ پذیرفته شدن عذر مکلف از سوی خداوند ، مشروط به خلوص و حسن نیت است .

لیس علی ... حرج إذا نصحو لله ورسوله

12- صداقت در عذر خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 16

16- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من كفر بالله ... إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان ... إن ربك للذین هاجروا

13- عذر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 7 - 1

1 - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

یأئنها الذین كفروا لاتعتذروا الیوم

14- عذر بدتر از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 66 - 6

6_ عذر منافقان ، عذر بدتر از گناه و مایه بر ملا شدن کفر باطنی آنان بود .

إنما كنا نخوض ونلعب . . . لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم

ص: 4

15- عذر بر تکذیب آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 52 - 7

7_ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جئتهم بکتاب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوردی به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

16- عذر بر دنیا طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 52 - 7

7_ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جئتهم بکتاب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوردی به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

17- عذر بر فراموشی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 52 - 7

7_ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جئتهم بکتاب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد.

یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

18- عذر بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 5

7_ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جننهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوردی به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

19- عذر بر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 52 - 7

7_ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جننهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوردی به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

20- عذر بر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 135 - 11

11_ جهل آدمی ، عذری بر گناهان او در پیشگاه خداوند

لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون

21- عذر برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 13 - 8

8_ « عن أبي عبدالله (ع) قال : إن بنى يعقوب لما سألوا أباهم يعقوب أن يأذن ليوسف في الخروج معهم قال لهم « إني أخاف أن يأكله الذئب وأنتم عنه غافلون » . . . قَرَّب يعقوب لهم العَلَّةَ اعتَلَّوا بها في يوسف (ع) ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: فرزندان یعقوب هنگامی که از پدر خواستند تا اذن دهد که یوسف با آنان بیرون رود، پدرشان گفت: من می ترسم که او را گرگ بخورد و شما از او غافل باشید . . . پس یعقوب عذری را که آنان برای نیاوردن یوسف اظهار کردند به [ذهن آنان] نزدیک کرد».

ص: 6

22- عذر به پیشگاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 8,14

8_ داشتن عذر در پیشگاه خداوند و نیز امید به پرهیز تجاوزگران از تجاوز خویش ، پاسخ موعظه گران یهود به اعتراض تارکان نهی از منکر

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

«معذره» مصدر و به معنای حجت داشتن است. این کلمه مفعولٌ له برای فعل مقدر «نعظهم» می باشد ؛ یعنی آنان را موعظه می کنیم تا در پیشگاه خدا حجت و عذر داشته باشیم.

14_ تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً .. قالوا معذره إلی ربکم

23- عذر جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 14

14_ تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً .. قالوا معذره إلی ربکم

24- عذر در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 34

34_ ناتوانی ، عذر برای مکلف است ، نه رافع تکلیف

و ان کنتم مرضی .. فلم تجدوا ... انّ الله کان عفواً غفوراً

توصیف خداوند به «عفو» و «غفور» پس از مسأله تیمم به جای غسل و وضو، بیانگر این است که اصل تکلیف باقی است و خداوند به خاطر عذر مکلف، وی را خواهد بخشید.

25- عذر در گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 211 - 13

13 - پس از نزول آیات و اتمام حجّت ، عذری برای تمرد نیست .

ص: 7

کم اتیناهم من ایه بیته . . . و من یبدل نعمه الله من بعد ما جاءته

26- عذر غیر مقبول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 16

16_ جبر محیط با توان خروج از آن ، عذری غیر قابل قبول برای ترک تکالیف الهی

قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 16

16_ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع الله علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله «قلوبنا غلف» این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله «بل طبع الله» بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 13،18

13_ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

18_ فراموشی ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

و نسوا حظاً مما ذکروا به

از اینکه خداوند بنی اسرائیل را به خاطر فراموشی دستورات الهی مذمت کرده، معلوم می شود فراموشی آنان عذر نبوده است. چرا که این

فراموشی، کیفر پیمان شکنی آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 2

2_ هدایت نایافتگان در صورت آگاهی از وجود قرآن، هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهند داشت.

هذا كتب أنزل نه .. أن تقولوا إنما أنزل الكتب على طائفتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 172 - 9

9_ غفلت آدمی از ربوبیت خدا در نشئه حجاب و حیات دنیوی، با سابقه نشئه شهود، عذری غیر قابل پذیرش

ص: 8

أشهدهم على أنفسهم . . . أن تقولوا يوم القيمة إنا كنا هذا غفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 173 - 1,5

1_ وجود نشئه شهود و آگاه شدن آدمی به ربوبیت و وحدانیت خدا در آن نشئه ، از میان برنده هر گونه عذر و بهانه ای برای روی آوری به شرک

و أشهدهم على أنفسهم . . . أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا

5_ گرایش به شرک به خاطر شرک‌ورزی پدران ، عذر واهی و ناپذیرفتنی در پیشگاه خداوند

أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا من قبل و كنا ذرية من بعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 15 - 4

4- جوّ اجتماعی و جبر محیطی ، عذری پذیرفته شده برای توجیه رنگ پذیری از جامعه نیست .

هـ_ؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

بیان گرایش اصحاب كهف به توحید و ایمان آنان در محیطی سراسر کفر، اشاره به این نکته دارد که انسان ها می توانند از محیط، رنگ پذیرفته، بلکه در مسیر حق، برخلاف جریان عمومی جامعه، حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 12

12 - فقر ، عذری ناپذیرفتنی برای خودداری افراد غیر متأهل از اقدام به ازدواج

و أنكحوا الأیمی . . . إن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 10 - 15

15 - رها کردن تقوایبشگی و احسان ، به خاطر دلبستگی به وطن و محل سکونت ، عملی ناپسند و عذری ناپذیرفتنی

ی_عباد الذین آمنوا اتقوا ربکم . . . و أرض الله وسعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 52 - 4،5

4 - ستم پیشگی ، گناهی نابخشودنی و عذرناپذیر در قیامت

یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم

آمدن کلمه «الظالمین» به صورت وصفی، بیانگر این نکته است که مقصود از آن، فردی نیست که در زندگی اندکی ستم کرده باشد؛ بلکه کسی است که چنان به این گناه آلوده شده که به آن شهرت یافته و عادت کرده است.

5 - کفر و شرک ، ستمی غیرقابل بخشش و عذرناپذیر در پیشگاه خداوند

یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم

مقصود از «الظالمین» _ به قرینه آیات گذشته _ کافران و مشرکان می باشد.

ص: 9

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 16

16 - انسان ها ، فاقد هر عذر و بهانه ، در پیشگاه پروردگار خویش پس از آمدن وحی

إن هي إلا أسماء سمّيتهاها.. ولقد جاءهم من ربهم الهدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 7 - 2، 1

1 - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

يَأْتِيهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَاتَعْتَدُوا الْيَوْمَ

2 - کافران دوزخی ، هیچ عذر موجه و قابل قبولی برای گزینش راه کفر خویش ندارند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَاتَعْتَدُوا الْيَوْمَ

برخی از مفسران نوشته اند: این که به کافران اعلان می شود که عذر نیاورید، به این سبب است که آنان هیچ عذر قابل قبول و منطقی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 4

4 - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقى ت ذكراً . عذراً أو نذراً

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 36 - 2، 1

1 - تکذیب کنندگان روز جزا ، در آن روز اجازه عذرخواهی نخواهند داشت .

ولا يؤذن لهم فيعتذرون

2- عذر کافران تکذیب گر در روز رستاخیز ، پذیرفته نخواهد شد .

و لا يؤذن لهم فيعتذرون

27- عذر غیر مقبول کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 15 - 2

2- کافران ، خود می دانند که عذرتراشی هایشان دورغ است .

و لو ألقى معاذيره

ص: 10

28- عذر فراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 4

4- نسیان ، عذری قابل پذیرش است .

لاتواخذنی بما نسیت

29- عذر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 2

2_ هدایت نایافتگان در صورت آگاهی از وجود قرآن، هیچ عذری در پیشگاه خدا نخواهند داشت.

هذا کتب أنزل نه .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

30- عذر مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 14

14_ تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً .. قالوا معذره إلی ربکم

31- عذر مقبول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 98 - 8,9

8_ ناتوانی مستضعفان در مانده از هجرت ، عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند

قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها .. ال

9_ کسانی که توان انجام تکالیف الهی را ندارند ، در پیشگاه خداوند معذورند .

ألا المستضعفين... لا يستطيعون حيلة ولا يهتدون سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 54 - 23

23_ جهالت، عذري قابل قبول برای اغماض و گذشت از خطاکاران

أنه من عمل منكم سوءاً بجهله ثم تاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 11

14_ فراموشی عذری قابل قبول از مکلف است.

وإما ينسینک الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ بر کسانی که از همنشینی با بیهوده گویان درباره قرآن و اسلام پرهیز می کنند، ولی بناچار سخنان آنها را می شنوند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

در این برداشت، «یتقون» به معنای لغوی آن گرفته شده است.

3_ بر کسانی که در همنشینی با مغالطه گران درباره قرآن و اسلام از بحث پرهیز نموده و سعی در بازداشتن دیگران کنند، گناهی نیست.

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری

در این برداشت، «یتقون» به معنای لغوی آن و متعلق آن «خوض» گرفته شده است. علاوه بر این که «ذکری» نیز مفعول مطلق برای فعل

محذوف «یذکرونهم» فرض شده است؛ یعنی: «یتقون الخوض و لکن یذکرونهم ذکری».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8_ پیروی نکردن از کتب آسمانی در صورت دسترسی نداشتن به محتوای آنها، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خدا

وإن کنا عن دراستهم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11_ غفلت، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خداوند

أن تقولوا یوم القیمه إنا کنا هذا غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- ناتوانی مالی و عدم امکانات مناسب ، عذری پذیرفته شده و بجا در ترک انفاق و ادای حق خویشاوندان و مستمندان

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ . . . وَإِنَّمَا تَعْرِضُ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 4

4- نسیان ، عذری قابل پذیرش است .

لاتواخذنی بما نسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 12

11 - موضع گیری در برابر اندیشه های نو و بی سابقه ، امری طبیعی و عذری قابل قبول

أم جاءهم ما لم یأت اباہم الا ولین

از این آیه استفاده می شود که: اگر نزول کتاب امری بی سابقه بود، موضع گیری کافران در برابر قرآن قابل پذیرش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 34

34 - اکراه بر گناه ، عذری قابل قبول برای سلب مسؤولیت از اکراه شدگان

فإنّ اللّٰه من بعد إکراهہنّ غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 16

16 - مریضی ، تأمین نیاز های زندگی و شرکت در جنگ با دشمن ، از عذر های پذیرفته شده برای کاستن از عبادت شبانه و شب زنده داری

علم أن سیکون منکم مرضی .. فاقراءوا ما تیسر منه

32- عذر مقبول هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 8

8 - اعلام سلیمان (ع) به بخشودن هدهد ، در صورت آوردن دلیلی روشن و قابل قبول برای غیبت خود

لأعدبته .. أو لیأتیتنی بسطن مبین

33- عذر ناهیان از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 14

14_ تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه ، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند .

لم تعظون قوماً .. قالوا معذره إلی ربکم

34- عوامل رد عذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 52 - 9

9- ستم پیشگی ، موجب پذیرفته نشدن عذر آدمی از گناه ، محرومیت از رحمت خدا و جای گرفتن در سرای بد

ص: 13

يوم لاينفع الظالمين معذرتهم ولهم اللعنه ولهم سوء الدار

35- عوامل عذر خواهی از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 22 - 17

17_ درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطاها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله... لنكونن من الشكرين

36- قبول عذر خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 3

3- پذیرفتن عذر خواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لاتواخذنی بما نسیت .. فانطلقا

37- قبول عذر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 1

1- خضر (ع) عذر خواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

38- قبول عذر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 16

16_ پذیرش عذر مؤمنان برای معافیت از جهاد ، تبلور غفران و رحمت الهی

ليس على الضعفاء .. والله غفور رحيم

ص: 14

39- قطع عذر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 75 - 4

4- اقدام خداوند به بستن راه هرگونه عذر و بهانه بر روی اهل شرک، با برگزیدن افراد خبره آن جوامع جهت پاسخ گویی به سؤالات خود در قیامت

و نزعنا من کلّ اُمَّه شهیداً

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند به جای این که مستقیماً از مردم مطالبه دلیل کند، افراد خبره ای را از میان آنان بیرون می آورد و در حضور آن جوامع، از آن افراد می خواهد که برهان خود را برای شرک بیان کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 12 - 5

5- عذر ها و حجت های مجرمان و تبهکاران، در روز قیامت، قطع می شود.

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون

گفته شده که معنای «ایلاس»، سکوت و قطع شدن حجت است (مفردات راغب).

40- موانع قبول عذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 66 - 11

11_ استمرار و مداومت بر جرم، مانع پذیرفته شدن توبه و عذرخواهی انسان از درگاه الهی

لا تعتذروا... نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمین

41- موانع قبول عذر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 12 - 1

1- کفر و گرایش به شرک، سبب پذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلكم بأنه إذا دعى الله وحده كفرتم وإن يشرک به تؤمنوا

«ذلكم» اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد؛ یعنی، «ذلكم الذى أنتم فيه من العذاب». گفتمى است كه «باء» در «بأنه» برای سببیت مى باشد.

42- موانع قبول عذر مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 15

1 - کفر و گرایش به شرک ، سبب پذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

«ذلکم» اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد؛ یعنی، «ذلکم الذی أنتم فیہ من العذاب». گفتنی است که «باء» در «بأنّه» برای سببیت می باشد.

43- موانع قبول عذر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 66 - 5

5_ کفر منافقان ، پس از ایمان ظاهریشان ، مانع پذیرفته شدن عذر آنان است .

لا تعتذروا قد کفرتم بعد ایمنکم

عذر خواهی

44- عذر خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 211 - 13

13_ پس از نزول آیات و اتمام حجّت ، عذری برای تمرد نیست .

کم اتیناهم من ایه بیّنه . . . و من یبدّل نعمه اللّٰه من بعد ما جاءته

45- صداقت در عذر خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 110 - 16

16- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر باللّٰه . . . إلاّ من أکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن . . . إن ربّک للذین هاجروا

46- عوامل عذر خواهی از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 22 - 17

ص: 16

17_ در ماندگی، اضطراب و احساس خطر مرگ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطاها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله . . . لنكونن من الشكرين

ص: 17

2- عرب

1- اتمام حجت بر عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 1

1 - عربی بودن قرآن، اتمام حجت خداوند بر مردم عرب است.

ولو جعلنّه قرءاناً أعجمياً لقالوا لولا فصلت آءِ-ته

2- انبیای عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 26

26_ « عن أبي عبدالله (ع) : لم يبعث الله عزوجل من العرب إلا خمسة أنبياء : هوداً و صالحاً و اسماعيل و شعيباً و محمداً خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) و كان شعيب بكاء ;

از امام صادق (ع) روایت شده است: خدای عزوجل از عرب جز پنج نفر کسی را مبعوث نکرد: هود، صالح، اسماعیل، شعیب و محمد (صلی الله علیه و آله) خاتم پیامبران و شعیب زیاد گریه کننده بود».

3- بتهای عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 4

4 - « لات » و « عزی » در مرتبه بالاتر از « منات » ، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی

از تقدیم «لات و عزی» و توصیف منات به «الثالثه» (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 20 - 3, 2, 1

1 - « لات » ، « عزی » و « منات » مهم ترین خدایان مورد پرستش مردم جزیره العرب

و منوه الثالثه الأخرى

از یاد کردن نام این سه بت، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

2- « منات » سومین بت مورد پرستش مردم جزیره العرب

و منوه الثالثه الأخرى

3- « منات » ، در مرتبه ای پایین تر از « لات » و « عزی » در نزد عرب جاهلی

أفرءیتم اللّات و العزیّی . و منوه الثالثه الأخرى

از تأخیر « منات » و توصیف آن به « الثالثه » (سومی)، مطلب بالا استفاده می شود.

4- بشارت اسلام قبایل عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 2 - 2

2 - خداوند ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بشارت داد که فتح مکه را درک خواهد کرد و استقبال قبایل عرب را از اسلام ، به چشم خود خواهد دید .

و رأیت الناس یدخلون فی دین اللّهِ أفواجًا

5- تاریخ عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 21 - 6

6 - تاریخ عرب ، شاهد ظهور و افول تمدن ها و قدرت های بزرگ تر و متمدن تر از مردم جزیره العرب عصر ظهور اسلام

كانوا هم أشدّ منهم قوّه وءاثارًا فی الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه، اشاره به مردم جزیره العرب و کسانی داشته باشد که پیامبر اسلام در میان آنان می زیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 82 - 6

6- تاریخ عرب ، شاهد ظهور و افول تمدن ها و قدرت های بزرگ تر ، پرجمعیت تر و متمدن تر از مردم جزیره العرب عصر ظهور اسلام

كانوا أكثر منهم وأشدّ قوّه وءاثارًا فى الأرض

برداشت یاد شده مبتنی براین احتمال است که آیه شریفه اشاره به مردم جزیره العرب و کسانی داشته باشد که پیامبر اسلام در میان آنان می زیست.

ص: 19

6- عرب ها و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 3 - 2

2- نزول قرآن به زبان عربی، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جامعه های عرب زبان

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

«عربیّاً» اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود؛ یعنی، ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر «عربیّاً» به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود؛ یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

7- عوامل عظمت عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 44 - 4

4- قرآن، موجب عظمت و آوازه نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قوم عرب *

وإنه لذكر لك ولقومك

برداشت یاد شده با توجه به دو احتمال زیر است: الف) مراد از «ذكر» بلندآوازی و شهرت نام باشد؛ ب) مقصود از «قوم»، قوم عرب باشد که در پرتو قرآن توانستند به قدرت و بلندآوازی دست یابند.

8- ملاک گروهبندی در عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 13 - 20

20 - «عن مجمع البيان . . . الشعوب من العجم والقبائل من العرب والاسباط من بنی اسرائیل . . . روی ذالک عن الصادق (ع)» ;

از امام صادق (ع) روایت شده که «شعوب» از عجم، «قبائل» از عرب و «اسباط» از بنی اسرائیل است».

عرب ها

9- عرب ها و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 3 - 2

2 - نزول قرآن به زبان عربی ، زمینه سهولت فهم آن برای مردم عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جامعه های عرب زبان

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

«عربیاً» اگر به معنای زبان عربی باشد، خطاب در «لعلکم تعقلون» خاص بوده و تنها شامل مردم عرب زبان می شود؛ یعنی،

ص: 20

ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم به آن امید که شما مردم عرب در آن بیندیشید. و اگر «عربیاً» به معنای فصیح و شیوا باشد، خطاب در «لعلکم تعقلون» عام بوده و فراگیرنده همه انسان ها می شود؛ یعنی، ما قرآن را شیوا و گیرا قرار دادیم، بدان امید که شما انسان ها بدان جذب شده و در آن تعقل و اندیشه نمایید. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

ص: 21

3- عربی

1- آثار تعلیم زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 3 - 10

10 - فهم تفصیلی و روشن آیات قرآن ، نیازمند آشنایی با زبان عربی و ظرافت های آن

کت_ب . . . عربیاً لقوم یعلمون

برخی از مفسران فعل «یعلمون» را در آیه شریفه را، به منزله فعل لازم می دانند و لذا مفعولی برای آن نمی گیرند. بر این اساس «لقوم یعلمون»؛ یعنی، برای مردمی که دانا هستند. برخی دیگر بر آنند که «یعلمون» متعدی است و مفعول آن به قرینه «عربیاً» زبان و لغت عربی است؛ یعنی، «یعلمون هذه اللغة و اللسان». برداشت بالا با توجه به مبنای دوم است.

2- اهمیت تعلم عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 2 - 7

7_ دانستن زبان عرب ، شرط درک و فهم معارف و حقایق قرآن

إنا أنزلناه قرءاً عربیاً لعلکم تعقلون

3- بلاغت زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 195 - 3،2

2 - غنا و توانمندی زبان عربی برای بیان روشن مفاهیم بلند وحی

نزل . . . بلسان عربیّ مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «مبین» صفت توضیحی برای «لسان عربیّ» باشد. بر این اساس قید «مبین» ستایشی از جانب خدا نسبت به زبان عربی است؛ از آن جهت که این زبان می تواند محتوای بلند وحی را به روشنی برساند.

3 - انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

در برداشت یاد شده «مبین» به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. براین اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

4- زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 5

5 - « عن جعفر بن محمد عن أبيه (رضی الله عنه) قال رسول الله في قوله « عرباً » قال : كلامهنّ عربيّ ؛

از امام صادق (ع) از پدرش (ع) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که درباره «عرباً» در کلام خدا فرمود: [یعنی] سخن گفتن آنان عربی است».

5- فصاحت زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 3 - 7

7- قابلیت و گنجایش زبان عربی ، برای ارائه مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

کت_ب فصلتِ آءِ_ته قرءاناً عربیّاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که قرآن به روشنی بیان گشته (فصّلت آیاته) آن را به عربی بودن توصیف کرده تا به این معنا اشاره کند که لغت عرب آن قابلیت را داشت که بتواند زبان وحی باشد و معارف الهی را در خود جای دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 5

5- زبان قرآن ، زبانی گویا ، روشن و به دور از ابهام

و لو جعلنّه قرءاناً أعجمیّاً لقالوا لولا فصلتِ آءِ_ته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 12 - 16

16- ظرفیت زبان عربی ، برای رساندن پیام خدا و ابلاغ بیم ها و بشارت های الهی به خلق *

وَهَذَا كِتَابٌ مَصَدَّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبَشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ

از ارتباط میان «لساناً عربیاً» و «لینذر»، استفاده می شود که عربی بودن قرآن، دارای تأثیری مهم در ابلاغ انذار و تبشیر الهی به خلق است.

6- فصاحت عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 23

5_ قابلیت و گنجایش زبان عرب ، برای مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

إنا أنزلناه قرءاً عربياً لعلكم تعقلون

فهمیدن حقایق وحی به عنوان غایتی برای نزول قرآن به لغت عرب ، می رساند که عربی بودن قرآن ، در فهم معارف و حقایق وحی دخیل است و این از قابلیت لغت عرب برای ارائه مفاهیم وحی حکایت دارد.

6_ گویایی و رسا بودن زبان عرب ، فلسفه نزول قرآن به آن لغت

إنا أنزلناه قرءاً عربياً لعلكم تعقلون

«عربی» به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به این سبب عربی می گویند. بنابراین «قرآناً عربیاً» ; یعنی ، قرآن به لغت عرب است ، همان لغتی که گویا و رساست.

7- نقش زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 97 - 4,5

4- نقش اساسی زبان عربی ، در تسهیل بیان معارف و محتوای بلند قرآن

فإتّما یسّرناه بلسانک

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله) و زبان گویای آن حضرت ، واسطه آسان شدن محتوای بسیار عالی قرآن برای درک همگان

فإتّما یسّرناه بلسانک

مراد از «لسانک» علاوه بر عربی بودن قرآن، جاری شدن آن بر زبان مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز می باشد؛ که در تأثیر گذاری بر شنوندگان، نقش بسزایی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 198 - 1

1 - زبان عربی ، برخوردار از جاذبه و اتقان

و لو نزلناه علی بعض الأعجمین

«أعجمین» می‌تواند جمع «أعجم» و یا جمع «أعجمی» باشد. در صورت دوم اصل آن «أعجمین» است که یاء نسبت حذف گردیده است. به هر حال «اعجم» به کسی گفته می‌شود که در زبانش عجمه (ابهام و گنگی) باشد (مفردات راغب) و این حکایت از اتقان، روشنی و گویایی و در نتیجه جاذبه زبان عربی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 3 - 3

3 - زبان عربی، دارای جایگاهی ویژه در انتقال مفاهیم بلند و معارف نیازمند اندیشه و تعقل

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 58 - 1

ص: 24

1- تسهیل معارف والای قرآن از سوی خداوند برای خلق، در پرتو ویژگی های خاص زبان عربی

فائما یسرنه بلسانک

مراد از «لسانک»، می تواند زبان عربی باشد که زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است.

8- ویژگیهای زبان عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 195 - 2,3

2 - غنا و توانمندی زبان عربی برای بیان روشن مفاهیم بلند وحی

نزل... بلسان عربی مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «مبین» صفت توضیحی برای «لسان عربی» باشد. بر این اساس قید «مبین» ستایشی از جانب خدا نسبت به زبان عربی است؛ از آن جهت که این زبان می تواند محتوای بلند وحی را به روشنی برساند.

3 - انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربی مبین

در برداشت یاد شده «مبین» به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. بر این اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 3 - 7

7 - قابلیت و گنجایش زبان عربی، برای ارائه مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

کتب فصلت آئی ته قرءاناً عربیاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که قرآن به روشنی بیان گشته (فصّلت آیاته) آن را به عربی بودن توصیف کرده تا به این معنا اشاره کند که لغت عرب آن قابلیت را داشت که بتواند زبان وحی باشد و معارف الهی را در خود جای دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 5

5- زبان قرآن ، زبانی گویا ، روشن و به دور از ابهام

و لو جعلنَه قرءانًا أعجمیًّا لقالوا لولا فصلت ءای_ته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 3 - 3

3- زبان عربی ، دارای جایگاهی ویژه در انتقال مفاهیم بلند و معارف نیازمند اندیشه و تعقل

إنا جعلنَه قرءانًا عربیًّا لعلکم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 12 - 16

ص: 25

16- ظرفیت زبان عربی، برای رساندن پیام خدا و ابلاغ بیم‌ها و بشارت‌های الهی به خلق *

وَهَذَا كِتَابٌ مَّصْدُوقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبَشِّرَ لِلْمُحْسِنِينَ

از ارتباط میان «لساناً عربیاً» و «لینذر»، استفاده می‌شود که عربی بودن قرآن، دارای تأثیری مهم در ابلاغ انذار و تبشیر الهی به خلق است.

9- ویژگیهای عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 2 - 5,6

5_ قابلیت و گنجایش زبان عرب، برای مفاهیم وحی و بیان معارف الهی

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

فهمیدن حقایق وحی به عنوان غایتی برای نزول قرآن به لغت عرب، می‌رساند که عربی بودن قرآن، در فهم معارف و حقایق وحی دخیل است و این از قابلیت لغت عرب برای ارائه مفاهیم وحی حکایت دارد.

6_ گویایی و رسا بودن زبان عرب، فلسفه نزول قرآن به آن لغت

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

«عربی» به معنای فصیح و روشن است و لغت عرب را به این سبب عربی می‌گویند. بنابراین «قرآناً عربیاً»؛ یعنی، قرآن به لغت عرب است، همان لغتی که گویا و رساست.

ص: 26

4- عرش

1- آثار تدبیر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 11

11- ربوبیت و تدبیر خداوند بر عرش (مرکز اداره جهان) ، دلیل یگانگی او و نبودن شریک و معبود دیگری در عالم هستی است .

لو كان فيهما الهة .. فسبحن الله رب العرش عما يصفون

«ربّ العرش» صفت برای اسم جلاله (الله) است. توصیف خداوند به این صفت _ پس از نفی معبودها و خدایان دیگر در عالم می تواند بیانگر این نکته باشد که صفت «ربّ» و تدبیر امور، تنها در انحصار خداوند است و شریکی برای او نیست.

2- ابراهیم(ع) و رؤیت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 3

3_ بزرگتر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم(ع) برای عدول از ماه پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربى هذا أكبر

3- استغفار حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 13، 12، 8

8 - استغفار و آمرزش خواهی فرشتگان عرش الهی ، برای مؤمنان

و يستغفرون للذین ءامنوا

12 - جمله « ربّنا وسعت كل شیء رحمه . . . و قهم عذاب الجحیم » متن مناجات فرشتگان با خداوند به هنگام آمرزش خواهی از او برای مؤمنان

و يستغفرون للذین ءامنوا ربّنا وسعت كل شیء رحمه و علمًا

13 - درخواست آمرزش از خداوند ، برای توبه کنندگان و رهروان راه الهی از سوی فرشتگان حامل عرش

4- استوای خدا بر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 5 - 6,7,8,9

6 - « عن أبي عبد الله (ع) : (في قوله تعالى) « الرحمن على العرش استوى » يقول : على الملك احتوى ;

از امام صادق(ع) روایت شده: (که در باره سخن خدا) «الرحمن على العرش استوى» فرمود: مقصود این است که خداوند بر ملک احاطه دارد».

7 - « عن علي (ع) قال : . . . و ليس العرش كما تظن كهينه السرير ، و لـ كنهه شيء محدود مخلوق مدبر ، و ربك عزوجل مالكة ، لا أنه عليه ككون الشيء على الشيء ;

از علی(ع) روایت شده که فرمود: .. عرش انسان که گمان می کنی مانند تخت (پادشاهان) نیست، بلکه موجودی محدود و مخلوق و تحت تدبیر (خداوند) است و پروردگار تو مالک آن است، نه این که خداوند بر روی آن باشد، آن گونه که اشیا بر روی یکدیگر قرار می گیرند».

8 - « عن محمد بن مارد : إن أباعبد الله (ع) سئل عن قول الله عزوجل : « الرحمن على العرش استوى » فقال : استوى من كل شيء فليس شيء أقرب إليه من شيء ;

از محمد بن مارد نقل شده که از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزوجل «الرحمن على العرش استوى» سؤال شد فرمود: (مراد آیه این است) نسبت خداوند به همه اشیا یکسان است، پس هیچ چیز به خدا نزدیک تر از چیز دیگر نیست».

9 - « عن أبي الحسن موسى (ع) و سئل عن معنى قول الله « الرحمن على العرش استوى » فقال : استولى على ما دق و جلّ ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از معنی سخن خدا «الرحمن على العرش استوى» فرمود: خداوند بر همه موجودات کوچک و بزرگ تسلط دارد».

5- استیلاى خدا بر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 4

4_ خداوند پس از آفرینش آسمان ها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش، به تدبیر امور آنها پرداخت.

ثم استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 4

4_ خداوند ، بر عرش (تمام هستی) تسلط و فرمانروایی دارد .

ثم استوی علی العرش

از معانی «استواء» تسلط داشتن است و «ثم» برای تراخی رتبی می باشد و این مفهوم را در جمله ارائه می کند که مهمتر از برافراشته ساختن آسمانها ، این است که او بر عرش سلطه دارد.

ص: 28

6- اقرار حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 9

9- اعتراف فرشتگان حامل عرش الهی ، به ربوبیت خداوند و رحمت و علم گسترده او درباره همه پدیده های عالم

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا

7- اهمیت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 9

9- عظمت و اهمیت عرش الهی در میان موجودات زمینی و آسمانی

فَسَبِّحْ لِلَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ

8- تدبیر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 82 - 3

3- آسمان ها و زمین (مجموعه هستی) ، عرش خداوند و تحت ربوبیت عالی و بی نقص او

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ

بنابراین که «رَبِّ الْعَرْشِ» عطف بیان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

9- تسبیح حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 1

1- فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

10- حاكم عرش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 29

8_ عرش (مرکز اداره هستی) تنها تحت ربوبیت و مدیریت خداوند یکتاست .

لا إله إلا هو . . . و هو رب العرش العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 10

10_ تدبیر امور عالم تنها در خور برافرازنده آسمانها ، سلطه دار عرش ، و اختیاردار خورشید و ماه است .

الله الذی رفع السموت . . . یدبر الأمر

در ترکیب «الله الذی . . .» دو وجه گفته شده است: 1_ «الله» مبتدا و «الذی» صفت آن است و جمله «یدبر الأمر» خبر برای «الله». 2_ «الله» مبتدا و «الذی» خبر آن است. برداشت فوق از هر دو وجه استفاده می شود، اگرچه بنابر وجه دوم دلالت آیه بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 20 - 5

5 - سلطه خداوند بر عرش ، پشتوانه اقتدار جبرئیل

ذی قوه عند ذی العرش مکین

وصف «ذی العرش»، می تواند این نکته را برجسته سازد که منزلت والای جبرئیل، نزد کسی که عرش مقهور او است، اتصاف او را به «ذی قوه» تضمین می کند.

11- حاکمیت بر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 12

12- مرکز فرمانروایی جهان هستی را در اختیار داشتن (صاحب عرش بودن) ، لازمه غیر قابل انفکاک خداوندی

إِذَا لَابَتَّغُوا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا

از اینکه خداوند می فرماید: «اگر خدایان دیگری وجود داشت، باید برای رسیدن به صاحب عرش، راه و وسیله ای پیدا کنند» نشان می

دهد که خدایی، عرش لازم دارد و با آن تلازم تفکیک ناپذیری دارد.

12- حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 22

22_ مردن هر صاحب روحی ، حتّی ملائکه مقربین و حاملان عرش

كلّ نفس ذائقه الموت

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: انّه يموت اهل الارض حتّی لا یبقی احد ثمّ يموت اهل السماء حتّی لا یبقی احد الا ملک الموت و حملة العرش و جبرئیل و میکائیل . . . فیجئى ملک الموت حتّی يقوم بین یدی اللّٰه عزّ و جلّ . . . فیقول (اللّٰه): انّی

ص: 30

کافی، ج 3، ص 256، ح 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 419، ح 470.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 2، 4، 8

2 - هشت فرشته در روز قیامت، عرش الهی را حمل خواهند کرد .

و یحمل عرش ربک فوقهم یومئذ ثم نیه

در این که مقصود از «ثمانیه» هشت تن از فرشتگان است یا هشت گروه از آنان، میان مفسران اختلاف هست. برای انتخاب و تعیین هر یک از آنها، دلیل روشن و قاطعی وجود ندارد.

4 - فرشتگان هشتگانه، حاملان تخت داوری خداوند در قیامت

و الملک علی أرجائها و یحمل عرش ربک فوقهم

در صورتی که مقصود از «عرش» در این آیه، تخت قضاوت و داوری باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

8 - « فقال علی (ع) : إن الملائکة تحمل العرش و لیس العرش کما تظنّ کهیئة السریر و لکنه شیء محدود مخلوق مدبّر ، و ربک عزّوجلّ مالکّه . . . و أمر الملائکة بحمله فهم یحملون العرش بما أقدروهم علیه . . . » ;

علی(ع) فرمود: ملائکه حامل عرش اند و عرش آن طور که تو تصور نموده ای _ که مثل یک تخت باشد _ نیست؛ بلکه عرش موجود محدودی است که خداوند، آن را خلق نموده و تحت تدبیر او است و پروردگارت عزّوجلّ مالک آن است . . . و ملائکه را مأمور حمل آن نموده و آنان با قدرتی که خدا به آنها داده حامل عرش اند».

13- حرکت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 6

6_ آسمانها، عرش، خورشید و ماه تا سرآمدی معین در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه «کل» ضمیری است که به «السموت»، «عرش»، «شمس» و «قمر» باز می‌گردد. «مسمی» یعنی مشخص و معین. «اجل» در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دو مین معناست. گفتنی است که بر این مبنا «لام» در «لأجل» به معنای «إلی» خواهد بود.

14- حقیقت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 5 - 7

7 - «عن علی (ع) قال: . . . و لیس العرش کما تظن کهیئہ السریر ، و لکنه شیء محدود مخلوق مدبر ، و ربک عزوجل مالکھ ، لا اَنه علیه ککون الشی علی الشی ؛

از علی (ع) روایت شده که فرمود: .. عرش انسان که گمان می‌کنی مانند تخت (پادشاهان) نیست، بلکه موجودی محدود و

ص: 31

مخلوق و تحت تدبیر (خداوند) است و پروردگار تو مالک آن است، نه این که خداوند بر روی آن باشد، آن گونه که اشیا بر روی یکدیگر قرار می گیرند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 82 - 3,4

3 - آسمان ها و زمین (مجموعه هستی) ، عرش خداوند و تحت ربوبیت عالی و بی نقص او

ربّ السموات و الأرض ربّ العرش

بنابراین که «ربّ العرش» عطف بیان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

4 - عرش ، حقیقتی فراتر و فراگیرتر از آسمان ها و زمین

سبحن ربّ السموات و الأرض ربّ العرش

«ربّ العرش» می تواند ذکر عام بعد از خاص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 8

8 - «فقال علیّ (ع) : إنّ الملائکه تحمل العرش و لیس العرش کما تظنّ کهیئته السریر و لکنّه شیء محدود مخلوق مدبّر ، و ربّک عزّوجلّ مالکّه . . . و أمر الملائکه بحمله فهم یحملون العرش بما أقدرهم علیه . . . ;

علیّ(ع) فرمود: ملائکه حامل عرش اند و عرش آن طور که تو تصور نموده ای _ که مثل یک تخت باشد _ نیست; بلکه عرش موجود محدودی است که خداوند، آن را خلق نموده و تحت تدبیر او است و پروردگارت عزّوجلّ مالک آن است . . . و ملائکه را مأمور حمل آن نموده و آنان با قدرتی که خدا به آنها داده حامل عرش اند».

15- حقیقت عرش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 86 - 5

5 - عرش عظیم الهی ، حقیقتی غیر از آسمان های هفتگانه

قل من ربّ السموات السبع و ربّ العرش العظیم

ذکر جداگانه عرش و توصیف آن به وصف «عظیم»، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

16- حمایتهای حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 18

18 - مؤمنان تائب و پیرو راه الهی ، برخوردار از لطف و حمایت فرشتگان عرش الهی

الذین یحملون العرش . . . یتغفرون ... للذین تابوا و اتبعوا سبیلک

ص: 32

17- حمد حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 1

1 - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم

18- خلقت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 17،18

17_ « عن علی بن الحسین (ع) قال : إن الله عزوجل خلق العرش ... من أنوار مختلفه فمن ذلك النور نور أخضر ... و نور أصفر ... و نور أحمر ... و نور أبيض ... » ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است که فرمود: ... همانا خدای عزوجل عرش را ... از نورهای گوناگون خلق کرد که از این نورها نور سبز بود ... و نور زرد ... و نور سرخ ... و نور سفید ...» .

18_ « عن علی (ع) ... خلق [الله] عرشه من نوره و جعله علی الماء ... و ذلك قوله : « و كان عرشه علی الماء ... » ;

از امام علی (ع) روایت شده است که فرمود: ... [خداوند] عرش خود را از نور خویش آفرید و آن را بر آب قرار داد ... و این است قول خدا که می فرماید: «و كان عرشه علی الماء ...» .

19- دعای حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 12،19

12 - جمله « ربنا وسعت کل شیء رحمه ... و قهم عذاب الجحیم » متن مناجات فرشتگان با خداوند به هنگام آمرزش خواهی از او برای مؤمنان

و یستغفرون للذین ءامنوا ربنا وسعت کل شیء رحمه و علمًا

19 - درخواست مصونیت از عذاب دوزخ از سوی فرشتگان عرش ، برای مؤمنان تائب و پیرو راه خدا

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان‌های ماندگار بهشت، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ .. وَ مِنْ صَلْحٍ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

«مَنْ» در «و مِنْ صَلْحٍ ..» می‌تواند عطف بر ضمیر «هم» در «أَدْخِلْهُمْ ..» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «وَعِدْتَهُمْ» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 9 - 1

1 - ننگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

و قهم السیئات

الف و لام جنس در «السیئات» مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

20- رؤیت عرش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 4,5

4 - قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت برای انسان ها

و تری المل_ئکه حاقین من حول العرش

فاعل و مخاطب فعل «تری»، ممکن است همه انسان ها باشند و نیز ممکن است شخص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

5 - قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت ، برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

و تری المل_ئکه حاقین من حول العرش

21- شکل هندسی عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 25

25_ از امام صادق (ع) سؤال شد: . . . و لِمَ صار العرش مربعاً؟ قال: لأن الكلمات التي بنى على ها الاسلام أربع و هي سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر ;

چرا عرش مربع شده است؟ فرمود: زیرا کلماتی که اسلام بر آنها بنا شده، چهار کلمه است: «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لا اله الا الله» و «الله أكبر».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 129 - 13

13 _ حنان بن سدير گوید : « سألت ابا عبد الله عن العرش و الكرسي فقال : إن للعرش صفات كثيرة مختلفه . . . فقوله : « رب العرش العظيم » يقول : الملك العظيم ;

از امام صادق (ع) درباره عرش و کرسی سؤال کردم، فرمود: برای عرش صفات مختلف زیادی است . . . قول خدا که می فرماید:

ص: 34

«رب العرش العظيم» مقصود، ملک عظیم است».

23- عرش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 86 - 4

4 - آسمان های هفتگانه و عرش عظیم ، مظهر ربوبیت یگانه خداوند

قل من رب السموات السبع ورب العرش العظيم

24- عرش خدا و آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 18، 15

15_ « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): إن الله قدّر مقادير الخلايق قبل أن يخلق السموات والأرض بخمسين ألف سنة و كان عرشه على الماء »;

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت شده است که فرمود: خداوند پنجاه هزار سال قبل از خلقت آسمانها و زمین ، مقدرات مخلوقات را تعیین کرد در حالی که عرش خدا بر آب بود».

18_ « عن علي (ع) ... خلق [الله] عرشه من نوره و جعله على الماء ... و ذلك قوله : « و كان عرشه على الماء ... » »;

از امام علی (ع) روایت شده است که فرمود: ... [خداوند] عرش خود را از نور خویش آفرید و آن را بر آب قرار داد ... و این است قول خدا که می فرماید: «و كان عرشه على الماء ...».

25- عرش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 5

5 - مسند قضای الهی در قیامت ، بر فراز خلائق و در منظر همگان

و یحمل عرش ربك فوقهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر «فوقهم»، خلائق در محشر باشد.

26- عظمت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 9

9- عظمت و اهمیت عرش الهی در میان موجودات زمینی و آسمانی

ص: 35

فسبحن الله رب العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 82 - 2

2- عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن رب السموت و الأرض

27- عظمت عرش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 26 - 4

4- عرش الهی (مرکز حاکمیت و تدبیر خدا) ، بسیار عظیم و گسترده

رب العرش العظيم

28- فلسفه حرکت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 2 - 7

7_ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

كل یجرى لأجل مسمى

برداشت فوق بر این اساس است که «لأجل» به معنای مدت باشد. بر این اساس «لام» در «لأجل» به معنای غایت و هدف است.

29- مالک عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 129 - 10

10_ خدا ، مالک عرش عظیم (مرکز اداره هستی) است .

هو رب العرش العظيم

برداشت فوق بر این اساس است که «رب» به معنای «مالک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 10

10- خداوند ، مالک و صاحب اختیار عرش (مرکز اداره هستی) است .

فسبحن الله رب العرش

ص: 36

برداشت یاد شده مبتنی بر یکی از معانی «ربّ» (مالکیت و صاحب اختیار) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 20 - 4

4- عرش (جهان هستی)، مملوک و در اختیار خداوند است.

ذی العرش

«عرش»؛ یعنی، تخت فرمانروایی (مقایس اللغه). مالکیت عرش، کنایه از سلطه بر اداره و تدبیر نظام عالم است.

30- محمد (صلی الله علیه و آله) و رؤیت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 5

5- قابل رؤیت بودن فرشتگان و عرش در قیامت، برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

و تری الملئکه حاقین من حول العرش

31- مدبر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 8

8- عرش (مرکز اداره هستی)، تنها تحت تدبیر و ربوبیت الهی است.

ربّ العرش

«عرش» به معنای تخت پادشاهی و فرمان روایی است و در رابطه با خداوند اشاره به مرکز اداره جهان است. گفتنی است چون در صدر

آیه وجود شریک و معبود دیگری نفی شده است، انحصار تدبیر عرش در خداوند به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 116 - 8

8- خدا، پرورش دهنده و اداره کننده مرکز مدیریت فیض بخش هستی (عرش)

رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ

32- مراد از عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 19

19_ « عن أبي عبد الله (ع) قال: العرش في وجهه هو جملة الخلق... وفي وجه آخر العرش هو العلم الذي إطلع الله عليه أنبياءه ورسله و حججه... »

ص: 37

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: عرش در یک وجه همه خلق است . . . و در وجه دیگر عرش علمی است که خداوند پیامبران و رسولان و حجت های خود را از آن آگاه کرده است . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 86 - 6

6 - « عن حنان بن سدیر قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن العرش و الكرسي ، فقال : إنَّ للعرش صفات كثيرة مختلفة ، له في كلِّ سبب و صنع في القرآن صفة على حده فقولہ « رب العرش العظيم » يقول : الملك العظيم ؛

حنان بن سدیر گوید: از امام صادق(ع) از عرش سؤال کردم؟ آن حضرت فرمود: عرش اوصفات فراوان و گوناگونی دارد و برای آن در قرآن _ به هر مناسبتی که ذکر شده _ صفت خاصی است پس قول خدا «ربَّ العرش العظيم» به معنای «الملك العظيم» است.».

33- مراد از عرش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 26 - 8

8 - « حنان بن سدیر قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن العرش و الكرسي : فقال إنَّ للعرش صفات كثيرة مختلفة . . . فقولہ « ربَّ العرش العظيم » يقول الملك العظيم ؛

حنان بن سدیر می گوید: از امام صادق(ع) درباره عرش و کرسی پرسیدم، فرمود: برای عرش صفات زیاد و گوناگونی هست . . . و در این سخن خداوند «ربَّ العرش العظيم» مراد ملک عظیم است.».

34- معبودان باطل و عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف شد تا به مشرکان اعلام کند : اگر با خدای واحد ، خدایان دیگری وجود دارد ، باید آنان برای گرفتن عرش چاره اندیشی نموده و وسیله ای فراهم آورند .

قل لو كان معه ءالهه كما يقولون إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سبيلاً

35- مکان استقرار عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- مسند قضای الهی در قیامت، بر فراز خلاق و در منظر همگان

و یحمل عرش ربّک فوقهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر «فوقهم»، خلاق در محشر باشد.

ص: 38

36- ملائکه اطراف عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 12، 9، 8، 1

1 - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم

8 - استغفار و آمرزش خواهی فرشتگان عرش الهی ، برای مؤمنان

و یستغفرون للذین ءامنوا

9 - اعتراف فرشتگان حامل عرش الهی ، به ربوبیت خداوند و رحمت و علم گسترده او درباره همه پدیده های عالم

ربنا وسعت کل شیء رحمه و علما

12 - جمله « ربنا وسعت کل شیء رحمه . . . و قهم عذاب الجحیم » متن مناجات فرشتگان با خداوند به هنگام آمرزش خواهی از او

برای مؤمنان

و یستغفرون للذین ءامنوا ربنا وسعت کل شیء رحمه و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست

فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربنا و ادخلهم جنات . . و من صلح من ءابائهم و ازوجهم و ذریتهم

«من» در «و من صلح . .» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «ادخلهم . .» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «وعدتهم» باشد. برداشت یاد

شده مبتنی بر احتمال نخست است.

37- نجات حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 68 - 12

12 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : « ونفخ في الصور فصعق من في السماوات و من في الأرض إلا من شاء الله » قالوا : يا رسول الله من هؤلاء الذين استثنى الله ، قال : جبرئيل و ميكائيل و ملك الموت و اسرائيل و حملة العرش . . . » ;

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت شده که فرمود: « و نفخ في الصور .. إلا من شاء الله ». [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...».

38- نقش عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 39

6 - اعراف - 7 - 54 - 5

5_ عرش ، مرکز استیلاى الهى بر جهان آفرینش است .

إن ربكم الله . . . استوى على العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 9

9_ « عرش » مرکز تدبیر و فرمانروایی جهان آفرینش

الذی خلق السموت . . . ثم استوى على العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 7

7- عرش ، بالاترین مرکز قدرت ، حاکمیت و تقدیر خداوند بر جهان هستی است .

لو كان معه . . . إذا لآبتغوا إلى ذی العرش سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 5 - 2

2- عرش ، مرکز تدبیر و کنترل آسمان ها و زمین و تحت سیطره خداوند است .

خلق الأرض والسموت العلی . الرحمن على العرش استوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 22 - 8

8- عرش (مرکز اداره هستی) ، تنها تحت تدبیر و ربوبیت الهی است .

ربّ العرش

«عرش» به معنای تخت پادشاهی و فرمان روایی است و در رابطه با خداوند اشاره به مرکز اداره جهان است. گفتنی است چون در صدر آیه وجود شریک و معبود دیگری نفی شده است، انحصار تدبیر عرش در خداوند به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 6

6_ عرش ، مرکز تدبیر و فرمانروایی جهان آفرینش

ثم استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 26 - 4

4- عرش الهی (مرکز حاکمیت و تدبیر خدا) ، بسیار عظیم و گسترده

ربّ العرش العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 40

14 - سجده - 32 - 4 - 6

6 - عرش ، مرکز تدبیر و اداره جهان است .

اللّٰه الذی خلق .. ثمّ استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 6

6 - جهان ، دارای مرکز اداره و فرمانروایی

العرش

«عرش» به معنای تخت فرمانروایی است و گاهی کنایه از مرکز اداره و فرمانروایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 4

4 - جهان ، دارای مرکز اداره و فرمانروایی است .

العرش

«عرش» به معنای تخت فرمانروایی است و گاهی کنایه از مرکز اداره و فرمانروایی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 15 - 5

5 - جهان هستی ، دارای مرکز اداره و فرمانروایی به نام (عرش)

ذو العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 6

6 - جهان آفرینش ، دارای مرکزیت فیض الهی به نام عرش

ثمّ استوی علی العرش

با توجه به این که نظام خلقت، نظام اسباب و مسببات است و پدیده های این عالم، نمی توانند فیض الهی را به طور مستقیم و بدون وسایط فیض دریافت کنند؛ «عرش» می تواند اشاره به مرکزیتی داشته باشد که سرچشمه فیض الهی است و وسایط فیض، آن را از آن مرکز دریافت کرده و به ترتیب به اشیا و امور عالم می رسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 17 - 3

3- «عرش»، مرکز تدبیر و فرمان روایی جهان هستی

و یحمل عرش ربّک

«عرش» به معنای تخت فرمان روایی است و در این آیه، کنایه از مرکز تدبیر و فرمان روایی جهان است که فرشتگان، به فرمان خداوند به این امر می پردازند.

ص: 41

39- نقش عرش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 116 - 6,7

6 - جهان هستی ، دارای مرکز فرمان رویی و تدبیر (عرش)

فتح_لی الله الملك الحقّ .. ربّ العرش الکریم

7- عرش الهی ، سرچشمه فیض بخش جهان هستی

ربّ العرش الکریم

از معانی «کریم» عطابخشی بسیار است. بنابراین توصیف عرش به کریم، بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 2

2- عرش ، مرکز تدبیر امور جهان و مملوک خداوند است .

ذو العرش

درباره مصداق «عرش» دیدگاه های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله این که عرش، جایگاهی است که تمام جهان را فراگرفته است. نام گذاری آن به «عرش» (تخت سلطنت)، به این اعتبار است که آن جایگاه، به منزله مرکز اداره جهان است. مالکیت خداوند بر عرش، به معنای مالکیت او بر تمام هستی است.

40- وسعت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 82 - 3

3 - آسمان ها و زمین (مجموعه هستی) ، عرش خداوند و تحت ربوبیت عالی و بی نقص او

ربّ السموت و الأرض ربّ العرش

بنابراین که «ربّ العرش» عطف بیان باشد، برداشت بالا به دست می آید.

41- هماهنگی تدبیر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 82 - 2

2- عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن رب السموت والأرض

ص: 42

5- عرف

1- ارزش عرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 13

13 _ اعتبار عرف ، در تعیین مقدار ارزش کار

فلیاکل بالمعروف

کلمه «بالمعروف»، یعنی متعارف و مورد پسند مردم.

2- اهمیت عرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 4

4 _ عُرف ، مرجع تشخیص برخی از موضوعات احکام الهی

قول معروف

یعنی گفتاری که عُرف دینداران آن را پسندد.

3- عرف و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 6

6 - نقش معیار های عرفی در احکام دین

الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف

4- عرف و قوانین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 6

6 - نقش معیار های عرفی در احکام دین

الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف

5- عرف و موضوع شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 5

5 - وصیت های مالی باید در حد متعارف بوده و به گونه ای که مردم آن را نابه جا و ناروا نشمارند .

الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف

معروف مقابل منکر به معنای شناخت شده است و مراد از آن، چیزی است که مردم در جامعه دینی آن را شایسته بدانند و مورد انکار قرار ندهند.

6- ملاک عرفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 3

3 - از سرگیری زندگی با زن مطلقه و یا جدایی همیشگی از او ، پس از گذشت زمان عدّه ، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد .

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 9

9 - توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلقه باشد .

و أتمروا بینکم بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

7- ملاکهای عرفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 180 - 6

6 - نقش معیارهای عرفی در احکام دین

الوصیه للولدین والأقربین بالمعروف

ص: 44

8- نقش عرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 12

12_ عرف (نظر عموم مردم) تعیین کننده معاشرت های پسندیده

و عاشروهنّ بالمعروف

مراد از «معروف»، امری است که مردم در اجتماع خویش به نیکی می شناسند و مورد انکار قرار نمی دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 17

17_ عرف، میزانی در تعیین مقدار مزد کارها

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف

ص: 45

6- عرفات

1- عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 196 - 43

43_ وجوب سه روز روزه، در روز ترویبه و روز قبل و روز بعد از آن (عرفه) در حج بر کسی که قادر به قربانی نیست.

فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام في الحجّ

از امام صادق (ع) درباره حج کننده ای که قادر بر قربانی نیست سؤال شد، آن حضرت فرمود: يصوم ثلاثة ايام في الحجّ يوماً قبل الترویبه و يوم الترویبه و يوم عرفه

کافی، ج 4، ص 508، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 190، ح 677 و 679.

2- استغفار در عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 199 - 8، 13

8_ لزوم استغفار، به هنگام کوچ کردن از عرفات و مشعرالحرام

ثم افيضوا... و استغفروا الله

در این برداشت، هر دو نظر درباره جمله «ثم افيضوا» (افاضه از مشعر و یا عرفات)، ملحوظ شده است.

13_ طالبان آمرزش الهی به هنگام کوچ از مشعر و عرفات، مشمول مغفرت و رحمت خداوند هستند.

ثم افيضوا... و استغفروا الله ان الله غفور رحيم

3- برکات عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 5

5- عرفات و مشعر، کانون خیر و برکت فراوان برای حج گزاران

لِشْهَدُوا مِنْ فَع لِهَم

برداشت فوق، بر این اساس است که «لِشْهَدُوا» مربوط به حضور در عرفات و مشعر باشد.

ص: 46

4- خیریت عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 5

5- عرفات و مشعر، کانون خیر و برکت فراوان برای حج گزاران

لیشهدوا من فع لهم

برداشت فوق، بر این اساس است که «لیشهدوا» مربوط به حضور در عرفات و مشعر باشد.

5- قریش و عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 199 - 12

12 _ اعتقاد قریش به عدم لزوم کوچ کردن آنان از عرفات

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

امام صادق (ع): اولئك قریش كانوا يقولون: نحن اولی الناس بالبيت و لا یفیضون الا من المزدلفه، فامرهم الله ان یفیضوا من عرفه

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 96، ح 263؛ نورالتقلین، ج 1، ص 195، ح 710.

6- نامگذاری عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 18

18 _ خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم، در عرفات: «اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک» سبب نامگذاری عرفات به این نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): ... فقال «جبرئیل» هذه عرفات، فاعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک فسّمی عرفات

کافی، ج 4، ص 207، ح 9؛ علل الشرایع، ج 2، ص 436، ح 1، ب 173.

7- وقوف در عرفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 198 - 6,7

ص: 47

6_ وقوف به عرفات ، از مناسک حج

فاذا افضتم من عرفات

کوچ کردن (افاضه) از عرفات بر فرض وقوف به آن است؛ بنابراین وقوف به عرفات مفروض و مسلّم گرفته شده است.

7_ وجوب رفتن و وقوف به مشعرالحرام ، پس از وقوف در عرفات

فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعرالحرام

لازمه وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام پس از وقوف به عرفات، وجوب رفتن و بودن (وقوف) در مشعرالحرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 199 - 14، 11، 2

2_ وقوف در عرفات ، از مناسک حج

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

بنابراینکه مراد، افاضه از عرفات باشد، لازمه آن لزوم وقوف در عرفات خواهد بود.

11_ لزوم کوچ کردن از عرفات ، بسان کوچ کردن ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و سایر حج گزاران

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

امام صادق (ع) درباره آیه «ثم افيضوا ..» فرمود: یعنی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق فی افاضتهم منها و من كان بعدهم

کافی، ج 4، ص 247، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 196، ح 719.

14_ لزوم کوچ کردن از عرفات بسان اهل البیت (ع)

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

امام حسین (ع): .. فنحن الناس و لذلك قال الله تعالى ذكره في كتابه: «ثم افيضوا من حيث افاض الناس»

کافی، ج 8، ص 244، ح 339؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 201، ح 2.

16 - از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: الحج الأكبر الوقوف بعرفه و بجمع و برمی الجمار بمنی و الحج الأصغر العمرة؛

حج اکبر، وقوف به عرفه و وقوف به مشعر و رمی جمرات در منی است و حج اصغر، عمره است».

4 - وقوف در عرفات و مشعر، نخستین تکلیف حاجیان در مراسم حج (پس از احرام)

لیشهدوا من فع لهم

جمله «و یذکروا اسم الله..» مربوط به مراسم قربانی است و آیه بعدی، در رابطه با مسأله حلق، تقصیر و طواف می باشد. پس با در نظر گرفتن این مطلب که مراسم حج - پس از پوشیدن احرام - به ترتیب عبارت است از: وقوف در عرفات و مشعر، قربانی کردن حلق و تقصیر و طواف، باید گفت که حج در شریعت حضرت ابراهیم(ع)، با مراسم قربانی شروع و با طواف ختم می شد و وقوفین جزو مراسم نبود و یا این که جمله «لیشهدوا منافع لهم» علاوه بر این که بیانگر فلسفه تشریح حج است، ناظر به مسأله حضور در عرفات و مشعر نیز می باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم استوار است.

8- روز عرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 3 - 4,5,6

4- « [فی المجمع] قيل : الشفع يوم النحر و الوتر يوم عرفه . . . و هی روایه جابر عن النبّی (صلی الله علیه و آله) ;

[در مجمع البیان آمده است:] گفته شده که شفع روز «قربانی» و وتر روز «عرفه» است . . . و این روایت جابر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

5- « [فی المجمع] وقيل الشفع يوم الترويه و الوتر يوم عرفه و روی ذلك عن أبي جعفر و أبي عبد الله (ع) ;

[در مجمع البیان آمده است:] گفته شده که شفع روز ترویبه (هشتم ذی الحجّه) و وتر روز عرفه است و این مطلب از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است.

6- « عن النبّی (صلی الله علیه و آله) انه سُئل عن الشفع و الوتر فقال : یومان و ليله يوم عرفه و يوم النحر ، و الوتر ليله النحر ليله جُمع ;

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) از شفع و وتر سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: دو روز و یک شب است روز عرفه و روز قربانی و وتر شب قربانی است که شب مشعر است.

9- سوگند به روز عرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 8

8- « عن محمّد بن هاشم عن روی عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبي عن قول الله عزّوجلّ « و شاهد و مشهود » فقال أبو جعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما تقرأ القرآن ؟ قال الله عزّوجلّ : « ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر (ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ «و شاهد و مشهود» سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: «شاهد» روز جمعه و «مشهود» روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین که برای تو گفته شده است نیست؛ بلکه «شاهد» روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزّوجلّ فرموده است: ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود.

1- ازدواج با عروس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 23 - 24، 6، 7

6_ حرمت ازدواج مرد با همسر فرزند خویش

حرمت . . و حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم

7_ جواز ازدواج با همسر پسر خوانده و یا پسر رضاعی

حرمت . . و حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم

24_ حرمت ازدواج مرد با همسر نوه دختری خویش

و حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم

امام باقر (ع): . . . انهما (حسن و حسین (ع)) من صلب رسول الله قال الله تعالى «و حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم»، فسلهم یا ابا الجارود هل کان یحلّ لرسول الله نکاح حلیلتیهما؟ فان قالوا: نعم کذبوا و فجروا و ان قالوا: لا فهما ابناه لصلبه.

کافی، ج 8، ص 318، ح 501؛ نورالثقلین، ج 1، ص 461، ح 147.

2- محدوده حجاب عروس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 18

18 - زنان مؤمن، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره، انگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر، پدر، پدر شوهر و پسران خود هستند.

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباء بعولتهنّ أو ابنائهنّ

8- عزت

1- عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 62 - 10

10_ عزت و حکمت مطلق ، معیار الوهیت است .

و ما من اله الا الله و انّ الله لهو العزيز الحكيم

جمله «و ان الله . . .»، تعلیلی برای «ما من اله ...» است.

2- آثار ایمان به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 74 - 4

4- ایمان به توانایی و عزت مطلق خدا ، ره یابی به توحید و ربوبیت یگانه‌ء او است .

إنّ الله لقویّ عزیز

3- آثار درک عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 9

9- درک عزت و حکمت مطلق خداوند ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح و تنزیه او

سَبِّحْ لِلَّهِ .. و هو العزيز الحكيم

جمله «و هو العزيز الحكيم» بیانگر دلیل تسبیح گویی مخلوقات است؛ یعنی، آنها بدان جهت خداوند را تسبیح می گویند که او را عزیز و حکیم می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 1 - 12

12 - درک فرامانروایی، قداست، عزّت و حکمت خدا، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

ص: 51

يَسْبِحُ لِلَّهِ .. الملك القدوس العزيز الحكيم

ذکر اوصاف «ملک»، «قدوس» و .. پس از «يَسْبِحُ لِلَّهِ...»، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد؛ یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

4- آثار ذکر عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 65 - 7

7 _ توجه به انحصار عزت برای خداوند و شنوایی و دانایی مطلق او، برطرف کننده اندوه ایجاد شده از جنجال های تبلیغاتی دشمنان است

و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 5 - 6

6 - توجه به شکست ناپذیری خداوند و مهربانی او، برانگیزاننده امید به امداد های الهی در دل مؤمنان است .

ينصر من يشاء وهو العزيز الرحيم

آوردن دو وصف «عزّت» و «رحمت» _ پس از بیان امداد الهی و این که خداوند، هر کس را که بخواهد یاری خواهد کرد _ می تواند به منظور ایجاد امید در دل مسلمانان صدر اسلام باشد که درباره خود نیز انتظار چنین امدادهایی را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 4

4 - توجه و اعتقاد به عزت آفرین بودن خداوند، موجب عزت طلبی و آزاداندیشی و سبب دوری از ذلت پذیری و پستی است .

من كان يريد العزة فلله العزة جميعاً

جمله «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» تعلیل برای جواب مقدر «من» می باشد؛ یعنی، هر کس طالب عزت است، از خدا جويا شود؛ زیرا همه عزت ها از آن او است. این معنا می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- توجه به عزّت و شکست ناپذیری خداوند ، مقتضی خصومت نورزیدن در برابر قرآن و قوانین آن *

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز الحکیم

تذکر خداوند به مردم، درباره عزت و پیروزمندی خود، می تواند از آن جهت باشد که آنان را هشدار دهد تا مبادا در برابر کتاب و قوانین او، به ستیز برخیزند؛ زیرا کاری از پیش نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 5

ص: 52

5- توجّه به عزّت و پسندیده بودن خداوند ، زمینه ساز پیدایش ایمان و پرهیز از آزارسانی به مؤمنان است .

أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

5- آثار عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 40 - 10

10_ عذاب گنهکاران ، مظهر عزت و حکمت خداوند و آمرزش توبه کاران ، جلوه غفران و رحمت او

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ

چنانچه «يعذب .. و يغفر» اشاره به آیات پیشین داشته باشد. بیان عزت و حکمت خداوند پس از «فاقطعوا» و ذکر غفران و رحمت او پس از «فان الله يتوب عليه» در آن آیات، حاکی از برداشت مذکور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 26

26- قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 217 - 4

4- قدرت شکست ناپذیر و رحمت گسترده الهی ، مقتضی توکل و اعتماد مؤمنان بر او

و تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 219 - 3

3- خداوند عزیز و رحیم و آگاه به نماز و راز و نیاز انسان ها ، سزاوار اعتماد و توکل کردن آنان بر او

و تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ . الذی ... و تَقَلَّبْكَ فِي السِّجْدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 42 - 5

5 - عزت و حکمت خداوند، دلیل شایستگی او، برای بودنش به عنوان معبودی یکتا است.

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

این برداشت، بنابر حال بودن جمله «و هو العزيز..» برای ضمیر «من دونه» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 5 - 5

5 - مشیت خداوند در یاری انسان ها، برخاسته از عزت و رحمت او است.

ص: 53

ينصر من يشاء و هو العزيز الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - روم - 30 - 27 - 13

13 - آفرينش نخست انسان ها و باز آفريني آنان پس از مرگ ، مقتضای حکمت و عزت خداوند است .

و هو الذى يبدؤا الخلق ثم يعيده .. و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 9 - 6,7

6 - عزت و حکمت خداوند ، منشأ تخلف ناپذيري وعده های او است .

وعد الله حقاً و هو العزيز الحكيم

7 - عزت و حکمت الهی ، مقتضی کيفر کافران و پاداش مؤمنان است .

فبشره بعذاب أليم .. لهم جنات النعيم ... و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - سجده - 32 - 6 - 7

7 - اداره و تدبير امور جهان ، برخاسته از علم و عزت و رحمت الهی است .

يدبر الأمر .. ذلك عـلم الغيب والشهـده العزيز الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 27 - 11

11 - عزت و حکمت خداوند ، مقتضی نداشتن هرگونه شريکی است .

كلاً بل هو الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 8 - 14

14 - عزت و حکمت بی مانند خداوند ، مقتضی دل بستن و امید داشتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» تعلیل برای جمله های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 17

17 - عزت مندی و آمرزندگی خداوند ، نشانه استحقاق انحصاری او برای الوهیت و عبادت

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأَشْرِكَ بِهِ... وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مؤمن آل فرعون، در رد آیین شرک و بت پرستی، به معرفی خدایی پرداخت که دو صفت عزت مندی و آمرزندگی را دارا است و این خود نوعی استدلال بر بطلان شرک و اثبات حقانیت عقیده توحیدی می

ص: 54

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 3 - 7,8,10

7 - عزت خداوند ، ضامن بقاء و استحکام وحی و معارف الهی است .

یوحی إلیک .. الله العزیز الحکیم

از توصیف خداوند به عزیز و ارتباط صدر و ذیل آیه، می توان استفاده کرد که عزت خداوند مانع از بین رفتن معارف الهی است.

8 - معارف والای کتاب های آسمانی ، برخاسته از حکمت گسترده و عزت خداوندی است .

یوحی إلیک .. العزیز الحکیم

ذکر صفت عزت و حکمت برای خداوند و ارتباط صدر و ذیل آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

10 - تحقق وحی در نظام طبیعت و انتخاب آن به عنوان راه ارتباط خداوند با خلق ، متکی به عزت و حکمت او است .

کذلک یوحی إلیک .. الله العزیز الحکیم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف عزیز و حکیم نظر به توجیه و تبیین اصل وحی داشته و پاسخی به دو پرسش باشد: الف) آیا راستی وحی امری ممکن است؟ ب) چرا شیوه وحی به عنوان راه ارتباط خدا با خلق انتخاب شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 24 - 8

8 - لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

الله لطیف بعباده .. و هو القوی العزیز ... و یمح الله البطل

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 7 - 5

5 - شکل گیری و پیدایش قوانین و قوای هستی ، در پرتو عزت و حکمت ازلی خداوند *

و لله جنود السموت و الأرض و كان الله عزيزاً حكيماً

از ارتباط دو بخش آیه (و لله جنود...) با (و كان الله...)، می توان به مطلب بالا ره یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 1 - 8

8 - عزت و حکمت خداوند ، نشانه منزّه بودن او از هر عیب و نقص (همچون داشتن شریک و ...)

ما فی السموت و الأرض و هو العزيز الحكيم

توصیف خداوند به «عزیز» و «حکیم» بودن - پس از یادآوری تسبیح همه موجودات برای خداوند - حکایت از آن دارد که حقیقتی مانند خداوند عزیز و حکیم، از هر عیب و نقصی (مانند داشتن شریک) مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 21 - 6

ص: 55

6 - نیرومندی و شکست ناپذیری خداوند ، تضمین کننده پیروزی پیامبران بر دشمنانشان

كتب الله لأغلبنّ أنا ورسلي إنّ الله قويّ عزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 18 - 1

1 - سپاسداری ، بردباری ، آگاهی از نهان و آشکار ، عزّت و حکمت خداوند ، مقتضی تقوایبشگی ، حرف شنوی ، فرمان بری و انفاق در راه او است .

فاتّقوا الله .. اسمعوا و أطيعوا و أنفقوا ... و الله شكور حلیم ... العزيز الح

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که میان ذکر اوصاف خداوند در دو آیه پایانی، با فرمان الهی به تقوایبشگی، فرمان بری و انفاق، ارتباط وجود دارد. این مطلب می تواند اشاره به برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 8 - 4

4 - عزّت خداوند (مغلوب نشدن او در برابر هیچ چیز) و پسندیده بودن تمام کار های او ، دلیل ایمان آوردن کسانی بود که به دست اصحاب « اخدود » سوختند .

و ما نعموا منهم إلاّ أن يؤمنوا بالله العزيز الحمید

6- آثار عقیده به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 3

3 - اعتقاد به عزت و شکست ناپذیری خدا ، هموار کننده راه ایمان به رستاخیز و توانایی خدا بر احیای مردگان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُو العزيز

با توجه به مفاد آیات پیش (انکار معاد از سوی کافران و ارائه نشانه های قدرت خدا بر برپا ساختن رستاخیز و پایان بخشیدن موضوع یاد شده با ذکر عزت خدا) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - آگاهی و اعتقاد به عزت مندی و آمرزندگی خداوند، منشأ خشیت و خداترسی عالمان راستین و اهل معرفت

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ»، در مقام تعلیل برای «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ . . .» می باشد؛ زیرا عزت مندی خداوند، نشانگر کمال قدرت او بر انتقام و کیفر است. هم چنین آمرزنده بودن خداوند، آن گاه صادق است که او بر کیفر و عقوبت قادر باشد. بنابراین توجه به این قدرت است که موجب خشیت و خداترسی خواهد شد.

12 - آگاهی و اعتقاد به عزت مندی و آمرزندگی خداوند، موجب خشیت و خداترسی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 7

7 - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلّا أن يؤمنوا بالله العزيز . . . إنّ الذين آمنوا و عملوا الصّـلحـت لهم جنّـت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. «الصالحات»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی، تمام آن چه میسر است. «جنّه»؛ یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

7- آرزوی عزت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 87 - 8

8 - عزّت اخروی و بهشت پر نعمت ، والاترین آرزو و درخواست ابراهیم (ع) از خداوند

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم . . . و لاتخزنی یوم یبعثون

از این که دو مسأله یاد شده، به عنوان آخرین آرزو و درخواست ابراهیم(ع) بوده است، می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

8- ادعای عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 15 - 6

6 - انسان ها ، هنگام برخورداری از نعمت و رفاه ، خود را نزد خداوند ، عزّت مند و با کرامت می پندارند .

فأما الإنسان إذا . . . نعمة فيقول ربّي أكرمن

اکرام در فعل های «أکرمه» و «أکرمن»، به یک معنا نیست؛ زیرا لحن آیه شریفه گوینده «ربّي أکرمن» را نکوهش کرده؛ با آن که اکرام را در «أکرمه» پذیرفته است. بنابراین در «أکرمه» مراد «رساندن نفع بدون خواری و ذلت» است _ که در «مفردات راغب» از معانی اکرام شمرده شده _ و در «أکرمن» مقصود «با عظمت شمردن و بی عیب دانستن» است که در «قاموس» آمده است.

9- ازلیت عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 6

6 - خداوند ، دارای عزّت و حکمتی گسترده و ازلی

و كان الله عزيزاً حكيماً

ص: 57

10- اقرار به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 1

1 - اعتقاد و اقرار مشرکان عصرت بعثت ، به عزت و دانایی آفریدگار هستی

و لئن سألتهم .. ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

11- اهل مدین و عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 92 - 1

1_ مردم مدین در عصر شعیب (ع) ، خداوند را کاملاً به فراموشی سپرده و از شکوه و عزت او غافل بودند .

أرھطی أعزّ علیکم من الله واتخذتموه ورآکم ظھریّاً

«ظھریّ» به چیزی گفته می شود که آدمی آن را به پشت سر می اندازد و کنایه از چیز فراموش شده ای است که اعتنایی به آن نمی شود و از آن جایی که جمله «اتخذتموه ورآکم» (خداوند را پشت سر انداختید) نیز کنایه از «خدا را فراموش کردید» می باشد، کلمه «ظھریّاً» حال مؤکده خواهد بود.

12- اهمیت عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 10

10_ دعوت خداوند از مردم ، برای دستیابی به عزت و قدرتی شکست ناپذیر در پرتو عزت او

ایبتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 5

5 - عزت و سرافرازی ، آرزو و آرمان انسان ها

من کان یرید العزّه فلله العزّه جميعاً

13- اهمیت عقیده به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 13

ص: 58

13 - توجه و اعتقاد به عزت و غفران خداوند ، برخوردار از اهمیتی والا در میان مجموعه معارف الهی

ألا هو العزيز الغفّر

14- اهمیت علم به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 18

18 - عزت مندی و آمرزندگی خداوند ، از دانستنی های مهم در معارف توحیدی

أنا أدعوكم إلى العزيز الغفّر

از این که مؤمن آل فرعون در شناساندن خدا و توحید ربوبی او، از دو صفت عزت مندی و آمرزندگی او یاد کرده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

15- خدا و عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 65 - 5

5_ خداوند ، منشأ تمامی عزتهاست .

إن العزه لله جميعاً

16- درخواست عزت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 194 - 12، 16

12_ خردمندان ، خواستار عزت و سرفرازی از خداوند در دنیا و آخرت

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

16_ خواری و عزت در قیامت ، تنها در اختیار خداوند است .

و لا تخزنا یوم القیمه

17- درخواست عزت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 2

2- عزت طلبان ، باید عزت خود را تنها از خدا خواسته و در اسلام جویا شوند .

من كان يريد العزّه فليله العزّه جميعاً

ص: 59

برداشت یاد شده به این خاطر است که جواب شرط «من کان..» مقدر است. تقدیر آن چنین می تواند باشد: «من کان یرید العزّه فلیطلبها من عند اللّٰه» یا «فلیستجب إلی دعوه الإسلام ففیها العزّه».

18- درخواست عزت از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 16

16 - ناکامی انسان ، در تلاش برای کسب عزت از غیر خدا

من کان یرید العزّه .. و مکر أولئک هو بیور

به قرینه صدر آیه شریفه _ که از عزت خواهی انسان و انحصار عزت ها در پیشگاه خداوند سخن گفته بود _ به دست می آید که یکی از مصادیق شکست مکر کافران، عزت طلبی آنان از غیر خدا است.

19- درخواست عزت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 194 - 12

12 _ خردمندان ، خواستار عزّت و سرفرازی از خداوند در دنیا و آخرت

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

20- دلایل عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 2 - 4

4- مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل شکست ناپذیری و ستودگی اوست .

العزیز الحمید. اللّٰه الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 17

17- میراندن انسان ها و نابود کردن جوامع و تمدن ها ، دلیل قدرت بی مانند و شکست ناپذیر خداوند است .

أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفْهَمَ الْغُلَبُونَ

زیر سؤال بردن و نفی کردن پیروزی و چیرگی کافران در برابر قدرت الهی (أفهم الغالبون)، پس از طرح مسأله مرگ و میر انسان ها به وسیله خداوند، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 2 - 5

ص: 60

5 - توانایی مطلق خداوند بر اعطای رحمت به بندگان و یا منع آن از ایشان ، دلیل عزّت‌مندی او است .

ما يفتح الله للناس من رحمه فلاممسك لها . . . و هو العزيز

از توصیف خداوند به عزّت‌مندی در پایان آیه، برداشت یاد شده به دست می آید.

21- زمینه درک عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 11

11 - مطالعه در موجودات هستی ، راهنمای انسان به شناخت خدا و عزّت و حکمت او

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ . . . و هو العزيز الحكيم

22- زمینه عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 27 - 6

6 - ایمان و دفاع از دین تا مرز شهادت و ایثار ، موجب غفران الهی و رسیدن به عزت و کرامت در پیشگاه خدا است .

قال يقوم اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . . . إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونَ . قيل ادخل الجنة . . . ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 17 - 8

8 - راه دستیابی به عزّت و گران قدری در پیشگاه خداوند ، گرمی داشتن یتیمان است ؛ نه برخورداری از رفاه و ثروت .

و نَعْمَ يَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَن . . . كَلَّا بَلْ لَا تَكْرَمُونَ الْيَتِيمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 8

8 - راه رسیدن به عزّت و شرافت در پیشگاه خداوند ، احسان به مسکینان و تشویق دیگران به آن است ؛ نه افزایش ثروت و رفاه .

رَبِّي أَكْرَمَن . . . كَلَّا بَلْ . . . وَلَا تَحْضُونِ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ

23- زمينه عزت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - فتح - 48 - 2 - 1

1 - صلح حديبيه ، مايه شوكت اسلام و فروختن كينه ها و خصومت هاى مشركان نسبت به پيامبر (صلى الله عليه و آله)

ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر

ص: 61

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از «غفران» و «ذنب» معنای رایج آن نیست؛ زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود؛ ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و باز شناخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

24- زمینه عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 4 - 3

3- مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، پشتوانه عزت (قاهر بودن) و حکمت (کاردانی) خداوندی است .

اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

25- زمینه عقیده به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 74 - 3

3- معرفت درست در باره خدا ، زمینه ساز اعتقاد به قدرت و عزت مطلق و نامحدود او

ما قدرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

26- سوگند به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 82 - 1

1 - سوگند ابلیس به عزت پروردگار

قال فبِعزَّتِكَ

27- سوگند به عزت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 44 - 6

6 - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

وقالوا بعزّه فرعون

ص: 62

28- ظهور عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 20 - 16

16 - ظهور قدرت و شکست ناپذیری خداوند برای کافران ، در جهان آخرت

و هو القویّ العزیز . . . و ما له فی الآخره من نصیب

29- عجز از درک عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 8 - 13

13 - درک عزتمندی خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

ولله العزّه . . . ولکنّ المنفقین لایعلمون

30- عجز از درک عزت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 8 - 13

13 - درک عزتمندی خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

ولله العزّه . . . ولکنّ المنفقین لایعلمون

31- عجز از درک عزت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 8 - 13

13 - درک عزتمندی خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

ولله العزّه . . . ولکنّ المنفقین لایعلمون

32- عزت اخروی اولیاء الله

4 - « عن الزهري قال : سمعت علي بن الحسين (ع) يقول : . . . « إذا وقعت الواقعة » يعني القيامة ليس لوقعتها كاذبه . « خافضه »
خففت و الله بأعداء الله إلى النار « رافعه » رفعت و الله أولياء الله إلى الجنة . . . ;

زهري گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه «إذا وقعت الواقعة» می فرمود: . . . یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که

در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] «خافضه» است؛ به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و «رافعه» است؛ به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...».

33- عزت اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 85 - 7

7- برانگیختن تقوایبندگان در قیامت _ با اکرام و احترام ویژه _ نمودی از رحمانیت خداوند و عزت بخشی او است .

واتخذوا من دون الله الهةً لیکونوا لهم عزاً. .. یوم نحشر المتقین إلى الرحمن

34- عزت اخروی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 26 - 5

5_ نیکوکاران در سرای آخرت همواره شادمان ، بانشاط ، گرامی و عزیز خواهند بود .

لذین أحسنوا .. و لا یرهق وجوههم قتر و لا ذله

«رهق» به معنای پوشاندن و «قتر» به معنای دود سیاه و «ذله» _ مقابل «عزت» _ به معنای خفت و خواری است ؛ یعنی، بر چهره نیکوکاران غبار غم و اندوه خواری نخواهد نشست و این کنایه است از اینکه، آنان همواره شاد و همه جا ارجمند خواهند بود.

35- عزت اخروی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 9

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان همراه او ، به دور از هرگونه خذلان و رسوایی و برخوردار از کرامت و عزت در قیامت

یوم لایخزی الله النبی و الذین ءامنوا معه

36- عزت اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 3 - 2

2 - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة .. خافضه رافعه

ص: 64

37- عزت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 15

15 - مؤمنان رنجیده از ستم گمراهان، سرافراز و مقتدر، در صحنه قیامت

وقال الذين آمنوا إنّ الخسرین الذين خسروا. .. یوم القیـمه

از ملامت و سرزنش مؤمنان نسبت به کافران، اقتدار و سربلندی مؤمنان استفاده می شود؛ آنانی که مصداق «لمن صبر و غفر» هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 3 - 2

2 - کافران و مستکبران، مردمی زیون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة . . . خافضه رافعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 9

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان همراه او، به دور از هرگونه خذلان و رسوایی و برخوردار از کرامت و عزّت در قیامت

یوم لایخزی اللّٰه النبیّ و الذین آمنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 5

5 - جایگاه مؤمنان در آخرت، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران، پست و ذلّت آفرین است .

هم أضحـب المشثمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است؛ زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است؛ وگرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

38- عزت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 126 - 5,7

5_ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزّت و حکمت خداوند

و ما النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

7_ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند ، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

ص: 65

و ما التَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

39- عزت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 9

9- حفظ عزت بنیامین و در مانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقواییشان صبور و نیکوکار است .

قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

40- عزت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 3

3 - مؤمنان بهشتی ، در اوج عزت و احترام به سر می برند .

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مَكْرُمُونَ

41- عزت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 9

9- جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخوردارند .

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

42- عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 9

9 - از حضرت علی (ع) روایت شده است : « . . . إِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرَهُ بِالْمَوْتِ إِعْزَازَ نَفْسِهِ وَ إِذْلالَ خَلْقِهِ وَ قَرَأَ « وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ

ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ . . . »

.. . همانا خداوند با قرار دادن مرگ [برای بشر] اراده فرموده که عزت خود و زیونی خلقش را نشان دهد. سپس این آیه را تلاوت فرمود:
«كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 66

12_ آگاهی از عزت و حکمت الهی ، زمینه تسلیم در برابر خداوند و دوری از متابعت شیطان

ادخلوا فی السلم . . . و لا تتبعوا ... ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21_ عزّت و نفوذناپذیری خداوند در انجام خواسته های حکیمانه خویش

و لو شاء الله لا عنتکم ان الله عزیز حکیم

23_ عزت خداوند ، پشتوانه نفوذ مشیت اوست .

و لو شاء الله لا عنتکم ان الله عزیز حکیم

جمله «ان الله . . .» دلیل است برای «لو شاء ...» یعنی اگر خداوند اراده حکمی مشقت آمیز می کرد، چون عزیز و غالب است، اراده اش نافذ بود؛ ولی چنین مشیّتی نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

25_ عزّت و قدرت شکست ناپذیر الهی ، پشتوانه مجازات متخلفان از احکام و قوانین الهی

و المطلّقات یتربّصن . . . و لا یحلّ لهن ... و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

25_ توجّه به عزّت و حکمت الهی ، هموارکننده شناخت چگونگی زنده شدن مردگان

و اعلم ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14_ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذین کفروا .. انّ الله کان عزیزاً حکیماً

بنابر اینکه جمله «انّ الله ..» ، بیان علتی برای «سوف نصلیهم ناراً» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 14، 11، 10، 8

8_ تمامی عزّت ها ، تنها از آن خداوند است .

فان العزّه لله جميعاً

10_ دعوت خداوند از مردم ، برای دستیابی به عزت و قدرتی شکست ناپذیر در پرتو عزت او

أیتغون عندهم العزّه فان العزّه لله جميعاً

11_ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی ، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أیتغون عندهم العزّه فان العزّه لله جميعاً

ص: 67

14 _ مؤمنان ، برخوردار از عزت الهی

أیتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

اگر مؤمنان از عزت الهی برخوردار نباشند، باید دوستی با آنان نیز ممنوع باشد، چون ملاک رد دوستی با کافران، فقدان عزت در میان آنان شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 158 - 6,7

6 _ معراج حضرت مسیح (ع) امری حکیمانه و پرتوی از عزتمندی خداوند

بل رفعه الله إلیه و كان الله عزیزاً حکیماً

بیان عزتمندی و کاردانی خداوند پس از جمله «بل رفعه الله إلیه» برای اشاره به این است که بالا بردن عیسی (ع) برخاسته از حکمت و عزت خداوند بوده است.

7 _ عزت، قهر و غلبه خداوند، آمیخته با حکمت است .

كان الله عزیزاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 165 - 10,13

10 _ فرستادن پیامبران مقتضای عزتمندی و حکمت خداوند

رسلا مبشرین و منذرین . . . و كان الله عزیزاً حکیماً

13 _ حجت نداشتن مردم در برابر خداوند، نمودی از عزت او

لئلا یکون للناس علی الله حجه بعد الرسل و كان الله عزیزاً حکیماً

با توجه به ارتباط عزیز با اتمام حجت، این معنا بدست می آید که اگر اتمام حجت نمی کرد مردم علیه خداوند اقامه دلیل می کردند و این با عزت خداوندی ناسازگار بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 38 - 13

13_ تشریح حد سرقت، جلوه ای از عزت و حکمت خداوند

فاقطعوا ایدیهما... و اللّٰه عزیز حکیم

توصیف خداوند به «عزیز» و «حکیم» پس از بیان حد سرقت، نقش این دو صفت را در تشریح آن حد نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 95 - 22,23

22_ خداوند عزیز (پیروزمند شکست ناپذیر) و سخت انتقام گیر است.

و اللّٰه عزیز ذو انتقام

خداوند بدان لحاظ خویشتر را صاحب و مالک انتقام نامیده که گویا عقوبت‌های دیگران در مقایسه با عقوبت و انتقام وی، عقوبت نامیده نمی شود و این دلالت بر شدت عقوبت‌های الهی دارد.

23_ توجه به عزت و انتقام‌گیری خداوند زمینه ترک محرمات

و اللّٰه عزیز ذو انتقام

ص: 68

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 118 - 11، 13

11 - عزت و اقتدار خداوند ، دلیل امکان آمرزش مشرکان

و إن تغفر لهم فانك انت العزيز الحكيم

13 - عذاب های خداوند ، برخاسته از عزت و حکمت اوست .

و إن تعذبهم .. فانك انت العزيز الحكيم

جمله «فانك انت ..» همانگونه که جزای مقدر در «ان تغفر لهم» را بیان کرده است می تواند به جزای تقدیری «ان تعذبهم» نیز نظر داشته باشد در این صورت مفاد آیه این می شود: هیچ جای اعتراضی بر خداوند نیست زیرا وی اولاً عزیز است و محکوم هیچ حکمی نخواهد شد و ثانیاً حکیم است و افعال وی و از جمله عذاب و مغفرت بندگان همواره بر اساس حکمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 96 - 5

5 - شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلک تقدیر العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 10 - 6

6 - پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند الله إن الله عزیز حکيم

جمله «إن الله عزیز حکيم» تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 63 - 13

13_ ایجاد الفت و محبت بین مؤمنان ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند

و ألف بین قلوبهم . . . و لكن الله ألف بینهم إنه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 71 - 24

24_ عزت و حکمت الهی ، تضمین کننده تحقق وعده ها و بشارت های او به مؤمنان

أولئك سیرحمهم الله إن الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 65 - 4

ص: 69

4_ تمامی عزت ها از آن خداوند است .

إن العزة لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 92 - 10، 4، 2

2_ شعيب (ع) از مردم خویش خواست با در نظر گرفتن عزت و شکوه خداوند ، معارف و احکام الهی را بپذیرند .

أرهطى أعزّ عليكم من الله

با توجه به اینکه جمله «أرهطى أعزّ . . .» پاسخ شعيب (ع) در برابر «لولا رهطك ...» است، می توان گفت: مقصود او این است که اگر به خاطر عزت خاندانم مرا سنگسار نمی کنید، چرا عزت و شکوه خداوند را_ که از هر کسی عزتمندتر است_ در نظر نمی آورید و غیر او را پرستش می کنید و

4_ خداوند ، از همگان عزتمندتر و به رعایت جانب او در کارها و تصمیم گیری های سزاوارتر و بایسته تر است .

قال ی_ قوم أرهطى أعزّ عليكم من الله

10_ سیطره خداوند بر رفتارها ، عزت و شکوه برتر او و ضرورت احساس حضور در پیشگاه او ، پاسخ شعيب (ع) به سخنان نا به جا و ناروای مردم مدین

وإن لنرى ک فینا ضعيفًا . . . قال ی_ قوم أرهطى أعزّ عليكم من الله... إن ربی بمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 60 - 13، 12

12- عزّت و حکمت ، مظهر عالی ترین صفات خداوند

ولله المثل الأعلى و هو العزيز الحكيم

13- عزّت و حکمت خداوند ، ناسازگار با اسناد دختر به او

و يجعلون لله البنات . . . و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 10

10- خداوند ، دارای عزّت و کبریایی مطلق است .

و لم یکن له ولیّ من الذلّ و کبره تکبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 1

1 - خداوند ، تنها قدرت قاهر شکست ناپذیر

و إنّ ربّک لهو العزیز

«العزیز» مسند محلی به «ال» جنس و مفید حصر است. گفتمنی است که اهل لغت در معنای «عزیز» گفته اند: «الغالب الذی لایغلب؛ پیروزمندی که شکست نمی خورد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 68 - 2

ص: 70

2 - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ

«عزیز» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 2

2 - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

«العزیز» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 2

2 - خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

واژه «العزیز» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 2

2 - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ

کلمه «العزیز» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 159 - 2

2 - خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

وإنّ ربّك لهو العزيز

کلمه «العزيز» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 1

1 - خداوند ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

وإنّ ربّك لهو العزيز

واژه «العزيز» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 2

2 - خدا ، تنها قدرت قاهر و شکست ناپذیر

ص: 71

وإنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

«العزیز» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 78 - 10

10 - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 26 - 11

11 - اتکای حضرت ابراهیم (ع) به عزت و حکمت خداوند در هجرت خویش

إِنِّي مَهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 12

12 - عزت و حکمت خداوند ، مظهر عالی ترین صفات او است .

و له المثل الأعلى . . . و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 27 - 6

6 - عزت و حکمت خداوندی ، دلیل بی شماری کلمات و مقدرات او است .

ما نفدت كلمت الله إنَّ الله عزيز حكيم

جمله «إنَّ الله عزيز حكيم» به منزله تعلیل برای «مانفدت. . .» است. بنابراین، معنا چنین می شود: «کلمات خداوند، پایان ناپذیر است؛ چون او حکیم و عزیز است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تداوم نسل انسان ، با آبی پست (منی) ، نمونه عزت و علم و تدبیر الهی است .

اللّٰه الذی . . . و بدأ خلق الإنسـن من طین . ثمّ جعل نسله من سلـله من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 25 - 13، 11

11 - توان مندی خداوند ، با عزّت و شکست ناپذیری او همراه است .

و كان اللّٰه قویّاً عزیزاً

«عزیزاً» می تواند خبر دوم برای «کان» باشد و می تواند صفت برای «قویّاً» باشد. بنابر احتمال دوم، نکته یاد شده به دست می آید.

13 - عزّت و شکست ناپذیری خداوند ، سر منشأ امداد او به مؤمنان مدینه برای نجات از شکست حتمی بود .

ص: 72

هنالك ابتلى المؤمنون وزلزلوا .. ورد الله الذين كفروا ... و كان الله ... ع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 10 - 1

1 - همه عزت ها از آن خدا و تنها به دست او است .

من كان يريد العزّه فليله العزّه جميعاً

«ال» در «العزّه» جنسيه و مفيد استغراق است؛ يعنى، «كلّ عزّه لله». تقديم خبر (لله) بر مبتدا (العزّه)، مفيد حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 180 - 3,5,2

2 - خداوند ، تنها پروردگار صاحب عزت

سبحن ربك رب العزّه

اضافه «رب» به «عزّه»، اضافه اختصاصيه و مفيد معنای لام اختصاص است؛ مانند: «صاحب صدق» (كسى كه راستى به او اختصاص دارد).

3 - تمامی عزت ها ، از آن خداوند است .

سبحن ربك رب العزّه

برداشت ياد شده از آن جا است كه «ال» در «العزّه» جنسيه و مفيد استغراق و شمول كامل است؛ يعنى، همه عزت هاى موجود در عالم، به پروردگار جهان اختصاص دارد.

5 - نسبت هاى مشركان به خداوند و توصيف هاى آنان از او ، ناسازگار با مقام عزت او است .

سبحن ربك رب العزّه عمّا يصفون

يادآورى وصف «عزت» براى خداوند، در وقت تنزيه او از توصيف ها و نسبت هاى مشركان، مى تواند گويای حقيقت ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - قمر - 54 - 42 - 4,7

4 - مجازات فرعونیان از سوی خداوند ، از موضع عزت و اقتدار کامل بود .

فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

7 - اقتدار و توان مادی فرعونیان ، مقهور در برابر اقتدار و شکست ناپذیری خداوند

فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 18، 13

13 - خداوند یگانه ، پیروزمندی شکست ناپذیر است .

هُوَ اللَّهُ... الْعَزِيزُ

18 - فرمانروای مقتدر و شکست ناپذیر هستی ، منزّه از هر گونه شریک

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

ص: 73

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 5 - 11

11 - اقتدار و شوکت کافران ، ناچیز در برابر اقتدار شکست ناپذیر الهی

ربّنا إنّک أنت العزیز الحکیم

جمله «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ» _ که بیانگر حصر عزت و اقتدار در خداوند است _ تعریض به قدرت های کفر دارد که در صدد مفتون و معذب ساختن مؤمنان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 8

8 - عزت و حکمت ، تنها از آن خداوند است .

و هو العزیز الحکیم

مسند در «هو العزیز ..» همراه با الف و لام جنس و مفید حصر است؛ یعنی، «ما العزیز إلاّ هو و ما الحکیم إلاّ هو».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 8 - 9

9 - عزّت و پیروزمندی ، تنها از آن خداوند است .

و لله العزّه

تقدیم «لله» بر «العزّه»، افاده حصر می کند؛ یعنی، «ما العزّه إلاّ لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 41 - 6

6 - خداوند ، قادر مطلق و شکست ناپذیر است .

إنا لقرّون .. و ما نحن بمسبوقین

43- عزت صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 12

12_ اقتدار و عزت تقوایبشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یـأیها العزیز . . . قد منّ الله علینا

مصدق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف(ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

44- عزت طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 5

ص: 74

5 - عزت و سرافرازی ، آرزو و آرمان انسان ها

من كان يريد العزّه فله العزّه جميعًا

45- عزت طلبی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 5

5 - دلبستگی بلقیس به آبادی سرزمین و عزت و سربلندی مردم خویش

قالت إنّ الملوک .. و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

علت آوردن بلقیس برای پرهیز از جنگ، نشانگر اهتمام او در حفظ آبادی سرزمین و عزت جامعه خویش است.

46- عزت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 44 - 5

5 - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلما جاء السحره .. و قالوا بعزّه فرعون

47- عزت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 12

12_ اقتدار و عزت تقوایبشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یأیها العزیز .. قد منّ الله علینا

مصدق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف(ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

48- عزت محسانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12_ اقتدار و عزت تقوایبشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یـأیها العزیز . . . قد منّ الله علینا

مصدق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف(ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

ص: 75

49- عزت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 3 - 40 - 10

10 - عزت ، علم ، گناه آمیزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 23 - 59 - 14

14 - هر موجودی شکست پذیر مقهور ، نالایق برای پرستش است .

لا إله إلا هو .. العزيز

با توجه به این که آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ضروری خداوند است؛ از مفهوم آیه استفاده می شود که موجود فاقد این اوصاف، شایسته الوهیت نیست.

50- عزت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 9

9 - مؤمنان راستین در پیشگاه خدا ، بسیار عزیز و محترم هستند .

إنما نحن مستهزءون. الله يستهزئ بهم

خداوند در مقام پاسخ، به استهزاگری منافقان نسبت به مؤمنان خود در مقام پاسخ و دفاع برآمده و با ابتدا به نام جلاله «الله» خود را استهزا کننده آنان قرار داده است. این نحوه برخورد گویای نکاتی از جمله: مقام و عزت مؤمن در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 14

14 - مؤمنان ، برخوردار از عزت الهی

أيتبعون عندهم العزة فإن العزة لله جميعاً

اگر مؤمنان از عزت الهی برخوردار نباشند، باید دوستی با آنان نیز ممنوع باشد، چون ملاک رد دوستی با کافران، فقدان عزت در میان آنان شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 2 - 11

11_ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزت مؤمنان، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است.

وَأَنَّ اللَّهَ مَخْزِي الْكَافِرِينَ

ص: 76

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 14 - 2

2_ خدا، خواستار شکست و ذلت دشمنان دین و پیروزی و عزت مؤمنان است.

قتلوهم يعذبهم الله بأيديكم ويخزهم وينصركم عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 8 - 15

15 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ فَوَّضَ إلى المؤمن أُمُورَهُ كُلَّهَا و لم يفوِّضَ إليه أن يكونَ ذليلاً أما تسمع قول الله عزَّوجلَّ يقول : « ولله العزَّة و لرسوله و للمؤمنين » . . . »

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: خدای عزوجل تمام امور مؤمن را به شخص وی واگذار نموده؛ ولی [اختیار] ذلیل بودن و ذلت کشیدن را به او نداده است. آیا نشنیده ای سخن خدای عزوجل را که می فرماید: «ولله العزّه و لرسوله و للمؤمنین...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 3

3 - مؤمنان بهشتی ، در اوج عزت و احترام به سر می برند .

أولئك في جنّات مكرمون

51- عزت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 10

10_ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقوایبندگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

52- عقیده به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 82 - 5

5- ابلیس ، معتقد و معترف به عزت و قدرت پروردگار

فبعزّتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 1

1 - اعتقاد و اقرار مشرکان عصرت بعثت ، به عزت و دانایی آفریدگار هستی

ولئن سألتهم... ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

ص: 77

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 246 - 18

18 _ پیکار در راه خداوند ، عزّت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا الاّ نقاتل في سبيل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 10، 16، 20

10 _ خداوند هر کس را که بخواهد عزیز و هرکس را که بخواهد ، ذلیل می کند .

و تعزّ من تشاء و تُذِلّ من تشاء

16 _ اعطای ملک و عزّت و نیز سلب آن از جانب خداوند ، تنها بر اساس خیر و مصلحت است .

مالک الملک تؤتی الملک . . . بیدک الخیر

20 _ قدرت مطلق خداوند ، منشأ اعطای حاکمیت و عزّت

تؤتی الملک من تشاء . . . تعزّ من تشاء ... انک علی کل شیء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 15

15 _ کسب عزت ، تنها در گرو محبت خداوند و پذیرش ولایت اوست .

أيتبعون عندهم العزّة فإن العزّة لله جميعاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که هدف منافقان در دوستی با کافران رسیدن به عزت است، می فرماید که عزتها از آن خداست. یعنی اگر طالب عزت هستید، باید ولایت خدا را پذیرا شوید و با او پیمان مودّت داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 1 - 20

20- عزّت ، غلبه و کمال ، پیامد پیمودن راه خدا و پیروی از آموزه های قرآن است .

کت_ب . . . إلى صراط العزيز الحميد

اضافه شدن «صراط» به «العزيز الحميد» اشاره به این نکته دارد که سالک این راه، راه عزّت و کمال را می پیماید؛ زیرا حمد و ستایش در برابر کمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 4

4- عبادت و اطاعت خدای یگانه ، تنها راه عزّت و سعادت

وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ .. لَهُمْ عِزًّا

ص: 78

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 1

1- پرستش غیر خدا ، هرگز مایه عزت نیست .

لیکونوا لهم عزاً . کلاً

«کلاً» ردع و انکار نسبت به این پندار مشرکان است که پرستش معبودها را مایه عزتمندی خویش می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 15

15- پیروی از پیامبران و آیات الهی ، موجب عزت و شرافت است .

لولا أرسلت . . . فنتبع آئی تک من قبل أن نذلل ونخزي

منتفی بودن «ذلت» و «خزی»، در صورت پیروی از آیات و رسولان الهی، مساوی با عزت داشتن و شرافت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 10 - 6

6- قرآن ، مایه شرافت و آوازه انسان و امت اسلام است .

کتـ یا فیه ذکرکم

از جمله معانی که اهل لغت برای واژه «ذکر» بیان کرده اند، «شرافت» و «صیت» (آوازه) است (قاموس المحيط). بنابراین مقصود از «فیه ذکرکم» این است که شرافت و آوازه، در پرتو قرآن و عمل به آن است. گفتنی است مقصود از ضمیر مخاطب «کم» هم می تواند تمامی انسان ها باشد و هم می شود خصوص امت اسلام باشد که در برداشت، هر دو لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 6 - 9

9 - هدایت قرآن ، منجر به عزت و ستودگی می شود .

یهدی إلی صراط العزیز الحمید

ذکر دو صفت «عزیز» و «حمید» به جای سایر صفات خداوند (به عنوان مضاف الیه «صراط») اشعار دارد به این که راهی که قرآن انسان ها را به آن رهنمون می کند، راه خدایی است که عزت و ستودگی دارد و طی کنندگان آن راه هم آن دو صفت را به دست خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 13، 4، 3

3 - اسلام و تعالیم آسمانی ، مایه عزت و سربلندی است .

من کان یرید العزّه فللّه العزّه جمیعاً

4 - توجه و اعتقاد به عزت آفرین بودن خداوند ، موجب عزت طلبی و آزاداندیشی و سبب دوری از ذلت پذیری و پستی است .

من کان یرید العزّه فللّه العزّه جمیعاً

جمله «فَللّٰهُ الْعِزَّةُ جَمِیْعًا» تعلیل برای جواب مقدر «من» می باشد؛ یعنی، هر کس طالب عزت است، از خدا جو یا شود؛ زیرا همه عزت ها از آن او است. این معنا می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

ص: 79

6 - عزت و ذلت انسان ها ، به انتخاب و به دست خود او است .

من كان يريد العزّه فله العزّه جميعاً

برداشت یاد شده، از واژه «یرید» به دست می آید.

13 - ایمان و عقیده درست همراه با عمل صالح ، وسیله تحصیل عزت و سربلندی است .

من كان يريد العزّه فله العزّه جميعاً إليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرف

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط میان جمله مورد بحث با صدر آیه شریفه (مسأله عزت و صعود کلام و عمل صالح) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 1 - 6

6 - قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده حکمت به آنان است .

تنزيل الکتب من الله العزيز الحكيم

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی (خدایی) نازل گشته که دارای عزت و حکمت است، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و حکمت آموز برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 2 - 6

6 - قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده دانش به آنان

تنزيل الکتب من الله العزيز العليم

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی نازل شده که دارای عزت و علم است، (خدا)، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و دانش آموز برای بشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 11

11 - کسانی که در تنگنای اقتصادی به سر می برند ، در صورت احترام به یتیمان و ترغیب دیگران به فقرزدایی از جامعه ، نزد خداوند گرامی بوده و از حقارت و خواری مبرا خواهند بود .

فيقول ربّي أهـنن . كلاً بل لانكرمون اليتيم . ولاتحـضون على طعام المسكين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - فجر - 89 - 19 - 7

7- رعايت حق ارث ديگران ، مایه عزّت نزد خداوند و پایمال کردن آن ، ذلّت آور است .

ربّي أكرمن . . . ربّي أهـنن . كلاً بل . . . تأكلون التراث أكلاً لّمّا

54- عوامل عزت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 80

19 - ایمان ، موجب عزت و سربلندی فرد در قیامت

وقال الذین ءامنوا . . . یوم القی_مه

از سرزنش و ملامت مؤمنان، نسبت به ظالمان _ که با عملکرد خویش موجب خسران و خفت خود در قیامت شده اند _ این نکته استفاده می شود که مؤمنان به واسطه ایمان، عزت و سعادت خود را تأمین نموده اند.

55- عوامل عزت رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 10

10- رفتار خوب و بد اقوام ، موجب سرفرازی و یا شرمساری رهبران آنان

فلما جاء ءال لوط المرسلون . . . وقضینا إلیه ذلک الأمر أن دابر ه_ؤلاء مقطوع ... ق

از اینکه فرستادگان خداوند برای اعلام عذاب قوم لوط به منزل لوط(ع) رفتند و آن حضرت قومش را از هر عملی که موجب شرمساری او شود نهی فرمود، به دست می آید که لوط(ع) در موقعیت یک رهبر در جامعه تلقی شده است.

56- عوامل عزت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 10 - 6

6- قرآن ، مایه شرافت و آوازه انسان و امت اسلام است .

کت_بأ فیه ذکرکم

از جمله معانیی که اهل لغت برای واژه «ذکر» بیان کرده اند، «شرافت» و «صیت» (آوازه) است (قاموس المحيط). بنابراین مقصود از «فیه ذکرکم» این است که شرافت و آوازه، در پرتو قرآن و عمل به آن است. گفتنی است مقصود از ضمیر مخاطب «کم» هم می تواند تمامی انسان ها باشد و هم می شود خصوص امت اسلام باشد که در برداشت، هر دو لحاظ شده است.

57- کفر به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 _ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ يقول المنافقون و الذين .. . فإن الله عزيز حكيم

از اینکه خداوند منافقان و بیمار دلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله «إن الله عزيز حكيم» منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

ص: 81

58- مال دوستان و عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 2

2 - پندار عزت در پیشگاه خداوند ، برای کسانی که گرفتار مال دوستی اند ، پنداری موهوم است .

رَبِّي أَكْرَمَن ... كَلَّا ... وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

59- محرومان از عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 65 - 6

6_ مشرکان ، مردمی ذلیل ، حقیر و بی بهره از عزتند .

و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 19 - 4

4 - متجاوزان به حقوق دیگران ، گرچه از نعمت و کرم خداوند برخوردار شوند ، از عزت و شرافت مندی در نزد او محروم خواهند بود .

نَعْمَ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَن ... كَلَّا ... وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا

60- مشرکان صدر اسلام و عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 2

2- مشرکان عصر بعثت ، عزت و اعتبار خود را در پرستش معبودان ساختگی خود می دانستند .

ليكونوا لهم عِزًّا

61- مظاهر عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - بعثت پیامبران ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند است .

ربنا وابعث فيهم رسولا .. . إنك أنت العزيز الحكيم

ص: 82

62- ملاک عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 17 - 11

11 - پندار ذلت برای یتیمان ، مایه توهم معیار بودن ثروت برای عزت مندی است .

نعمه فيقول ربّي أكرمن .. كلاً بل لا تكرمون اليتيم

کلمه کلاً_ به قرینه تقابل «اکرمن» و «لا تکرمون» این نکته را گوشزد می کند که گوینده «ربّي اکرمن»، اگر یتیمان را محترم و گرامی می دانست، ثروت را مایه احترام نزد خداوند، قرار نمی داد؛ زیرا در آن صورت معترف بود که یتیم با وجود محرومیت از ثروت نیز گرامی است؛ ولی حال که یتیمان را گرامی نمی شمارد، این گمان برای او پدیدار شده است که فقط ثروتمندان نزد خداوند محترم اند.

63- منشأ عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 194 - 16

16_ خواری و عزت در قیامت ، تنها در اختیار خداوند است .

و لا تخزنا يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 65 - 5

5_ خداوند ، منشأ تمامی عزتهاست .

إن العزة لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 19

19_ برخورداران از نعمت و عزت و مکت ، باید به خدادادی بودن آنها توجه داشته و بدان اقرار کنند .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - همه عزت ها از آن خدا و تنها به دست او است .

من كان يريد العزّه فليلّ العزّه جميعاً

«ال» در «العزّه» جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، «کلّ عزّه لله». تقدیم خبر (لله) بر مبتدا (العزّه)، مفید حصر است.

2 - عزت طلبان ، باید عزت خود را تنها از خدا خواسته و در اسلام جویا شوند .

من كان يريد العزّه فليلّ العزّه جميعاً

برداشت یاد شده به این خاطر است که جواب شرط «من كان..» مقدر است. تقدیر آن چنین می تواند باشد: «من كان يريد

العزّه فليطلبها من عند الله» يا «فليستجب إلى دعوه الإسلام ففيها العزّه».

64- موانع عزت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

4 - نساء - 4 - 139 - 9

9_ پذیرش ولایت کافران ، هرگز مایه عزت و سربلندی نخواهد شد .

أيتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

65- ناپایداری عزت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

17 - دخان - 44 - 49 - 6

6- عزت ها و شرافت های دنیوی ، متکی به گناه و حق ستیزی ، ناپایدار و منتهی به ذلت و درماندگی است .

ذق إنك أنت العزيز الكريم

نبوت و عزت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 16

16 - عدم تنافی شکوه و قدرت و امکانات مادی با مقام نبوت و مراتب عالی معنوی

قال إنه صرح ممرّد من قوارير

تعبیر «صرح ممرّد من قوارير» بیان گوشه ای از برخورداری ها و حشمت و شوکت سلیمان(ع) است. این در حالی است که او پیامبری بزرگ و دارای جایگاهی ارجمند در مقامات معنوی بود.

66- نشانه های عزت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

20 - فجر - 89 - 15 - 9

9- برخورداری از نعمت و رفاه ، نشانه شرافت مندی در پیشگاه خداوند نیست .

و نَعْمه فيقول رَبِّي أكرم من

ص: 84

67- نشانه های عزت بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 85 - 7

7- برانگیختن تقوایبندگان در قیامت - با اکرام و احترام ویژه - نمودی از رحمانیت خداوند و عزت بخشی او است .

واتخذوا من دون الله الهه لیکونوا لهم عزا. .. یوم نحشر المتقین إلى الرحمن

68- نشانه های عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 63 - 14

14 - حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

ولکن الله ألفت بینهم إنه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 19

19 - رهایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله ، جلوه عزت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجه . . . کلمه الله هی العلیا و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 2

2 - مالکیت مطلقه خداوند بر جهان هستی ، نشانه انحصار عزت در اوست .

إن العزه لله جميعاً . . . ألا إن لله من فی السموت و من فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 49 - 4

4- به غل و زنجیر بودن مجرمان در قیامت ، جلوه عزت ، انتقام و قهاریت بی همتای خداوند

إن الله عزيز ذو انتقام . . . وبرزوا لله الواحد القهار . و ترى المجرمين يومئذ مقر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 76 - 3

3 - شنوایی ، بینایی ، دانایی و نیز در دست داشتن زمام همه امور ، نشانه هایی از نیرومندی ، عزت و شکست ناپذیری خداوند است .

إنّ الله لقویّ عزیز . . . سمیع بصیر . يعلم . . . وإلى الله ترجع الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 9 - 2

ص: 85

2- رویش گیاهان و تنوع و زیبایی آنها ، نشانی از عزّت و شکست ناپذیری خداوند

أولم يروا كم أنبتنا .. إن في ذلك لآيه... وإن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 68 - 4

4- هلاکت فرعونیان ، نمود عزّت و قدرت پیروزمند خداوند

ثم أغرقنا الآخرين . . . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 4

4- فرجام شوم اخروی قوم شرک پیشه ابراهیم نمود عزّت و قهر الهی

و ما كان أكثرهم مؤمنين . وإن ربك لهو العزيز الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 4

4- هلاکت قوم عاد ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند .

فكذبوه فأهلكنهم . . . وإن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 159 - 4

4- هلاکت ثمودیان ، نمود عزت و قدرت قاهر خداوند

فأخذهم العذاب . . . إن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 5

5- هلاکت قوم لوط ، نمود عزت و قدرت پیروزمند خداوند

ثم دمرنا الآخرين . . . وإن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 5

5 - هلاکت مردم ایکه با عذاب قهر الهی ، نمودی از عزت و شکست ناپذیری خداوند است .

فأخذهم عذاب يوم الظلّه . . . وإن ربك لهو العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 5 - 3

3 - قرآن ، جلوه عزت و رحمت خداوند

و القراءان . . . تنزيل العزيز الرحيم

ص: 86

یادکرد دو صفت «عزت» و «رحمت» خداوند به هنگام نسبت دادن نزول قرآن به او، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 38 - 6

6 - حرکت خورشید بر مدار مشخص و به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود، جلوه ای از عزت و علم خداوند است.

و الشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم

یاد شدن دو صفت «عزت» و «علم» خداوند، پس از طرح مسأله حرکت خورشید، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 9 - 7

7 - گزینش رسولان و پیامبران از میان مردم، جلوه ای از عزت و بخشندگی خداوند است.

أم عندهم خزائن رحمة ربك العزيز الوهاب

آمدن دو صفت «عزیز» و «وهاب» برای خداوند، پس از طرح مسأله موهبت نبوت و رسالت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 1 - 4

4 - قرآن، جلوه عزت و حکمت خداوند

تنزيل الکتب من الله العزيز الحكيم

آمدن دو صفت عزت و حکمت خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است.

خلق السموات والأرض... کلّ يجري لأجل مسمى ألا هو العزيز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و... گویای برداشت یاد شده است.

7- پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است.

و من یضلل الله فما له من هاد . و من یهد الله فما له من مضلّ أليس الله بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 2 - 4

4 - قرآن ، جلوه عزت و علم خداوند

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز العلیم

آمدن دو صفت عزیز و علیم برای خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 12

12 - زیبایی و ایمنی آسمان ، نشانی از عزت و علم الهی است .

و زینا السّماء .. و حفظاً ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 19 - 8

8 - مشیت بی چون و چرای خداوند ، نشانی از قدرت شکست ناپذیر او است .

یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 3,8

3 - نشانه های عزت (قاهر بودن) و دانایی آفریدگار جهان ، غیر قابل انکار ، حتی برای مشرکان

ولئن سألتهم .. ليقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

8 - جهان آفرینش ، جلوه ای از قدرت شکست ناپذیر و علم گسترده خداوند است .

خلقهنّ العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 11 - 3

3- قوانین طبیعی مربوط به نزول باران ، نمودی از عزت و دانایی مطلق خداوند

خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزَ الْعَلِيمَ . . . وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 12 - 3,5

3- آفرینش انواع موجودات هستی ، نمودی از عزت و دانایی مطلق الهی است .

خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزَ الْعَلِيمَ . . . وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا

«آزواج»، ممکن است به معنای «اصناف» باشد. ارتباط این آیه با دو آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

5- توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات ، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است .

خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزَ الْعَلِيمَ . . . وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفَلَکِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْکَبُونَ

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

ص: 88

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 42 - 8

8- داوری نافذ الهی در قیامت و ناتوانی همه نیروها در قبال آن ، نمود عزت و اقتدار یگانه او است .

إنَّ یومَ الفِصلِ . . . یومَ لایغنی . . . إنَّه هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 2 - 7

7- عزّت و حکمت الهی ، متجلی در قرآن و مضامین عالی آن

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز الحکیم

ارتباط «تنزیل الکتب» با وصف «العزیز الحکیم»، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 5

5- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من اللّٰه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من اللّٰه العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 7

7 - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثنَ بهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره . . . و کان اللّٰه عزیزًا حکیمًا

از ارتباط «کان اللّٰه . . .» با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 1 - 7

7 - جهان آفرینش ، جلوه عزّت و حکمت خداوند

ما فی السموت و الأرض و هو العزیز الحکیم

تکیه بر دو وصف «عزیز» و «حکیم»، پس از ذکر آسمان ها و زمین، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 2 - 2

2 - شکست یهود بنی نضیر ، نمودی از شکست ناپذیری و حکمت خداوند

و هو العزیز الحکیم . هو الذی أخرج الذین کفروا

ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (و هو العزیز الحکیم) بیانگر ارائه نمونه و مصداق، پس از بیان یک حقیقت کلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 1 - 10

ص: 89

10 - جهان آفرینش ، جلوه عزت و حکمت همه جانبه خداوند

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 2 - 4,5

4 - تجلی عزت و حکمت خداوند در بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

العزیز الحکیم . هو الذی بعث فی الأمّین رسولاً منهم

5 - برانگیخته شدن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از میان غیر اهل کتاب ، برای هدایت خلق از سوی خداوند ، جلوه ای از عزت و حکمت خداوند

العزیز الحکیم . هو الذی بعث فی الأمّین رسولاً منهم

کلمه «أمّین» در قرآن، در مقابل اهل کتاب نیز به کار رفته است. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 3 - 3

3 - برانگیختن هادیان خلق و احیاگران دین ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

بعث فی الأمّین رسولاً... وءاخیرین منهم لَمَّا یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم

69- نقش عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 4 - 15

70- وسعت عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 6

6 - خداوند ، دارای عزت و حکمتی گسترده و ازلی

وكان الله عزيزاً حكيماً

71- ویژگیهای عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 9 - 5

5- عزت و شکست ناپذیری خدا، آمیخته با رحمت و مهر او به بندگان

وإن ربك لهو العزيز الرحيم

ص: 90

در کلمه «الرحیم» دو ترکیب احتمال می رود 1_ خبر دوم 2_ صفت برای «العزیز» برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 68 - 3

3 - عزّت و شکست ناپذیری خدا، آمیخته با رحمت و مهر او به بندگان

و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «الرحیم» صفت «العزیز» باشد، نه خبر دوم آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 104 - 3

3 - عزّت و شکست ناپذیری خدا، آمیخته با رحمت و مهر او به بندگان

و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «رحیم» صفت «عزیز» باشد؛ نه خبر دوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 122 - 3

3 - عزت خدا (قدرت شکست ناپذیر او)، آمیخته با رحمت و مهربانی

و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «رحیم» صفت «عزیز» باشد و نه خبر دوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 140 - 3

3 - عزت خدا (قدرت قاهر و شکست ناپذیر او)، آمیخته به رحمت و مهربانی او با مردمان است.

و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «الرحیم» صفت «العزیز» باشد و نه خبر دوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 159 - 3

3 - عزت خداوند ، آمیخته با رحمت و مهر او به مردمان

وإنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «الرحیم» صفت برای «العزیز» باشد و نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 175 - 3

3 - عزت خداوند (قدرت قاهر و شکست ناپذیر الهی) ، آمیخته با رحمت و مهر او به مردمان

وإنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

ص: 91

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «الرحیم» صفت «العزیز» باشد و نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 191 - 3

3 - عزت (قدرت قاهر و شکست ناپذیر) خدا، آمیخته با رحمت و مهربانی است.

وإن ربك لهو العزيز الرحيم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «الرحیم» صفت برای «العزیز» باشد; نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 11

11 - عزت و شکست ناپذیری خداوند، آمیخته با حکمت و کاردانی او است.

وهو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 9 - 8

8 - عزت و شکست ناپذیری خداوند، آمیخته به حکمت و رعایت مصالح است.

وهو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 27 - 7

7 - عزت الهی، آمیخته به حکمت (کاردانی) او است.

إن الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 6 - 8

8 - عزت و شکست ناپذیری خدا، آمیخته با رحمت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 13

13 - اقتدار و عزت مندی خداوند ، همراه با آمرزندگی و مهربانی نسبت به بندگان است .

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که «غفور» صفت برای «عزیز» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 3 - 6

6 - عزت و پیروزمندی خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

اللّٰه العزيز الحكيم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «حکیم» صفت «عزیز» باشد؛ نه وصف دوم «اللّٰه» البته در صورت دوم نیز مطلب قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 42 - 10

10- اقتدار و عزت خداوند ، آمیخته با رحمت گسترده و جاودان او است .

هو العزيز الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 2 - 8

8 - عزت و اقتدار الهی ، عزتی آمیخته به حکمت

اللّٰه العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 37 - 8

8 - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 2 - 12

12- عزّت و قدرت شکست ناپذیر خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او

العزيز الحكيم

از کنار هم آمدن وصف «عزیز» و «حکیم»، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 7 - 6

6 - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 8

8 - قدرت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با کاردانی و حکمت او است .

و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 1 - 7

ص: 93

7- عزّت و اقتدار الهی، آمیخته با حکمت (کاردانی و مصلحت سنجی) است .

و هو العزيز الحكيم

قرار گرفتن صفت «حکیم» پس از صفت «عزیز»، بیانگر آمیختگی حکمت و عزت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 5 - 9

9- پیرومندی و اقتدار الهی، آمیخته با حکمت او است .

إنك أنت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 20

20- عزت و اقتدار خداوند، توأم با رحمت و لطف او است .

و هو العزيز الغفور

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «غفور» صفت برای عزیز باشد.

ص: 94

9- عزرائیل

1- استزاهای عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 18

18 _ جان کندن ستمگران، همراه با تمسخر ملائکه قبض روح نسبت به آنان و بیان عجز آنان برای رهایی از مرگ است.

أخرجوا أنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون

2- تعدد عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 8

8 _ کارگزاران الهی در قبض روح انسانها، فرشتگانی متعدد هستند.

إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم

3- داستان عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 16

16 _ ملائکه قابض ارواح دارای داستانی هستند که به هنگام گرفتن جان ظالمان آنها را می گشایند.

إذ الظلمون في غمرت الموت و الملائكة باسطوا أيديهم

4- سرزنشهای عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 13

13 _ مشرکان به هنگام مرگ، به سبب اعتقاد به توان و کارایی معبودان خویش، مورد ملامت فرشتگان قرار خواهند گرفت.

قالوا أين ما كنتم تدعون من دون الله

استفهام در جمله «این ما کنتم ..»، استفهام توییخی است.

5- عزرائیل و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 13

13_ مشرکان به هنگام مرگ، به سبب اعتقاد به توان و کارایی معبودان خویش، مورد ملامت فرشتگان قرار خواهند گرفت.

قالوا این ما کنتم تدعون من دون الله

استفهام در جمله «این ما کنتم ..»، استفهام توییخی است.

6- گفتگوی عزرائیل با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 5

5_ گفتگوی فرشتگان مرگ با مشرکان به هنگام گرفتن جان آنان

قالوا این ما کنتم .. قالوا ضلوا عنا

7- مرگ عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 9

9- «عن أبي عبد الله (ع) (فی قوله تعالى): «كَلَّ نَفْسَ ذَانِقَهُ الْمَوْتِ» قال: إِنَّهُ يَمُوتُ أَهْلَ الْأَرْضِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ ثُمَّ يَمُوتُ أَهْلَ السَّمَاءِ... فيقال من بقي؟ فيقول (ملك الموت): يا ربِّ لم يبق إلاَّ ملك الموت فيقال له متَّ يا ملك الموت فيموت؛

از امام صادق(ع) در باره آیه شریفه: «كَلَّ نَفْسَ ذَانِقَهُ الْمَوْتِ» روایت شده که فرمود: تمام اهل زمین می میرند؛ به طوری که احدی باقی نمی ماند، سپس اهل آسمان می میرند. آن گاه پرسیده می شود چه کسی باقی مانده است؟ ملک الموت می گوید: پروردگارا! احدی باقی نمانده مگر فرشته مرگ، پس به او گفته می شود ای فرشته مرگ! بمیر و او می میرد».

8- نجات عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : « ونفخ في الصور فصعق من في السماوات و من في الأرض إلا من شاء الله » قالوا : يا رسول الله من هؤلاء الذين استثنى الله ، قال : جبرئيل و ميكائيل و ملك الموت و اسرائيل و حملة العرش . . . » ;

ص: 96

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: «و نفخ فی الصور.. إلا من شاء الله». [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...».

9- نقش عزرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 6,7,8,9

6_ با فرارسیدن زمان مرگ هر کس، سفیران خداوند جان آدمیان را می گیرند.

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

7_ فرشتگانی غیر از مأموران حفاظت آدمی، وظیفه قبض روح وی را بر عهده دارند.*

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

در صورتی که فرشتگان محافظ همان قابضان روح باشند، مناسبتر آن بود که با ضمیر به آنان اشاره می شد. گزینش «رسلنا» به جای ضمیر قرینه تفاوت ملائکه حافظ با ملائکه قابض است.

8_ فرشتگانی متعدد وظیفه قبض روح هر یک از آدمیان را به عهده دارند.*

حتی إذا جاء أحدکم الموت توفته رسلنا

«رسل»، جمع رسول، و بر بیشتر از دو نفر دلالت دارد. از سوی دیگر مضمون آیه این است که برای هر شخصی که مرگش فرامی رسد، «رسل» حضور پیدا می کنند. بنابراین قابضان روح آدمی بیش از دو نفرند.

9_ هیچ کوتاهی و تأخیری از جانب فرشتگان مأمور قبض روح صورت نمی گیرد.

توفته رسلنا و هم لا یفرطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 14,15

14_ گروهی از فرشتگان، کارگزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

ولو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

15_ ملائکه، جان ستمکاران را با قدرت و شدتی تمام می گیرند.

ولو ترى إذ الظلمون في غمرات الموت و الملائكة باسطوا أيديهم

جمله «باسطوا أيديهم» ممکن است کنایه از قدرت و شدتی باشد که ملائکه به هنگام قبض روح ستمکاران به کار می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 1

1 - به هنگام مرگ ، روح انسان ، به طور کامل ، به دست فرشته مرگ (عزرائیل) گرفته می شود .

قل يتوفّيكُم ملك الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 19، 2

2 - تنها خداوند جان ستان حقیقی انسان ها است و عوامل دیگر (چون عزرائیل) واسطه و مأمور او هستند .

ص: 97

تقدم اسم جلاله (اللّٰه) بر خبر فعلی مقید، تخصیص مضمون خبر است. بنابراین اختصاص جان ستاندن به خداوند _ در حالی که در آیات دیگر این عمل به فرشته مخصوص (ملک الموت) نسبت داده شده _ گویای حقیقت بالا است.

19- « سئل الصادق (ع) عن قول الله عزوجلّ « اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا » . . . فقال إنّ الله تبارك و تعالی جعل لملك الموت أعوناً من الملائكة يقبضون الأرواح . . . فتتوفاهم الملائكة و يتوفاهم ملك الموت من الملائكة مع ما يقبض هو و يتوفاه الله عزوجلّ من ملك الموت ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجلّ: «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» سؤال شد، حضرت فرمود: خداوند _ تبارک و تعالی _ برای ملک الموت دستیارانی از ملائکه قرار داده که ارواح را قبض می کنند. .. پس آنها را ملائکه دریافت می کنند و ملک الموت ارواح را از ملائکه دریافت می کند و به همراه ارواحی که خودش قبض نموده، ضمیمه می نماید و خداوند از ملک الموت تمامی ارواح را دریافت می کند».

10- عزت

1- آثار عزت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 12

12- تأثیر قطع ارتباط با مردم و تمرکز فکری در تقویت قوای جنسی *

أَلَّا تَكَلَّمُ النَّاسِ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا

نشانه ای که برای زکریا قرار داده شد، بدون مناسبت و ارتباط با عوامل منتهی به انعقاد نطفه یحیی نیست، چرا که زکریا فوت گشته و برای انجام چنین کاری آمادگی لازم را ندارد. ترک سخن سه روزه او علاوه بر نشانه بودن ممکن است موجب تمرکز فکری و آمادگی جسمی او برای انعقاد نطفه نیز بوده است.

2- عزت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 4

4- کناره گیری رهبران الهی از جامعه برای مدتی محدود به منظور عبادت خدا، کاری شایسته و نیکو

و إذ وعدنا موسى أربعين ليلة

3- عزت پسندیده رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 4

4- کناره گیری رهبران الهی از جامعه برای مدتی محدود به منظور عبادت خدا، کاری شایسته و نیکو

و إذ وعدنا موسى أربعين ليلة

4- عزت گزینی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- اصحاب كهف ، برای حفظ ایمان خویش ، ناگزیر به کنارگیری از جامعه شرک آلود شدند .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

با توجه به «و ما یعبدون إلاّ الله» معلوم می گردد که اعتزال اصحاب كهف، برای حفظ عقیده و آرمان بوده است.

6- اصحاب كهف ، زندگی سخت و پر مشقت ولی همراه با توحید را ، بر زندگی آسوده در محیط شرک و حاکمیت آن ترجیح دادند .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ الله فأووا إلى الكهف

5- عزت گزینی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 3

3- مریم از خانواده خویش کناره گیری کرد و در شرق مسجدالاقصی مستقر شد .

واذکر .. مریم إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

«انتبذ» از ریشه «نبد» و به معنای دوری جستن است. «مکاناً شرقیاً»؛ یعنی جایگاهی رو به شرق و چون حضرت مریم (س) وقف بر معبد (مسجدالاقصی) شده بود، مقصود مکانی در شرق مسجدالاقصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 1,4

1- حضرت مریم (س) در ناحیه شرقی مسجدالاقصی ، مکانی دور از انظار برای خود برگزید و خود را از مردم پنهان ساخت .

فاتخذت من دونهم حجاباً

«حجاب» به معنای ساتر و چیزی است که حائل می شود. مراد از «اتخذت... حجاباً» افکندن پرده و یا رفتن در مکانی است که دارای پوشش طبیعی، مانند دیوار یا کوه و مانند آن باشد.

4- باردار شدن مریم (س) به فرزندش عیسی (ع) ، وابسته به حضور او در مکانی خلوت و به دور از انظار مردم بود .

فاتخذت من دونهم حجاباً فأرسلنا إليها روحنا

«فاء» در «فأرسلنا» برای تفریح است و نشان می‌هد که کارهای قبلی مریم زمینه آمادگی او برای مقام مادری عیسی (ع) و پذیرش فرشته الهی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 2

2- حضرت مریم (س) در پی حامله شدن به عیسی (ع)، از منطقه خویشاوندان خود فاصله گرفت و به مکان دوردستی رفت.

فحملته فانتبذت به مكاناً قاصياً

«إتباداً» از ریشه «نبد» و به معنای دوری گزیدن است. «باء» در «به» یا برای ملابست و یا سببیه; یعنی دوری گزیدن مریم، همراه حمل خود و یا به خاطر آن، صورت گرفت. «قصی» صفت مشبهه و به معنای «دور» است.

ص: 100

6- عوامل عزت‌گزینی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 8

8- پیدایش عارضه ای ناخوشایند در مریم (س)، وادارسازنده وی به انزوا و دورساختن خویش از مردم *

إذ انتبذت من أهلها

«نبذ»؛ یعنی دورافکندن چیزی بر اثر بی‌اعتنایی به آن و «إنتبذ»، یعنی گوشه‌گیری کردن کسی که ارزش حضور خود نزد مردم را اندک و ناچیز می‌بیند (مفردات راغب). برخی از احتمالاتی که در توجیه کناره‌گیری مریم ذکر شده است - نظیر گذران ایام قاعدگی و مانند آن - با این معنا سازگار است.

ص: 101

11- عزیر (ع)

1- احیای عزیر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 22، 5

5_ خداوند، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال اَنّی . . . فاماته اللّٰه مائه عام ثمّ بعثه

22_ میرانده شدن عزیر و زنده شدن وی پس از صد سال و سالم ماندن خوردنی و آشامیدنی او از فساد و حیات مجدد الاغش، پرتویی از قدرت مطلق الهی

فلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

2- الاغ عزیر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 22، 20، 17

17_ زنده شدن الاغ عزیر پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها، پاسخی به پرسش وی از کیفیت و امکان حیات مردگان

و انظر الى العظام كيف نشزها ثمّ نكسوها لحماً

مراد از «العظام» به قرینه «و انظر الى حمارك»، استخوانهای همان الاغ است؛ چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

20_ درک عزیر از چگونگی معاد و توانایی خدا بر احیای مردگان، پس از مشاهده زنده شدن خویش و عدم فساد طعام و نوشیدنی ها و زنده شدن الاغ

قال اَنّی یحیی . . . قال اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

22_ میرانده شدن عزیر و زنده شدن وی پس از صد سال و سالم ماندن خوردنی و آشامیدنی او از فساد و حیات مجدد الاغش، پرتویی از قدرت مطلق الهی

فلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

3- پرسش عزیر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 2,4,5,17

2_ عبور فردی (عزیر) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسران بر آنند که داستان ذکر شده درباره عزیر پیامبر است؛ گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله «خاویه علی عروشها» را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

4_ آگاهی عزیر به اصل زنده شدن مردگان در رستاخیز و پرسش وی از چگونگی زنده شدن آنان

قال ائی یحیی هذه الله بعد موتها

«ائى یحیی» که استفهام است، دلالت دارد بر اینکه عزیر، اصل احیا را اذعان داشته و از کیفیت آن پرسش کرده است.

5_ خداوند، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال ائی . . . فاماته الله مائه عام ثم بعثه

17_ زنده شدن الاغ عزیر پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها، پاسخی به پرسش وی از کیفیت و امکان حیات مردگان

وانظر الى العظام كيف ننشها ثم نکسوها لحمًا

مراد از «العظام» به قرینه «وانظر الى حمارک»، استخوانهای همان الاغ است؛ چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

4- تکلم خدا با عزیر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 9

9_ گفتگوی عزیر و خداوند

قال کم لبثت قال لبثتُ يوماً أو بعض يوم

5- علم عزیر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 4,10,20

4_ آگاهی عزیر به اصل زنده شدن مردگان در رستاخیز و پرسش وی از چگونگی زنده شدن آنان

قال ائى یحیی هذه اللہ بعد موتها

«ائى یحیی» که استفهام است، دلالت دارد بر اینکه عزیر، اصل احیا را اذعان داشته و از کیفیت آن پرسش کرده است.

10_ گمان عزیر از مرگ طولانی (صد سال) خود، به درنگ یکروزه یا کمتر از آن

قال کم لبثت قال لبثتُ يوماً أو بعض يوم

20_ درک عزیر از چگونگی معاد و توانایی خدا بر احیای مردگان، پس از مشاهده زنده شدن خویش و عدم فساد طعام و

ص: 103

نوشیدنی ها و زنده شدن الاغ

قال اَنِّي يحيى .. قال اعلم انَّ الله على كلِّ شيء قدير

6- قصه عزير (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 266 - 5

5_ داستان ابراهيم (ع) و نمرود و قصه عزير و يا ارميای پیامبر و زنده شدن مرغان کوبیده شده و نیز تمامی احکام و مقررات انفاق ، از آیات الهی است .

الم تر .. او كالذی مرّ ... فخذ اربعة من الطير ... مثل الذین ... كذلك یبین ال

7- مرگ عزير (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 259 - 5, 10, 15, 22

5_ خداوند ، عزير را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال اَنِّي .. فاماته الله مائه عام ثم بعته

10_ گمان عزير از مرگ طولانی (صد سال) خود ، به درنگ یکروزه یا کمتر از آن

قال کم لبثت قال لبثتُ يوماً أو بعض يوم

15_ مرگ صد ساله عزير و حیات وی پس از آن ، شاهد و نشانه ای است برای همگان بر زنده شدن مردگان در رستاخیز

قال اَنِّي يحيى هذه الله .. ولنجعلک ایه للناس

22_ میرانده شدن عزير و زنده شدن وی پس از صد سال و سالم ماندن خوردنی و آشامیدنی او از فساد و حیات مجدد الاغش ، پرتویی از قدرت مطلق الهی

فلما تبین له قال اعلم انَّ الله على كلِّ شيء قدير

8- مسافرت عزير (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2_ عبور فردی (عزیر) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسران بر آنند که داستان ذکر شده درباره عزیر پیامبر است؛ گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله «خاویه علی عروشها» را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

ص: 104

9- نبوت عزیر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 26

26 - عزیر ، از پیامبران الهی *

قال کم لبثت قال لبثت یوماً او بعض یوم

بنابراینکه گفتگوی خداوند با فردی از بشر، حاکی از نبوت وی باشد.

10- یهود و عزیر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 30 - 1,3,4

1 - یهودیان ، « عزیر » را فرزند خدا خواندند .

وقالت الیهود عزیر ابن الله

3 - فرزند خدا خواندن « عزیر » و « مسیح » ، سخنان نسنجیده و باطلی بود که یهود و نصارا به زبان آوردند .

وقالت .. ذلک قولهم بأفوههم

4 - پندار فرزند خدا بودن « عزیر » و « مسیح » ، پنداری است سابقه دار در تاریخ یهود و نصارا .

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

ص: 105

12- عزیز مصر

1- آگاهی عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 9

9_ شناخت عزیز مصر از روحیه زنان و آگاهی او به ترفندهایشان

إن کیدکنّ عظیم

2- تحریک عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 14

14_ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلک سوءاً إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به «أهلک» (همسر تو) استفاده می شود ؛ یعنی ، او با آوردن «أهلک» درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف(ع) بود.

3- تصمیم کارگزاران عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 2

2_ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم . . . لیسجننه

4- تفحص عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 1

1_ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت.

فلما رءا قمیصه قُد من دُبیر

ظاهر این است که ضمیر در «رأی» به عزیز مصر برگردد.

5- خواسته های عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 8

8_ عزیز مصر، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلش را پاس دارد.

لامرأته أكرمی مثنوی_ه

«مثنوی» اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت «أكرمی مثنوی»؛ یعنی، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 1,3

1_ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد.

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا_ که مفاد عبارت «أعرض عن هذا» است_ در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است، نه لب به شکایت نگشودن؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زر خرید بوده_ ناسازگار است.

3_ عزیز مصر، پس از روشن شدن خطای زلیخا، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد.

واستغفیری لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله «استغفیری لذنبك» (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10_ « عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما سمع الملك كلام الصبى . . . قال ليوسف : « أعرض عن هذا . . . » واکتمه قال : فلم یکتبه یوسف و أذاعه فی المدینه حتی قلن نسوه منهنّ إمرأه العزیز تراود فتاها عن نفسه . . . ;

از امام سجّاد(ع) نقل شده است: . . . همین که پادشاه سخن کودک را شنید . . . به یوسف گفت: از این ماجرا درگذر . . . و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای از زنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است . . .».

ص: 107

6- عدالت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 13

13_ عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قمیصه . . . قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

7- عزیز مصر در دوران قحطی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 5

5_ یوسف (ع) ، عزیز مصر در سال های قحطی آن دیار

قالوا یـأیها العزیز

8- عزیز مصر و زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 3،7

3_ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبُر قال إنه من کیدکنّ

7_ عزیز مصر ، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی ، از مکر های زنانه زلیخا شمرد .

إنه من کیدکنّ

محتمل است ضمیر در «إنه» به حقیقتی که از جمله «غَلَقْتُ الْأَبْوَابَ . . .» استفاده می شود ، ارجاع داده شود. برداشت فوق ، بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 3

3_ عزیز مصر ، پس از روشن شدن خطای زلیخا ، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد .

واستغفري لذنبك إنك كنت من الخاطئين

در جمله «استغفري لذنبك» (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد ، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود ، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

9- عزیز مصر و صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 2

ص: 108

2_ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع)، به صداقت او پی برد.

فلما رءا قميصه قُدّ من دُبُر قال إنه من كيدك

10- عزیز مصر و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 7

7_ عزیز مصر در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، پیشداوری نکرد و از تصمیم گیری عجولانه خودداری نمود.

قالت .. قال هی رودنتی عن نفسی و شهد شاهد من أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 1,7,8,13

1_ عزیز مصر برای کشف حقیقت ماجرای یوسف و زلیخا، شخصاً به بررسی و مشاهده پیراهن و نحوه پارگی آن پرداخت.

فلما رءا قميصه قُدّ من دُبُر

ظاهر این است که ضمیر در «رأی» به عزیز مصر برگردد.

7_ عزیز مصر، به دام انداختن یوسف (ع) را برای کام جویی، از مکر های زنانه زلیخا شمرد.

إنه من كيدك

محتمل است ضمیر در «إنه» به حقیقتی که از جمله «غَلَقَتِ الأبواب ..» استفاده می شود، ارجاع داده شود. برداشت فوق، بر اساس این احتمال است.

8_ عزیز مصر، پیشدستی زلیخا در متهم ساختن یوسف (ع) و تعیین کیفر برای او را، از مکر های زلیخا شمرد.

قالت ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً .. إنه من كيدك

برداشت فوق، ناظر به این احتمال است که ضمیر در «إنه ..» به معنایی که از «قالت ما جزاء ...» در آیه 25 استفاده می شود، برگردد و آن معنا، پیشدستی کردن زلیخا برای محقق جلوه دادن خویش و گنه کار نشان دادن طرف مقابل است.

13_ عدالت و انصاف عزیز مصر، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قميصه . . قال إنه من كيدكنّ إن كيدكنّ عظيم

11- عزیز مصر و مجازات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 14

14_ تحریک عزیز مصر از سوی زلیخا برای مؤاخذه و مجازات یوسف (ع)

ما جزاء من أراد بأهلك سوءاً إلا أن يسجن أو عذاب أليم

برداشت فوق ، از تصریح زلیخا به «أهلك» (همسر تو) استفاده می شود ; یعنی ، او با آوردن «أهلك» درصدد تحریک عزیز مصر برای مجازات یوسف (ع) بود.

ص: 109

12- عزیز مصر و مقامات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 5

5_ عزیز مصر در پی خرید یوسف (ع) ، به شخصیت والا و منزلت بلند او اطمینان پیدا کرد .

لامرأته أكرمي مثنوي_ه عسی أن ینفعنا

13- عزیز مصر و مکر زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 9

9_ شناخت عزیز مصر از روحیه زنان و آگاهی او به ترفندهایشان

إن کیدکنّ عظیم

14- عزیز مصر و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 2,6,8

2_ عزیز مصر ، یوسف (ع) را در مصر از کاروانیان خریداری کرد .

وقال الذی اشتری_ه من مصر

«من مصر» محتمل است متعلق به «اشتره» باشد ، و احتمال دارد حال برای «الذی اشتره» باشد. برداشت فوق ، ناظر به احتمال اول است. آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از «الذی اشتره»، عزیز مصر است.

6_ عزیز مصر در نظر داشت از یوسف (ع) در امور خویش بهره گیرد ، و یا او را به فرزندی خود و همسرش برگزیند .

قال الذی . . . أكرمي مثنوي_ه عسی أن ینفعنا أو نتخذہ ولدًا

8_ عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أكرمي مثنوي_ه

«مثنوی» اسم مکان و به معنای منزل و اقامتگاه است. عبارت «اُکرمی مثنوا» ؛ یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 28 - 3,4,5

3_ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع) ، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبُر قال إنه من کیدکنّ

4_ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داورِ ماجرای یوسف و زلیخا را ، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُدّ من دُبُر قال إنه من کیدکنّ

ص: 110

5_ عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع)، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند .

إنه من كيدكّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 29 - 1, 2

1_ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از ماجرای زلیخا_ که مفاد عبارت «أعرض عن هذا» است_ در حقیقت توصیه به مخفی نگه داشتن و نادیده گرفتن است، نه لب به شکایت نگشودن؛ زیرا اقدام علیه زلیخا با ملاحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زر خرید بوده_ ناسازگار است.

2_ تکریم و بزرگداشت یوسف (ع) از جانب عزیز، پس از کشف حقیقت ماجرا

یوسف أعرض عن هذا

«یوسف» مناداست و حرف ندا (یا) از آن حذف شده است عزیز مصر با حذف کردن حرف ندا، تقرب او را نزد خویش بیان می دارد و با نام بردن از او، لطف و مرحمت خویش را به وی اظهار می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 6

6_ یوسف (ع) در دربار عزیز مصر، شخصیتی بزرگ و مورد احترام بود .

و لیکوناً من الصّـغرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 6

6_ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع)، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذَلِك لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنَه بِالْغَيْبِ

چنانچه «ذَلِك لِيَعْلَمَ . . .» کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه «ذَلِك» خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در «يَعْلَمَ» و «لَمْ أَخْنَه» می تواند به «عزیز» باز گردد و می تواند مراد از آن «ملک» باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین «ذَلِك لِيَعْلَمَ . . .» ؛ یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

ص: 111

15- عزیز مصر هنگام خرید یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 4

4_ همسر زلیخا در زمان خرید یوسف (ع) ، سمت « عزیز » را نداشت . *

وقال الذی اشتریه من مصر

یاد نکردن از عنوان عزیز مصر برای خریدار یوسف (ع) ، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

16- عزیز مصر هنگام محاکمه زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 11

11_ شوهر زلیخا به هنگام محاکمه زنان اشراف زنده بود و هم چنان عهده دار منصب عزیزى در حکومت مصر بود .

قالت امرأت العزیز

توصیف زلیخا با وصف «همسر عزیز» می رساند که شوهرش در هنگام محاکمه زنده بود و به سمت عزیزى اشتغال داشت.

17- عقیمی عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 9

9_ عزیز مصر و همسرش زلیخا ، از نعمت داشتن فرزند محروم بودند . *

أو نتخذہ ولدًا

کسانی که فردی را به فرزندى برمی گزینند، معمولاً اشخاصی هستند که فرزند نداشته و از فرزنددار شدن ناامیدند. بنابراین «نتخذہ ولدًا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. بیان گزینش یوسف (ع) به فرزندى با کلمه «عسى»، تأییدکننده این احتمال است.

18- قضاوت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13_ عدالت و انصاف عزیز مصر ، در قضاوت و ابلاغ نظر خویش در ماجرای یوسف (ع) و زلیخا

فلما رءا قمیصه . . . قال إنه من کیدکنّ إن کیدکنّ عظیم

ص: 112

19- ملّیت عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 3

3_ خریدار یوسف (ع) (همسر زلیخا) از شهروندان مصری بود .

وقال الذی اشتریه من مصر

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که «من مصر» متعلق به محذوف و توصیفی برای «الذی اشتراه» باشد ؛ یعنی : قال الذی اشتراه و هو من اهل مصر .

20- همسر عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 30 - 4

4_ زلیخا ، همسر عزیز مصر بود .

امرات العزیز

21- یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 14، 16، 12

12_ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا لیوسف فی الأرض

14_ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و كذلك مكّنا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

عبارت «لنعلّمه» عطف بر عبارتی مقدر است ؛ یعنی : مكّنا لیوسف لنفعل كذا و لنعلّمه . . . ؛ مراد از لنفعل كذا ، اموری است که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند «رأیتهم لی ساجدین» و «كذلك یجتبیک ربك ...» .

16_ آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنّا ليوسف في الأرض ولنعلّمه من تأويل الأحاديث

«لام» در «لنعلّمه» لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 22 - 1

1_ يوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید.

أكرمي مثوىه... و لما بلغ أشده

کلمه «أشدّ» چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده _ جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین «أشدّ» ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

ص: 113

22- یوسف (ع) و عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 25 - 9

9- یوسف (ع) و زلیخا، پس از تعقیب و گریز و باز شدن درب، با عزیز مصر در آستانه آن درب برخورد کردند.

و ألفیا سیدها لدا الباب

«إلفاء» (مصدر ألفیا) به معنای یافتن و مواجه شدن است. «سید» به معنای شریف و دارای مجد است، و مراد از آن در این جا، شوهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 26 - 2

2- یوسف (ع) در نزد عزیز مصر، تمنای نامشروع زلیخا و استتکاف خویش را فاش ساخت، و خود را از هر گونه اراده سوئی مبرا دانست.

قال هی رودتتی عن نفسی

ترکیبهایی نظیر «هی رودتتی» و «أنا قمت» - که مبتدا در معنا فاعل است و خبر آن فعل می باشد - گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. و از آن جا که یوسف (ع) در مقام رفع اتهام از خویش بود، معلوم می شود او از جمله «هی رودتتی» معنای حصر را اراده کرده است. بنابراین «هی راودتتی»؛ یعنی، او (زلیخا) از من درخواست کام جویی داشت و من چنین درخواستی نداشتم و استتکاف ورزیدم.

ص: 114

13- عزی

1- عزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 4

4- «لات» و «عزی» در مرتبه بالاتر از «منات»، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی

از تقدیم «لات و عزی» و توصیف منات به «الثالته» (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

2- نقش عزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 20 - 1

1- «لات»، «عزی» و «منات» مهم ترین خدایان مورد پرستش مردم جزیره العرب

و من وه الثالته الأخری

از یاد کردن نام این سه بت، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

ص: 115

14- عسر و حرج

1- عسر و حرج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 280 - 1, 4

1_ لزوم مهلت دادن به بدهکارِ تنگدست ، تا هنگام پرداخت بدهی خویش به سهولت

و ان كان ذو عسره فنظرة الى ميسره

4_ لزوم مهلت دادن رباخوار تائب به بدهکار تنگدست ، به هنگام باز پس گیری اصل سرمایه اش

و ان تبتم . . . فنظرة الى ميسره

2- عسر و حرج در روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 8

8 - کسانی که روزه ماه رمضان برای آنان مشقت بار و طاقت فرساست ، نباید روزه بگیرند .

و علی الذین یطیقونه فدیة

«اطاقه» به معنای قدرت داشتن بر انجام کار و یا صرف کردن تمام قدرت برای انجام آن است. لازمه معنای دوم، انجام دادن فعل با رنج و مشقت است. به نظر می رسد مراد از «یطیقونه» معنای دوم باشد. بنابراین «و علی الذین یطیقونه فدیة»؛ یعنی، کسانی که [اگر بخواهند روزه بگیرند] باید تمام قدرت خویش را برای این کار صرف کنند و در نتیجه به رنج و زحمت می افتند، روزه نگیرند؛ بلکه فدیة بپردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 22

22 - سختی و دشواری روزه بر مریض و مسافر ، دلیل و حکمت برداشتن روزه از آنان است .

و من كان مریضاً . . . یرید الله بكم اليسر ولا یرید بكم العسر

جمله «یرید الله . . .» را می توان ناظر به جمله «من كان . . .» دانست و آن را دلیل و حکمت برداشتن روزه از مسافر و مریض شمرد و نیز می توان آن را ناظر به اصل و جوب روزه و بیان حکمت آن دانست. برداشت فوق بر اساس نظر اول است.

3- قاعده نفی عسر و حرج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 9

9- تکالیف شرعی در صورتی که برای انسان طاقت فرسا باشد، لازم الاجرا نیست.

و علی الذین یطیقونه فدیة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 22

22- سختی و دشواری روزه بر مریض و مسافر، دلیل و حکمت برداشتن روزه از آنان است.

و من کان مریضاً... یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر

جمله «یرید الله...» را می توان ناظر به جمله «من کان...» دانست و آن را دلیل و حکمت برداشتن روزه از مسافر و مریض شمرد و نیز می توان آن را ناظر به اصل و جوب روزه و بیان حکمت آن دانست. برداشت فوق بر اساس نظر اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 91 - 17، 21، 4

4_ در میان مجموعه احکام اسلام، حکم حرجی (مشقت آفرین) وجود ندارد.

لیس علی الضعفاء... حرج

17_ رفع تکلیف حرجی (مشقت بار) و نیز جعل قاعده احسان، جلوه غفران و رحمت الهی برای بندگان

ما علی المحسنین من سبیل و الله غفور رحیم

21_ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «... إن الله یحتج علی العباد بما آتاهم و عرّفهم... و ما امروا إلا بدون سعتهم... و کل شیئی لا یسعون له فهو موضوع عنهم... ثم تلا «لیس علی الضعفاء و لا علی المرضى و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج»...»

... به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد... و هر تکلیفی که در وسع بندگان نباشد، از آنها برداشته شده... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: «بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست»...»

7- تحمل حرج و مشقت ، در انجام تکالیف دینی ، لازم نیست .

ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى

اطلاق «لتشقى» شامل مشقت در انجام تکالیف نیز می گردد، گرچه مورد آیه، مشقت در راه ابلاغ معارف قرآن به دیگران است.

ص: 117

1- تشویق به استفاده از عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 14

14- استفاده از عسل طبیعی ، مورد تشویق خداوند است .

فیه شفاء للناس

برداشت فوق، از آهنگ تشویق گونه آیه شریفه استفاده می شود.

2- تنوع رنگ عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 11

11- عسل های طبیعی و خالص ، به رنگ های گوناگون است .

یخرج من بطونها شراب مختلف ألونه

3- شفا بخشی عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 13,22

13- عسل ، دارویی شفا بخش برای تمامی انسانها

فیه شفاء للناس

22- « عن أمير المؤمنين (ع) قال : . . . لعق العسل شفاء من كلّ داء قال الله تبارك و تعالی : « يخرج من بطونها شراب مختلف ألوانه فیه

شفاء للناس » و هو مع قراءة القرآن . . . » ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: .. یک انگشت عسل، شفای همه دردهاست. خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

«یخرج من بطونها شراب مختلف ألوانه فیه شفاء للناس» و این در صورتی است که همراه با قرائت قرآن باشد...».

4- فواید عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 13

13- عسل ، دارویی شفابخش برای تمامی انسانها

فیه شفاء للناس

5- مکان تولید عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 10

10- شکم زنبور های عسل ، محل تبدیل میوه ها و شهد گیاهان به عسل

ثمّ کلی من کلّ الثمرت . . . یخرج من بطونها شراب

6- منشأ تنوع رنگ عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 12

12- گوناگونی رنگ عسل ، نتیجه استفاده زنبور های عسل از گیاهان گوناگون است .

ثمّ کلی من کلّ الثمرت . . . یخرج من بطونها شراب مختلف ألونه

ذکر گوناگونی عسل پس از بیان تغذیه زنبورهای عسل از میوه ها و گیاهان مختلف، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

7- منشأ تولید عسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 69 - 7

7- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبیل ربّک ذللاً

8- نه‌های عسل بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 7,27

7- وجود نه‌هایی از آب‌های زلال، شیرهای گوارا، شراب‌های مسرت‌آفرین و عسل خالص در بهشت

ص: 119

فيها أنه ر من ماء غير ءاسن وأنه ر من لبن لم يتغير طعمه وأنه ر من خمر لذه للشـ

27- « عن معاوية بن حيدة : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول في الجنة بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثم تشقق الأنهار منها بعد ;

معاوية بن حيدة می گوید: از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است».

ص: 120

1- آداب عصا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 69 - 4

4 - حمل عصا با دست راست ، از آداب عصا به دست گرفتن است .

وَأَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ

کارهای پیامبران و سنت های آنان _ جز در مواردی که به شخص آنها مربوط می شود _ جملگی برای ما قابل پیروی است. بودن عصا در دست راست موسی (ع) و ذکر شدن آن در قرآن، نشانه برتری و مزیت این عمل است.

2- انکا به عصا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 12

12 - سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ

3- تبدیل عصا به اژدها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 107 - 4, 5, 3, 2

2_ عصای موسی (ع) در برابر فرعون به ماری بزرگ تبدیل شد .

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

3_ تبدیل عصای موسی (ع) به ماری بزرگ ، دور از انتظار فرعونیان

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

«إِذَا» در «فإِذَا هِيَ ...» برای مفاجات و بیانگر دو معناست: بین مفاد جمله قبل و بعد اقتران زمانی است، مفاد جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره انجام شده است.

4_ نبودن هیچ فاصله زمانی بین افکنده شدن عصای موسی (ع) و تبدیل آن به ماری بزرگ

ص: 121

فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين

5_ اژدهای تبدیل شده از عصای موسی (ع)، اژدهایی واقعی و تردیدناپذیر

فإذا هي ثعبان مبين

توصیف «ثعبان» به «مبین» (آشکار و واضح)، به این نکته اشاره دارد که آن اژدها واقعی بود، نه وهمی و خیالی، و حرکات و سکناش به گونه ای بوده است که در اژدها بودن آن برای کسی جای تردید وجود نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 32 - 3,4

3 - تبدیل عصای موسی (ع) به اژدها، پدیده ای شگفت و دور از انتظار فرعونیان

فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين

برداشت یاد شده از «إذا» فجائیه استفاده می شود؛ زیرا این کلمه می رساند که مفاد جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره انجام شده است.

4 - عصای موسی پس از تبدیل شدن به اژدها، حرکت و پیشروی کرد.

فإذا هي ثعبان مبين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «ثعبان» از ریشه «ثعب» (آب جاری) بوده و این اشاره ای به حرکت و پیشروی اژدها داشته باشد.

4- تبدیل عصا به مار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 20 - 2,3,5

2 - عصای موسی (ع) در پی افکنده شدن، به ماری در حال حرکت تبدیل شد.

فألقیها فإذا هي حیة تسعى

3 - افکنده شدن عصای موسی و تبدیل شدن آن به مار، هم زمان بود.

فإذا هي حیة

«اذا» برای مفاجاه است و بر وحدت زمان جمله قبل و بعد دلالت دارد.

5- عصای موسی (ع) پس از تبدیل شدن به مار، جان داشت و با اراده خود جست و خیز می کرد.

حیّه تسعی

خداوند در داستان مقابله موسی(ع) و ساحران در آیات بعد، در باره سحر ساحران فرموده است: «يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَتْهًا تَسْعَى»؛ مقایسه آن با فعل «تسعی» (در این آیه) گویای حقیقی بودن حرکت عصای موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 2

1 - خداوند به موسی (ع) فرمان داد عصای تبدیل شده به مار را بدون ترس از زمین برگیرد.

قال خذها

2 - موسی (ع) از گرفتن عصای مار شده خویش در بیم و هراس بود.

ص: 122

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 32 - 2

2 - تبدیل ناگهانی عصای موسی به اژدهایی واقعی و تردید ناپذیر

فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 10 - 3,4

2 - تبدیل ناگهانی عصای موسی به ماری پرتحرک ، در پی افکندن آن بر زمین

فلما رءاها تهتت كائها جان

«اهتزاز» (مصدر «تهتت») به حرکت تند و سریع گفته می شود. «جان» نیز به گفته مفسران، گونه ای از مار باریک است که بسیار چست و چالاک می باشد.

3 - تبدیل عصای موسی به اژدهایی بزرگ اما به چالاکي مار های کوچک

فلما رءاها تهتت كائها جان

با توجه به این که در جای دیگر تبدیل عصا به اژدهایی بزرگ (فإذا هي ثعبان مبين) آمده احتمال می رود که تعبیر «كائها جان» در این جا نه از آن باب باشد که عصای موسی در مرتبه نخست به شکل ماری کوچک و در دفعات دیگر به شکل اژدها درآمده بود بلکه تشبیه آن به مار کوچک از جهت حرکت تند و سریعی است که آن مار داشته است.

4 - ترس و گریز بی تأمل موسی (ع) ، با مشاهده تبدیل عصای دست خویش به ماری چالاک

فلما رءاها تهتت كائها جان ولي مدبرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 31 - 3,4

3 - فرار بی درنگ موسی (ع) در پی مشاهده عصای خود بسان ماری چست و چالاک

فلما رءاها تهتت كائها جان

4- ندا و فرمان خدا به موسی (ع) مبنی بر پیش آمدن و نترسیدن از عصای مار شده خویش

ی_موسی اقبل و لاتخف

5- تبدیل مار به عصا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 3

3- خداوند ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که عصای مار شده _ پس از گرفته شدن _ به حالت اول بر خواهد گشت .

و لاتخف سنعیدها سیرتها الأولى

«سیره» در اصل به معنای حالت و هیئت سیر است، ولی به صورت مجاز، بر هر صفت و حالتی اطلاق می شود. در جمله «سنعیدها سیرتها» حرف «الی» در تقدیر است، که حذف آن، کلمه را منصوب به نزع خافض کرده است؛ یعنی «سنعیدها

ص: 123

إلى سيرتها» یا «سنعید إليها سيرتها».

6- فواید عصا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 18 - 4

4- عصا در دست گرفتن و تکیه بر آن در راه رفتن و ایستادن ، کاری مطلوب و مفید است .

هی عصای اُتوگُوا علیها

تقدیم تکیه دادن بر دیگر فواید عصا _ در سخن نقل شده از موسی(ع) _ نشان اهمیت این استفاده در مجموع فواید دیگر است. این اهمیت با توجه به سلامت جسمانی، بلکه نیرومندی موسی(ع) وضوح بیشتری می یابد.

7- منشأ تبدیل عصا به مار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 4

4- تبدیل عصای موسی (ع) به مار و بازگشت آن به صورت اولیه ، وابسته به اراده خداوند بود .

سنعیدها

8- منشأ تبدیل مار به عصا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 21 - 4

4- تبدیل عصای موسی (ع) به مار و بازگشت آن به صورت اولیه ، وابسته به اراده خداوند بود .

سنعیدها

ص: 124

1- آثار عصمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 14

14- مقام عصمت ، مانع از خوف و هراس از خداوند نیست .

و هم بآمره يعملون . . . و هم من خشیته مشفقون

2- ارزش عصمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 101 - 9

9_ معصوم ، پرهیزکننده از تمامی گناهان با استعانت از خداوند

و من يعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم

امام صادق (ع): .. المعصوم هو الممتنع بالله من جميع محارم الله وقال الله تبارک و تعالی: «و من يعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم».

معانی الاخبار، ص 132، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 304، ح 1.

3- امکان عصمت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 19

19 - امکان دارد که برخی از انسان ها ، از عصمت ویژه خدادادی برخوردار شوند .

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

4- زمینه عصمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 14

14_ پیامبران ، برای مصون ماندن از گناه و پایداری بر عصمت ، همواره و در هر حال به توفیق و امداد های الهی نیازمندند .

وإلا تصرف عني كيدهنّ أصب إليهنّ

5- عصمت آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 33 - 7

7_ عصمت آدم (ع) پس از هبوط به زمین و برگزیده شدن به نبوت

انّ الله اصطفى ادم

امام رضا(ع): ... و كانت المعصية من ادم (ع) في الجنة لا في الارض ... فلما اهبط الى الأرض و جعل حجه و خليفه عصم بقوله عزّ و جلّ: «انّ الله اصطفى ادم ...».

عیون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 193، ح 1، ب 14؛ نورالثقلین، ج 1، ص 328، ح 98.

6- عصمت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 125 - 5

5_ حضرت ابراهیم (ع) ، انسانی متعادل و به دور از هرگونه انحراف و گرایش به باطل

و اتبع مله ابرهیم حنیفاً

در برداشت فوق کلمه «حنیفاً»، توصیف برای «ابراهیم» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16_ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرک‌ورزی ، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما کان لنا أن نشرك بالله من شیء ذلک من فضل الله علینا

7- عصمت از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 1,2

ص: 126

1_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، معصوم از گناه و مصون از خطا و لغزش

و لولا فضل الله علیک و رحمته لهمت طائفه منهم ان یضلوك

2_ فضل و رحمت خاص الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موجب مصونیت وی از خطا و لغزش

و لولا فضل الله علیک و رحمته لهمت طائفه منهم ان یضلوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 14

14 - فرشتگان ، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند .

لا یعصون الله ما أمرهم و یفعلون ما یأمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لا یعصون الله...» عصمت فرشتگان و «یفعلون ما یأمرون» اشاره به مصونیت آنان از خطا در انجام وظایف داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 28 - 2

2- پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

لیعلم أن قد أبلغوا رسـلـت ربهم

8- عصمت از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 124 - 24

24 - عصمت از گناه شرط امامت است .

قال لاینال عهدی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 1

1_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، معصوم از گناه و مصون از خطا و لغزش

و لولا فضل الله علیک و رحمته لهمت طائفه منهم ان یضلوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 11، 8، 6

6_ یوسف (ع) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

8_ پیامبران در پرتو امداد های الهی ، از گناه و فحشا ، مصون و معصومند .

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

از عبارت «لنصرف عنه . . .» (تا بدی و پلیدی را از او دور سازیم) _ که دور ساختن گناه از یوسف(ع) را به خداوند نسبت داده

ص: 127

است _ معلوم می شود مشاهده برهان نیز به توفیق الهی و امداد او بوده است.

11_ بندگان خالص (آنان که کاملاً در اختیار خدایند) هرگز آلوده به گناه نشده و مرتکب هیچ معصیتی نمی شوند .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 14

14 - فرشتگان ، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند .

لايعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لايعصون الله...» عصمت فرشتگان و «يفعلون ما يؤمرون» اشاره به مصونیت آنان از خطا در انجام وظایف داشته باشد.

9- عصمت اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 16

16_ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی ، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء ذلک من فضل الله علينا

10- عصمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 67 - 19

19 - عصمت پیامبران ، در بیان احکام الهی و ارائه آنها به مردم

أنتخذنا هزواً قال أعود بالله أن أكون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 43

43_ آیاتی که موهم صدور گناه از پیامبران است از متشابهات قرآن و علم به تأویل آن تنها نزد خدا و راسخان در علم می باشد .

و اخر متشابهات ... و ما يعلم تأويله

امام رضا (ع): ... اتق الله ولا تنسب الى انبياء الله الفواحش و لا تتأول كتاب الله برأيك، فان الله عزّ و جل قد قال: «و ما يعلم تأويله الاّ الله و الراسخون في العلم ...».

عيون اخبار الرضا، ج 1، ص 192، ح 1، ب 14؛ بحار الانوار، ج 11، ص 72، ح 1.

ص: 128

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 79 - 8

8_ پیامبران ، هیچگاه از مقام خود و دین خدا ، سوء استفاده نکردند .

ما كان لبشر . . . ثم يقول للناس كونوا عباداً لي من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 1

1_ ساحت پیامبران ، پاک و منزّه از هر گونه خیانت است .

و ما كان لنبی ان یغلّ

«یغلّ» از ماده غلول و غلّ، به معنای خیانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 61 - 4

4_ نوح (ع) و دیگر رسولان الهی ، دارای عصمت و مبرا از هر گونه گمراهی

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جمله «لکنی رسول ...» به منزله تعلیلی است برای تبرئه نوح از هر گونه گمراهی. بنابراین جمله «لیس بی ضلله» به همراه «و لکنی ...» علاوه بر عصمت نوح، دلالت بر عصمت تمامی رسولان الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 105 - 4

4_ موسی (ع) و دیگر رسولان الهی برخوردار از عصمت در ابلاغ رسالت های الهی

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 10

10_ پیامبران ، پیراسته از هرگونه شرک‌ورزی و هم‌تا پنداشتن برای خدا

ما کان لنا أن نشرك بالله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 6

6- عروض نسیان بر پیامبران ، در زمینه امور شخصی و خارج از حیطه نبوت آنان ، امری ممکن است .

قال لاتؤخذنی بما نسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 11 - 6

6 - رسولان الهی ، مبرّا از ظلم و گناه

إِنِّي لایخاف لدی المرسلون . إلا من ظلم

ص: 129

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 3

3 - پیامبران ، از هرگونه گناه و خطاکاری معصوم اند .

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدار

از این که خداوند پیامبران را به آخرت اندیشی خالص ساخت، می توان عصمت آنان را به دست آورد؛ زیرا ریشه گناه و خطاکاری بشر دنیاطلبی است و از آن جایی که انبیا از چنین خواسته ای مبرا بوده و تنها طالب آخرت اند؛ استفاده می شود که آنان هرگز گناه نمی کنند و معصوم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 47 - 6

6 - پیامبران ، از هر گناه و خطاکاری معصوم اند .

إِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ

توصیف ابراهیم(ع) و .. از سوی خداوند به «أخيار» _ به صورت مطلق _ گویای این حقیقت است که پیامبران در همه افعال و صفات خود، از نیکان بودند و از آنان جز خوبی و کار خیر سر نمی زد و این همان حقیقت عصمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 48 - 5

5 - پیامبران ، از هرگونه گناه و خطاکاری معصوم اند .

و كَلَّ مِنَ الْأَخْيَارِ

توصیف اسماعیل(ع) و .. از سوی خداوند به «أخيار» _ به صورت مطلق _ گویای این حقیقت است که پیامبران در همه افعال و صفات خود از نیکان بودند و از آنان جز خوبی و کار خیر، سر نمی زد و این همان حقیقت عصمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 28 - 2

2 - پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

ليعلم أن قد أبلغوا رسـلـت ربهم

11- عصمت اهل بيت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 33 - 16

16 - اهل بيت پيامبر (صلى الله عليه و آله)، از عصمت الهى برخورداراند .

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

«رجس» در اصل به معنای، «آلودگی و پلیدی مادی» است و در این جا، استعاره برای گناه است.

ص: 130

12- عصمت خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 11

11- موسی (ع)، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئاً إمرأ

13- عصمت در ابلاغ رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 105 - 4

4_ موسی (ع) و دیگر رسولان الهی برخوردار از عصمت در ابلاغ رسالت های الهی

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

14- عصمت در امامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 124 - 24

24 - عصمت از گناه شرط امامت است .

قال لا ینال عهدی الظلمین

15- عصمت در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 74 - 4

4- امتنان خدا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به خاطر مصون داشتن او از کمترین لغزش در انجام رسالت خویش

و لولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- امانت ، دارای نقش محوری در ابلاغ و رساندن پیام وحی

نزل به الروح الأمين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مهم ترین صفتی که خداوند برای حامل وحی بیان داشته، امانت او است.

ص: 131

16- عصمت در تبلیغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 28 - 2

2 - پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

لیعلم أن قد أبلغوا رسـلـت ربهم

17- عصمت در دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 11 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مصون از هر گونه خطا ، به هنگام دریافت وحی

ما كذب الفؤاد ما رأى

در صورتی که مراد از «مارای» وحی باشد، تعبیر «ماکذب...» نشانگر راه نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف به هنگام دریافت وحی است.

18- عصمت صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 119 - 11

11_ «صادقین» گروهی برگزیده و دارای مقام عصمت*

و کونوا مع الصدقین

از اینکه خداوند به طور مطلق به همراه و همگام بودن با «صادقین» فرمان داده است، احتمال می رود که «صادقین» گروهی خاص باشند که در همه اعمال و افکار خویش به مقام عصمت رسیده اند و فرمان به تبعیت مطلق از آنان، بدین جهت صورت گرفته است.

19- عصمت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 5

5- حضرت عیسی (ع) منزله از استبداد، سرکشی، سلطه‌گری و به دور از رنج و ناکامی

و لم يجعلني جبارًا شقيًا

«جبار» به کسی گفته می‌شود که با خود برتری برای کسی بر خود حقی قائل نباشد (قاموس) و نیز به کسی که از پذیرش حق سرباز زند و کسی که دیگری را تحت سیطره خود درآورد اطلاق می‌گردد (مفردات راغب) و «شقاوت»، یعنی سختی و

ص: 132

شدت (قاموس) و نیز در معنای مقابل سعادت (کامیابی) به کار می رود (مفردات راغب).

20- عصمت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 162 - 6

6_ جوایای رضای الهی از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دلیل و نشانگر پاکی ساحت وی از هر گونه خیانت

و ما کان لنبیّ ان یغلّ .. افمن اتّبع رضوان اللّٰه

جمله «افمن اتّبع رضوان اللّٰه» به منزله دلیل و تعلیل برای جمله «و ما کان لنبیّ ان یغلّ» است؛ یعنی آیا امکان دارد پیامبری که همواره در پی جلب رضای الهی است، خیانت کند و از همان کسانی باشد که خدا بر آنان خشم گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 1، 2

1_ پیامبر (صلی الله علیه و آله)، معصوم از گناه و مصون از خطا و لغزش

و لولا فضل اللّٰه علیک و رحمته لهمت طائفه منهم ان یضلوک

2_ فضل و رحمت خاص الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب مصونیت وی از خطا و لغزش

و لولا فضل اللّٰه علیک و رحمته لهمت طائفه منهم ان یضلوک

11_ برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از وحی، حکمت و علم لدنی، زمینه مصونیت آن حضرت از خطا و مایه عصمت وی از گناه

و لولا فضل اللّٰه .. انزل اللّٰه علیک الکتب و الحکمه و علمک ما لم تکن تعلم

جمله «و انزل اللّٰه» بیانگر علت جمله پیشین است. یعنی چون قرآن و حکمت را بر تو نازل کردیم، تلاش آنان برای انحراف تویی اثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 14، 19

14_ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، امین وحی و پیروبی چون و چرای فرمان های الهی

إِن أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ

19 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، شخصیتی معصوم و به دور از هر نافرمانی و گناه

إِن أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 9

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای مقام عصمت

و جنابک شهیداً علی هـ ولاء

گواه بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به امت خویش، مستلزم عصمت اوست و گرنه او خود نیازمند شاهد دیگر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 133

10- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مصون از راه یابی شیطان و فسادانگیزی های او

إن الشیطن ینزغ بینهم

با اینکه مخاطب آیه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد و او مأمور ابلاغ پیام الهی است اما در اختلاف افکنی و دشمنی ایجاد کردن شیطان، مخاطب واقع نشده است. بنابراین استفاده می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مصون از نفوذ شیطان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تحت ربوبیت ویژه خداوند و مصون از سلطه و نفوذ شیطان

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن و کفی برک و کیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «ک» در «رَبِّک» چنانکه مفسران نیز احتمال داده اند پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد. بنابراین، با اینکه خداوند سلطه شیطان بر بندگان خود را منتفی دانسته است، اختصاص به ذکر پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از آن، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ترفند های لغزش آفرین مشرکان و کمترین تمایل به آنان ، در پرتو ثبات قدم اعطا شده به او از جانب خداوند ، در امان بود .

و لولا أن تبتنک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قلیلاً

4- امتنان خدا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به خاطر مصون داشتن او از کمترین لغزش در انجام رسالت خویش

و لولا أن تبتنک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- پاکی حریم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از هر انحرافی ، گواه تأثیرناپذیری او از شیاطین

و ما تنزّلت به الشیءَ طین . . . تنزّل علی کلّ أفّاک أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 13 - 3

3 - خوف و هراس پیامبر (صلی الله علیه و آله) از عذاب بزرگ الهی ، بازدارنده آن حضرت از هرگونه عصیان و نافرمانی بود .

إِنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 3 - 2

2 - عصمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در گفتار و رهنمود های خویش

و ما ینطق عن الهوی

ص: 134

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 4 - 2

2 - راه نداشتن کمترین سخن متکی بر هوا و هوس ، در قلمرو پیام ها و رهنمود های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما ينطق عن الهوى . إن هو إلا وحى يوحى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 11 - 2,5

2 - ره نیافتن هیچ گونه خطا و کجی در مشاهدات قلبی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و هو بالأفق الأعلى . . . ما كذب الفؤاد ما رأى

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مصون از هر گونه خطا ، به هنگام دریافت وحی

ما كذب الفؤاد ما رأى

در صورتی که مراد از «مارأی» وحی باشد، تعبیر «ماکذب. . .» نشانگر راه نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف به هنگام دریافت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 17 - 1,2

1 - دیده دل پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، عاری از هر گونه خطا و انحراف

و لقد رءاه نزله أخرى . . . ما زاغ البصر و ما طغى

2 - ره نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف در مشاهدات قلبی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در دیدن جبرئیل در « سدره المنتهی »

ما زاغ البصر و ما طغى

مراد از «البصر» در آیه شریفه _ به قرینه «ماکذب الفؤاد ما رأى» _ دیده دل است; و نه چشم سر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 6 - 13

13 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از سهو و نسیان تعالیم الهی ، مصون بوده است . *

21- عصمت مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 11

11_ بندگان خالص (آنان که کاملاً در اختیار خدایند) هرگز آلوده به گناه نشده و مرتکب هیچ معصیتی نمی شوند .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

ص: 135

22- عصمت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 7

7_ عظمت و تعالی معنوی و عصمت حضرت مریم (س)

فتقبلها ربها .. و انتبها

از اینکه خداوند، خود مریم را پذیرفته به دست می آید که او از تمام جهات مورد رضایت خداوند است و این معنا ملازم عصمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 7

7_ مریم ، دارای مقام عصمت از گناه

انّ الله اصطفیک و طهرک

متعلق تطهیر حذف شده است و حذف متعلق، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی تطهیر از هر پلیدی. و چون هر گناهی، پلیدی است، بنابراین مریم (س) از ارتکاب هر گناهی مبرا و معصوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 4

4- حضرت مریم (س) مبرا از گناه و فحشا و سزاوار تکریم بسیار

لقد جئت شیئاً فریئاً.. و برا بولدتی

عیسی (ع) با اعجاز خود، مریم را از اتهام ناروای مردم تبرئه کرد، آن گاه خود را پیامبری خواند که به مریم خدمت خواهد کرد و در بیان خدمت گزاری خود، صفت مشبّهه (براً) را که بر ثبوت دلالت دارد، به کاربرد تا با تأکید بیشتری احترام به مریم را از وظایف خود شمرده باشد.

23- عصمت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 50 - 5

5- فرشتگان ، پیوسته از اوامر و دستورات خدا اطاعت کرده و از آن سرپیچی نمی کنند (عصمت از نافرمانی)

و الملئکه . . . و يفعلون ما يؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 7

7- عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون

تسلیم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نیز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

ص: 136

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 14

14 - فرشتگان ، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند .

لايعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لايعصون الله..» عصمت فرشتگان و «يفعلون ما يؤمرون» اشاره به مصونیت آنان از خطا در انجام وظایف داشته باشد.

24- عصمت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 105 - 4

4_ موسی (ع) و دیگر رسولان الهی برخوردار از عصمت در ابلاغ رسالت های الهی

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 51 - 5

5- خداوند موسی (ع) را از هرگونه آلودگی مبرا و او را برای خود خالص گردانید .

إنه كان مخلصًا

«مخلص» به فتح لام، یعنی خالص شده و کسی که خداوند او را برای خود خالص کرده و از آلودگی مصون داشته است (لسان العرب). تفاوت آن با مخلص (به کسره) این است که «مخلص» عبادتش را برای خدا خالص می کند، ولی «مخلص» کسی است که خداوند او را برای خود برگزیده و خالص کرده باشد.

25- عصمت نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 61 - 4

4_ نوح (ع) و دیگر رسولان الهی ، دارای عصمت و مبرا از هرگونه گمراهی

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جمله «لکنی رسول ..» به منزله تعلیلی است برای تبرئه نوح از هر گونه گمراهی. بنابراین جمله «لیس بی ضلله» به همراه «و لکنی ...» علاوه بر عصمت نوح، دلالت بر عصمت تمامی رسولان الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 8

8_ محدودیت علم و آگاهی نوح (ع) و معصوم نبودن او از خطا و اشتباه

إن ابنی من أهلی ... إنه لیس من أهلك ... فلا تسئلن ما لیس لك به علم

ص: 137

26- عصمت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 14 - 7

7- حضرت یحیی (ع) ، مبرّا از گناه در برابر خدا *

و لم یکن . . . عصیاً

می توان گفت جمله «و لم یکن . . . عصیاً» بر نفی مطلق سرپیچی و عصیان (رد حاجت های مردم، معصیت پروردگار) دلالت دارد.

27- عصمت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 16

16_ اعتقاد ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکورزی ، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود .

ما کان لنا أن نشرك بالله من شیء ذلک من فضل الله علينا

28- عصمت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 16، 6

6_ یوسف (ع) ، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی ، مصون و معصوم بود .

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصین

16_ «عن الرضا (ع) : لقد همّت به و لولا أن رأى برهان ربّه لهمّ بها كما همّت به ، لکنّه کان معصوماً ، والمعصوم لا یهمّ بذنب . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: آن زن قصد یوسف کرد و اگر یوسف برهان پروردگارش را ندیده بود، قصد آن زن می کرد همان گونه که زن او را قصد کرد؛ ولی یوسف معصوم بود و معصوم قصد گناه نمی کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 16

16_ اعتقاد ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف (ع) و دیگر پیامبران به توحید و مصونیتشان از هرگونه شرکوری، تفضلی از ناحیه خدا بر آنان بود.

ما کان لنا أن نشرك بالله من شیء ذلک من فضل الله علینا

ص: 138

29- عوامل عصمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 7

7_ مشاهده برهان الهی (درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا، دریافت زشتی گناه، باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و...) عامل عصمت پیامبران است.

و هم بها لولا أن رءا برهن ربه

30- عوامل عصمت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 2,4

2_ مشاهده حجت و برهان الهی، تنها مانع یوسف (ع) در تسلیم شدن به خواسته زلیخا و پرهیز از آمیزش با وی

و هم بها لولا أن رءا برهن ربه

جمله «هم بها» به منزله جواب برای «لولا أن...» است؛ یعنی، اگر برهان ربوبی را ندیده بود، به سوی زلیخا تمایل پیدا می کرد. «برهان» به معنای حجت و دلیل است و از مصداقهای روشن و بارز آن، همان دلیلهایی است که در آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، رؤیت برهان عبارت بود از: الف) یوسف ربوبیت خداوند و نعمتهای او را مشاهده می کرد (إنه ربی أحسن مثوای). ب) یوسف (ع) با تمام وجود دریافته بود که گنه کاران و ستمگران، رستگار نمی شوند (إنه لا یفلح الظالمون). ج) او تردیدی نداشت که آمیزش با زلیخا، ظلم و معصیت خداوند است (معاذالله...).

4_ بهره مندی یوسف (ع) از برهان و حجت الهی (مشاهده ربوبیت خدا و...) عامل عصمت او از ارتکاب گناهان

لولا أن رءا برهن ربه كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

31- محدوده عصمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 3

3_ پیامبران الهی، از فریب خوردن مصون نبوده و از اعتماد کردن بر ناهلان معصوم نیستند.

إنا له لحفظون... فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه فی غیبت الجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 9

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای مقام عصمت

و جنابک شهیداً علی هـ ولاء

گواه بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به امت خویش، مستلزم عصمت اوست و گرنه او خود نیازمند شاهد دیگر بود.

ص: 139

33- منشأ عصمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 8

8_ پیامبران در پرتو امداد های الهی ، از گناه و فحشا ، مصون و معصومند .

كذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء

از عبارت «لنصرف عنه . . .» (تا بدی و پلیدی را از او دور سازیم) _ که دور ساختن گناه از یوسف(ع) را به خداوند نسبت داده است _ معلوم می شود مشاهده برهان نیز به توفیق الهی و امداد او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 53 - 9

9_ پیامبران با توفیق خدا و شمول رحمتش بر آنان ، از ارتکاب گناهان مصون مانده و از خطر نفس اماره رهایی می یابند .

إن النفس لأماره بالسوء إلا ما رحم ربی

34- منشأ عصمت اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 34 - 12

12 - علم و لطف خداوند ، منشأ اعطای عصمت به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت . . . إن الله کان لطیفاً خبیراً

35- منشأ عصمت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 74 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مواضع دینی _ اجتماعی خویش _ به عنایت خداوند _ معصوم بود .

و لولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

3 - تضمین عصمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در تمامی عمر از سوی وحی

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی . و ما ینطق عن الهوی

خداوند، با خبر دادن از حال و آینده _ با عبارت «ما ینطق . . .» _ در حقیقت عصمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در طول حیات ایشان تضمین نموده است؛ چنان که با «ما ضلّ . . .» گذشته آن حضرت را مبرّا از گمراهی دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 5

5_ خداوند، با ارائه برهان به یوسف (ع)، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی، حفظ کرد و مصون داشت.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء

«فحشاء» به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). «سوء» به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با «فحشاء»، مراد از آن گناه کوچک است. «أل» در «السوء» و «الفحشاء» می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از «الفحشاء» آمیزش، و منظور از «السوء» نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که «أل» در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 53 - 1,7,8

1_ یوسف (ع) مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را، به امداد خدا می دانست نه برخاسته از اراده خود بدون توفیق الهی.

أني لم أكنه .. و ما أبرء نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربي

از ارتباط «ما أبرء نفسي» (من نفس خویش را از ارتکاب بدیها تبرئه نمی کنم) با جمله «لم أكنه بالغیب» و نیز شهادت زنان بر پاکدامنی یوسف (ع) (حاش لله ما علمنا علیه من سوء) این نکته معلوم می شود که: یوسف (ع) با جمله «ما أبرء نفسي» درصدد نیست که بگوید من گناه کرده ام؛ بلکه با توجه به عبارت «إلا ما رحم ربي» در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشده ام، نه به خاطر توان شخصی است؛ زیرا نفس هر کس و نیز نفس من ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه به توفیق الهی و رحمت او بوده است.

7_ یوسف (ع) مصونیت خویش از گناه و خیانت را پرتوی از رحمت الهی بر خویش می دانست.

ما أبرء نفسي .. إلا ما رحم ربي

8_ یوسف (ع) به دلیل باور به ربوبیت و تدبیر الهی، رحمت او را مایه ترک گناهان و بدی ها دانست و خود را ستایش نکرد.

و ما أبرء نفسي إن النفس لأمارة بالسوء إلا ما رحم ربي

1- عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 30 - 13

13_ خداوند بندگان را از نافرمانی خود بر حذر می دارد .

و يحذركم الله نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 33 - 4

4_ خداوند ، امر به پیروی از افراد غیر شایسته نمی کند .

اطيعوا الله و الرسول .. ان الله اصطفى

خداوند، پس از اعلام و جوب اطاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، می فرماید که این وجوب اطاعت، بی ملاک نیست؛ بلکه اطاعت از پیامبران بر اساس شایستگیشان واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 132 - 4

4_ رباخواری ، عصیان و طغیان بر خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است .

لا تأكلوا الرّبوا .. و اطيعوا الله و الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 149 - 5

5_ کفر ، ارتداد و عصیان بر خداوند ، حرکتی واپسگرایانه

ان تطيعوا .. يردّوكم على اعقابكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - حلم خداوند در برابر نافرمانی و لغزش پیکارگران احد (پشت کردن به میدان کارزار)

انّ الذّین تولّوا . . انّ الله غفور حلیم

ص: 142

2- آثار اجتناب از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 7

7- تقوا، احسان به پدر و مادر، پرهیز از سلطه جویی و عصیان، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است.

بِرَّاءِ بُولَدِيهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا . وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ

3- آثار اخروی عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 69 - 7

7- تقسیم گنه کاران در قیامت براساس مراتب عصیان گری آنها، از شوون ربوبیت الهی است.

فَوَرَبِّكَ .. ثُمَّ لِنَنْزَعَنَّ مِنْ كُلِّ شَيْعَةٍ أَيْهَمَ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 12

12- ذلّت کافران در قیامت، نتیجه استکبار و عصیان گری مداوم آنان در زمین

تَجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ

4- آثار عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 11

11 - سرپیچی از فرمان خدا، از روی استکبار و خود بزرگ بینی، موجب کفر است.

أَبِي وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 2

2- آدم (ع) و حوا با نافرمانی خداوند، شایستگی خویش را برای سکونت در بهشت نخستین از دست دادند.

فأخرجهما مما كانا فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 1

1 - خداوند، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند.

قلنا اهبطوا منها

ص: 143

درباره دلیل تکرار جمله «قلنا اهبطوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قلنا اهبطوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قلنا اهبطوا» در آیه 36 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 7

7 - سرپیچی کنندگان از احکام الهی در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن و مطرود شدن) هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 3

3 - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . . . ثم قست قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 208 - 10

10 _ نافرمانی در برابر فرمان خداوند ، پیروی از شیطان است .

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 209 - 13

13 _ سرپیچی از فرمان های خداوند ، سرپیچی از مقررات عزّت آفری و حکیمانه اوست . *

فان زللتکم . . . ان الله عزیز حکیم

احتمالاً، آوردن «عزیز» و «حکیم» پس از فرمان به رعایت مقررات، بیانگر حکمت آمیز بودن و عزّت آفرینی مقررات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 246 - 22

22_ نافرمانی از دستور خداوند به پیکار علیه تجاوز و اسارت ، ستمگری است .

فلما كتب عليهم .. و الله عليم بالظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 21 - 1

1_ آنان که از تسلیم در برابر خدا روی گردانند ، کافرند .

و ان تولّوا .. انّ الذّین یکفرون بایات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 144

2 - آل عمران - 3 - 32 - 6

6_ رویگردانان از اطاعت خدا و رسول، کافر و محروم از محبت خداوند.

قل اطيعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 6

6_ عدم رعایت تقوای الهی، ترک اطاعت انبیا و بندگی خداوند، کفر است.

فاتقوا الله و اطيعون .. فاعبدوه ... فلما احس عيسى منهم الكفر

آیات قبل نشان دهنده مصادیق کفر بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 56 - 3

3_ عدم تبعیت یهود از حضرت عیسی (ع)، موجب عذاب سخت آنان در دنیا و آخرت

فاما الذين كفروا فاعذبهم عذاباً شديداً في الدنيا و الاخره

مصدق مورد نظر از جمله «فاما الذين كفروا»، کافران به حضرت عیسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 112 - 17, 18

12_ عصیان یهود و تعدی و تجاوز مستمر آنان، موجب ذلت، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت عليهم الدّله .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بنابر اینکه «ذلك بما عصوا»، اشاره به ذلت و .. باشد.

17_ عصیان اهل کتاب (یهود) و تجاوز مداومشان، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلك بانهم كانوا يكفرون بنایت الله .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

بنابر اینکه مشارالیه «ذلك بما عصوا»، کفر به آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

18_ گناه، عصیان، تعدی و تجاوز مداوم، موجب کفر به آیات الهی

بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون الانبياء بغير حق ذلك بما عصوا و كانوا

بنابر اینکه مشارالیه «ذکر» در «ذکر بما عصوا»، کفر به آیات الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 7،8

7_ سستی، اختلاف در کار جنگ و سرپیچی از فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از عوامل شکست مسلمانان در پیکار احد

حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

8_ سستی، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی، از عوامل شکست جنگجویان

حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 153 - 11،21،22

ص: 145

11 _ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پیکار احد ، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثم صرفکم . . . و الرسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه «اذ تصعدون» متعلق به «صرفکم» باشد، آیه مزبور در مقام بیان علت‌های شکست احد است. بنابراین جمله «و لا تلون علی احد و الرسول ...»، که حاکی از دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

21 _ هجوم پی در پی غم‌ها و حسرت‌ها به مسلمانان در کارزار احد ، نتیجه مخالفت آنان با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)

اذ تصعدون .. فاثابکم غمًا بغم

برخی از مفسران برآنند که «باء» در «بغم» الصاقیه است و مراد، غم‌های فراوانی است که یکی پس از دیگری در آن نبرد به مسلمانان وارد می شد و همه آنها پیامد فرار از جنگ و مخالفت با دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. در برداشت فوق «اثابکم» به معنای مجازات گرفته شده نه پاداش.

22 _ هجوم اندوه‌های ناشی از نافرمانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عدم موفقیت در کارزار احد ، برخاسته از اراده الهی برای به فراموشی سپردن اندوه از دست دادن غنائم و جراحات وارده بر ایشان

فاثابکم غمًا بغم لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما اصابکم

بنابر اینکه «لکیلا» متعلق به «اثابکم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 14 - 10، 11، 6

6 _ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من یعص الله . . . و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

10 _ نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود ، آنگاه که از روی سرکشی باشد ، موجب خلود در آتش است . *

و من یعص الله و رسوله . . . و له عذاب مهین

کلمه «مهین» به معنای خوارکننده است و چون عذاب‌های الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

11 _ مداومت بر نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) ، مایه گرفتاری به عذاب‌های جسمی و روحی در قیامت

و من یعص الله . . . یدخله ناراً ... و له عذاب مهین

دخول در آتش، عذاب جسمی آنان و عذاب خوارکننده، شکنجه روحی ایشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 4

4 - عصیان از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب سرافکنندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوی بهم الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 2

2 - برخی مصائب و مشکلات، پیامد نافرمانی از خدا و رسول است.

فکیف اذا اصابتهم مصیبه بما قدّمت ایدیهم

ظاهراً مراد از «مصیبت»، مشکلات دنیوی است، نه اخروی؛ به دلیل «ثمّ جاؤک».

ص: 146

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 68 - 5

5_ وابستگی به دنیا و بی اعتنائی به مواعظ الهی و پیروی نکردن از احکام پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مانعی برای نیل به صراط مستقیم

فلا وربک... و لو انا کتبنا... و لو اثم فعلوا... و لهدیناهم صراطا مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 14

14_ عمل نکردن به تکالیف الهی، ستم به خویشان است.

ان الذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم... قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاج

بنابر اینکه توبیخ ملائکه از ترک کنندگان هجرت، برای این باشد که چرا با ماندن در محیط کفر تکالیف الهی را ترک کرده اید، نه اینکه سرزنش آنان به جهت خصوص ترک هجرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 2

2_ گناه و تخلف از فرامین خدا می تواند در پی دارنده کیفر و عقوبت های دنیوی باشد.

فبظلم من الذین هادوا حرّما علیهم طیبیت أحلت لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 36

36_ التزام به احکام الهی، ایمان و تخلف از آن، کفر است.

و من یکفر بالایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 25 - 12

12_ تمرد و گناه بنی اسرائیل، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فأفرق بيننا وبين القوم الفاسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 26 - 17، 4، 2

2_ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَن نَدْخُلُ أَبَدًا... فأنها محرمة عليهم

جمله «فأنها محرمة...»، تقریب بر نافرمانی آنان از دستور موسی (ع) است، نه اینکه متفرع بر نفرین او (فأفرق بیننا...) باشد.

4_ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا... يتيهون في الارض

17_ سرگردانی قوم موسی در سرزمینی به مساحت چهار فرسخ در مدت چهل سال، تاوان نافرمانی آنان در برابر موسی (ع)

ص: 147

ادخلوا الارض المقدسه . . قال فانها محرمة عليهم اربعين سنه يتيهون فى الارض

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: فلما ابوا ان يدخلوها حرمها الله عليهم فناهوا فى اربع فراسخ اربعين سنه . . .

اختصاص منصوب به شیخ مفید، ص 265; تفسیر برهان، ج 1، ص 456، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 47 - 13

13 _ مسیحیان، در صورت پیروی نکردن از احکام انجیل، فاسق هستند.

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه و من لم يحكم . . هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 11، 12، 13

11 _ گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع)، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذين كفروا . . ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق «ذلک» اشاره به «لعنت» گرفته شده است.

12 _ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذين كفروا . . ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق «ذلک» علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

13 _ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل)، مورد لعن حضرت داود، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذين كفروا من بنی اسرائيل على لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فى سبتهم . . .

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 10، 15

10 _ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون .. . كانوا لایتناهون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

15 _ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، موجب سخط و غضب خداوند

ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون .. . كانوا لایتناهون عن منکر ... سخط اللّٰه علیهم

«ماقدمت لهم انفسهم» می تواند اشاره به تمامی رفتارهای ناروایی باشد که در این آیه و آیات قبل بیان شد. قابل ذکر است که در این صورت «ان سخط اللّٰه» مضافی همانند موجبات در تقدیر دارد یعنی «موجبات سخط اللّٰه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 49 - 3

ص: 148

3_ مداومت بر فسق (عصیان و خروج از مسیر حق) موجب عذاب الهی می شود.

یمسهم العذاب بما كانوا یفسقون

جمله «كانوا یفسقون» ماضی استمراری است؛ یعنی آنان پیوسته در فسق و فجور بسر می بردند. (الفسق: العصیان و الترتک لأمر الله عز و جل و الخروج عن طریق الحق. لسان العرب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 6

6_ اگر جن و انس راه طاعت و یا عصیان پیشه کنند، هیچ سود و زیانی به خداوند نمی رسانند.

و ربك الغنی ذو الرحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 8

8_ عصیان پروردگار، موجب زیان و خسران آدمی است.

ظلمنا انفسنا . . . لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 102 - 6

6_ فسق و عصیانگری امت های گذشته ، ریشه وفادار نماندن آنان به پیمان ها و عهد های خویش با خداوند

و ما وجدنا لأكثرهم من عهد و إن وجدنا أكثرهم لفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله «إن وجدنا . . .» بیانگر علت وفا نکردن امت های گذشته به پیمان های خویش با پیامبران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 8

8_ تخلف از احکام الهی و مداومت بر آن ، فسق و ظلم و در پی دارنده کیفر شدید الهی است .

و أخذنا الذين ظلموا بعباد بئس بما كانوا يفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 3

3_ مسلمانانی که از هجرت به مدینه سر باز زدند و یا در راه خدا جهاد نکردند و یا مهاجران و دین خدا را یاری ندادند ، از دایره مؤمنان راستین خارج هستند .

و الذین ءامنوا و هاجروا .. أولئک هم المؤمنون حقا

«أولئک» اشاره است به هر یک از «الذین» اول و دوم با ویژگیهایی که در توصیف آنها آمده است. با توجه به این معنا و دلالت ضمیر فصل (هم) بر حصر معلوم می شود کسانی که مجموع صفات یاد شده را نداشته، اگر چه برخی از آنها را دارا باشند مؤمن حقیقی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 149

7_ عصیان و فسادانگیزی مستمر تا لحظه مرگ ، مانع پذیرش توبه از سوی خداوند است .

ءالئن وقد عصیت قبل و کنت من المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 17، 13

13_ تکبر ، سرکشی و لجاجت سران قوم عاد ، مایه انکار رسالت هود (ع) از سوی آنان و نپذیرفتن تعالیم او

و تلک عاد جحدوا بأیـت ربهم و عصوا رسله واتبعوا أمر کل جبار عنید

17_ انکار ربوبیت خدا ، مخالفت با پیامبران و برنامه های آنان و پیروی از ستمگران و سرکشان ، در پی دارنده عذاب سهمگین قیامت

و نَجینـهم من عذاب غلیظ. و تلک عاد جحدوا... واتبعوا أمر کل جبار عنید

آیه مورد بحث ، بیانگر گناهانی است که قوم عاد را به عذاب دنیوی و اخروی گرفتار ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 14 - 9

9- استکبار ، سلطه جویی و سرکشی ، مانع رشد و تکامل انسان است .

وءاتینـه... زکوه و کان... و لم یکن جبارًا عصیًا

جمله «لم یکن...» عطف است بر جمله «کان...» در آیه قبل و بیانگر علتی دیگر برای «آتیناه الحکم... و زکاه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 216 - 2

2 - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک... فإن عصوک فقل إئی بریء ممّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 42 - 2

2- کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 36 - 6

6- تمرد از فرمان خدا و پیامرش ، گمراهی آشکاری را در پی دارد .

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا مُّبِينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 2 - 5

5- خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

ص: 150

و القراءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 7

7- تکبر ، خودبرتربینی و سرپیچی از فرمان خداوند ، زمینه ساز لعن و نفرین ابدی

إلّا إبليس استکبر . . . و إنّ علیک لعنتی الی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 13 - 7

7- عصیان و نافرمانی پروردگار ، پیامدار عذاب الهی در قیامت

أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 36 - 10

10 - « عن امیرالمؤمنین (ع) : من تصدّی بالاثم أعشی عن ذکر الله تعالی و من ترک الأخذ عمّن أمر الله بطاعته قیض له شیطاناً فهو له قرین ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده: هر کس مرتکب گناه شود از یاد خدا روی گردان شده و کوردل می گردد و کسی که ترک کند گرفتن [معارف دین] را از کسی که خداوند اطاعت او را فرمان داده است، خداوند شیطانی را برای او قرار می هد که همدم او خواهد بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 9

9- کردار زیانبار و عصیانگرانه خود انسان ، عامل قطعی شدن عذاب بر او

و الذی قال لولدیہ أفّ . . . فیقول ما هـ ذّا إلاّ أسـ طیر الأولین . أولـ تک ... کان

«إنّهم کانوا. . .»، بیانگر تعلیل است؛ یعنی، استمرار بر گناه و زیانکاری، موجب حتمیت عذاب الهی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14- کفر ، هواپرستی ، استکبار و عصیان گری ، عناصری به هم پیوسته

يعرض الذين كفروا... واستمتعتم بها... تستكبرون في الأرض بغير الحق و بما كنتم ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - تبدیل مظاهر رحمت آفرین طبیعت ، به عوامل عذاب و نقیمت ، در نتیجه عصیان گری انسان

ريح... تدمر کل شیء

با توجه به نقش سازنده باد در سیستم حیات زمین؛ به کار گرفته شدن آن در راستای عذاب قوم عاد، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 4

4- ترک رهنمود ها و قوانین الهی ، زمینه تبدیل شدن انسان به عنصری فسادگر و بی عاطفه و نه صرفاً بی ایمان

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

با توجه به متعدی آمدن واژه «تفسدوا»، استفاده می شود که روی گردانی از جهاد و سایر تکالیف دینی، صرفاً موجب فاسد شدن خود فرد نمی شود؛ بلکه او در نتیجه فساد شخصی، ناگزیر فسادگر نیز می گردد. جمله «تقطعوا أرحامکم» بر بی عاطفه شدن متخلفان جهاد دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 25

25 - کفر ، فسق و عصیان ، مانع رشد اجتماعی بشر

حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیْمَانَ . . . وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیَانَ أُولَئِکَ هُمُ الرُّشْدُونَ

اختصاص و تأکیدی که از تعبیر «أولئک» استفاده می شود؛ نشانگر این معنا است که دیگران (آنان که از ایمان محروم و در کفر و فسق گرفتاراند) به رشد نخواهند رسید. جمع آمدن ضمیر و فعل، حیثیت اجتماعی را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 22 - 2

2- هیچ کس - حتی پیامبران - در صورت نافرمانی ، از عذاب الهی مصون نبوده و کسی قادر به رهایی خویش از آن نیست .

قل إنی لن یجیرنی من الله أحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 38 - 3

3 - علاقه شدید به دنیا و ترجیح آن بر آخرت ، پیامد طغیانگری و سرپیچی از اطاعت خداوند است .

فأما من طغی . وءاثر الحیوه الدنیا

ترتیبی که آیه شریفه در ذکر طغیان و دنیا طلبی به کار برده، ممکن است برخاسته از ترتیب خارجی آن دو باشد.

5- آثار عصیان آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 2

2- نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منهیة ، از بهشت نخستین محروم شدند .

قلنا اهبطوا منها جميعاً

«اهبطوا» به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم (ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم(ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

ص: 152

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 11

11 - تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

واژه «ندا» معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 21، 10

10 - نافرمانی آدم و حوا، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد.

إنّ لک ... لاتعری ... فبدت لهما سوءتھما

21 - آدم، بر اثر نافرمانی خداوند و خوردن از درخت منع شده، از رشد خویش بازماند.

فغوی

«غی» (مصدر «غوی») نقطه مقابل رشد است (مقایس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 122 - 1

1 - آدم (ع) در پی عصیان و تناول از درخت ممنوع، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد.

ثمّ اجتبّه ربّه فتاب علیه

«جبايه» (ریشه اصلی «اجتبی»); به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و «إجتباء» به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین «إجتباه ربّه» یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را برای خود خالص گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم (ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

6- آثار عصیان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - ابلیس به خاطر خود بزرگ بینی و سرپیچی از فرمان خدا، از زمره کافران شد .

أبی و استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 18 - 3

3_ تکبر، تمرد و اغواگری ابلیس، موجب گرفتاری او به آتش دوزخ

ما منعک ألا تسجد .. لأملأن جهنم منکم أجمعین

ص: 153

6 - سقوط ابلیس در چهار مرحله به خاطر تمرد، تکبر و تصمیم به گمراه سازی انسانها و فریب آدم و حوا بود.

قال فاهبط منها فما يكون لك أن تتكبر فيها فاخرج... قال اهبطوا

بدان احتمال که تکرار چهارگانه سقوط ابلیس هر یک به دلیل گناهی باشد که مرتکب شده است: نخست از فرمان خداوند سرپیچی کرد و به آدم سجده نکرد، آنگاه این تمرد را به اظهار برتری خویش توجیه کرد، پس از آن تصمیم خویش را به اغواگری تمامی آدمیان اعلان داشت، و سرانجام آدم و حوا را به پای شجره نهی شده کشاند و با دروغ و نیرنگ آنان را به خوردن از آن شجره ترغیب کرد.

1- فرمان خداوند به ابلیس برای خروج از آسمان، در پی تمرد وی از دستور سجده بر آدم (ع)

قال فاخرج منها

برداشت فوق، مبتنی بر دو احتمال است: 1. مرجع ضمیر «منها» «سماوات» باشد، اگرچه در کلام ذکر نشده است. 2. به قرینه اینکه ابلیس از زمره ملائکه بوده و جایگاه آنان هم در آسمانهاست.

2- خداوند، در پی تمرد ابلیس از فرمان خدا، او را از زمره فرشتگان بیرون راند.

قال فاخرج منها

این برداشت، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر «منها» همان گونه که مفسران احتمال داده اند «زمره الملائکه» باشد.

3- ابلیس، در پی تمرد از فرمان خداوند، از جایگاه مقربان تنزل کرد و از آن جا رانده شد.

قال فاخرج منها

به قرینه «فإنك رجيم» مراد از «فاخرج منها» می تواند منزلت قرب الهی باشد.

4- تکبر ابلیس و تمرد وی از فرمان سجده بر آدم (ع)، عامل سقوط او از درگاه الهی

فقعوا له س-جدین . فسجد... إلا ابليس أبی... قال لم أكن لأسجد لبشر... قال فاخر

9 - حجر - 15 - 35 - 1

1- ابلیس ، به دلیل تمرد از فرمان سجده بر آدم (ع) ، مورد لعن ابدی خداوند قرار گرفت .

وإن عليك اللعنه إلى يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 63 - 2

2- ابلیس ، به خاطر نافرمانیش ، از درگاه خداوند طرد گردید .

قال اذهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 7

ص: 154

7 - ابلیس ، بر اثر تمرد از فرمان سجده بر آدم ، در زمره کافران قرار گرفت .

إلّا إبليس استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 77 - 1,2

1 - فرمان خداوند به خروج ابلیس از صف ملائکه ، در پی تمرد او از فرمان سجده بر آدم (ع)

قال فاخرج منها

در این که مرجع ضمیر «منها» چیست و مقصود از آن چه می باشد؛ میان مفسران بحث و گفت و گو در گرفته است. برخی آن را صف فرشتگان دانسته اند؛ چون ابلیس پیش از آن با فرشتگان بود و به همراه آنان مکلف به سجده بر آدم شده بود. برخی دیگر آن را منزلت و مقامی دانسته اند که ابلیس و فرشتگان در آن قرار داشتند؛ یعنی، منزلت و مقام مقربان درگاه الهی. گفتنی است که در این باره تعبیر «هبوط» در سوره دیگری (قال فاهبط منها) به کار رفته و مؤید همین دیدگاه است.

2 - ابلیس ، در پی سرپیچی از فرمان سجده بر آدم (ع) از جایگاه مقربان و منزلت والای خویش رانده شد و سقوط کرد .

قال فاخرج منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 78 - 1

1 - ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان سجده بر آدم ، مورد لعن و نفرین ابدی خداوند قرار گرفت .

وإنّ علیک لعنتی الی یوم الدین

7- آثار عصیان اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 4 - 7

7 - تخلف جوامع از فرامین خدا، موجب سقوط معنوی آن جوامع و زمینه ساز گرفتاری آنان به عذاب دنیوی (عذاب استیصال).

ولا تتبعوا... وکم من قریه أهلکنها

برداشت فوق بر این اساس است که «فاء» در «فجاءها» بیانگر ترتیب باشد. بر این مبنا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی خواهد بود. یعنی

جوامعی در گذشته منحرف شدند و پس از آن گرفتار عذاب الهی گشتند.

8- آثار عصیان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 3,5

3_ انکار ربوبیت خدا و نافرمانی از دستورات پیامبران ، موجب لعنت خدا و دوری از رحمت اوست .

وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هَذَا لَعْنَةُ مَنِ الْإِنِّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ

5_ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ص: 155

«بُعْدًا» (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: أَلَا لِيُبْعِدَ قَوْمِ عَادٍ بَعْدًا. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مراد عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراسر است و نیز محتمل است «أَلَا بُعْدًا...» _ چنان چه زمخشری گفته _ بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد؛ یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند] بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاور چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 65 - 7

7 - نافرمانی در برابر دعوت پیامبران و روی آوردن به شرک، ظلم آدمی به خویشان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا... فاعبدوه... فويل للذين ظلموا من عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 6

6 - سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران، در پی دارنده محاسبه سخت الهی و عذاب ناخوشایند و ناشناخته (عذاب استیصال)

عتت عن أمر ربها ورسله فحاسبنها حساباً شديداً و عذبنها عذاباً نكراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 4، 3، 1

1 - بسیاری از جوامع انسانی، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند.

و كَأَينَ من قريه عتت عن أمر ربها.. فذاقت وبال أمرها

«وبال» به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

3 - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و كان ع-قبه أمرها خسراً

4 - دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران، پیامدار سرنوشتی شوم و خسارت بار

عتت عن أمر ربّها . . . فذاقت وبال أمرها و كان عـقبه أمرها خسراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 10 - 2، 1

1 - خداوند ، برای عصیان گران و متمردان از امر الهی و پیامبران ، عذابی شدید در آخرت آماده کرده است .

و کأئن من قریه عتت عن أمر ربّها و رسله . . . أعدّ الله لهم عذاباً شديداً

2 - دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و رسول ، موجب عذاب شدید اخروی

أعدّ الله لهم عذاباً شديداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 156

3 - سرپیچی از فرمان های پیامبران ، عامل عقوبت شدن فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط

فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذه رابيه

4 - عصیان فرمان های پیامبران ، از موجبات عقوبت سخت الهی در دنیا

فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذه رابيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 16 - 4

4 - عصیان و سرپیچی در برابر دعوت پیامبران ، موجب مؤاخذة سخت الهی است .

فعصى فرعون الرسول فأخذنه أخذاً وبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 25 - 7

7 - تکذیب پیامبران و معجزات آنان ، سرپیچی از رهنمود های ایشان و بازداشتن مردم از گرایش به آنان ، مایه گرفتاری به عذاب در دنیا و آخرت

فأخذه الله نکال الآخره و الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 6

6 - جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 8

8 - امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمَّم مِّن قَبْلِكَ فَمَن لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَى لَهُمْ فَمَا يَتَّبِعُهُمْ الْيَوْمَ

9- آثار عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 80 - 10

10_ فسق (خروج از اطاعت خدا) مانع بر خورداری انسان از هدایت الهی

و اللّٰه لایهدی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 5

ص: 157

5_ عملکرد نادرست و تخلف از فرمان های الهی ، زمینه ساز مهر شدن قلب انسان و دست نیافتن وی به درک عمیق حقایق

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 96 - 8

8_ فسق (تخلف از فرمان های الهی) مانع رضا و خشنودی خداوند از انسان است .

فإن الله لا یرضی عن القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 20

20_ عصیان و سرپیچی از دستور های خداوند ، موجب گرفتار شدن به عذاب اخروی است .

إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 68 - 3,4

3_ سرپیچی قوم ثمود از فرمان های خداوند ، موجب گرفتاری آنان به عذاب استیصال شد .

کأن لم یغنوا فیها إلا إن ثمودا کفروا ربهم

4_ قوم ثمود بر اثر نافرمانی خداوند ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعداً لثمود

توضیح کلمه «بُعداً» در آیه 60 ذیل برداشت شماره 5 آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 34 - 6

6- تمرد از فرمان خداوند ، عامل سقوط و طرد از درگاه الهی

قال فاخرج منها فإنک رجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 4

4- سرپیچی از فرمان های الهی هرچه افزون تر باشد ، بر حتمیت بودن عذاب می افزاید .

أشدّ على الرحمن عتياً . ثمّ ... أولى بها صلياً

«ثمّ» دلالت می کند که پس از تقسیم و رتبه بندی همه سرکشان، ورود به عذاب نیز به همان ترتیب انجام خواهد گرفت تا همه آنان به عذاب وارد شوند. بنابراین هرچه سرکشی شدیدتر باشد، استحقاق عذاب بیشتر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 20

20 - عصیان پروردگار ، موجب ناکامی انسان و بازماندنش از راه رشد و کمال است .

وعصىء ادم ربّه فغوى

ص: 158

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 5،17

5- تخلف و عصیان از فرمان های پروردگار ، موجب سقوط انسان و تنزل مقام او است .

و عصی ءادم .. قال اهبطا منها

جمله «ثم اجتباه..» گرچه قبل از ماجرای هبوط ذکر شده است؛ ولی براساس آیاتی که در سوره بقره گذشت، توبه آدم پس از هبوط بوده است. بنابراین جمله «قال اهبطا...» بیان مجازات عصیان آدم است و «ثم اجتباه...» جمله معترضه می باشد.

17- سرپیچی از هدایت های الهی ، عامل گمراهی انسان و گرفتار آمدن او به رنج و سختی است .

فمن اتبع هدای فلا یضللّ و لایشقی

«شقاوت» به معنای سختی و دشواری است (قاموس) و به قرینه آیه بعد، مراد تنگناها و فشارهای زندگی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 1

1- روی گردانی از هدایت های الهی و یاد او ، موجب گرفتاری انسان به زندگی سخت و پر از تنگناها

من اتبع هدای .. و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکاً

«معیشه» یا مصدر میمی است و یا به معنای «ما یعاش به» است؛ یعنی، آنچه که گذران زندگی با آن صورت می گیرد. «ضنک» به معنای تنگی و سختی است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 1 - 3

3- عصیان و سرپیچی از فرمان های خدا (بی تقوایی) ، در پی دارنده فرجامی شوم و موجب گرفتار شدن به عذاب اخروی

اتّقوا ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 47 - 8

8 - کسانی که از خدا و رسول او، روی برتابند و از فرمان هایشان سرپیچی کنند، مؤمن نیستند .

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك و ما أولئك بالمؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 11

11 - تخلف از دستورات خداوند، در پی دارنده کیفر الهی در جهان آخرت

وله الحکم و إلیه ترجعون

قید «إلیه ترجعون» پس از «له الحکم» تهدید به کسانی است که از اجرای دستورات و قوانین الهی سرپیچی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 35 - 17

17 - فسق و خروج از طاعت خداوند و شکستن قوانین الهی، عامل هلاکت حتمی

ص: 159

فهل يهلك إلا القوم الفسقون

«فسق»، در لغت به معنای شکافتن و خروج از حریم است و در این جا به معنای قانون شکنی و شکستن حریم بندگی است. از آن جا که وصف مشعر به علیت است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 21 - 7

7- بر زبان راندن شعار طاعت و سخنان زیبا و تن ندادن به جهاد، بی صداقتی با خداوند است.

طاعه و قول معروف .. فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم

از تعبیر «فلو صدقوا الله» استفاده می شود که لازمه صداقت با خداوند، آن است که انسان در همه زمینه ها، حتی تکلیف دشوار جهاد، تابع خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 33 - 10

10- تخلف از فرمان خدا و رسول او، دارای تأثیر در حیط اعمال گذشته انسان

أطيعوا الله وأطيعوا الرسول ولا تبطلوا أعمالكم

از ارتباط «أطيعوا الله ..» با «لا تبطلوا أعمالكم»، استفاده می شود که عدم اطاعت موجب بطلان و حبط اعمال گذشته انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 34 - 5

5- اطاعت نداشتن از خدا و رسول او، منتهی به عنادورزی با دین و محرومیت ابدی از غفران الهی *

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ... فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ

از ارتباط «أطيعوا الله ..» با «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا...»، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 44 - 2

2- سرپیچی از فرمان پروردگار ، در پی دارنده عذاب او

فَعْتُوا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّعْقَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 5 - 3

3- مخالفت با خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در پی دارنده ذلت و خواری است .

إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَبِتُوا

«محاده» (مصدر «یحادّون») به معنای مخالفت کردن و دشمنی ورزیدن است (مصباح المنیر). «کبت» (مصدر «کبتوا») نیز به معنای ذلیل و خوار گردانیده شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 160

1 - دشمنی ورزیدن با خدا و پیامبر او و مخالفت و نافرمانی با آنان ، نشانه حقارت و پستی است .

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ .. أُولَئِكَ فِي الْأَذْلِينَ

«محاده» (مصدر «يُحَادُّونَ» در معانی دشمنی و مخالفت (نافرمانی) به کار می رود. «ذلت» (مبدأ اشتقاق «أَذْلِينَ»)، در مقابل عزت و به معنای حقارت و پستی است. گفتمی است جمله «أُولَئِكَ فِي الْأَذْلِينَ»، می تواند در بیان ماهیت و شخصیت دشمنان خدا و رسول او باشد و نیز می تواند ناظر به فرجام و عاقبت مخالفت با خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ که شکست و ذلت است _ باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 6

6 - سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، در پی دارنده محاسبه سخت الهی و عذاب ناخوشایند و ناشناخته (عذاب استیصال)

عتت عن أمر ربّها و رسله فحاسبنها حساباً شديداً و عدّبنها عذاباً نكراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 3، 4، 1

1 - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و كَأَين من قريه عتت عن أمر ربّها .. فذاقت وبال أمرها

«وبال» به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

3 - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و كان عـقبه أمرها خسراً

4 - دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، پیامدار سرنوشتی شوم و خسارت بار

عتت عن أمر ربّها .. فذاقت وبال أمرها و كان عـقبه أمرها خسراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، برای عصیان گران و متمردان از امر الهی و پیامبران ، عذابی شدید در آخرت آماده کرده است .

و كَأَيْنَ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرَسَلَهُ . . . أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا

2- دوری از تعالیم دین و سرپیچی از فرمان های خدا و رسول ، موجب عذاب شدید اخروی

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 6

6 - نافرمانی از خدا و رسول او ، موجب ابتلا به آتش دوزخ

و من يعص الله ورسوله فإن له نار جهنم

ص: 161

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 37 - 2

2 - طغیان گری ، سرکشی در برابر دستورات خداوند و زیاده روی در هواپرستی ، در پی دارنده مجازات در آخرت

فَأَمَّا مِنْ طَغَى

«طغیان»؛ یعنی، از حد گذراندن (لسان العرب). متعلق «طغی» _ به قرینه «من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی» (در آیات بعد) _ بی اعتنایی به پروردگار و پیروی از هوای نفس است. جمله «فإنّ الجحیم هی المأوی» در آیات بعد _ که جزای «فأما» است _ بر مجازات اخروی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 10

10 - سرپیچی از فرمان خداوند ، موجب استحقاق نفرین او

قتل الإنسـن . . . لَمَّا يَقْضِ مَا أَمْرُه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 92 - 10، 3

3 _ پیامد های شوم نافرمانی خدا و رسول ، سزاوار بیم و هراس

و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و ائذروا

متعلق «وائذروا» به قرینه صدر آیه می تواند مخالفت با خدا و رسول باشد.

10 _ نافرمانی خدا و رسول دارای پیامدهایی شوم و شیطانی (دشمنی و کینه توزی و بازماندن از نماز و یاد خدا)

انما یرید الشیطن . . . فان تولیتهم فاعلموا انما علی رسولنا البلغ المبین

مراد از رویگردانی در جمله «فان تولیتهم» _ به قرینه آیه پیشین _ نادیده گرفتن حرمت خمر و قمار است یعنی اگر نهی خداوند از میگساری و قمار را نادیده گرفتید و شیطان شما را به کینه و عداوت با یکدیگر کشانید جز خود کسی را ملامت نکنید زیرا آن عواقب شوم بازتاب نافرمانیهای شماست و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در وظیفه خود کوتاهی نکرده است.

10- آثار عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 12

12 - نفاق و تخلف از فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کفر به خدا و رسول خداست .

فرح المخلفون .. إنهم كفروا بالله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 47 - 8

8 - کسانی که از خدا و رسول او، روی برتابند و از فرمان هایشان سرپیچی کنند، مؤمن نیستند .

و يقولون ءامنّا بالله .. ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك و ما أولُـتک بالمؤمن

ص: 162

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 63 - 10.16

10 - مبتلا شدن به فتنه و بلا و یا عذاب دردناک الهی ، پیامد سرپیچی از فرمان های رسول خدا است .

فلیحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیبهم فتنه أو یصیبهم عذاب أليم

16 - « عن عبدالأعلى قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عزّوجلّ « فليحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیبهم فتنه أو یصیبهم عذاب أليم » قال : فتنه فی دینه أو جراحه لا یأجره الله علیها ;

عبدالاعلی می گوید: از امام صادق(ع) از معنای قول خدای _ عزّوجلّ _ « .. أن تصیبهم فتنه أو یصیبهم عذاب أليم » پرسیدم؟ حضرت فرمود: مراد فتنه در دین است یا جراحی [در بدن] که خدا در برابر آن اجری به او نمی دهد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 33 - 10

10- تخلف از فرمان خدا و رسول او ، دارای تأثیر در حبط اعمال گذشته انسان

أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و لا تبطلوا أعم لکم

از ارتباط «أطیعوا الله ..» با «لا تبطلوا أعمالکم»، استفاده می شود که عدم اطاعت موجب بطلان و حبط اعمال گذشته انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 34 - 5

5- اطاعت نداشتن از خدا و رسول او ، منتهی به عنادورزی با دین و محرومیت ابدی از غفران الهی *

یَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ و .. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و ... فلن یغفر الله له

از ارتباط «أطیعوا الله و ..» با «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و ...»، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 13 - 2

2 - تخلف از دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به بهانه های واهی ، در حکم کفر به خدا و رسول او *

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ .. و من لم يؤمن ... فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

روی سخن آیه شریفه، می تواند متوجه به بادیه نشینانی باشد که از دعوت پیامبر(صلی الله علیه و آله) تخلف کردند و اشتغال به اموال و خانواده را بهانه قرار دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 23

23 - اطاعت محض از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، نمود ایمان و موضع گیری در برابر آن حضرت نمود کفر است . *

لَوْ يَطِيعُكُمْ لَعَنْتُمْ وَلَئِن كُنَّ اللَّهُ حَبِيبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانِ ... وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ

صدر آیه؛ درباره اطاعت از رسول خدا و تحمیل نکردن رأی بر آن حضرت است؛ ولی ادامه آن درباره ایمان و کفر است؛ از این بیان انطباق ایمان بر اطاعت و تطبیق کفر بر تحمیل رأی بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) استفاده می شود.

ص: 163

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 5 - 3

3 - مخالفت با خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در پی دارنده ذلت و خواری است .

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كَبِتُوا

«محاده» (مصدر «یحادون») به معنای مخالفت کردن و دشمنی ورزیدن است (مصباح المنیر). «کبت» (مصدر «کبتوا») نیز به معنای ذلیل و خوار گردانیده شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 20 - 1

1 - دشمنی ورزیدن با خدا و پیامبر او و مخالفت و نافرمانی با آنان، نشانه حقارت و پستی است .

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ .. أُولَئِكَ فِي الْأَذْلِينَ

«محاده» (مصدر «یحادون») در معانی دشمنی و مخالفت (نافرمانی) به کار می رود. «ذلت» (مبدأ اشتقاق «أذلين»)، در مقابل عزت و به معنای حقارت و پستی است. گفتمی است جمله «أُولَئِكَ فِي الْأَذْلِينَ»، می تواند در بیان ماهیت و شخصیت دشمنان خدا و رسول او باشد و نیز می تواند ناظر به فرجام و عاقبت مخالفت با خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) _ که شکست و ذلت است _ باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 6

6 - نافرمانی از خدا و رسول او، موجب ابتلا به آتش دوزخ

وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 92 - 10، 3

3 _ پیامد های شوم نافرمانی خدا و رسول، سزاوار بیم و هراس

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا

متعلق «واحدروا» به قرینه صدر آیه می تواند مخالفت با خدا و رسول باشد.

10 _ نافرمانی خدا و رسول دارای پیامدهایی شوم و شیطانی (دشمنی و کینه توزی و بازماندن از نماز و یاد خدا)

انما یرید الشیطن . . فان تولیتهم فاعلموا انما علی رسولنا البلیغ المبین

مراد از رویگردانی در جمله «فان تولیتهم» _ به قرینه آیه پیشین _ نادیده گرفتن حرمت خمر و قمار است یعنی اگر نهی خداوند از میگساری و قمار را نادیده گرفتید و شیطان شما را به کینه و عداوت با یکدیگر کشانید جز خود کسی را ملامت نکنید زیرا آن عواقب شوم بازتاب نافرمانیهای شماست و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در وظیفه خود کوتاهی نکرده است.

11- آثار عصیان اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 6

ص: 164

6_ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود.

فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمین. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبین

12- آثار عصیان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 3 - 2

2- خوی سرکشی، تکبر، حق ناپذیری و ستیزه جویی، عامل نابودی بسیاری از امت ها و ملت های گذشته

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق . کم أهلكنا من قبلهم من قرن

آیه شریفه، درصدد بیان این حقیقت است که آنچه موجب ایمان نیابردن کافران صدراسلام شد، همان سبب کفر بسیاری از امت ها و ملت های گذشته گردید.

13- آثار عصیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 32

32 - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود.

یکفرون بآیت الله... ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون

مشارالیه «ذلک» در «ذلک بما عصوا» کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در «ذلک بما عصوا» را اشاره به «ذلت و...» دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت «ذلت و...» شمرده اند.

14- آثار عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 2

2- نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منهیة، از بهشت نخستین محروم شدند.

قلنا اهبطوا منها جميعاً

«اهبطوا» به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم (ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده

است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم(ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 11

11 - تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

ص: 165

واژه «ندا» معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 10

10 - نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد .

إِنَّ لَكَ ... لاتعری ... فبدت لهما سوءتھما

15- آثار عصیان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 23

23- تمرد شیطان از سجده بر آدم ، نمایانگر عداوت او با آدمیان است .

فسجدوا إلاّ إبلیس . . . و هم لكم عدوّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 7

7- عصیانگربودن شیطان در برابر خدای رحمان ، دلیلی کافی بر ضرورت پرهیز از اطاعت او است .

لاتعبد الشیطنَ إِنَّ الشیطنَ کان للرحمنَ عصیّاً

16- آثار عصیان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 76 - 6

6 _ تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش ، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرّمین . فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إنّ هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ خداوند، ایمان فرعون را بی اثر خواند و به درخواست او برای نجات دادنش، به خاطر نافرمانی‌ها و فسادانگیزی‌های سابق، جواب رد داد.

قال ءامنت أنه لا إله إلا الذی . . . وأنا من المسلمین . ءالتن وقد عصیت قبل و کنت

6_ عصیانگری و فسادانگیزی پیوسته فرعون، مانع پذیرفته شدن توبه وی از سوی خداوند شد.

ءالتن وقد عصیت قبل و کنت من المفسدین

ص: 166

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 16 - 3

3 - عصیان و سرپیچی فرعون ، موجب مؤاخذه شدن او از جانب خداوند شد .

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيًا

17- آثار عصیان قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبا - 34 - 16 - 2

2 - به دنبال تمرد قوم سبا از شکرگزاری به درگاه خداوند ، سیل بنیان کنی با شکستن سد مأرب به راه افتاد و باغ های آنان را درهم کوبید .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ سَيْلَ الْعَرْمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتِينَ ذَوَاتِ أَيْدٍ وَخِمْطٍ

«عرم» در لغت به معنای «مسناه» است (مفردات راغب) که اسم آلت بوده و به محلی گفته می شود که آب در پشت آن جمع شده باشد. و در اصطلاح به آن سد گفته می شود.

18- آثار عصیان کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 2 - 3

3 - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و الْقُرْآنَ ذِي الذِّكْرِ . بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ

«بل» در «بل الذین..» برای اضراب انتقالی است؛ بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

19- آثار عصیان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 19

19 - تخلف از فرمان های خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

ص: 167

20- ابلیس قبل از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 7

7 - ابلیس پیش از تمرد از فرمان خدا ، همپایه فرشتگان بود و در منزلت ایشان بسر می برد .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

از اینکه فرمان و خطاب خداوند به فرشتگان (قلنا للملائكة اسجدوا) شامل ابلیس نیز بود، معلوم است که: او در منزلت و مقام فرشتگان بسر می برد به گونه ای که از زمره ایشان محسوب می شد و یا واقعاً خودش نیز فرشته بود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 13 - 1

1_ ابلیس دارای مقامی رفیع، قبل از کبرورزی و نافرمانی خداوند

قال فاهبط منها

مراد از ضمیر در «منها» و «فیها» منزلتی است که ابلیس همراه فرشتگان در آن منزلت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 50 - 10

10- ابلیس ، پیش از تمرد از فرمان خداوند ، همپایه فرشتگان و در منزلت آنان بود .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس

21- اجتناب از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 20 - 4، 1

1_ اهل ایمان وظیفه دار اطاعت از خدا و رسول و پرهیز از نافرمانی آن حضرت

يأيتها الذين آمنوا أطيعوا الله ورسوله ولا تولوا عنه

4_ حمایت و نصرت الهی از آن مؤمنانی است که همواره مطیع خدا و رسول او باشند و از دستورات وی تخلف نکنند . *

وَأَنِ اللّٰهُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ . . . أَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنهُ

آیه مورد بحث می تواند بیانگر کلمه «المؤمنین» در آیه قبل باشد. یعنی آن وعده حمایت (أَنِ اللّٰهُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ)، مخصوص مؤمنانی است که از دستورات خدا و رسول او سرپیچی نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 29 - 1

1_ خداوند ، مؤمنان را به رعایت تقوا و پرهیز از مخالفت با وی فراخوانده است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللّٰهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا

ص: 168

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 132 - 2

2- لزوم پرهیز از مخالفت و ناسپاسی در برابر خدای نعمت دهنده

و اتَّقُوا الذی أمَدَّکم

22- اجتناب از عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 52 - 9

9- لزوم رعایت تقوا و پرهیز از نافرمانی خداوند

فَاتَّقُون

23- اجتناب از عصیان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 1 - 1

1- لزوم رعایت تقوا و پرهیز از نافرمانی خداوند

یٰۤاَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمْ

«إِتْقَاء» (مصدر «اتَّقوا») به معنای خوف و ترسیدن است و تقدیر آن «اتَّقُوا عَذَابَ رَبِّکُمْ» می باشد؛ یعنی از عذاب پروردگارتان بترسید. ترسیدن از عذاب خدا، مستلزم سرپیچی نکردن از فرمان های او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 2

2- مالکیت مطلقه خداوند بر جهان هستی ، مقتضی اطاعت بی چون و چرا از او و پرهیز از سرپیچی است .

لَاتَجْعَلُوا دَعَاءَ الرَّسُولِ .. فلیحذر الذین یخافون عن أمره ... أَلَا إِنَّ لَکُمْ مَافِ السَّ

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که جمله «إِنَّ لَکُمْ مَافِ السَّمَاوَاتِ ..» در حکم تعلیل برای جملات پیشین باشد.

1 - تأکید شعیب (ع) بر رعایت تقوای الهی و پرهیز از مخالفت با آفریدگار

و اتَّقُوا الذی خلقکم

«إتَّقُوا» (مصدر «اتَّقُوا») به معنای ترسیدن و پروا کردن و «جبلَّه» مرادف «خلقَه» است. بنابراین «والجبلَّه الأولین» یا به معنای «والمخلوقات الأولین» است (مصدر به معنای مفعول) و یا به تقدیر «و ذوی الجبلَّه الأولین» می باشد. در هر حال مقصود این است که: «اتَّقُوا الذی خلقکم و خلق الأمم قبلکم؛ از آن کس که شما و امت های پیش از شما را آفرید پروا کنید».

2 - توجه به مقام والای آفریدگار ، زمینه ساز تقوای پیشگی و پرهیز از مخالفت با او

و اتَّقُوا الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 18 - 2

2- ایمان ، مقتضی رعایت تقوا و پرهیز از مخالفت با خداوند

ی_أیها الذین ءامنوا اتَّقوا الله

از این که خداوند، مؤمنان را با وصف ایمان مورد دعوت قرار داده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 8

8 - خداوند ، به دلیل رفتار مدبرانه و کریمانه با انسان ، سزاوار اطاعت و ترک گستاخی و بی پروایی در برابر او است .

ما غرک بر بک الکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 52 - 9

9- لزوم رعایت تقوا و پرهیز از نافرمانی خداوند

فانتقون

24- اقرار آدم (ع) به عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 1،4

1_ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

4_ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

25- اقرار به ناپسندی عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 14

14- آزر ، به رحمان بودن خداوند و ناروا بودن سرپیچی از فرمان های او ، آگاه و معترف بود .

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

تعلیل بودن جمله «إِنَّ الشَّيْطَانَ..» برای نهی «لاتعبد» در گرو اعتراف آزر به نادرستی سرکشی شیطان از فرمان خدا است.

ص: 170

26- اقرار حوا به عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 1,4

1_ آدم و حوا پس از توییح خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

4_ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

27- انبیا و عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 11

11_ تمرد کنندگان از فرمان خدا _ هر چند از پیامبران باشند _ در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی اند .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

«من الله» به معنای «من عذاب الله» است.

28- انذار از فرجام عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 17

17- خداوند ، مردمان را همواره از فرجام شرک ، کفر و نافرمانی بیم داده و می ترساند .

و نخوفهم

29- انگیزه عصیان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 32 - 2

2- خداوند، در پی سرپیچی ابلیس از فرمان سجده بر آدم (ع)، از انگیزه نافرمانی او جويا شد و وی را مورد بازخواست قرار داد.

قال یابلیس ما لک الاّ تکون مع السّـجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 33 - 1,3

1- ابلیس، در پی جويا شدن خداوند از انگیزه تمردش، جواب داد: هرگز بر انسانی که از گلی خشکیده، بد بو و متغیر خلق شده است، سجده نخواهد کرد.

ص: 171

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حما مسنون

3- ابلیس ، در تمرد خود از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) ، تنها ماده جسمانی او را ملاک قرار داد و وجود روح الهی را در او نادیده گرفت .

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حما مسنون

30- اهمیت اجتناب از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 72 - 12

12- باید از انکار معاد و سرکشی در برابر خداوند ، پرهیز کرد .

أولاً يذكر الإنس... أيهم أشد على الرحمن عتياً... ثم ننجى الذين اتقوا

در این مجموعه آیات، آنچه مطرح است مسائل عقیدتی و فکری، به خصوص در زمینه معاد است. احتمالاً مقصود از «تقوا» در «اتقوا»_ به قرینه آیات قبل_ همان باور به معاد و پرهیز از خیره سری و گردن کشی در برابر خداوند باشد.

31- پرسش از انگیزه عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 32 - 4

4- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال يابليس ما لك ألا تكون مع السـجدین

از اینکه خداوند، از ابلیس جویای انگیزه وی برای تمردش شد_ با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد_ می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 75 - 3

3 - جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یـبلیس ما منعك أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد _ با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد _ می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

32- تبیین عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 8 - 1

1 - خداوند عصیانگری و پرهیزگاری نفس انسان و عوامل پیدایش آن صفات را به او شناسانده است .

ص: 172

فألهمها فجورها و تقویها

«فجور» به معنای روان شدن در معصیت ها و زناکاری است. فعل «فَجَرَ»؛ یعنی، فاسق شد؛ دروغ گفت؛ تکذیب کرد و نافرمانی و مخالفت کرد (قاموس). «فَجْر»، به معنای ایجاد شکاف وسیع و «فُجُور» دریدن پرده دین داری است. (مفردات)

33- تبیین عوامل عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 8 - 1

1 - خداوند عصیانگری و پرهیزکاری نفس انسان و عوامل پیدایش آن صفات را به او شناسانده است .

فألهمها فجورها و تقویها

«فجور» به معنای روان شدن در معصیت ها و زناکاری است. فعل «فَجَرَ»؛ یعنی، فاسق شد؛ دروغ گفت؛ تکذیب کرد و نافرمانی و مخالفت کرد (قاموس). «فَجْر»، به معنای ایجاد شکاف وسیع و «فُجُور» دریدن پرده دین داری است. (مفردات)

34- تداوم بر عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 8

8 _ تخلف از احکام الهی و مداومت بر آن ، فسق و ظلم و در پی دارنده کیفر شدید الهی است .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما كانوا یفسقون

35- توجیه عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 2

2 - دستاویزهایی که انسان را به نافرمانی خداوند و انکار ربوبیت او بکشاند ، تنها توجیهاتی فریبنده و تهی از حقیقت است .

یٰۤاَیُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ

«غَرَّبَ»؛ یعنی، خدعه کرد و نیرنگ زد و به حق او را به طمع افکند (لسان العرب). «باء» در «رَبِّكَ» باء ملابست است؛ یعنی، در رابطه با پروردگارت. هر گاه «باء» ملابست بر اسم ذات درآید، مراد امور و شؤون آن ذات خواهد بود که در آیه شریفه _ به قرینه آیات بعد _ مقصود

انکار و عصیان او است. بنابراین مفاد آیه این است که: چه چیز تو را درباره پروردگارت فریب داد که ربوبیت او را نپذیرفته، به نافرمانی او کشانده شدی؟!

36- جرم عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 173

6_ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام، جرمی است بزرگ.

خلف رسول الله... قالوا لاتنفروا... قل نار جهنم... جزاء بما کانوا یکسبون

37- حرمت عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 63 - 11

11 - سرپیچی از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گناه و حرام است.

فلیحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیبهم فتنه أو یصیبهم عذاب أليم

38- خطر عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 19

19- انسان در معرض سرکشی، در برابر خداوند است.

کذلک یتّم نعمته علیکم لعلکم تسلّمون

استعمال کلمه «لعل» که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

39- خطر عصیان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 19

19- انسان در معرض سرکشی، در برابر خداوند است.

کذلک یتّم نعمته علیکم لعلکم تسلّمون

استعمال کلمه «لعل» که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

40- زمینه اجتناب از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 5

5 - توجه به سرنوشت شوم اصحاب سبت ، زمینه ساز خودداری از گناه و نافرمانی خداوند است .

ص: 174

فجعلنها نکالا لما بین یدیهما و ما خلفها

«نکال» به معنای عبرت و نیز به معنای عقوبت و کیفر بازدارنده است.

41- زمینه اجتناب از عصیان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 150 - 2

2- برخورداری از موهبت های طبیعی و نعمت های خدادادی ، مقتضی تقوای پیشگی و سرپیچی نکردن از فرمان های خدا و رسول او .

فی جنّات و عیون . و زروع ... و تحتون من الجبال بیوتاً فـ رهین . فاتّقوا الله و

تفریح «فاتّقوا..» بر آیات پیش بیانگر مطلب یاد شده است.

42- زمینه اجتناب از عصیان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 1 - 4

4- اعتقاد به ربوبیت خدا ، مقتضی رعایت تقوا و پرهیز از نافرمانی او

اتّقوا ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 150 - 2

2- برخورداری از موهبت های طبیعی و نعمت های خدادادی ، مقتضی تقوای پیشگی و سرپیچی نکردن از فرمان های خدا و رسول او .

فی جنّات و عیون . و زروع ... و تحتون من الجبال بیوتاً فـ رهین . فاتّقوا الله و

تفریح «فاتّقوا..» بر آیات پیش بیانگر مطلب یاد شده است.

43- زمینه ترک عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 52 - 10

10_ سلامت دل و ایمان راسخ ، زمینه پرهیز از ستمگری و عصیان و موجب برخورداری از هدایت خاص الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

ص: 175

44- زمینه عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 59 - 3,4

3 - حرام خواری ، زمینه ساز سرپیچی از فرمان های خدا و ارتکاب گناهانی دیگر است .

فبدل الذین ظلموا قولاً غیر الذی قیل لهم

4 - ستمگری ، زمینه ساز تمرد از دستورات خداوند است .

فبدل الذین ظلموا قولاً غیر الذی قیل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 19,20

19 - بینش محدود بنی اسرائیل نسبت به ملاک های حقیقی گزینش ، منشأ اعتراض آنان به برگزیدن طالوت

قالوا انی یکون له الملك علينا . . . و الله واسع علیم

جمله «و الله واسع علیم» تعریضی به بنی اسرائیل است که بینش شما محدود و در نتیجه مُعترض به گزینش طالوت شده اید.

20 - بینش محدود آدمی ، منشأ اعتراض وی به افعال الهی

قالوا انی . . . و الله واسع علیم

جمله «و الله واسع علیم» تعریضی به مُعترضین است که شما بینشی محدود دارید و لذا اعتراض به گزینش طالوت (افعال الهی) می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 19

19 - دنیاطلبی و دلدادگی به مادیات ، از عوامل سرپیچی از فرمان رهبران الهی

و عصیتم . . . منکم من یرید الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 4

4_ غنا و احساس بی نیازی ، زمینه سرپیچی از فرامین الهی و استهزای آنان *

الَّذِينَ يَخْلُونُ بِمَا اتَّهَمُ اللَّهُ... لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 28

28_ ارزشمندی بهره های دنیوی در دیدگاه انسان ، زمینه تخلف و سرپیچی از جهاد و فرامین الهی

وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ... قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ

جمله «قل متاع الدنيا» ، چون جواب از اعتراض آنهاست، بیانگر این است که علت اصلی تخلف از حکم جهاد، وابستگی به دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 176

11 - گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 3

3 - بیمار دلی و ضعف ایمان ، زمینه تخلف از فرامین خداوند

لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَى أَوْلِيَاءَ .. فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 12

12 - کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ .. ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

اگر جمله «الذین ..» عطف بر «الحمد لله» و «یعدلون» به معنای «عدول» باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 13 - 5

5 - تکبر و خودبرتربینی، زمینه ساز عصیانگری و سقوط معنوی است.

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 163 - 15، 16

15 - فسق و تبهکاری انسان ها فراهم آورنده زمینه های تعدی از دستورات الهی و عدم موفقیت در آزمون های الهی است .

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

16 _ خداوند يهوديان ايله را به آزموني مبتلا كرد كه عدم موفقيت در آن ، ايشان را به انحراف و تمرد هميشگي مي كشانيد .

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

برداشت فوق بر اين اساس است كه «ما» در «بما كانوا» موصول اسمي باشد ؛ يعنى: «بالذی كانوا يفسقون به». (به چيزی آنان را آزموديم كه موجب فسق ايشان می شد). بدیهی است تحقق این معنا ناشی از شكست آنان در آزمون خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 14 - 10

10- گردن فرازی و سلطه جویی ، زمينه ساز عصيان و گناه است .

ولم يكن جبّارًا عصيًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 177

1 - رفاه مندی و فراوانی روزی ها و گستردگی نعمت ها ، مایه سرکشی و تجاوزگری انسان ها در زمین

و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 20 - 14

14- کفر ، هواپرستی ، استکبار و عصیان گری ، عناصری به هم پیوسته

يعرض الذين كفروا .. و استمتعتم بها... تستكبرون فی الأرض بغير الحق و بما كنتم ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 14 - 7

7- حالت طغیان گری و ثروت اندوزی و احساس بی نیازی مطلق ، مایه بی پروا شدن انسان در برابر نظارت خداوند

ليطغى . أن رءاه استغنى ... ألم يعلم بأنّ الله يرى

45- زمینه عصیان آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 3

3- تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدلك على شجرة الخلد .. فأكلا منها

46- زمینه عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 7

7_ تکبر و خودبرتربینی، زمینه ساز عصیان و نافرمانی خداوند

ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك قال أنا خير منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 1

1 _ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر، فرزند، برادر، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها ... أحب إليکم من اللّٰه ورسوله و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 178

7 - توبه - 9 - 28 - 11

11 - بیم از فقر و تنگدستی ، زمینه ابتلای انسان به نافرمانی خدا

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... و إن خفتن عيله فسوف يغنيكم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 21 - 5

5 - دروغ دانستن تعالیم پیامبران زمینه ساز نافرمانی خداوند و گرفتاری به گناه

فكذب و عصی

ترتیب بیان تکذیب و عصیان، گویای ترتب آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 162 - 3

3 - حرامخواری زمینه سرپیچی از فرمان های الهی و ارتکاب گناهانی دیگر

فبدل الذين ظلموا منهم قولا غير الذي قيل لهم

47- زمینه عصیان از محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 1

1 - عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های

انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤکم... و أموال اقترفتموها... أحب إليکم من الله و رسوله و جهاد

48- زمینه عصیان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 21

21 - فسق پیشگی اهل کتاب و نافرمانی آنان از حق ، نتیجه بی تفاوتی دراز مدت آنان نسبت به تعالیم الهی و گرفتار شدن به قساوت قلب

فطال علیهم الأمد فقسست قلوبهم و کثیر منهم ف_سقون

49- زمینہ عصیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقرہ - 2 - 61 - 37

ص: 179

37 - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش، زمینه ساز عصیانگری، تجاوز، کشتن پیامبران و کفرشان بود.

لن نصیر علی طعام وحد... اهبطوا مصرأ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه؛ یعنی، «و ضربت علیهم الذله...» با بخش اول آیه است.

50- زمینه عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 3

3 - تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت.

هل أذلك علی شجرة الخلد... فأكلا منها

51- زمینه عصیان فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 2

2- ضعف و سالخوردهگی پدر و مادر، زمینه ابتلای فرزند به غرور و سرکشی است.

إمّا یبلغنّ عندک الکبر... و اخفض لهما جناح الذلّ

تذکر خداوند برای رعایت حال پدر و مادر در حال پیری، احتمال دارد به خاطر وجود زمینه لغزش و تکبر فرزندان در این فصل از زندگی پدر و مادر باشد.

52- زمینه عصیان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 36 - 3

3 - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند؛ استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

53- زمينه عصيان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 149 - 8

ص: 180

8- وجود زمینه های تخلف از فرمان خدا (تغییر و تعیین قبله)، در میان مسلمانان

و ما الله بغفل عما تعملون

ظاهر این است که خطاب در «تعملون» متوجه مسلمانان باشد. بنابراین آنان مورد تهدید واقع شده اند و این نشان می دهد که در میان مسلمانان کسانی بوده اند که در پذیرش قبله جدید تردید داشته و یا در صدد مخالفت با آن بوده اند.

54- زمینه عصیان نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 27 - 4

4- در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان، به کفر، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند.

و لا یلدوا إلا فاجراً کفّاراً

«فاجر» به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

55- زیان عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 4

4- ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإثمّا علیه ما حمل و علیکم ما حملتم

56- زیان عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 4

4- ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أطيعوا الله و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإثمّا علیه ما حمل و علیکم ما حملتم

57- سرزنش عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 231 - 21

21_ هشدار الهی نسبت به مُتخلفین از دستورات الهی و احکام طلاق

و اذ طَلَّقْتُمْ... و اتقوا الله و اعلموا انّ الله بكل شیء علیم

ص: 181

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 14

14 - بی پروایی از خداوند ، علی رغم یاد او در سوگند ها ، امری ناروا و به دور از انتظار

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ

58- سرزنش عصیان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 1 - 14

14 - سرپیچی کافران اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور « بینه » ، رفتاری

نکوهیده و شگفت

لَمْ يَكُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا.. مَنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

59- سرزنش مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 1 - 14

14 - سرپیچی کافران اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور « بینه » ، رفتاری

نکوهیده و شگفت

لَمْ يَكُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا.. مَنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

60- شرایط آمرزش عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 82 - 2

2 - توبه کنندگان از شرک ، کفر و عصیان ، با ایمان و عمل صالح و پی گیری هدایت ، قطعاً مشمول مغفرت خداوند قرار خواهند گرفت .

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَءَامَنَ .. ثُمَّ اهْتَدَى

مراد از توبه به قرینه آیه قبل ، توبه از گناه تعدی در مآکولات است و چون پس از «تاب»، سخن از ایمان به میان آمده است، شامل توبه از

شرک و کفر نیز می شود.

ص: 182

61- شگفتی عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 5

5 - مخالفتِ انسان با احسان کنندگان و پرورش دهندگانش ، خلاف طبیعت او و شگفت آور است .

یٰـأَیُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

62- شگفتی عصیان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 1 - 14

14 - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور « بینه » ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا.. مَنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 5 - 14

14 - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و محروم ساختن خویش از توحید ، اعتدال ، نماز و زکات ، شگفت آور است .

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا.. مَنْفَكِينَ... وَ مَا أُمُّرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ... حُنَفَاءَ وَی

چنانچه جمله «و ما أمروا..» ، ناظر به اوامر اسلامی باشد، مفاد آیه _ با توجه به ارتباط آن با آغاز سوره _ این می شود که مگر اسلام، چه اوامری دارد که کافران، همچنان از مرام خود منفک نشده و به این دین روی نمی آورند؟!؛ این دین که سراسر توحید و نماز و زکات است، چه فرمان نادرستی در آن است که آنان از پذیرش این دین، امتناع میورزند؟!.

63- شگفتی عصیان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 1 - 14

14 - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور « بینه » ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لم یکن الذین کفروا.. .. منفکین حتی تأتیهم البینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 5 - 14

14 - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و محروم ساختن خویش از توحید ، اعتدال ، نماز و زکات ، شگفت آور است .

لم یکن الذین کفروا.. .. منفکین... و ما أمرُوا إِلَّا ليعبدوا الله... حنفاء وی

ص: 183

چنانچه جمله «و ما أمروا...»، ناظر به اوامر اسلامی باشد، مفاد آیه _ با توجه به ارتباط آن با آغاز سوره _ این می شود که مگر اسلام، چه اوامری دارد که کافران، همچنان از مرام خود منفک نشده و به این دین روی نمی آورند؟! این دین که سراسر توحید و نماز و زکات است، چه فرمان نادرستی در آن است که آنان از پذیرش این دین، امتناع میورزند؟!

64- ظلم عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 59 - 10

10 - تمرد از فرمان های الهی ظلم است .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 3

3_ گناه و عصیان، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

65- ظلم عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 162 - 7

7_ تمرد از فرمان های الهی ظلم است .

فبدل الذین ظلموا

66- عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 23 - 1، 2

1_ تمرد اهل کتاب در برابر دعوت به کتاب خداوند برای داوری، بسی شگفت آفرین است .

الم تر الی الذین... و هم معرضون

2_ تمرّد اهل کتاب از حاکمیت کتاب خدا، شاهد و دلیل کفر آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً .. وهم معرضون

به نظر می رسد این آیه، عهده دار بیان کفر اهل کتاب باشد که در آیه قبل، به آن تصریح شده است.

ص: 184

67- عصیان آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 2

2 - آدم (ع) و حوا با نافرمانی خداوند، شایستگی خویش را برای سکونت در بهشت نخستین از دست دادند.

فأخرجهما مما كانا فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 37 - 1

1 - آدم (ع)، از کرده خویش (نافرمانی خدا) پشیمان شد و در صدد توبه به درگاه خداوند برآمد.

فتلقى آدم من ربه كلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 1

1 - خداوند، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند.

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله «قلنا اهبطوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قلنا اهبطوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قلنا اهبطوا» در آیه 36 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 5

5_ عن الرضا(ع): ... ولم يكن آدم و حوا شاهدا قبل ذلك من يحلف بالله كاذبا «فدليهما بغرور» فاكلام ____ نها ثقه بيمينه بالله و كان ذلك من آدم ق ____ بل النبوه و لم يكن ذلك بذنب كب ____ ير اس ____ تحق به دخول الن ____ ار

از امام رضا(ع) روایت شده است: ... آدم و حوا قبل از سوگند ابلیس، قسم دروغ به خداوند را مشاهده نکردند و «ابلیس آنها را با فریب، فرود آورد» و با اعتماد به سوگند ابلیس، از آن درخت خوردند و این کار قبل از نبوت آدم(ع) بود و گناه کبیره ای که بدان مستحق آتش شود نبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 16، 17

16_ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجرة

17_ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما . . . و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 11

11_ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ص: 185

ربنا ظلمنا .. لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 10

10_ عن أبي عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید؛ زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 115 - 4

4 - آدم ، فاقد عزم و اراده لازم برای به کار بستن توصیه های خداوند و توجه به آن بود .

و لقد عهدنا إلى ءادم .. فَنَسِيَ و لم نجد له عزمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 1، 16

1 - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشیطن .. فأکلا منها

16 - آدم (ع) با تناول از درخت ممنوع ، مرتکب معصیت پروردگار گردید .

فأکلا .. و عصی ءادم ربّه

68- عصیان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 18، 19، 16، 13، 12، 4

4 - ابلیس از فرمان خدا سرپیچی کرد و بر آدم سجده ننمود .

و إذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس أبى

«إبأ» (مصدر أبى) به معنای امتناع کردن است.

12 - ابلیس ، دارای اختیار تکوینی و انتخاب اطاعت خدا ، یا معصیت او

فسجدوا إلا إبليس أبى و استکبر

13 - وجود کافرانی غیر از ابلیس ، در زمان تـمـردش از فرمان خدا *

و کان من الکفرین

16 - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئكة . . . و کان من الکفرین

«اذ» مفعول برای «اذکر» (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

ص: 186

18 _ موسی بن بکر واسطی گفت : « سألت أبا الحسن موسى (ع) عن الكفر والشرك أيهما أقدم . . . فقال لي : الكفر أقدم و هو الجحود قال لابليس « أباي و استكبر و كان من الكافرين » ؛

از امام کاظم(ع) سؤال کردم: کفر قدیمی تر است یا شرک؟ امام فرمود: کفر قدیمی تر است و آن به معنای انکار است. خداوند درباره ابلیس فرمود: نافرمانی و تکبر کرد و از کافران بود».

19 _ از امام سجاده (ع) روایت شده : « . . . فأول ما عصى الله بالكبر و هي معصية إبليس حين أبى و استكبر و كان من الكافرين . . . ؛ . . . اولین سبب نافرمانی از خدا کبر بوده و این نافرمانی ابلیس بود به هنگامی که تکبر و نافرمانی کرد و از کافران گشت . . . ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 11، 9

9 _ ابلیس از سجده کردن بر آدم(ع) سر باز زد و از فرمان خدا تمرد کرد.

فسجدوا إلا إبليس

11 _ ابلیس پیش از تمرد فرمان خدا، همپایه فرشتگان بود و در منزلت آنان بود.

قلنا للملائكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس

از اینکه فرمان و خطاب خداوند به ملائکه (قلنا للملائكة اسجدوا) شامل ابلیس نیز می شده، معلوم می شود او همپایه فرشتگان بوده به گونه ای که از زمره آنان محسوب می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 1، 8

1 _ ابلیس، مورد سرزنش و بازپرسی خداوند به سبب تمرد از سجده بر آدم

قال ما منعك ألا تسجد

در توجیه وجود کلمه «لا» در «ألا تسجد» چند نظر وجود دارد: برخی گفته اند «لا» زائده و برای تأکید است. و برخی دیگر گفته اند «منعك» متضمن معنای «دعاك» است که در این صورت لا نافیة خواهد بود. یعنی چه چیز تورا واداشت که سجده نکنی.

8 _ ابلیس موجودی متکبر، نژاد پرست و گستاخ در برابر خداوند

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 14 - 2

2_ ابلیس، علی رغم عصیان فرمان خداوند، از استجابات در خواستش مأیوس نبود.

قال أنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 18 - 6

6_ محاوره و گفتگوی مستقیم خداوند با ابلیس، در داستان تمرد وی از سجده بر آدم(ع)

قال ما منعک .. قال أخرج منها

ص: 187

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 31 - 1

1- ابلیس ، از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) سرپیچی کرد و حاضر نشد در ردیف دیگر سجده کنندگان بر او قرار گیرد .

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 32 - 1,3

1- خداوند ، به خاطر تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع) ، او را مورد سرزنش قرار داد .

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

3- گفت و گوی مستقیم و بدون واسطه خداوند با ابلیس ، در پی تمرد وی از فرمان سجده بر آدم (ع)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 14,6,3,1

1- ماجرای سجده ملائکه در برابر آدم و نافرمانی ابلیس ، شایسته یاد و یادآوری است

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که «إِذْ» متعلق به «اذکر» و یا «اذکروا» مقدر باشد.

3- همه فرشتگان جز ابلیس ، از امر الهی به سجده بر آدم (ع) اطاعت کردند .

قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

6- شگفتی انکارآمیز ابلیس از فرمان الهی به سجده وی بر موجودی آفریده از گل

قَالَ أَسْجِدُ لِمَنْ خَلَقْتَنِي طِينًا

14- همه فرشتگان به جز ابلیس ، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند .

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی «سجده» است که به معنای «خضوع» و «تذلل» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کُهِف - 18 - 50 - 17، 9، 1

1- سرگذشت سجده ملائکه در برابر آدم و تمرد ابلیس، عبرت آموز و شایان توجه است.

و إذ قلنا للملئكة اسجدوا لآدم

«إذ» ظرف برای فعل مقدر مانند «أذكر» است؛ یعنی: «یاد کن زمانی را که...». فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا آحاد مردم در مورد یاد کردن داستان سجده برای آدم، گویای سازنده بودن این یادآوری و عبرت آموزی آن است.

9- ابلیس، از اطاعت خدا در سجده برای آدم، سرپیچی کرد.

فسجدوا إلاّ ابلیس .. ففسق عن أمر ربّه

«فسق» به معنای خروج از محدوده شریعت است (مفردات راغب).

17- ابلیس، علی رغم تضمین رشد و تکامل وی در پرتو اطاعت فرمان خدا از آن سرپیچی کرد.

فسق عن أمر ربّه

ص: 188

واژه «رَبَّه» می رساند که فرمان الهی به ضرر ابلیس نبوده، بلکه از ناحیه ربوبیت خدا و در جهت رشد و تکامل وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 1,4

1 - داستان سجده فرشتگان بر آدم و امتناع ابلیس ، سرگذشتی درخور توجه و درس آموزی

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا

«إذ» مفعول فعل محذوف است و به قرینه آیات مشابه، آن فعل «اذکر» (فراگیر و به خاطر داشته باش) می باشد.

4 - ابلیس ، همچون فرشتگان ، مأمور به سجده در برابر آدم (ع) بود .

للملئکه اسجدوا لآدم فسجدوا إلا ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 4

4 - امتناع ابلیس از سجده در برابر آدم ، نشانگر دشمنی او با آدم و دیگرانسان ها است .

إلا ابلیس أبی . فقلنا یـَـا آدم إنـهـ ذـا عدو لک و لزوجک

معرفی ابلیس پس از امتناع از سجده، به عنوان دشمن «آدم و حوا» نشانگر آن است که ترک سجده، علامت این دشمنی بوده است و دشمن شدن او با حوا، گویای این است که ابلیس پس از ماجرای سجده بر آدم، با جنس انسان، خصومت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 2

2 - سرپیچی ابلیس ، از فرمان خداوند به سجده برای آدم (ع)

فسجد الملئکه . . . إلا ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 75 - 1,2

1 - سرزنش ابلیس از سوی خداوند ، به خاطر نافرمانی از سجده بر آدم (ع)

قال یٰـابلیس ما منعک اُن تسجد

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام توییح ابلیس و محکومیت عمل او است.

2 - خداوند ، از انگیزه نافرمانی ابلیس از سجده بر آدم ، جویا شد و او را مورد بازخواست قرار داد .

قال یٰـابلیس ما منعک اُن تسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 14

14 - ابلیس ، پیش از تمرد از سجده بر آدم ، موجودی برتر از آدم نبود .

إلّا ابلیس استکبر و کان من الـکـفرین . . . قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته م

خداوند در دو آیه پیش، ابلیس را پس از تمرد از فرمان سجده بر آدم، کافر شمرده است در این آیه نیز با محکومیت استدلال ابلیس بر مهتری و برتری اش بر آدم، نشان داد که او در گذشته هم برتر از آدم نبود.

ص: 189

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 77 - 3

3 - برخورداری ابلیس از مقامی رفیع و منزلتی والا ، پیش از کبرورزی و نافرمانی خداوند

قال فاخرج منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 81 - 6

6 - ابلیس ، علی رغم نافرمانی از خداوند ، از استجابات دعای خود مأیوس نشد .

قال ربّ فأظنرني .. قال فإنك من المنظرين . إلی يوم الوقت المعلوم

69- عصیان از ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 10

10- عصیان کنندگان از فرمان ها و رهنمود های حضرت ابراهیم (ع) ، هر چند از فرزندان او باشند ، از تقرب به خداوند دور و فاقد منزلت هستند .

فمن تبعني فإنه مني و من عصاني فإنك غفور رحيم

70- عصیان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 5

5_ اکثریت قاطع قوم عاد ، با رسولان الهی مخالفت کرده و از پذیرش رسالت و پیام های آنان سرپیچی کردند .

و تلک عاد .. و عصوا رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 2

2_ عموم مردم با پیامبران مخالفت می کردند و از پذیرش دعوت ایشان سرباز می زدند .

حتّی إذا استیّس الرسل

چنان چه عده بسیاری از مردم ایمان می آوردند ، پیامبران مأیوس نمی شدند. بنابراین «استیّس الرسل» حاکی است که همه و یا اکثر مردم از پذیرش دعوت پیامبران امتناع می کردند. جمله «فنجی من نشاء» دلالت بر آن دارد که برخی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 44 - 3

ص: 190

3 - حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

كُلِّ ما جاء أُمَّه رسولها كذَّبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 5, 1

1 - بسیاری از مردم آبادی ها و شهر ها در طول تاریخ ، از فرمان های خداوند و رسولان او ، سرباز زدند .

و كَأَينَ من قَريه عتت عن أمر ربِّها

5 - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنھا حساباً شديداً و عذبنھا عذاباً نكراً

«نکر» (مرادف «منکر») به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 2

2 - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و كان عـقبه أمرها خسراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 10 - 1

1 - فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط ، از فرمان های پیامبران خود سرپیچی کردند .

و جاء فرعون . . . فعصوا رسول ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 4

4 - رهاکنندگان عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران ، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ... وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 12

12_ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا... ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق «ذلک» علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 25 - 5

5_ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

ص: 191

إذا دعاكم لما يحييكم . . . و اتقوا فتنه لاتصيين الذين ظلموا منكم خاصة

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 63 - 14، 6

6- امت های پیشین، فریفته شیطان شده و تسلیم انبیای خود نشدند.

لقد أرسلنا إلی أمم من قبلک فزین لهم الشیطن أعم لهم

جمله «زین لهم الشیطان أعمالهم» به قرینه وعده عذابی که در همین آیه به آن امتهای داده شده، کنایه از عدم تسلیم آنها در برابر انبیاست.

14- کیفر امتهایی که به دعوت انبیا جواب مساعد ندادند، عذاب دردناک است.

و لهم عذاب أليم

71- عصیان از انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 47 - 13

13_ مسیحیان، در صورت پیروی نکردن از احکام انجیل، فاسق هستند.

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل الله فیہ و من لم یحکم . . هم الفسقون

72- عصیان از اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 12

12 - قوم موسی، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پیشمانشان بر گوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع)، تمرد کرده و عصیانگر شدند.

قالوا سمعنا و عصینا

73- عصیان از اوامر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 12، 13، 16

12 - قوم موسی ، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پیشمانشان بر گوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع) ، تمرد کرده و عصیانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصینا

13 - قوم موسی ، آشکارا و علنی و بدون هیچ پرده پوشی ، از فرمان های تورات و موسی (ع) سرپیچی کردند .

ص: 192

بعید به نظر می رسد که قوم موسی در پاسخ به پیروی از فرمانهای خدا و موسی (ع) - خصوصاً با قرار گرفتن طور بر بالای سر ایشان - اظهار کنند که «ما نافرمانی می کنیم». بنابراین «قالوا سمعنا و عصينا» بیان می دارد که اظهار اطاعت کردند و در عمل نافرمانی کردند، ولی از آن جا که نافرمانی اینان بسیار علنی و بدون پرده پوشی بوده، گویا به زبان آوردند که ما عصیان می کنیم.

16 - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله «و أشربوا . . .» حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

74- عصیان از تعالیم موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 21 - 4

4 - فرعون ، از پذیرش رهنمود های موسی (ع) سرپیچی کرد .

و عصی

متعلق «عصی» _ به قرینه «أهدیک» _ رهنمودهای موسی (ع) بوده است.

75- عصیان از تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 16

16 - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله «و أشربوا . . .» حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

76- عصیان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 31

31_ تسلیم نبودن در برابر احکام الهی و هراس از رویارویی با دشمن ، نشانه بی تقوایی

وقالوا ربنا لم کتبت علینا القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب والاخره خیر لمن ات

مفعول «اتقی» می تواند مسائلی باشد که در آیه به متخلفان از جهاد نسبت داده شد ; همانند اعتراض به حکم خدا و ترس از جنگ.

ص: 193

77- عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 11، 13

11 - سرپیچی از فرمان خدا، از روی استکبار و خود بزرگ بینی، موجب کفر است.

أبی و استکبر و کان من الکفرین

13 - وجود کافرانی غیر از ابلیس، در زمان تمردش از فرمان خدا *

و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 19

19 - سرپیچی از فرامین خدا، ظلم است.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1، 2

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید.

فأزلهما الشیطن عنها

«ازلال» (مصدر ازَلّ) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم (ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم (ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

2 - آدم (ع) و حوا با نافرمانی خداوند، شایستگی خویش را برای سکونت در بهشت نخستین از دست دادند.

فأخرجهما مما كانا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - حرام خواری، زمینه ساز سرپیچی از فرمان های خدا و ارتکاب گناهانی دیگر است.

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

4 - ستمگری، زمینه ساز تمرد از دستورات خداوند است.

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

10 - تمرد از فرمان های الهی ظلم است.

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 2،7

2 - گروهی از بنی اسرائیل حکم خداوند را پاس نداشتند و تعطیلی روز شنبه را شکستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

7 - سرپیچی کنندگان از احکام الهی در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن و مطرود شدن) هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 24

24 - شکستن پیمان های الهی و تمرد از فرمان های خدا ، عادت روزمره بنی اسرائیل است .

و أنتم معرضون

برخی از مفسران برآنند که جمله «و أنتم معرضون» (شما]از عهدها و پیمانها [رویگردان هستید) جمله معترضه است و اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل نه تنها پیمانهای یاد شده را شکستند بلکه رویه و عادت آنها چنین است که به عهدها و پیمانها پایبند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 8

8 - وجود زمینه های تخلف از فرمان خدا (تغییر و تعیین قبله) ، در میان مسلمانان

و ما اللّٰه بغفل عما تعملون

ظاهر این است که خطاب در «تعملون» متوجه مسلمانان باشد. بنابراین آنان مورد تهدید واقع شده اند و این نشان می دهد که در میان مسلمانان کسانی بوده اند که در پذیرش قبله جدید تردید داشته و یا در صدد مخالفت با آن بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 9

9 - نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشان است .

کنتم تختانون أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 15 - 4

4_ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، عصیان بر اوست.

أغیر اللّٰه اتّخذ ولیا .. و لا تكونن من المشرکین. قل إني أخاف إن عصیت ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 2

2_ خوردن از ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، فسق (خروج از طاعت خداوند) است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه و إنه لفسق

مرجع ضمیر «إنه»، «أکل» می تواند باشد که از جمله «لا تأکلوا» گرفته شده است.

ص: 195

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 4 - 7

7_ تخلف جوامع از فرامین خدا، موجب سقوط معنوی آن جوامع و زمینه ساز گرفتاری آنان به عذاب دنیوی (عذاب استیصال).

و لا تتبعوا .. و کم من قریه اهلکنها

برداشت فوق بر این اساس است که «فاء» در «فجاءها» بیانگر ترتیب باشد. بر این مبنا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی خواهد بود. یعنی جوامعی در گذشته منحرف شدند و پس از آن گرفتار عذاب الهی گشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 11، 9

9_ ابلیس از سجده کردن بر آدم (ع) سرباز زد و از فرمان خدا تمرد کرد.

فسجدوا إلا ابلیس

11_ ابلیس پیش از تمرد فرمان خدا، همپایه فرشتگان بود و در منزلت آنان بود.

قلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا إلا ابلیس

از اینکه فرمان و خطاب خداوند به ملائکه (قلنا للملائکه اسجدوا) شامل ابلیس نیز می شده، معلوم می شود او همپایه فرشتگان بوده به گونه ای که از زمره آنان محسوب می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 6، 8

6_ تکبر و خود برتری ابلیس، عامل تمرد وی از اطاعت فرمان خداوند (سجده بر آدم (ع))

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

8_ ابلیس موجودی متکبر، نژاد پرست و گستاخ در برابر خداوند

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 14 - 2

2_ ابلیس، علی رغم عصیان فرمان خداوند، از استجابت در خواستش مأیوس نبود.

قال أنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 4

4_ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور .. قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 2,5

2_ قوم عاد، ربوبیت خدا را انکار کرده و از فرمانش سرپیچی کردند .

ص: 196

ألا إن عادًا كفروا ربهم

چون «ربهم» بدون واسطه حرف «باء» مفعول برای «كفروا» قرار گرفته است، می توان گفت: در «كفروا» معنای عصیان و نافرمانی اشراب شده است؛ یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

5_ قوم عاد، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند.

ألا بُعْدًا لعاد قوم هود

«بُعْدًا» (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: ألا لیبعد قوم عاد بعداً. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مراد عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراسر است و نیز محتمل است «ألا بُعْدًا...» _ چنان چه زمخشری گفته _ بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد؛ یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند] بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاوار چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 68 - 2

2_ قوم ثمود، ربوبیت خداوند را انکار کردند و از فرمانش سرپیچی نمودند.

ألا إن ثمودا كفروا ربهم

چون «ربهم» بدون واسطه حرف «باء» مفعول برای «كفروا» قرار گرفته است، می توان گفت در «كفروا» معنای عصیان و نافرمانی اشراب شده است؛ یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 16

16_ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد.

و لا تطغوا إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 31 - 1

1- ابلیس، از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) سرپیچی کرد و حاضر نشد در ردیف دیگر سجده کنندگان بر او قرار گیرد.

إلا إبليس أبى أن يكون مع السَّاجِدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 32 - 1,3

1- خداوند ، به خاطر تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع) ، او را مورد سرزنش قرار داد .

قال یابلیس ما لک ألاّ تکون مع السّـجدین

3- گفت و گوی مستقیم و بدون واسطه خداوند با ابلیس ، در پی تمرد وی از فرمان سجده بر آدم (ع)

قال یابلیس ما لک ألاّ تکون مع السّـجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 15,6

ص: 197

6- شگفتی انکارآمیز ابلیس از فرمان الهی به سجده وی بر موجودی آفریده از گل

قال ءأسجد لمن خلقت طينًا

15- دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد معارضه مشرکان با تعالیم قرآن، از طریق بیان نمونه های تاریخی تمرد از فرمان خداوند

و إذ قلنا للملئکة .. إلا ابلیس قال ءأسجد لمن خلقت طينًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 65 - 3

3- پیروی از شیطان، خروج از عبودیت خداست.

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

اضافه «عباد» به «ی» متکلم برای بیان این نکته که کسانی از نسل آدم(ع) وجود دارند که ابلیس بر آنها سلطه نخواهد داشت؛ حکایت از آن دارد که بندگی خداوند، انسان را از سلطه ابلیس می رهاوند و پیروی از او انسان را از صف و صفت عباد خارج می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 9،17

9- ابلیس، از اطاعت خدا در سجده برای آدم، سرپیچی کرد.

فسجدوا إلا ابلیس .. ففسق عن أمر ربّه

«فسق» به معنای خروج از محدوده شریعت است (مفردات راغب).

17- ابلیس، علی رغم تضمین رشد و تکامل وی در پرتو اطاعت فرمان خدا از آن سرپیچی کرد.

فسق عن أمر ربّه

واژه «ربّه» می رساند که فرمان الهی به ضرر ابلیس نبوده، بلکه از ناحیه ربوبیت خدا و در جهت رشد و تکامل وی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 6،7

6- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

«عصی» برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

7- عصیانگر بودن شیطان در برابر خدای رحمان ، دلیلی کافی بر ضرورت پرهیز از اطاعت او است .

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 4

4- ابلیس ، همچون فرشتگان ، مأمور به سجده در برابر آدم (ع) بود .

لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 198

9- امکان تمرد و سرپیچی شیاطین از فرمان های خداوند و نیاز فرمان بری آنها به نظارت و مراقبت الهی

و کتّٰ لهم حَـفَظِینَ

این که خداوند مراقبت همیشگی خود را نسبت به شیاطین یادآور می شود، می رساند که آنان موجوداتی سرکش اند و نیاز به مراقبت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 47 - 5،6،7

5 - دسته ای از منافقان صدراسلام ، علی رغم اظهارات اُکیدشان مبنی بر فرمان بری ایمان داشتن به خدا و رسول او ، از ایشان روی برتافته و نافرمانی کردند .

و یقولون ءامنّا باللّٰه .. ثمّ یتولّٰی فریق منهم من بعد ذلک

6 - نافرمانی و روی گردانی از خدا و رسول او و برخلاف قول و قرار خود عمل کردن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و یقولون ءامنّا باللّٰه .. ثمّ یتولّٰی فریق منهم من بعد ذلک

7 - آن دسته از منافقانی که پس از اظهار ایمان و فرمان بری ، از خدا و رسول او ، روی برتافته و نافرمانی کردند ، ایمان نداشتند .

و یقولون ءامنّا باللّٰه .. ثمّ یتولّٰی فریق منهم من بعد ذلک و ما أولٰئک بالمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 11

11 - پرستش غیر خدا ، برخلاف فرمان الهی است .

و لاتدع مع اللّٰه إلّٰها ءآخر .. له الحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 36 - 7

7 - تمرد از فرمان های ولایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در حد تمرد از فرمان های خداوند است .

و من یعص اللّٰه ورسوله فقد ضلّ ضلّٰلاً مبیناً

این که نتیجه تمرد از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی شمرده شده است، نشان می دهد که تمرد از فرمان رسول الله در حد نافرمانی از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 38 - 3

1 - استکبار و سرپیچی از عبادت خدا، بی تأثیر در ساحت کبریایی او

فإن استکبروا فالذین عند ربک یسبّحون له

3 - سرپیچی از سجده و عبادت آفریدگار جهان، نمونه بارز استکبار است.

و اسجدوا لله .. فإن استکبروا

ص: 199

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 4

4- ترک رهنمودها و قوانین الهی، زمینه تبدیل شدن انسان به عنصری فسادگر و بی عاطفه و نه صرفاً بی ایمان

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطعوا أرحامکم

با توجه به متعدی آمدن واژه «تفسدوا»، استفاده می شود که روی گردانی از جهاد و سایر تکالیف دینی، صرفاً موجب فاسد شدن خود فرد نمی شود؛ بلکه او در نتیجه فساد شخصی، ناگزیر فسادگر نیز می گردد. جمله «تقطعوا أرحامکم» بر بی عاطفه شدن متخلفان جهاد دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 20 - 2

2 - دشمنی منافقان و مخالفت و نافرمانی آنان با خدا و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

إن الذین یحادّون الله و رسوله

از ارتباط آیه شریفه با آیات قبل، به دست می آید که مراد از «الذین یحادّون» و یا یکی از مصادیق مورد نظر آن، منافقان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 5,8

5- بی باکی در برابر خدا و سرکشی در مقابل وحی، ویژگی دوزخیان

لایستوی أصحاب النار و .. لو أنزلنا هـذا القرآن علی جبل لرأیته خـشعاً

با استفاده از ارتباط این آیه و آیه قبل، و تعریضی که این آیه نسبت به تأثیرناپذیران از آیات وحی دارد، برداشت یاد شده به دست می آید.

8- نیندیشیدن در آیات وحی، عامل بی باکی در برابر خدا و تأثیرناپذیری از قرآن

لو أنزلنا هـذا القرآن علی جبل لرأیته خـشعاً .. و تلك الأمثـل... لعلهم یتفکّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 1,5

1 - بسیاری از مردم آبادی ها و شهر ها در طول تاریخ ، از فرمان های خداوند و رسولان او ، سرباز زدند .

و کأَین من قریه عتت عن أمر ربّها

5 - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبینها حساباً شدیداً و عذبّینها عذاباً نکرّاً

«نکر» (مرادف «منکر») به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 2

2 - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان ع_قبه أمرها خسراً

ص: 200

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 8

8 - نافرمانی از دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بسیار خطیر و هم سنگ با نافرمانی از خداوند

و من يعص الله ورسوله فإن له نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 38 - 3

3 - علاقه شدید به دنیا و ترجیح آن بر آخرت ، پیامد طغیانگری و سرپیچی از اطاعت خداوند است .

فأما من طغى . وءاثر الحيوه الدنيا

ترتیبی که آیه شریفه در ذکر طغیان و دنیا طلبی به کار برده، ممکن است برخاسته از ترتب خارجی آن دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 12

12 - کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

ما أكفروه... لَمَا يَقْضِ مَا أَمْرُه

چنانچه مراد از کفر در «ما أكفروه» کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از «ما أمره» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 4

4 - طبیعت انسان ، با ایستادگی در برابر خداوند و مخالفت با او ، ناسازگار است .

يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ

تویبخت گنه کاران، همراه با به رخ کشیدن انسان بودن آنان، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 14 - 7

7 - حالت طغیان گری و ثروت اندوزی و احساس بی نیازی مطلق ، مایه بی پروا شدن انسان در برابر نظارت خداوند

لیطغی . أن رءاه استغنی ... ألم یعلم بأنّ اللّٰه یری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 14

14 - بی پروایی از خداوند ، علی رغم یاد او در سوگند ها ، امری ناروا و به دور از انتظار

و اتّقوا اللّٰه الذّی تساءلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 14 - 1,2,3,4,6,9,10,11

1 - نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود الهی ، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنّم

ص: 201

و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً

2_ نافرمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نافرمانی خداست .

و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده

3_ تجاوز از حدود الهی، نافرمانی خدا و رسول است .

و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده

برداشت فوق بر این اساس است که عطف جمله «یتعدّ حدوده» بر جمله «يعص الله ورسوله»، عطف تفسیری باشد.

4_ عمل نکردن به احکام ارث، نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و موجب جاودانگی در آتش جهنّم است .

تلک حدود الله . . . و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

6_ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی، موجب جاودانگی در آتش

و من يعص الله . . . و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

9_ عذاب همیشگی و خوارکننده، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود الهی

و من يعص الله ورسوله . . . و له عذاب مهین

10_ نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود، آنگاه که از روی سرکشی باشد، موجب خلود در آتش است . *

و من يعص الله ورسوله . . . و له عذاب مهین

کلمه «مهین» به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

11_ مداومت بر نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، مایه گرفتاری به عذاب های جسمی و روحی در قیامت

و من يعص الله . . . يدخله ناراً . . . و له عذاب مهین

دخول در آتش، عذاب جسمی آنان و عذاب خوارکننده، شکنجه روحی ایشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6_ مشکل آفرینی و مانع تراشی در راه ازدواج و روابط مشروع جنسی ، مخالفت با خواست خداوند

یرید الله ان یخفف عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 66 - 13

13_ سعادت متخلفان از فرمان خدا و رسول و ثبات آنان در ایمان ، در گرو حضورشان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و درخواست وساطت آن حضرت برای غفران الهی

و لو ائثم اذ ظلموا انفسهم . . . و لو ائثم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 160 - 2

2_ گناه و تخلف از فرامین خدا می تواند در پی دارنده کیفر و عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذین هادوا حرّما علیهم طیبیت أحلت لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 202

11 _ استفاده از مردار، خون، گوشت خوک، حیوان خفه شده، زده شده، پرت شده، شاخ خورده، دریده شده و بدون تذکيه، فسق و خروج از طاعت خداوند است.

حرمت عليكم .. ذلکم فسق

بنابر اینکه «ذلکم» اشاره باشد به جميع عناوين یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 _ هشدار خداوند به مسلمانان، در مورد شکستن پیمان الهی و سرپیچی از فرامین خدا و رسول و فراموشی نعمتها

و اذکروا نعمه الله عليكم و میثقه .. و اتقوا الله

متعلق «اتقوا»، به قرینه فراهای قبلی، همان یاد نعمتها و رعایت پیمانهای الهی است. یعنی جانب خدا را در مورد نعمتها و پیمانهای او نگهدارید و از مخالفت با او بپرهیزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 _ توکل بر خداوند، ناسازگار با کناره گیری از پیکار و کوشش در راه او و بی اعتنایی به تکالیف الهی

و علی الله فتوکلوا .. فاذهب انت وربک فقتلا انا ههنا قعدون

تصمیم قوم موسی بر خانه نشینی و سپردن میدان جنگ به خداوند و موسی (ع)، نقطه مقابل توصیه یوشع و کالب به توکل بر خدا قرار گرفته است و نشان می دهد که بر کنار ماندن از وظایف الهی، با توکل ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

33 _ هابیل و قابیل، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قابیل در مورد فرمان خدا به انتصاب هابیل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذقربا قرباناً

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ان الله تبارك و تعالی اوحى الى آدم ان يدفع الوصيه و اسم الله الاعظم الى هابيل و كان قابيل اكبر منه فبلغ ذلك قابيل فغضب فقال: انا اولى بالكرامه و الوصيه فامرهما ان يقربا قرباناً بوحي من الله اليه ففعلا ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 12

12_ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق «ذلک» علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 203

2_ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

مراد از «أمر ربهم» همان است که در آیه 73 مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4_ اکثر امت های پیشین مردمی ، فاسق و خارج از دایره اطاعت خداوند

وإن وجدنا أكثرهم لفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

27_ قوم موسی با بهره گیری از خوراکی های ناپاک از دستور خداوند سرپیچی کردند .

كلوا من طيبات ما رزقناكم و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

چنانچه اطلاق ستمگری بر قوم موسی (كانوا أنفسهم يظلمون) در ارتباط با جمله «كلوا من طيبات ..» بیان شده باشد، مراد از ستمگری آنان، استفاده از خوراکیهای حرام و ناپاک است؛ ولی چنانچه جمله «و ما ظلمونا و لكن ...» در ارتباط با نعمتهای متعددی باشد که در آیه مطرح شده، مراد از ستمگری ایشان، ناسپاسی در برابر آن نعمتهاست. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

29_ قوم موسی با ناسپاسی و تخلف از دستورات خداوند هیچ زبانی را متوجه ساحت قدس او نکردند .

و ما ظلمونا

30_ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

وَقَطَّعْنَهُمْ .. و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

31_ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 163 - 17

17 _ تمردکنندگان از فرمان های الهی فاسقند .

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 3، 17

3 _ موعظه گران یهود در آبادی ایله ، همکیشان خویش را از نافرمانی خدا (شکستن احکام روز شنبه) برحذر می داشتند .

لم تعظون قوماً

17 _ فاسقان متمرّد از فرمان های الهی ، در خطر نابود شدن و یا گرفتار گشتن به عذابی شدید از جانب خداوند

اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

ص: 204

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 167 - 13

13 _ متخلفان از احکام الهی و قوانین دین ، در خطر گرفتار شدن به عذاب برزخ تا برپایی قیامت هستند .

لیبعثن علیهم إلى یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 8

8 _ یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند .

یاخذون عرض هذا الأذنی و یقولون سیغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 200 - 1

1 _ شیطان با وسوسه های خود همواره در صدد واداشتن انسان ها به تخلف از فرمان های خداوند است .

و إما ینزغنک من الشیطن نزع

«نزع» یعنی او را اندکی تحریک کرد و «نزع» به کلامی گفته می شود که مایه تحریک شود. (لسان العرب). «من الشیطان» حال برای «نزع» می باشد. و مراد از «نزع شیطان» وسوسه اوست، بنابراین «اما ینزغنک ...»، یعنی اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کرد. گفتنی است با توجه به آیه قبل، مراد از تحریک، ترغیب کردن به مخالفت با دستورهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 20 - 5,6

5 _ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا الله و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله «أطیعوا» و «لاتولوا عنه» روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

6 _ نادیده گرفتن فرمان های خدا و رسول پس از دریافت آن ، امری ناپسند و به دور از خرد

و لاتولوا عنه و أنتم تسمعون

مراد از شنیدن، به قرینه آیه بعد، فهمیدن و اذعان کردن است و جمله حالیه «و أنتم تسمعون» به منزله بیان دلیلی بر لزوم اطاعت و پرهیز از رویگردانی است. یعنی شما خود دستورات خدا و رسول او را می شنوید و بدان باور دارید، پس چگونه می توانید از آن اعراض کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 22 - 4

4_ مدعیان ایمان در صورتی که ملتزم به اطاعت از خدا و رسول نبوده و از فرمان های آن حضرت گریزان باشند ، بدترین جنبندگانند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ . . . إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبِكْمِ

ص: 205

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 25 - 5

5_ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاكم لما يحييكم . . . و اتقوا فتنه لاتصيبن الذين ظلموا منكم خاصة

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 29 - 1

1_ خداوند ، مؤمنان را به رعایت تقوا و پرهیز از مخالفت با وی فراخوانده است .

يأياها الذين ءامنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 59 - 6

6_ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پندار یهودیان کفرپیشه و

اندیشه ای ناصواب

و لايحسبن الذين كفروا سبقوا

چنانچه در آیه 56 گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان

مصدق مورد نظر از «الذین کفروا» هستند.

78- عصیان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 128 - 5

5- گرایش به کار های بیهوده و صرفاً مایه سرخوشی ، در تضاد با مکتب پیامبران و ناسازگار با بینش الهی

أتبنون بكلّ ريع ءايه تعبثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 11

11 - سرپیچی کنندگان از پیام وحی و روی گردانان از یاد قیامت ، ظالم و ستمگرند .

و كذلك أوحينا .. و تنذر يوم الجمع ... و الظالمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

79- عصیان از رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 206

11 - جامعه ایمانی در معرض خطر سستی ، تفرقه و سرپیچی از رهبری صالح خویش ، پس از نیل به پیروزی

حتی اذافشلتم .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

19 - دنیاطلبی و دلدادگی به مادیات ، از عوامل سرپیچی از فرمان رهبران الهی

و عصیتم .. منکم من یرید الدّینا

80- عصیان از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 63 - 8

8- انسان در پیروی و عدم پیروی از ابلیس ، توانا و مختار است .

فمن تبعک منهم فإن جهنم جزاؤکم

نسبت دادن تبعیت به انسان از یکسو و مورد تهدید قرار دادن او از سوی دیگر ، نشانگر اختیار انسان در انتخاب راه خود است.

81- عصیان از عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 8،9

8 - امتناع از عبادت خداوند به دلیل گردن فرازی و خودبرتربینی ، موجب عذاب دردناک در قیامت

و اما الذین استکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً ألیماً

9 - بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کیفر الهی در قیامت

اما الذین استکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً ألیماً و لایجدون لهم من دون الله و

82- عصیان از عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 31 - 13

13_ از امام باقر (ع) درباره آیه « اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله و المسيح بن مريم » روایت شده است : « اما المسيح فعصوه و عظموه في أنفسهم حتى زعموا انه اله و انه ابن الله و طائفه منهم قالوا ثالث ثلاثة و طائفه منهم قالوا هو الله . . . » ;

اما مسیح را نافرمانی کردند او را در اندیشه خود تا آن جا بزرگ دانستند که گمان کردند او معبود و فرزند خداست و گروهی از آنان گفتند: وی یکی از سه معبود است و گروهی گفتند: او خداست . . . ».

ص: 207

83- عصیان از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 35 - 10

10 - تبعیت بی چون و چرا از هدایت های الهی و سرپیچی از پیروی غیر خدا ، داوری است بخردانه و نشانه ای است از خردمندی .

أفمن یهدی إلی الحق أحق .. أمن لایهدی ... فما لکم کیف تحکمون

84- عصیان از فرماندهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 26، 16، 8

8 - سستی ، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

16 - دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد ، موجب سستی ، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و شکست در آن کارزار

حتی اذا فشلتم و .. منکم من یرید الدنیا

به نظر می رسد جمله «منکم من یرید الدنیا»، دلیل «اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم» باشد.

26 - سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتی اذا فشلتم .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 153 - 9

9 - تلاش پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جلوگیری از گریز مسلمانان در نبرد احد ، و بی اعتنایی آنان در پذیرش دعوت او

و لا تلون علی احد و الرسول یدعوکم فی اخریکم

جمله «و الرّسول يدعوكم . . .»، حالیه است؛ یعنی در حالی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) شما را فرامی خواند می گریختید و به هیچ کس (حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله)) توجهی نداشتید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 11

11 - عفو و گذشت از خطاهای جنگی رزمندگان (تخلّف از دستورات فرماندهی و . . .) امری نیکو و پسندیده

و لقد عفا الله عنهم انّ الله غفور حلیم

85- عصیان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 208

4- تسلیم نشدن در برابر تعالیم قرآن ، ظلم و انحراف از مسیر حق است .

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَسْطُونَ

با توجه به مقابله «قاسطون» با «مسلمون» مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 47 - 6

6- شرک و تسلیم نشدن در برابر آیات روشن قرآن، ظلم است.

انظر كيف نصرَف الأيتِ ثم هم يصدفون . . . هل يهلك إلا القوم الظالمون

مخاطب فعل «أرءيتم» همان کسانی هستند که از آیات الهی اعراض کردند که از آنان به عنوان ظالم یاد شده است.

86- عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 3

3- تخلف بی دلیل از مقررات ارتش ، گناهی بزرگ و نابخشودنی

أَمْ كَانِ مِنَ الْغَائِبِينَ . لِأَعَدَّبْنَاهُ ... أَوْ لَأَذِيبْنَاهُ

87- عصیان از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 1 - 11، 4، 5

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، موظف بود .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ ... وَلَا تَطْعَمُ الْكُفْرِينَ وَالْمُنْفِقِينَ

5- تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، نمودی از تقوای الهی است .

اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَطْعَمُ الْكُفْرِينَ وَالْمُنْفِقِينَ

بنابراین احتمال که عبارت «و لاتطع ..» ذکر خاص بعد از عام (اتَّقِ اللَّهَ) باشد. نکته یاد شده به دست می آید.

11 - فرمان به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، برخاسته از علم گسترده و حکمت خداوندی است .

یٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ . . . و لاتطع الکفرین و المنفقین اِنَّ اللّٰهَ کان علیماً حکیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 3 - 2

2 - تبعیت نکردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خواسته کافران و منافقان ، در پی دارنده مشکلاتی برای آن حضرت بود .

و لاتطع الکفرین و المنفقین . . . و توکل علی اللّٰه و کفی باللّٰه وکیلاً

فرمان به توکل، پس از فرمان به تبعیت نکردن از خواسته کافران و منافقان، احتمال دارد به خاطر پیامدها و مشکلاتی باشد که در پی آن فرمان، به وجود می آید.

ص: 209

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 7 - 10

10 - رعایت تقوای الهی و اطاعت نکردن از کافران و منافقان ، از جمله پیمان هایی است که خداوند از انبیای خویش گرفته است .

وَأَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَطِعْ .. . وَإِذَا أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ

احتمال دارد که «وإذا أخذنا..» عطف جمله به جمله باشد. در این صورت، معنای آیه چنین است: «آنچه به تو ای پیامبر اسلام! فرمان داده شده، پیمانی است که از سلف تو نیز گرفته شده است و آن، همانا تقوا و اطاعت نکردن از کافران و منافقان است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 48 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به خودداری از اطاعت از کافران و منافقان بود .

و لَا تَطِعْ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

88- عصیان از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 156 - 8

8 - پیروی نکردن از کتب آسمانی در صورت دسترسی نداشتن به محتوای آنها، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خدا

وإن كنا عن دراستهم لغفلين

89- عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 10، 16

10 - سستی ، تفرقه و سرپیچی برخی پیکارگران احد از فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پس از پیروزی ابتدایی بر دشمنان

حتى إذا فشلتم .. . من بعد ما أرىكم ما تحبون

گر چه ظاهر خطاب در «فشلتم و تنازعتم .. . و عصیتم» به تمامی مسلمانان در جنگ احد است، ولی به قرینه تقسیم آنان در دنباله آیه به دو گروه دنیاطلب و آخرت طلب، معلوم می شود مراد از مخاطبین «فشلتم .. .»، گروهی از مسلمانان بوده اند و نه همه آنان.

16_ دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد ، موجب سستی ، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و شکست در آن کارزار

حتی اذا فسلتم و... منکم من یرید الدّنیاء

به نظر می رسد جمله «منکم من یرید الدّنیاء»، دلیل «اذا فسلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 210

9_ تلاش پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای جلوگیری از گریز مسلمانان در نبرد احد، و بی‌اعتنایی آنان در پذیرش دعوت او

و لا تلون علی احد و الرّسول یدعوکم فی اخیکم

جمله «و الرّسول یدعوکم ...»، حالیه است؛ یعنی در حالی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) شما را فرامی‌خواند می‌گریختید و به هیچ کس (حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله)) توجهی نداشتید.

11_ بی‌اعتنایی به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پیکار احد، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثمّ صرفکم ... و الرّسول یدعوکم فی اخیکم

بنابر اینکه «اذ تصعدون» متعلق به «صرفکم» باشد، آیه مزبور در مقام بیان علتهای شکست احد است. بنابراین جمله «و لا تلون علی احد و الرّسول ...»، که حاکی از دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بی‌اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

12_ گریز مسلمانان از کارزار احد و فاصله گرفتن آنان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

و الرّسول یدعوکم فی اخیکم

کلمه «فی اخیکم» بیان حالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به هنگام دعوت است. یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنگاه که شما را دعوت می‌کرد، در آخر شما قرار داشت و این حاکی از دور شدن مسلمانان از اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

16_ اندوه و پشیمانی مسلمانان به خاطر بی‌اعتنایی به دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کارزار احد

فأثابکم غمّاً بغمّ

با توجه به توضیح برداشت شماره 14.

17_ تبدیل اندوه از دادن غنائم به اندوه ترمرد از فرمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موهبتی الهی به رزمندگان احد

فأثابکم غمّاً بغمّ

کلمه «اثابکم» دلالت بر این معنا دارد که این تبدیل و جایگزینی لطف و موهبتی از جانب خداوند بوده است.

18_ پشیمانی مسلمانان به جهت تخلف از دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کارزار احد، نتیجه عفو الهی از گناه آنان

و لقد عفا عنکم ... فأثابکم غمّاً بغمّ

عطف «اثابکم» بر «عفا عنکم» به وسیله «فاء»، دلالت بر ترتب و رابطه علیّت بین آن دو جمله دارد.

فاثابکم غمًا بغمّ

برخی برآنند که مراد از «غمّ» (غمّ دوّم)، غم و اندوهی است که مسلمانان در آن کارزار به خاطر عصیان از دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به شکست کشاندن لشکر اسلام بر دل پیامبر (صلی الله علیه و آله) گذاشتند.

21 _ هجوم پی در پی غم ها و حسرت ها به مسلمانان در کارزار احد ، نتیجه مخالفت آنان با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)

اذ تصعدون .. فاثابکم غمًا بغمّ

برخی از مفسران برآنند که «باء» در «بغمّ» الصافیّه است و مراد، غمهای فراوانی است که یکی پس از دیگری در آن نبرد به مسلمانان وارد می شد و همه آنها پیامد فرار از جنگ و مخالفت با دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. در برداشت فوق «اثابکم» به معنای مجازات گرفته شده نه پاداش.

22 _ هجوم اندوه های ناشی از نافرمانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عدم موفقیت در کارزار احد ، برخاسته از اراده الهی برای به فراموشی سپردن اندوه از دست دادن غنائم و جراحات وارده بر ایشان

فاثابکم غمًا بغمّ لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما اصابکم

بنابر اینکه «لکیلا» متعلق به «اثابکم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 165 - 7

7_ مسلمانان ، به دلیل نافرمانی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و فرار از صحنه نبرد ، عامل شکست و مصیبت های پیکار احد

اولمّا اصابکم مصیبه .. قل هو من عند انفسکم

با توجه به آیات قبل ، همانند آیه 152 (اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم) ، معلوم می شود که نافرمانی و .. از جمله عوامل شکست آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 167 - 4

4_ بی اعتنایی منافقان به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا برخی مسلمانان ، برای حضور در پیکار علیه کافران

وقیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّٰه او اذفعا

مراد از منافقان در برداشت فوق ، کسانی هستند که نفاق آنان پس از دعوت برای نبرد و نپذیرفتن آن مشخص شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 120 - 1

1_ تخلف از فرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای اهل مدینه و بادیه نشینان اطراف آن _ که نزدیک ترین مردم به آن حضرتند _ سزاوار نیست .

ما کان لأهل المدینه .. أن یتخلفوا عن رسول اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 43 - 1

1_ برخی از مشرکان با اینکه از نزدیک ، ناظر اعمال و رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند ، از تبعیت او سر باز زده ، تکذیب می کردند .

و منهم من ینظر إلیک .. و لو کانوا لا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - دسته ای از منافقان صدراسلام، علی رغم اظهارات اُکیدشان مبنی بر فرمان بری ایمان داشتن به خدا و رسول او، از ایشان روی برتافته و نافرمانی کردند .

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك

6 - نافرمانی و روی گردانی از خدا و رسول او و برخلاف قول و قرار خود عمل کردن، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك

7 - آن دسته از منافقانی که پس از اظهار ایمان و فرمان بری، از خدا و رسول او، روی برتافته و نافرمانی کردند، ایمان نداشتند .

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك و ما أولئك بالمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 11

11 - دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر مخالفت ها و نافرمانی های کافران

و کفی به بذنوب عباده خبیراً

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند بر گناهان بندگان، می تواند برای دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد؛ چنان که می تواند تهدیدی برای کافران ستیزه جو نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 36 - 7

7 - تمرد از فرمان های ولایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در حد تمرد از فرمان های خداوند است .

و من یعص الله ورسوله فقد ضلّ لاً مبیناً

این که نتیجه تمرد از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی شمرده شده است، نشان می دهد که تمرد از فرمان رسول الله در حد نافرمانی از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 8 - 2,3

2 - سرپیچی مشرکان صدر اسلام، از پذیرش دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ایمان آوردن به یگانگی خداوند

و ما لکم لا تؤمنون بالله و الرسول یدعوکم لتؤمنوا بریکم

خطاب در آیه شریفه، متوجه کافران شرک پیشه صدر اسلام است.

3 - نکوهش مشرکان صدر اسلام از سوی خداوند، به خاطر موضع گیری مخالفت آمیزشان در برابر دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سرباز زدن از پذیرش ایمان به خدا

و ما لکم لا تؤمنون بالله و الرسول یدعوکم لتؤمنوا بریکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 8 - 4

4- توصیه به گناه، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، محتوای نجوا های منافقان

و یتنـجون بالاثم و العدون و معصیت الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 9 - 3

3- نهی خداوند، از نجوای آلوده به گناه، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فلاتتنـجون بالاثم و العدون و معصیت الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 10 - 1

1 - نجوای آلوده به گناه، تعدی به دیگران و نافرمانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، از القائنات شیطان است .

إِثْمًا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ

ص: 213

الف و لام «النجوی» برای عهد است و به نجوای منافقان اشاره دارد که آلوده به «إثم»، «عدوان» و «معصیت الرسول» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 20 - 2

2- دشمنی منافقان و مخالفت و نافرمانی آنان با خدا و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

از ارتباط آیه شریفه با آیات قبل، به دست می آید که مراد از «الذین یحادون» و یا یکی از مصادیق مورد نظر آن، منافقان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 11 - 6

6- اطمینان بخشی منافقان به کافران، در پیروی نکردن از پیامبر و مسلمانان بر ضد آنان

الذین نافقوا یقولون . . . و لانطیع فیکم أحداً أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 7,8

7- عذاب آتش برای عصیان گران خدا و رسول او، دائمی و ابدی است.

و من یعص الله ورسوله فإنّ له نار جهنّم خـ لیدین فیها أبداً

8- نافرمانی از دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بسیار خطیر و هم سنگ با نافرمانی از خداوند

و من یعص الله ورسوله فإنّ له نار جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 14 - 1,2,3,4,9,10,11

1 _ نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود الهی، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنّم

و من یعص الله ورسوله ویتعدّ حدوده یدخله ناراً

2_ نافرمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نافرمانی خداست.

و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده

3_ تجاوز از حدود الهی ، نافرمانی خدا و رسول است .

و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده

برداشت فوق بر این اساس است که عطف جمله «یتعدّ حدوده» بر جمله «يعص الله ورسوله»، عطف تفسیری باشد.

4_ عمل نکردن به احکام ارث ، نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و موجب جاودانگی در آتش جهنّم است .

تلك حدود الله . . . و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

9_ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود الهی

و من يعص الله ورسوله . . . و له عذاب مهین

10_ نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود ، آنگاه که از روی سرکشی باشد ، موجب خلود در آتش است . *

و من يعص الله ورسوله . . . و له عذاب مهین

ص: 214

کلمه «مهین» به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

11_ مداومت بر نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، مایه گرفتاری به عذاب های جسمی و روحی در قیامت

و من یعص الله... یدخله ناراً... و له عذاب مهین

دخول در آتش، عذاب جسمی آنان و عذاب خوارکننده، شکنجه روحی ایشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 6، 4، 1

1_ نیستی و نابودی، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

«لو» در «لو تسوّی» به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله «لو تسوّی...» کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

4 - عصیان از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب سرافکنندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

6_ عصیان از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کفر به آن حضرت است.

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول

چنانچه «الرسول»، مفعول «کفروا» گرفته شود، به نظر می رسد جمله «عصوا»، بیان و تفسیر انکار رسالت باشد؛ یعنی انکار پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عمل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 5

5_ نافرمانی آگاهانه پس از دریافت و شنیدن سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عکس العمل یهود در برابر آن حضرت

من الذین هادوا... و یقولون سمعنا و عصینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7_ سرپیچی از فرامین پیامبر (صلی الله علیه و آله)، گناه، نفاق و ستم بر خویشان است.

و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله و لو اثم اذ ظلموا انفسهم

مراد از ظلم در «اذ ظلموا» به قرینه «لیطاع»، مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و با توجه به آیات قبل که اعراض کنندگان از رسول (صلی الله علیه و آله) را منافق شمرده، می توان گفت هر گونه مخالفتی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اعراض از او، نوعی نفاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9_ مراجعه به غیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای حلّ اختلافات، نشانه بی ایمانی است.

فلا وربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم

13_ تسلیم نبودن در برابر احکام قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نشانه بی ایمانی است.

فلا وربک لا یؤمنون حتی یحکموک . . . و یسلّموا تسلیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 68 - 5

5_ وابستگی به دنیا و بی اعتنایی به مواعظ الهی و پیروی نکردن از احکام پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مانعی برای نیل به صراط مستقیم

فلا وربک... و لو انا کتبنا... و لو انهم فعلوا... و لهدیناهم صراطا مستقیما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 81 - 1

1_ اظهار اطاعت کامل در پیشگاه رسول خدا و چاره اندیشی برای مخالفت با وی در جلسات سری، شیوه گروهی از مسلمانان صدر اسلام

و یقولون طاعه فاذا برزوا من عندک بیت طائفه منهم غیر الذی تقول

«طاعه» خبر برای مبتدای محذوف می باشد؛ یعنی «امرنا طاعه» (کار ما اطاعت از توست). فعل مضارع «یقولون» و «بیتون» دلالت بر استمرار دارد و حاکی از شیوه آنهاست. «بیتون»، از مصدر «تبییت»، به معنای تدبیر امور است «غیر الذی تقول» به معنای مخالفت امر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 7 - 12

12_ هشدار خداوند به مسلمانان، در مورد شکستن پیمان الهی و سرپیچی از فرامین خدا و رسول و فراموشی نعمتها

و اذکروا نعمه الله علیکم و میثقه... و اتقوا الله

متعلق «اتقوا»، به قرینه فراهای قبلی، همان یاد نعمتها و رعایت پیمانهای الهی است. یعنی جانب خدا را در مورد نعمتها و پیمانهای او نگهدارید و از مخالفت با او بپرهیزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 5

5_ منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سرپیچی کنندگان از فرمان های او، در خطر گرفتار شدن به عذاب الهی هستند.

عذابی أصیب به من أشاء... فسأکتبها للذین یتقون... الذین یتبعون الرسول

«الذین یتبعون . . .» مصداق بارزی برای «الذین یتقون ...» در آیه قبل است. بنابراین همان گونه که مفهوم مخالف «یتقون و ...» برخی مصداقی «من أشاء» را تبیین می کرد، مفهوم «یتبعون ...» نیز روشنگر مصداقی بارز از «من أشاء» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 20 - 5,6

5_ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا الله ورسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله «أطیعوا» و «لاتولوا عنه» روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

6_ نادیده گرفتن فرمان های خدا و رسول پس از دریافت آن ، امری ناپسند و به دور از خرد

و لاتولوا عنه و أنتم تسمعون

ص: 216

مراد از شنیدن، به قرینه آیه بعد، فهمیدن و اذعان کردن است و جمله حالیه «وأنتم تسمعون» به منزله بیان دلیلی بر لزوم اطاعت و پرهیز از رویگردانی است. یعنی شما خود دستورات خدا و رسول او را می شنوید و بدان باور دارید، پس چگونه می توانید از آن اعراض کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 22 - 4

4_ مدعیان ایمان در صورتی که ملتزم به اطاعت از خدا و رسول نبوده و از فرمان های آن حضرت گریزان باشند ، بدترین جنبندگانند .

يأيتها الذين آمنوا أطيعوا الله . . . إن شر الدواب عند الله الصم البكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 25 - 5

5_ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاكم لما يحييكم . . . و اتقوا فتنه لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 64 - 7

7_ گروهی از مسلمانان صدر اسلام از پیروی پیامبر (صلی الله علیه و آله) سرپیچی می کردند .

و من اتبعك من المؤمنين

برداشت فوق مبتنی بر این است که «من» در «من المؤمنین» برای تبعیض باشد. بر این مبنا مراد از «المؤمنین» مدعیان ایمان است که شامل مؤمنان واقعی و غیر واقعی خواهد شد.

90- عصیان از منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 1 - 11، 4، 5

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، موظف بود .

ی_أیها_النبیّ... و لاتطع_الک_فرین و المن_فقین

5- تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، نمودی از تقوای الهی است .

اتَّقِ اللَّهَ و لاتطع_الک_فرین و المن_فقین

بنابراین احتمال که عبارت «و لاتطع..» ذکر خاص بعد از عام (اتَّقِ اللَّهَ) باشد. نکته یاد شده به دست می آید.

11- فرمان به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، برخاسته از علم گسترده و حکمت خداوندی است .

ی_أیها_النبیّ... و لاتطع_الک_فرین و المن_فقین إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

ص: 217

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 3 - 2

2 - تبعیت نکردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خواسته کافران و منافقان، در پی دارنده مشکلاتی برای آن حضرت بود.

و لا تطع الکفرین و المنفقین . . . و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً

فرمان به توکل، پس از فرمان به تبعیت نکردن از خواسته کافران و منافقان، احتمال دارد به خاطر پیامدها و مشکلاتی باشد که در پی آن فرمان، به وجود می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 7 - 10

10 - رعایت تقوای الهی و اطاعت نکردن از کافران و منافقان، از جمله پیمان‌هایی است که خداوند از انبیای خویش گرفته است.

یٰـأَیُّهَا النَّبِیُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَطْع . . . وَ إِذَا أَخَذْنَا مِنَ النَّبِیِّ مِیثَـقَهُمْ

احتمال دارد که «و إذا أخذنا..» عطف جمله به جمله باشد. در این صورت، معنای آیه چنین است: «آنچه به تو ای پیامبر اسلام! فرمان داده شده، پیمانی است که از سلف تو نیز گرفته شده است و آن، همانا تقوا و اطاعت نکردن از کافران و منافقان است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 48 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به خودداری از اطاعت از کافران و منافقان بود.

و لا تطع الکفرین و المنفقین

91- عصیان از موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 93 - 4

4 - هارون (ع)، متهم به مخالفت با فرمان‌های موسی (ع) با سکوت و بی تفاوتی در برابر انحراف بنی اسرائیل

ما منعک . . . أفعصیت امری

«أفصیت..» خطاب موسی (ع) به هارون (ع) است. ظاهر آیه چنین دلالت دارد که عصیان هارون از دستورات موسی (ع)، لا اقل به عنوان اتهام از جانب موسی (ع) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 16 - 1

1 - عصیان و سرپیچی فرعون، در برابر دعوت رسول الهی (موسی (ع))

فصی فرعون الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 218

11 - گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بين القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. فَانْهَاهَا مُحْرَمَةً عَلَيْهِمْ

جمله «فانها محرمه ..» ، تقریب بر نافرمانی آنان از دستور موسی (ع) است ، نه اینکه متفرع بر نفرین او (فالفرق بیننا ...) باشد .

4 - سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ

5 - زمان سرپیچی قوم موسی (ع) از فرمان وی ، سرآغاز سرگردانی چهل ساله آنان و محرومیت از تسلط بر قدس

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ

15 - لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

17 - سرگردانی قوم موسی در سرزمینی به مساحت چهار فرسخ در مدت چهل سال ، تاوان نافرمانی آنان در برابر موسی (ع)

ادخلوا الارض المقدسه .. قال فانها محرمه عليهم اربعين سنة يتيهون في الارض

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: فلما ابوا ان يدخلوها حرمها الله عليهم فناهوا في اربع فراسخ اربعين سنه . . .

اختصاص منصوب به شیخ مفید، ص 265; تفسیر برهان، ج 1، ص 456، ح 1.

18 - سرگردانی بنی اسرائیل در پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام سفر شبانه آنان و بازگرداندن شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمة عليهم اربعين سنه يتيهون في الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: . . . اذا كان العشاء و اخذوا في الرحيل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال الله للارض ديري بهم فلايزالوا كذلك ... فاذا اصبحو اذا ابنتهم و منازلهم التي كانوا فيها بالامس . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 305، ح 74; نورالثقلین، ج 1، ص 608، ح 116.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 15

ص: 219

15_ سرپیچی فرعون و درباریان از پذیرش رسالت موسی ، پیامد آلودگی آنان به فساد و تبهکاری بود .

فظلموا بها فانظر كيف كان عقبه المفسدين

برداشت فوق بر این اساس است که عنوان «مفسدین» بر فرعونیان، اشاره به علت تکذیب داشته باشد. یعنی چون مردمی مفسد بودند، رسالت موسی را انکار کردند و آیات الهی را دروغ پنداشتند.

92- عصیان از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 72 - 1

1_ حضرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیچ دلیلی از او روگردانیده و از پذیرش دعوتش سر باز می زدند .

فإن توليتم فما سألتكم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 43 - 1

1_ پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و . . .) نپذیرفت و از سوار شدن بر کشتی امتناع کرد .

ی_بنی اركب معنا ولا تكن مع الك_فرین. قال سأوی إلى جبل يعصمني من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 1

1 - قوم نوح ، از فرمان های آن حضرت سرپیچی می کردند .

قال نوح ربّ إنهم عصونی

93- عصیان از والدین مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- فرزندان ، موظف اند از تلاش والدین برای مشرک ساختن آنان ، سرپیچی کنند .

و این ج_هداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما

94- عصیان از هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 220

1 - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي .. قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ ع_كَفِين

«لَنْ نَبْرَحَ»؛ یعنی، «لا انزال» (پایدار می مانیم) و «عاکف» به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

95- عصیان اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 13

13_ مردم ایله (گروهی از بنی اسرائیل) ، مورد لعن حضرت داود ، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذين كفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ایله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609؛ نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

96- عصیان اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 10 - 3، 1

1 - فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط ، از فرمان های پیامبران خود سرپیچی کردند .

و جاء فرعون .. فعصوا رسول ربهم

3 - سرپیچی از فرمان های پیامبران ، عامل عقوبت شدن فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط

فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذه رابیه

97- عصیان اکثریت

2_ عموم مردم با پیامبران مخالفت می کردند و از پذیرش دعوت ایشان سرباز می زدند .

حتّی إذا استتیس الرسل

چنان چه عده بسیاری از مردم ایمان می آوردند ، پیامبران مأیوس نمی شدند. بنابراین «استتیس الرسل» حاکی است که همه و یا اکثر مردم از پذیرش دعوت پیامبران امتناع می کردند. جمله «فنجی من نشاء» دلالت بر آن دارد که برخی ایمان آورده بودند.

ص: 221

98- عصیان اکثریت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 20

20 - بسیاری از اهل کتاب (یهود و نصارا) ، فاسق و متمرّداند .

و کثیر منهم ف_سَقون

99- عصیان اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 20

20 - بسیاری از اهل کتاب (یهود و نصارا) ، فاسق و متمرّداند .

و کثیر منهم ف_سَقون

100- عصیان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 102 - 5

5_ سرپیچی امت ها از پذیرش و انجام پاره ای از احکام ، دلیل سکوت خداوند از بیان آنها

لاتسئلوا عن اشیاء ان تبد لکم تسؤکم ... قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفّری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 44 - 3

3 - حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

کلّ ما جاء أمّه رسولها کذبوه

101- عصیان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

27_ امت های گذشته به علت خطا و نسیان نسبت به تکالیف الهی ، مورد مؤاخذه و عقوبت قرار می گرفتند .

لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ولا تحمل علينا اصراً كما حملته على الذين من قبلنا

امیرالمؤمنین (ع): ... و كانت الامم السالفه اذا نسوا ما ذكروا به فتحت عليهم ابواب العذاب ... و اذا اخطأوا اخذوا بالخطأ و عوقبوا عليه

...

ص: 222

احتجاج طبرسی، ج 1، ص 328؛ نورالثقلین، ج 1، ص 306، ح 1227.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 1

1 - بسیاری از مردم آبادی ها و شهر ها در طول تاریخ ، از فرمان های خداوند و رسولان او ، سرباز زدند .

و کأین من قریه عتت عن أمر ربها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 102 - 6

6 - فسق و عصیانگری امت های گذشته ، ریشه وفادار نماندن آنان به پیمان ها و عهد های خویش با خداوند

و ما وجدنا لأکثرهم من عهد و إن وجدنا لأکثرهم لفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله «إن وجدنا ..» بیانگر علت وفا نکردن امتهای گذشته به پیمانهای خویش با پیامبران باشد.

102- عصیان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 6

6 - اگر جن و انس راه طاعت و یا عصیان پیشه کنند، هیچ سود و زیانی به خداوند نمی رساند.

و ربک الغنی ذو الرحمه

103- عصیان اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 2

2 - اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه «قوما» می تواند گویای برداشت فوق باشد.

104- عصیان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 31

31_ بسیاری از اهل کتاب در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مردمی شکننده حدود الهی و از زمره فاسقان

ص: 223

وإن كثيراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 29 - 1

1_ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون . . . من الذین أوتوا الکتب

105- عصیان اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 2 - 3

3- مردم مکه ، حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را پاس نداشته ، به ساحت آن حضرت اسائه ادب می کردند .

و أنت حلّ به_ذا البلد

«حِلّ» نقطه مقابل «حرمت» است؛ اطلاق آن بر امور حلال، از باب توصیف به مصدر است (مصباح). حلال شمرده شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به این معنا است که آن حضرت را از حقوق اجتماعی خود در مکه محروم کرده و او را همسان دیگر ساکنان مکه، گرامی نمی داشتند.

106- عصیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 2

2- گروهی از بنی اسرائیل حکم خداوند را پاس نداشتند و تعطیلی روز شنبه را شکستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 3

3- قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً . . . ثم قست قلوبکم

24 - شکستن پیمان های الهی و تمرد از فرمان های خدا ، عادت روزمره بنی اسرائیل است .

وَأَنْتُمْ مَعْرُضُونَ

برخی از مفسران برآنند که جمله «وَأَنْتُمْ مَعْرُضُونَ» (شما) [از عهدها و پیمانها [رویگردان هستید] جمله معترضه است و اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل نه تنها پیمانهای یاد شده را شکستند بلکه رویه و عادت آنها چنین است که به عهدها

ص: 224

و پیمانها پایبند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 12،13

12 - قوم موسی ، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پیشمانشان بر گوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع) ، تمرد کرده و عصیانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصینا

13 - قوم موسی ، آشکارا و علنی و بدون هیچ پرده پوشی ، از فرمان های تورات و موسی (ع) سرپیچی کردند .

قالوا سمعنا و عصینا

بعید به نظر می رسد که قوم موسی در پاسخ به پیروی از فرمانهای خدا و موسی(ع) - خصوصاً با قرار گرفتن طور بر بالای سر ایشان - اظهار کنند که «ما نافرمانی می کنیم». بنابراین «قالوا سمعنا و عصینا» بیان می دارد که اظهار اطاعت کردند و در عمل نافرمانی کردند، ولی از آن جا که نافرمانی اینان بسیار علنی و بدون پرده پوشی بوده، گویا به زبان آوردند که ما عصیان می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 211 - 1

1 _ تخلف و انحراف بنی اسرائیل ، علی رغم ارائه آیات روشن و معجزات الهی به آنان

کم اتیناهم من ایه بینه و من یبدل نعمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 249 - 11،14،15،32

11 _ کسانی که فقط یک کف از آب نهر نوشیدند ، از لشکر طرد نشدند ؛ گر چه منسوب به طالوت نیز نبودند .

فمن شرب منه فلیس منی و من لم یطعمه فانه منی الا من اغترف غرفة بیده

کلمه «الا» استثنای از «فمن شرب» است؛ بنابراین لشکر طالوت به سه گروه تقسیم می شوند: نوشندگان، آنانکه نچشیدند و کسانی که تنها مُستی از آب برگرفتند. حکم گروه اول و دوم روشن است؛ ولی گروه سوم چون آب را چشیده اند، «منی» صدق نمی کند و به دلیل اینکه سیراب نشده اند، «لیس منی» نیز صدق نمی کند.

14 _ بیشتر لشکریان طالوت علی رغم منع وی ، از آب نهر نوشیدند و در امتحان الهی موفق نشدند .

15_ عدم تغيير عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشرَبوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه

32_ ناتوانان از همراهی با طالوت پس از گذشتن از نهر ، همانهایی بودند که یک کف ، آب نوشیدند .

الا من اعترف غرغه بيده .. قالوا لا طاقه لنا

امام باقر (ع) درباره آیه مزبور فرمود: .. قال الدين اعترفوا: «لا طاقه لنا اليوم بجالوت» ...

کافی، ج 8، ص 316، ح 498؛ نورالثقلین، ج 1، ص 251، ح 996.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 225

15 - بني اسرائيل بخش مهمی از دستورات الهی را کنار گذاشته و بدان عمل نکردند .

و نسوا حظاً مما ذكروا به

بسیاری از مفسران بر آنند که نسیان در این آیه به معنای نادیده گرفتن است، چنانچه در «لسان العرب» آمده: «النسیان: الترك». و مؤید این معنا مذمت خداوند از نسیان کنندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و انا لن ندخلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجالن من الذین یخافون

«من الذین یخافون» می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی (ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی (ع) را اطاعت نکردند.

11 - گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إنا لن ندخلها .. قال رجالن من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اصرار و تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از پیکار با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی إنا لن ندخلها ابداً

3- بی اعتنایی قوم موسی (ع) به فراخوانی یوشع و کالب برای یاری موسی (ع) در مبارزه با جباران

ادخلوا علیهم الباب .. قالوا یموسی انا لن ندخلها

بنی اسرائیل پس از شنیدن سخنان یوشع و کالب، حضرت موسی (ع) را مخاطب قرار دادند تا بی اعتنایی و بی توجهی خود را به دعوت آن دو نفر اعلام کرده باشند.

11- بنی اسرائیل، با اعلام کناره گیری از نبرد، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت و ربک فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی (ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از «اذهب . ..»، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی (ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 25 - 10، 12، 3

ص: 226

3_ شکایت موسی (ع) به پیشگاه پروردگار ، از تمرد بنی اسرائیل در مبارزه با جباران

قال رب انی لاملک الانفسی و اخی

10_ بنی اسرائیل ، قومی فاسق به خاطر لجاجت و تمردشان در برابر فرامین موسی (ع)

و بین القوم الفسقین

12_ تمرد و گناه بنی اسرائیل ، موجب نفرین موسی (ع) بر آنان

فافرقت بیننا و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 26 -

4,5,12,14,15,16,17,18

4_ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إنا لن ندخلها .. یتیهون فی الارض

5_ زمان سرپیچی قوم موسی (ع) از فرمان وی ، سرآغاز سرگردانی چهل ساله آنان و محرومیت از تسلط بر قدس

إنا لن ندخلها .. اربعین سنه یتیهون فی الارض

12_ پرهیز از تأسف و اندوه بر گناهکاران بنی اسرائیل ، فرمان خداوند به موسی (ع)

فلاتأس علی القوم الفسقین

14_ قوم موسی ، مردمانی فاسق و نافرمان

إنا لن ندخلها .. فلاتأس علی القوم الفسقین

15_ لجاجت قوم موسی در برابر فرمان های وی ، نشانه فسق آنان

إنا لن ندخلها .. فلاتأس علی القوم الفسقین

16_ رأفت و مهربانی موسی (ع) نسبت به قوم خود ، علی رغم نافرمانی و گناه آنان

فلاتأس علی القوم الفسقین

«فلاتأس» از ماده «اسی» به معنای حزن و اندوه است. بر حذر داشتن موسی(ع) از تأسف بر بنی اسرائیل، دلالت بر وقوع تأسف و یا انتظار وقوع آن دارد و در هر حال، نشانه عطفوت موسی(ع) نسبت به آنان است.

17_ سرگردانی قوم موسی در سرزمینی به مساحت چهار فرسخ در مدت چهل سال، تاوان نافرمانی آنان در برابر موسی (ع)

ادخلوا الارض المقدسه .. قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة يتيهون في الارض

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: فلما ابوا ان يدخلوها حرّمها الله عليهم فناهوا في اربع فراسخ اربعين سنة . . .

اختصاص منصوب به شیخ مفید، ص 265; تفسیر برهان، ج 1، ص 456، ح 1.

18_ سرگردانی بنی اسرائیل در پی سرپیچی از فرمان موسی (ع) با چرخیدن زمین به هنگام سفر شبانه آنان و بازگردانده شدن به محل سکونت اولیه خویش

قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة يتيهون في الارض

از امام صادق(ع) در بیان کیفیت سرگردانی بنی اسرائیل روایت شده: .. اذا كان العشاء و اخذوا في الرحيل ... اذا ارتحلوا و استوت بهم الارض قال الله للارض ديري بهم فلايزالوا كذلك ... فاذا اصبحو اذا ابنتهم و منازلهم التي كانوا فيها بالامس ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 305، ح 74; نورالثقلین، ج 1، ص 608، ح 116.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 227

13 - مردم ايله (گروهی از بنی اسرائیل)، مورد لعن حضرت داود، به دلیل عصیان در برابر خدا درباره شنبه

لعن الذین کفروا من بنی اسرئیل علی لسان داود

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: اما داود فلعن اهل ايله لما اعتدوا فی سبتهم . . .

تفسیر تبیان، ج 3، ص 609; نورالثقلین، ج 1، ص 661، ح 315.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 79 - 7

7 - بنی اسرائیل مردمانی آلوده به منکرات و گستاخ در برابر منهیات و محرمات دین

کانوا لایتنهون عن منکر فعلوه

بدان احتمال که «لایتنهون» به معنای «لایتنهون» باشد یعنی بنی اسرائیل دست از کار زشت بر نمی داشتند و به نهیها و هشدارها ترتیب اثر نمی دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 16

16 - جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری، تجاوزپیشگی، ترک نهی از منکر، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتنهون ... و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 29، 27

27 - قوم موسی با بهره گیری از خوراکی های ناپاک از دستور خداوند سرپیچی کردند .

کلوا من طیبیت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

چنانچه اطلاق ستمگری بر قوم موسی (کانوا أنفسهم یظلمون) در ارتباط با جمله «کلوا من طیبیت . . .» بیان شده باشد، مراد از ستمگری

آنان، استفاده از خوراکیهای حرام و ناپاک است؛ ولی چنانچه جمله «و ما ظلمونا و لکن ...» در ارتباط با نعمتهای متعددی باشد که در آیه مطرح شده، مراد از ستمگری ایشان، ناسپاسی در برابر آن نعمتهاست. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

29_ قوم موسی با ناسپاسی و تخلف از دستورات خداوند هیچ زبانی را متوجه ساحت قدس او نکردند .

و ما ظلمونا

30_ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قَطَعْنَهُمْ . . . و ما ظلمونا و لکن كانوا أنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 4 - 4,5

4- هشدار خداوند به بنی اسرائیل به خاطر سرکشی و برتری طلبی بزرگ آنان

و قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ . . . وَ لَتَعْلَنَّ عَلَوًّا كَبِيرًا

مراد از «لتعلنن» به قرینه «لتفسدن فی الأرض» و نیز به قرینه آیه بعد _ که در آن عکس العمل خداوند با این عمل بنی

ص: 228

اسرائیل بیان شده است _ برتری طلبی است و نه برتری یافتن اجتماعی.

5- پیشگویی تورات درباره سرکشی بزرگ و برتری جویی حتمی بنی اسرائیل در زمین

وقضینا إلی بنی اسرائیل فی الکتب . . . و لتعلنّ علواً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 7 - 13

13- دومین هجوم نیروهای فاتح مسجدالاقصی بر بنی اسرائیل فسادگر و سرکش ، هجومی توفنده و ویرانگر

و لیتبّروا ما علواً تتبیراً

«تتبیر» به معنای اهلاک است و آوردن مفعول مطلق (تتبیرا) _ که برای تأکید است _ إشعار به سختی هجوم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 91 - 1

1 - بنی اسرائیل از پذیرش فرمان های هارون و توبه از گوساله پرستی ، سرباز زدند .

فاتّبعونی و اطیعوا امری . . . قالوا لن نبرح علیه ع_کفین

«لن نبرح»؛ یعنی، «لانزال» (پایدار می مانیم) و «عاکف» به کسی گفته می شود که به چیزی توجه کرده و خود را به تعظیم آن وادار سازد (مفردات راغب).

107- عصیان پسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 43 - 1

1_ پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و . . .) نپذیرفت و از سوار شدن بر کشتی امتناع کرد .

ی_بنی اربکب معنا و لاتکن مع الکتفرین . قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

108- عصیان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 16

16 - جَنّیان ، موجوداتی مختار و توانمند بر سرپیچی از فرمان خداوند

و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

109- عصیان جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 229

6_ اگر جن و انس راه طاعت و یا عصیان پیشه کنند، هیچ سود و زیانی به خداوند نمی رساند.

و ربك الغنى ذو الرحمه

110- عصیان جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 5

5- بی باکی در برابر خدا و سرکشی در مقابل وحی ، ویژگی دوزخیان

لايستوى أصحاب النار و .. لو أنزلنا هـ ذا القرآن على جبل لرأيت حـ شعا

با استفاده از ارتباط این آیه و آیه قبل، و تعریضی که این آیه نسبت به تأثیرناپذیران از آیات وحی دارد، برداشت یاد شده به دست می آید.

111- عصیان حاکمان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 13

13_ تکبر ، سرکشی و لجاجت سران قوم عاد ، مایه انکار رسالت هود (ع) از سوی آنان و نپذیرفتن تعالیم او

و تلك عاد جحدوا بأیـت ربهم و عصوا رسله و اتبعوا أمر کل جبار عنید

112- عصیان حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 20 - 5

5_ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا الله و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله «أطیعوا» و «لاتولوا

عنه» روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

113- عصیان حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 19

19- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها

ص: 230

افزوده نشد .

و نَحْوَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيًا نَّارًا

هر چند ضمیر «هم» به «الناس» برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و «و ما یزیدههم» می توان استفاده کرد که مرجع «هم» انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

114- عَصِيَانِ حَوَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 2

2- آدم (ع) و حوا با نافرمانی خداوند ، شایستگی خویش را برای سکونت در بهشت نخستین از دست دادند .

فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 1

1 - خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا

درباره دلیل تکرار جمله «قُلْنَا اهْبِطُوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قُلْنَا اهْبِطُوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قُلْنَا اهْبِطُوا» در آیه 36 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 16، 17

16 _ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فَدَلِيهِمَا بَغْرُورَ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ

17 _ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و ناديهما ربهما ألم أنهكما . . . و أقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 11

11 - نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا .. لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 10

10 - عن أبي عبدالله (ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی

ص: 231

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید؛ زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 1

1 - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشیطن... فأکلا منها

115- عصیان در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 12

12_ مسلمانان دارای زمینه هایی برای تخلف از دستور خمس و رساندنش به صاحبان آن

واعلموا أنما غنمتم من شیء... إن کنتم ءامنتم

از اینکه پرداخت خمس نشانه ایمان به خدا و آیات او دانسته شده و به این وسیله مورد تأکید قرار گرفته، برداشت فوق به دست می آید.

116- عصیان شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 82 - 9

9- امکان تمرد و سرپیچی شیاطین از فرمان های خداوند و نیاز فرمان بری آنها به نظارت و مراقبت الهی

و کنا لهم حـفظین

این که خداوند مراقبت همیشگی خود را نسبت به شیاطین یادآور می شود، می رساند که آنان موجوداتی سرکش اند و نیاز به مراقبت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 7 - 5, 3

3- شیطان ها، موجوداتی متمرد از فرمان خدا و به دور از هرگونه خیر و نیکی اند .

من کلّ شیطنِ مارد

«مارد»؛ یعنی، کسی که در وجودش اطاعت و فرمانبری و خیر و نیکی نباشد. از این رو به درخت بی برگ (که برگ های آن ریخته باشد) گفته می شود: «شجر أُمرد».

5 - شیطان های متمرّد و به دور از خیر، متعدد و بسیاراند.

من کلّ شیطنِ مارد

ص: 232

117- عصیان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 6

6- شیطان، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت‌ها و رحمت‌ها است.

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

«عصی» برای مبالغه به کار می‌رود (مصباح).

118- عصیان ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 14 - 2

2- خداوند از جنبه مظلومان حق طلب در برابر سرکشی ظالمان حق ستیز، دفاع و حمایت می‌کند.

وقال الذين كفروا... لنخرجنكم من أرضنا... فأوحى إليهم ربهم لنهلكن الظالمين

119- عصیان علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 41 - 27

27_ عدم پابندی سران و عالمان یهود به احکام تورات

يحرِفون الكلم من بعد مواضعه

120- عصیان فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 26

26_ فاسقان، رویگردان از احکام الهی و بی‌اعتنا به داوری‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فان تولوا... وإن كثيراً من الناس لفسقون

121- عصیان فرزندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 27 - 5

5- به وجود آمدن فرزندان کافر و تبه کار در جامعه ، فلسفه نفرین نوح (ع) علیه قوم کافر و گمراه گر خویش

و لا یلدوا إلاّ فاجراً کفّاراً

ص: 233

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 15

15 - سرپیچی فرعون و درباریان از پذیرش رسالت موسی ، پیامد آلودگی آنان به فساد و تبهکاری بود .

فظموا بها فانظر كيف كان عقبه المفسدين

برداشت فوق بر این اساس است که عنوان «مفسدین» بر فرعونیان، اشاره به علت تکذیب داشته باشد. یعنی چون مردمی مفسد بودند، رسالت موسی را انکار کردند و آیات الهی را دروغ پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 91 - 8، 4، 1

1 - خداوند ، فرعون را به خاطر نافرمانی ها و فسادانگیزیهایش تا لحظه مرگ ، مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

حتى إذا أدركه الغرق قال ءأمنت أنه لا إله إلا الذي .. ءالئن

4 - فرعون ، تا لحظه مرگ نسبت به اوامر و دستور های خداوند ، عاصی و نافرمان بود .

ءالئن وقد عصيت قبل

8 - از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود : « . . . قال [جبرئیل] یا محمد لما أغرق الله فرعون « قال أمنت أنه لا إله إلا الذي أمنت به بنو إسرائيل و أنا من المسلمين » فأخذت حمأه فوضعت ها في فيه ثم قلت له : « آلئن وقد عصيت قبل و كنت من المفسدين » و عملت ذلك من غير أمر الله خفت أن تلحقه الرحمة من الله عز و جل و يعذبني الله على ما فعلت فلما كان الآن و أمرني الله عزّ و جل أن أوذي إليك ما قلته أنا لفرعون امنت و علمت أن ذلك كان لله تعالى رضاً . . . » ;

. . . جبرئیل گفت: ای محمد! هنگامی که خدا فرعون را غرق کرد، فرعون گفت: ایمان آوردم که خدایی نیست به جز خدایی که بنی اسرائیل به او ایمان دارند و من از تسلیم شدگانم. پس من قطعه ای از لجن برداشتم و در دهان او گذاشتم و گفتم اکنون؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی و از مفسدان بودی. و این کار را بدون فرمان خدا انجام دادم؛ ترسیدم رحمت خدا به او برسد و خدا مرا برای این کار عذاب کند. پس چون این لحظه فرارسید و خداوند فرمان داد آنچه را من به فرعون گفتم به شما برسانم، ایمن شدم و دانستم که آن کار مورد رضای خدا بوده است.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 24 - 1

1 - فرعون ، مردی طغیان گر و سرکش در برابر خداوند بود .

اذهب إلی فرعون إنه طغی

مراد از «طغیان فرعون» به قرینه رسالت موسی (ع)، سرکشی او در برابر خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 16 - 1

1 - عصیان و سرپیچی فرعون ، در برابر دعوت رسول الهی (موسی (ع))

فعضی فرعون الرسول

ص: 234

123- عصیان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 15

15 - سرپیچی فرعون و درباریان از پذیرش رسالت موسی ، پیامد آلودگی آنان به فساد و تبهکاری بود .

فظلموا بها فانظر کیف کان عقبه المفسدین

برداشت فوق بر این اساس است که عنوان «مفسدین» بر فرعونیان، اشاره به علت تکذیب داشته باشد. یعنی چون مردمی مفسد بودند، رسالت موسی را انکار کردند و آیات الهی را دروغ پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 10 - 1,3

1 - فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط ، از فرمان های پیامبران خود سرپیچی کردند .

و جاء فرعون . . . فعصوا رسول ربهم

3 - سرپیچی از فرمان های پیامبران ، عامل عقوبت شدن فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط

فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذه رابیه

124- عصیان قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 33

33 - هاییل و قایل ، مأمور به قربانی کردن برای خدا در پی مخالفت قایل در مورد فرمان خدا به انتصاب هاییل به وصایت حضرت آدم (ع) و دریافت اسم اعظم خداوند

اذقربا قرباناً

از امام صادق (ع) روایت شده: . . . ان الله تبارک و تعالی اوحی الی آدم ان یدفع الوصیه و اسم الله الاعظم الی هاییل و کان قایل اکبر منه فبلغ ذلک قایل فغضب فقال: انا اولی بالکرامه و الوصیه فامرهما ان یقربا قرباناً بوحدی من الله الیه ففعلا . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 312، ح 83؛ نورالثقلین، ج 1، ص 610، ح 125.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 10

10 - بی اعتنایی قایل به هشدارها و اندرزهای برادرش هابیل

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید . . . فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

ص: 235

125- عصیان قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 1

1_ قوم ابراهیم به جای تسلیم در برابر توحید مستدل او، به احتجاج با او پرداختند.

و ما أنا من المشركين. و حاجه قومه

126- عصیان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 68 - 2,3,4

2_ قوم ثمود، ربوبیت خداوند را انکار کردند و از فرمانش سرپیچی نمودند .

ألا إن ثمودا كفروا ربهم

چون «ربهم» بدون واسطه حرف «باء» مفعول برای «كفروا» قرار گرفته است، می توان گفت در «كفروا» معنای عصیان و نافرمانی اشراب شده است؛ یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

3_ سرپیچی قوم ثمود از فرمان های خداوند، موجب گرفتاری آنان به عذاب استیصال شد .

كأن لم یغنوا فیها ألا إن ثمودا كفروا ربهم

4_ قوم ثمود بر اثر نافرمانی خداوند، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعداً لثمود

توضیح کلمه «بُعداً» در آیه 60 ذیل برداشت شماره 5 آورده شد.

127- عصیان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 5

5_ اکثریت قاطع قوم عاد، با رسولان الهی مخالفت کرده و از پذیرش رسالت و پیام های آنان سرپیچی کردند .

و تلک عاد . . و عصوا رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 2,5

2_ قوم عاد ، ربوبیت خدا را انکار کرده و از فرمانش سرپیچی کردند .

ألا إن عادًا كفروا ربهم

چون «ربهم» بدون واسطه حرف «باء» مفعول برای «كفروا» قرار گرفته است ، می توان گفت: در «كفروا» معنای عصیان و نافرمانی اشراب شده است؛ یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

5_ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعِدًا لعاد قوم هود

«بُعِدًا» (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: ألا لیبعد قوم عاد بعدًا. و از آن جا که قوم

ص: 236

عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مراد عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراسر است و نیز محتمل است «الآ-بُعْدًا...» _ چنان چه زمخشری گفته _ بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد؛ یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند] بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاور چنین عقوبتی بودند.

128- عصیان قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 83 - 1

1 _ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته كانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 10 - 3، 1

1 - فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط ، از فرمان های پیامبران خود سرپیچی کردند .

و جاء فرعون . . . فعصوا رسول ربهم

3 - سرپیچی از فرمان های پیامبران ، عامل عقوبت شدن فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط

فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذه رابیه

129- عصیان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 72 - 1

1 _ حضرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیچ دلیلی از او روگردانیده و از پذیرش دعوتش سر باز می زدند .

فإن تولیتهم فما سألتکم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 3، 1

1 - قوم نوح ، از فرمان های آن حضرت سرپیچی می کردند .

قال نوح ربّ إنهم عصونی

3 - قوم نوح ، مردمی عصیانگر و حق ناپذیر

قال نوح ربّ إنهم عصونی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شکوائیه نوح(ع) از عصیان قوم خود، پس از دعوت و موعظه طولانی آنان بوده است.

ص: 237

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 27 - 6

6 - قوم نوح ، مردمی کافر و تبه کار بودند

و لایلدوا إلا فاجراً کفّاراً

تداوم حیات قوم نوح، موجب تولد فرزندان کافر و تبه کاری می شد. از این نکته استفاده می شود که خود آنان نیز چنین بودند.

130- عصیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 4 - 3

3_ رویگردانی و تأثیرناپذیری کافران از هر گونه معجزه الهی

و ما تأتیهم من آیه من آیت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 11

11_ دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر مخالفت ها و نافرمانی های کافران

و کفی به بذنوب عباده خبیراً

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند بر گناهان بندگان، می تواند برای دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد؛ چنان که می تواند تهدیدی برای کافران ستیزه جو نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 43 - 3

3- فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلى السجود و هم سـلمون

131- عصیان کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 2 - 2

2 - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدر اسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

ص: 238

132- عصیان کافران نمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 77 - 2

2_ کافران قوم نمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

مراد از «امر ربهم» همان است که در آیه 73 مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

133- عصیان مجاهدان احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 14

14_ حلم خداوند در برابر نافرمانی و لغزش پیکارگران احد (پشت کردن به میدان کارزار)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا . . . إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

134- عصیان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 60 - 7

7_ مشرکان صدر اسلام ، به دلیل این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را به سجده در برابر خدای رحمان فرمان داد ، از سجده امتناع کردند .

قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجِدَ لِمَا تَأْمُرُنَا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ما» در «لما تأمرنا» مصدریه و «لام» تعلیلیه باشد؛ یعنی، آیا به خاطر فرمان تو ما سجده کنیم؟ هرگز چنین نخواهیم کرد! گفتنی است همزه در «أنسجد» استفهامیه و برای انکار و امتناع است.

135- عصیان مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 30

30_ توجه رهبران دینی به پلیدی و ناپاکی گروه بسیاری از مردم، مانع حزن و اندوه آنان بر سرپیچی برخی از مردم از دین و احکام آن

فان تولوا .. و إن كثيراً من الناس لفسقون

چنانچه هدف از جمله «فاعلم ..»، بازداري زايد پيامبر (صلى الله عليه و آله) از حزن و اندوه باشد، مي توان جمله «ان كثيراً» را بيانگر علت آن دانست؛ يعنى اى پيامبر (صلى الله عليه و آله) بسيارى از مردم فاسقند و خداوند هدايت آنان را اراده نكرده است. بنابراین بر ويگردانی آنان از دین و احکام آن محزون مباش.

ص: 239

136- عصیان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 11

11 - نافرمانی مسلمانان و نادیده گرفتن حرمت آمیزش در شب های رمضان ، از زمینه های نسخ آن حکم بود .

أحل لكم .. علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم

جمله «علم الله ..» نیز همانند «هن لباس لكم ...» بیان حکمت و دلیل جعل حلیت آمیزش در شبهای ماه رمضان (أحل لكم ...) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 81 - 5

5_ إخبار غیبی خدای تعالی از برنامه های توطئه آمیز و مخفیانه مسلمانان متخلف

فاذا برزوا من عندك بیّت طائفه منهم غیر الذی تقول

137- عصیان مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 7

7- بسیاری از مسلمانان صدر اسلام به حرمت آمیزش در شب های ماه رمضان اعتنا نکرده و نافرمانی می کردند .

علم الله أنكم كنتم تختانون أنفسكم

بدیهی است که همه مسلمانان مرتکب خلاف نشدند. بنابراین، مخاطب قرار دادن همه آنان با جمله «کنتم تختانون ...» گویای این است که تعداد متخلفان اندک نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 64 - 7

7_ گروهی از مسلمانان صدر اسلام از پیروی پیامبر (صلی الله علیه و آله) سرپیچی می کردند .

و من اتبعک من المؤمنین

برداشت فوق مبتنی بر این است که «من» در «من المؤمنین» برای تبعیض باشد. بر این مبنا مراد از «المؤمنین» مدعیان ایمان است که شامل مؤمنان واقعی و غیر واقعی خواهد شد.

138- عصیان مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 67 - 8

8_ یهود و نصارا، منحرف از حق، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

ص: 240

و لكن كان حنيفاً مسلماً و ما كان من المشركين

بنابراینکه جمله «و لكن كان .. .»، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

139- عصیان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 15

15- دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد معارضه مشرکان با تعالیم قرآن، از طریق بیان نمونه های تاریخی تمرد از فرمان خداوند

و إذ قلنا للملئکة .. . إلا إبليس قال ءأسجد لمن خلقت طیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 43 - 3

3- فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سـلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 2 - 14

14 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن، برهانی روشن بر لزوم دست کشیدن اهل کتاب و مشرکان از کفر و شرک خویش

حتی تأتیهم البینه . رسول من الله یتلوا صحفاً مطهرة

140- عصیان مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 43 - 1

1_ برخی از مشرکان با اینکه از نزدیک، ناظر اعمال و رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بودند، از تبعیت او سر باز زده، تکذیب می کردند.

و منهم من ینظر إلیک .. . و لو کانوا لا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 60 - 2،7

2_ مشرکان صدراسلام، از سجده در برابر خدای رحمان، امتناع می کردند.

وإذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن

7_ مشرکان صدراسلام، به دلیل این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را به سجده در برابر خدای رحمان فرمان داد، از سجده امتناع کردند.

قالوا وما الرحمن أنسجد لما تأمرنا

ص: 241

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ما» در «لما تأمرنا» مصدریه و «لام» تعلیلیه باشد؛ یعنی، آیا به خاطر فرمان تو ما سجده کنیم؟ هرگز چنین نخواهیم کرد! گفتنی است همزه در «أنسجد» استفهامیه و برای انکار و امتناع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 8 - 3، 2

2- سرپیچی مشرکان صدراسلام، از پذیرش دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ایمان آوردن به یگانگی خداوند

و ما لکم لاتؤمنون بالله و الرسول یدعوکم لتؤمنوا برّبکم

خطاب در آیه شریفه، متوجه کافران شرک پیشه صدراسلام است.

3- نکوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند، به خاطر موضع گیری مخالفت آمیزشان در برابر دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و

سرباز زدن از پذیرش ایمان به خدا

و ما لکم لاتؤمنون بالله و الرسول یدعوکم لتؤمنوا برّبکم

141- عصیان مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 1 - 6

6- اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن . . . منفکین حتی تأتیهم البینه

در برداشت یاد شده، «منفکین» به معنای «منفکین عن الکفر» دانسته شده است. «تأتیهم البینه» _ به تقدیر «أن» مصدریه _ با «اتیان البینه» مرادف است و عبارت «حتی اتیان البینه» را می توان به معنای «حتی وقت اتیان البینه» یا «حتی باتیان البینه» دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: «لم یکن . . . منفکین فی وقت من الأوقات حتی وقت اتیان البینه» یا «لم یکن . . . منفکین بأی طریق حتی باتیان البینه».

142- عصیان مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 98 - 13

13 _ تکذیب کنندگان پیامبران، مردمی مستکبر و سرکش بوده اند .

«خزی» به معنای خواری و ذلت است، اضافه «عذاب» به «خزی» از باب اضافه موصوف به صفت می باشد. توصیف عذاب به خزی می تواند اشاره به این حقیقت باشد که خداوند، عذاب استیصال را در ازای وضعیّت روحی و عملکرد عذاب شونندگان، مقرر کرده است و چون تکذیب گران پیامبران، مردمانی مستکبر و سرکش بودند، خداوند آنان را گرفتار عذابی کرد که آنان را بشکند و به ذلت بکشاند.

143- عصیان مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 48 - 1

1 - سرپیچی تکذیب گران روز جزا، از فرمان رکوع و فروتنی در مقابل خداوند

و إذا قيل لهم اركعوا لا يركعون

144- عصیان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 167 - 4

4_ بی اعتنایی منافقان به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا برخی مسلمانان، برای حضور در پیکار علیه کافران

وقيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله او ادفعوا

مراد از منافقان در برداشت فوق، کسانی هستند که نفاق آنان پس از دعوت برای نبرد و نپذیرفتن آن مشخص شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 47 - 6,7

6 - نافرمانی و روی گردانی از خدا و رسول او و برخلاف قول و قرار خود عمل کردن، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است.

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك

7 - آن دسته از منافقانی که پس از اظهار ایمان و فرمان بری، از خدا و رسول او، روی برتافته و نافرمانی کردند، ایمان نداشتند.

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك و ما أولئك بالمؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 20 - 2

2 - دشمنی منافقان و مخالفت و نافرمانی آنان با خدا و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

إنّ الذین یحادّون الله ورسوله

از ارتباط آیه شریفه با آیات قبل، به دست می آید که مراد از «الذین یحادّون» و یا یکی از مصادیق مورد نظر آن، منافقان می باشد.

145- عصیان منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 47 - 5

5 - دسته ای از منافقان صدر اسلام، علی رغم اظهارات اکیدشان مبنی بر فرمان بری ایمان داشتن به خدا و رسول او، از ایشان روی برتافته و نافرمانی کردند.

ص: 243

و يقولون ءامنّا بالله . . . ثمّ يتولّی فریق منهم من بعد ذلك

146- عصیان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 15 - 3

3 - هشدار خداوند به مؤمنان ، نسبت به لغزش و نافرمانی کردن به خاطر دل‌بستگی و وابستگی به مال و فرزند

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

147- عصیان نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 27 - 13

13 - « عن صالح بن میثم قال : قلت لأبي جعفر (ع) : ما كان علم نوح (ع) حين دعا قومه إنهم لا يلدوا إلاّ فاجراً كفاراً فقال : أما سمعت قول الله لنوح : « إنّه لن يؤمن من قومك إلاّ من قد آمن » ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند؛ امام فرمود: آیا سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إنّه لن يؤمن من قومك إلاّ من قد آمن)».

148- عصیان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 13

13 - قوم موسی در برابر نعمت های الهی ، مردمی ناسپاس بودند .

ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «ما ظلمونا و لكن . . .» در ارتباط با فراهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، لحاظ شود.

149- عصیان و استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 132 - 4

4_ رباخواری ، عصیان و طغیان بر خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است .

لا تأكلوا الرِّبواً .. واطيعوا الله و الرِّسول

ص: 244

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 67 - 8

8_ یهود و نصارا، منحرف از حق، عصیانگر در برابر خدا و مشرک

و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین

بنابراینکه جمله «و لکن کان...»، تعریضی به یهودیان و نصارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 112 - 12

12_ عصیان یهود و تعدی و تجاوز مستمر آنان، موجب ذلت، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّله... ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه «ذلک بما عصوا»، اشاره به ذلت و... باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 5

5_ نافرمانی آگاهانه پس از دریافت و شنیدن سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عکس العمل یهود در برابر آن حضرت

من الذین هادوا... و یقولون سمعنا و عصینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 5

5_ تسلیم نبودن یهود در برابر خدا، دلیل رویگردانی آنان از احکام تورات

ثم یتولون من بعد ذلک... یحکم بها النبیون الذین اسلموا

«الذین اسلموا» بیان علتی است برای «یحکم بها النبیون» یعنی انبیا چون تسلیم خدا بودند، بر اساس تورات حکم می کردند. بیان این

حقیقت پس از «ثم یتولون من بعد ذلک»، اشاره به ریشه تمرد یهودیان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از احکام تورات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 8

8_ گروهی از یهودیان ، رویگردان از پذیرش قانون قصاص و برابری آن نسبت به تمامی یهودیان

و کیف یحکمونک و عندهم التوریه . . . و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس

مطرح ساختن قانون قصاص پس از بیان اعراض یهود از حکم تورات، حاکی از آن است که احکامی که آنان نپذیرفتند، قانون قصاص و برابری آن نسبت به همه افراد بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 245

6_ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه 56 گذشت، مشهور مفسران بر آنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از «الذین کفروا» هستند.

151- عصیان یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 163 - 2,16

2_ یهودیان ساکن در آبادی ایله واقع در ساحل دریای سرخ، حکم تعطیلی روز شنبه را با ماهیگیری در آن روز نقض می کردند.

و سنلهم عن القریه التي كانت حاضره البحر إذ یعدون .. إذ تأتیهم حیتانهم

«ال» در «البحر» عهد ذهنی است و چنانچه مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. مراد از «القریه»، بنابر آنچه میان اهل تفسیر معروف است، آبادی ایله (شهری بین شام و مصر) می باشد.

16_ خداوند یهودیان ایله را به آزمونی مبتلا کرد که عدم موفقیت در آن، ایشان را به انحراف و تمرد همیشگی می کشانید.

كذلك نبلوهم بما كانوا یفسقون

برداشت فوق بر این اساس است که «ما» در «بما كانوا» موصول اسمی باشد؛ یعنی: «بالذی كانوا یفسقون به». (به چیزی آنان را آزمودیم که موجب فسق ایشان می شد). بدیهی است تحقق این معنا ناشی از شکست آنان در آزمون خواهد بود.

152- عوامل ترس از عصیان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 60 - 3

3- احاطه کامل خداوند بر انسان، مقتضی ترس از نافرمانی اوست.

و ما نرسل بالآیة إلا تخویفًا .. إن ربك أحوط بالناس ... و نخوفهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 19 - 9

9_ حسادت و تجاوز، عامل مخالفت اهل كتاب (يهود و نصارا) با دين مورد پذيرش خدا

و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب . . . بغياً بينهم

ص: 246

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 14 - 3

3_ تجاوز از حدود الهی ، نافرمانی خدا و رسول است .

و من يعص الله ورسوله و يتعدّ حدوده

برداشت فوق بر این اساس است که عطف جمله «یتعدّ حدوده» بر جمله «يعص الله ورسوله»، عطف تفسیری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 103 - 15

15_ سرپیچی فرعون و درباریان از پذیرش رسالت موسی ، پیامد آلودگی آنان به فساد و تبهکاری بود .

فظلموا بها فانظر كيف كان عقبه المفسدين

برداشت فوق بر این اساس است که عنوان «مفسدین» بر فرعونیان، اشاره به علت تکذیب داشته باشد. یعنی چون مردمی مفسد بودند، رسالت موسی را انکار کردند و آیات الهی را دروغ پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 47 - 5

5- بی توجهی به روز قیامت و غفلت از پایان یافتن فرصت انجام تکالیف ، عامل اساسی در ترک دستورات الهی است .

استجیبوا لربکم من قبل أن یأتی یوم لا مردّ له

ذکر «من قبل أن یأتی» می تواند اشاره به آن داشته باشد که انسان ها، چنانچه به روز قیامت توجه کنند به اجابت دعوت الهی روی خواهند آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 8

8- نیندیشیدن در آیات وحی ، عامل بی باکی در برابر خدا و تأثیرناپذیری از قرآن

لو أنزلنا هـذا القرآن علی جبل لرأیته خـشعاً... و تلك الأمثـل... لعلهم یتفکّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره‌گیری از شجره منهبیه، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید.

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

«ازلال» (مصدر ازَلّ) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می‌تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم (ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می‌تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم (ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

ص: 247

155- عوامل عصیان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 9

9- تکبر و خود بزرگ بینی ابلیس ، مایه امتناع او از سجده بر آدم (ع) شد .

فسجدوا إلا ابلیس اُبی و استکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 12 - 6

6_ تکبر و خود برترینی ابلیس، عامل تمرد وی از اطاعت فرمان خداوند (سجده بر آدم(ع))

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 33 - 6

6- تکبر ناشی از احساس برتری نژادی ، عامل اصلی تمرد ابلیس از سجده بر آدم (ع)

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصَل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 11

11- خود برترینی ابلیس و پست تر و کم ارزش تر دیدن جنس آدم (ع) ، ریشه عصیان و نافرمانی وی از فرمان خداوند بر سجده بر آدم (ع)

(ع)

و إذ قلنا للملئکة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا ابلیس قال ءأسجد لمن خلقت طیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 6

6 - تکبر و خود برترینی ابلیس ، سبب سرپیچی وی از فرمان سجده بر آدم

فسجد المملئكه . . . إلا إبليس استكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 75 - 8

8 - پرس و جوی خداوند از ابلیس ، درباره تأثیر دو عامل خودبرتربینی و عالی رتبگی وی در تمردش از سجده بر آدم (ع)

قال یـِ ابلیس ما منعک أن تسجد . . . أستکبرت أم كنت من العالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 13، 1

1 - ابلیس در پاسخ خداوند ، مهتری و برتری خود بر آدم را ، دلیل تمردش از فرمان سجده بر آدم (ع) بیان کرد .

ص: 248

قال یـ ابلیس ما منعک أن تسجد .. أستکبرت أم کنت من العالین . قال أنا خیر منه

13 - تکبر و خودبرتربینی ابلیس ، عامل سرپیچی وی از سجده بر آدم بود ؛ نه مهتری و بلندمرتبگی او .

إلاّ ابلیس استکبر .. أستکبرت أم کنت من العالین . قال أنا خیر منه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که هر چند ابلیس، خود را از مهتران و برتر از آدم معرفی کرد؛ ولی آیه شریفه در مقام محکومیت و رد این ادعا است. از این رو خداوند در آیه قبل، عامل تمرد ابلیس را، تکبر و خودبرتربینی وی برشمرده است (إلاّ ابلیس استکبر...).

156- عوامل عصیان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 43 - 5,8

5_ سنگدلی، موجب هدایت ناپذیری و اجابت نکردن دعوت انبیا

و لقد أرسلنا .. فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لکن قست قلوبهم

8_ زیبا پنداشتن اعمال زشت، موجب هدایت ناپذیری و اجابت نکردن دعوت انبیا

فلولا إذ جاءهم بأسنا تضرعوا .. و زین لهم الشیطن ما کانوا یعملون

157- عوامل عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 16

16 - تخلف از دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناباوری نسبت به وحی ، ناشی از سطحی نگری است .

کذلکم قال الله من قبل فسیقولون بل تحسدوننا بل کانوا لایفقهون إلاّ قليلاً

با توجه به ارتباط صدر و ذیل آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

158- عوامل عصیان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 16

16 - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله «و أشربوا ..» حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

ص: 249

159- عوامل عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره‌گیری از شجره منهیه، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید.

فأزلهما الشيطان عنها

«ازلال» (مصدر ازل) به معنای: لغزیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می‌تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می‌تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

160- عوامل عصیان فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 3

3- ناباوری نسبت به معاد و قیامت، از عوامل مهم بی‌تعهدی فرزند در قبال والدین *

و الذی قال لولدیة أفّ لکما أتعذنتی أن أخرج

رابطه دو بخش آیه («قال لوالدیة أفّ») و («أتعذنتی أن أخرج») می‌تواند اشاره به این داشته باشد که میان گستاخی و بی‌تعهدی فرزند و عقیده کفرآلود وی به معاد، ارتباط و پیوستگی هست.

161- عوامل عصیان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 78 - 3

3 - غفلت و بی‌توجهی منافقان به علم غیب و آگاهی گسترده خدا نسبت به اسرار و سخنان پنهانی، عامل گرایش آنان به تخلف از وظایف خود در برابر خدا

بما أخلفوا الله ما وعده... ألم يعلموا أن الله يعلم... وأن الله علم الغی

162- فرجام شوم عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 173 - 4

4 - سرکشی و عصیان پس از انذار و اتمام حجت ، دارای فرجامی شوم

و أمطرنا عليهم مطرًا فساء مطر المنذرین

ص: 250

163- فرجام عصیان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 98 - 7

7_ آتش دوزخ، فرجام پیروی نکردن از رسولان الهی است.

و لقد أرسلنا موسى... إلى فرعون و ملائیه فاتبعوا أمر فرعون... و بسّ الورد المور

164- فطريت تبری از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 20

20 - بیزاری از کفر، فسق و عصیان، دارای ریشه در سرشت انسان *

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

برداشت بالا بدان احتمال است که انتساب «کرّه» به خداوند، بیانگر جریان تکوینی باشد؛ یعنی، خداوند وجود انسان را_ با همه تمایلات و گرایش ها_ به گونه ای آفریده است که به طور طبیعی از کفر و.. متنفر است.

165- فطريت نفرت از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 20

20 - بیزاری از کفر، فسق و عصیان، دارای ریشه در سرشت انسان *

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

برداشت بالا بدان احتمال است که انتساب «کرّه» به خداوند، بیانگر جریان تکوینی باشد؛ یعنی، خداوند وجود انسان را_ با همه تمایلات و گرایش ها_ به گونه ای آفریده است که به طور طبیعی از کفر و.. متنفر است.

166- کيفر اخروی عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 8

8_ امتناع از عبادت خداوند به دلیل گردن فرازی و خودبرتربینی ، موجب عذاب دردناک در قیامت

و اما الذین استکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 13 - 2, 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور اعلام هراس داشتن خود از پیامد های ناگوار اخروی عصیان و نافرمانی خدا به مردم

قل إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

ص: 251

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خوف و هراس از عذاب قیامت، در صورت عصیان و نافرمانی کردن

إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتَ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

167- کیفر عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 196 - 24، 21

21_ سرپیچی از انجام کامل اعمال حج، موجب گرفتار شدن به مجازات سخت الهی

و اتمّوا الحج . . . و اعلموا انّ الله شديد العقاب

24_ عدم رعایت تقوا و سرپیچی از تکالیف الهی، موجب عقاب شدید خداوند

و اتمّوا الحج . . . و اتقوا الله و اعلموا انّ الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 210 - 11، 4، 1

1_ تسلیم نشدن در برابر اوامر خداوند و پیروی از شیطان، موجب عذاب الهی

ادخلوا فی السّلم کافه . . . هل ينظرون الا ان يأتيهم الله فی ظلل

«ان يأتيهم الله»، کنایه از عذاب الهی است؛ به قرینه «فان الله عزیز حکیم» در آیه سابق.

3_ ابرها، از ابزار نزول عذاب الهی برای متمرّدان

ان يأتيهم الله فی ظلل من الغمام

4_ عذاب الهی بر متمرّدان، با پوشش رحمت

هل ينظرون الا ان يأتيهم الله فی ظلل من الغمام

با توجه به اینکه ابر، مظهر رحمت خداوند است؛ اما در آیه مزبور، به عنوان وسیله ای برای عذاب الهی معرفی شده است.

11_ تهدید خداوند، نسبت به کسانی که تسلیم فرمان های الهی نیستند و از شیطان پیروی می کنند.

ولا تتبعوا خطوات . . . هل ينظرون الا ان يأتيهم الله ... و الى الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 281 - 2

2_ قیامت ، هنگامه ای عظیم و دهشتناک برای نابکاران

و اتقوا یوماً ترجعون فیہ الی اللہ

آوردن «یوماً» به صورت نکره، اشاره به عظمت آن روز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 8،27

8_ مؤمنان در صورت انجام ندادن تکالیف الهی ، بر اثر فراموشی یا خطا و اشتباه ، خود را مستحق مؤاخذه می دانند .

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

درخواست گذشت از مؤاخذه، اعترافی ضمنی به استحقاق مؤاخذه است.

ص: 252

27_ امت های گذشته به علت خطا و نسیان نسبت به تکالیف الهی ، مورد مؤاخذه و عقوبت قرار می گرفتند .

لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا و لا تحمل علينا اصراً كما حملته على الذين من قبلنا

امیر المؤمنین (ع): .. و كانت الامم السالفه اذا نسوا ما ذكروا به فتحت عليهم ابواب العذاب ... و اذا اخطأوا اخذوا بالخطأ و عوقبوا عليه ...

احتجاج طبرسی، ج 1، ص 328؛ نورالثقلین، ج 1، ص 306، ح 1227.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 26

26_ سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتی اذا فشتتم .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 15

15_ تناسب عذاب و عقوبت اخروی ، با گناه و عصیان

سیطون ما بخلوا به يوم القيمة

طوق شدن اموال بخیلان بر گردن آنان به دلیل دلدادگی و وابستگی شدید آنان به اموال می باشد، و این حاکی از تناسب عذاب آخرت با گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 14 - 9، 10

9_ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود الهی

و من يعص الله ورسوله .. و له عذاب مهين

10_ نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و تجاوز از حدود، آنگاه که از روی سرکشی باشد، موجب خلود در آتش است. *

و من يعص الله ورسوله .. و له عذاب مهين

کلمه «مهین» به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 19

19_ جهنّم، جایگاه گنهکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند.

الم تكن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها فاولئك مأويهم جهنّم و ساءت مصيراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک هجرت.

ص: 253

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 12

12 - سرپیچی از بندگی خدا از سر تکبر و خودبرتربینی ، در پی دارنده مجازات های الهی

و من یستکف عن عبادته و یتکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً

در برداشت فوق «واو» در «و یتکبر» واو جمع گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 26 - 2,4

2 - محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا .. فأنها محرمة علیهم

جمله «فأنها محرمة ..» ، تفریع بر نافرمانی آنان از دستور موسی (ع) است ، نه اینکه متفرع بر نفرین او (فالفارق بیننا ...) باشد.

4 - سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إِنَّا لَنَدْخُلُهَا .. یتیهون فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 16

16 - جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون. كانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 8

8 - تخلف از احکام الهی و مداومت بر آن ، فسق و ظلم و در پی دارنده کیفر شدید الهی است .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئس بما كانوا یفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

«عتوا» (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از «ما نهوا عنه» صید ماهی در روز شنبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 16

16_ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را در پی دارد .

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 254

14- کیفر امتیاهی که به دعوت انبیا جواب مساعد ندادند ، عذاب دردناک است .

و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 5 - 5

5- کیفر الهی برای انسان ها ، پس از اقدام آنان به تجاوز و سرکشی است .

وقضینا إلی بنی اسرائیل فی الکتب لتفسدن فی الأرض مرتین .. فإذا جاء وعد أولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 18 - 10

10- « عن ابن عباس أن النبی (صلی الله علیه و آله) قال : معنی الآیه من کان یرید ثواب الدنیا بعمله الذی افترضه الله علیه لایرید به وجه الله و الدار الآخره عجل له فیها ما یشاء الله من عرض الدنیا و لیس له ثواب فی الآخره و ذلک ان الله سبحانه و تعالی یؤتیہ ذلک لیستعین به علی الطاعه فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: معنای آیه «من کان یرید العاجله عجلنا له فیها مان یشاء» این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند؛ بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست؛ چون خداوند _ سبحانه و تعالی _ آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند؛ ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 25 - 6

6 - خداوند ، فرعون را به دلیل تکذیب رسالت و معجزه موسی (ع) و عصیانگری و ادعای ربوبیت ، هلاک ساخت .

فكذب و عصی .. فقال أنا ربکم الأعلى . فأخذہ اللہ نکال الآخره و الأولى

می توان گفت: فاء در «فأخذہ اللہ»، کیفر را بر تمام کارهای فرعون که در آیات قبل آمده بود، تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 4

4_ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور . . . قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

169- کیفر عصیان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 255

7- عمل نکردن به تعالیم و دستور انبیا، در پی دارنده عذابی دردناک است .

و إذا أخذنا من النبيّن ميثـهم .. ليسئل ... و أعدّ للک فرین عذاباً أليماً

مراد از «الکافرین» به قرینه اخذ ميثاق از پیامبران _ که همانا، آن ميثاق، ابلاغ پیام الهی بوده است _ کسانی اند که آن تعالیم و پیام ها را نادیده گرفته اند و در نتیجه، گرفتار عذاب می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 45 - 17

17- کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس .. نجب دعوتک و تتبع الرسل ... كيف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

170- کیفر عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 39 - 5

5- اغوای ابلیس از سوی خداوند، کیفر تمرد وی از فرمان الهی بود .

ربّ بما أغويتنی

بی تردید، گمراه شدن ابلیس از جانب خداوند، پس از سرپیچی او از سجده بر آدم(ع) بود و این می رساند که این گمراهی، جنبه کیفری داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 75 - 2

2- هیچ انسانی حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از کیفر الهی در صورت تخلف و انحراف از مدار وحی، مصون و ایمن نیست .

إذا لأذقنـک ضعف الحیوه و ضعف الممات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنم ... ثم لنحن أعلم ... بها صلياً

«صلياً» (از صَ لِيْ يَصْلِي) تمیز برای «أولى» و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت «أعلم... صلياً» این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. «أولویت» برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 63 - 12

12 - خداوند ، مردم را از پیامد ناگوار و هلاکت بار سرپیچی از فرمان های الهی ، برحذر داشت .

ص: 256

فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم

برداشت فوق، براساس این احتمال است که ضمیر «أمره» به خدا بازگردد و مقصود از «أمر» همان چیزی است که جمله «لا تجعلوا دعاء الرسول» بازگو کننده آن است؛ زیرا نهی از چیزی مستلزم امر به ضد آن (امر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 44 - 1

1 - نزول عذاب بر قوم ثمود، در پی سرکشی از فرمان پروردگار

فعتوا... فأخذتهم الصعقة

171- کیفر عصیان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 119 - 9

9 - دوزخ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلناك بالحق... ولاتستل عن أصحاب الجحيم

172- کیفر عصیان از سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 13

13 - تهدید شدن جنیان در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من يعمل بين يديه... و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعير

173- کیفر عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 4, 2

2 - شکنجه یا مرگ (بریدن سر)، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ . لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ

4- لزوم تعیین کیفر های سخت تا مرز مرگ ، برای متخلفان از مقررات ارتش

أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ

ص: 257

174- کيفر عصيان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 63 - 9

9- خداوند ، مردم را از پیامد ناگوار و هلاکت بار سرپیچی از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر حذر می دارد .

فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیر «أمره» به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بازگردد و با توجه به آیه قبل که سخن از فراخوانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای امر جامع به میان آورده و نیز مسأله فراخوانی ایشان را مطرح کرده است ظاهر آیه شریفه نیز مطابق همین مبنا می باشد.

175- کيفر عصيان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 4

4_ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کيفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور... قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

176- کيفر عصيان شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 4

4_ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کيفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور... قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

177- کيفر عصيان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 44 - 1

1 - نزول عذاب بر قوم ثمود، در پی سرکشی از فرمان پروردگار

فَعْتُوا... فَأَخَذْتَهُمِ الصَّعِقَةَ

178- گناه عصیان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 63 - 11

ص: 258

11 - سرپیچی از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، گناه و حرام است .

فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم

179- مراتب عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 69 - 7

7- تقسیم گنه کاران در قیامت براساس مراتب عصیان گری آنها ، از شؤن ربوبیت الهی است .

فوربک .. ثم لنزعن من كل شيعة ايهم اشد على الرحمن عتياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 4

4- سرپیچی از فرمان های الهی هرچه افزون تر باشد ، بر حتمیت بودن عذاب می افزاید .

أشد على الرحمن عتياً . ثم ... أولى بها صلياً

«ثم» دلالت می کند که پس از تقسیم و رتبه بندی همه سرکشان، ورود به عذاب نیز به همان ترتیب انجام خواهد گرفت تا همه آنان به عذاب وارد شوند. بنابراین هرچه سرکشی شدیدتر باشد، استحقاق عذاب بیشتر خواهد بود.

180- مراد از عصیان آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 25

25 - « عن الرضا (ع) (في قوله تعالى) : « وعصى آدم ربه فغوى » قال : . . . كان ذلك من آدم قبل النبوة ولم يكن ذلك بذنب كبير استحق به دخول النار وإنما كان من الصغائر الموهوبه التي تجوز على الأنبياء قبل نزول الوحي عليهم ;

از امام رضا(ع) (در باره قول خدا) «و عصى آدم ربه فغوى» روایت شده که فرمود: این عصیان از آدم قبل از نبوت بود و این گناه بزرگی نبود که آدم بسبب آن مستحق دخول آتش شود بلکه از صغائر بود که بخشیده شده و برای پیامبران قبل از نزول وحی جایز است. «..».

181- ملائکه و عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7_ منزلت فرشتگان، منزلت انقیاد و تسلیم در برابر خدا، به دور از هرگونه تکبر و عصیان در برابر او

فما یكون لک أن تتکبر فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 259

7- همه فرشتگان ، مطیع و منقاد خداوند بوده و در برابر اوامر او تمرد نمی کنند .

و لله يسجد . . . و الملئكة و هم لا يستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 27 - 7

7- عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لا يسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون

تسلیم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نیز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

182- منشأ عصیان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 13

13- فسق ابلیس و سرپیچی او از امر پروردگار ، دارای ریشه در سرشت وی بود .

كان من الجنّ ففسق عن أمر ربّه

فاء تفریع، بیانگر این معنا است که «جن» بودن، زمینه فسق ابلیس شد و ممکن است مراد این باشد که در سرشت جن، حق انتخاب قرار داده شده و مجبور به اطاعت نیست، از این جهت، ابلیس، به انتخاب خود، راه فسق در پیش گرفت.

183- منشأ عصیان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 5

5- باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فكذبوه فعقروها

184- منشأ نفرت از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 17

17 - خداوند ، پدید آورنده زمینه بیزاری مؤمنان از کفر ، فسوق و عصیان

ولكن الله... وكره إليكم الكفر والفسوق والعصيان

ص: 260

185- موارد عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 195 - 17

17 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: « طاعه السلطان واجبه و من ترک طاعه السلطان فقد ترک طاعه الله عز و جل و دخل فی نهیه إن الله عز و جل يقول: و لاتلقوا بأیدیکم إلی تهلكه »

اطاعت از سلطان واجب است و هر کس پیروی از سلطان نکند، از خدا اطاعت نکرده و با نهی خداوند مخالفت کرده است. خدای عز و جل می فرماید: خود را با دست خویش به هلاکت نیندازید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 6

6 - خوردن از حیوانی که با نام خدا ذبح نشده باشد، عصیانی است که شناعت آن پنهان است. *

و إن الشیطن لیوحون إلی أولیائهم

تأکید بر «فسق» بودن خوردن از حیوانی که نام خدا بر آن برده نشده، پس از تقسیم گناهان به «ظاهر الإثم و باطنه» در آیه قبل، حکایت از آن دارد که این گناه از نوع «باطن الإثم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 12

12 - بردن نامی جز نام خدا بر حیوان به هنگام ذبح، فسق و خروج از طاعت خداست.

أوفسقا أهل لغير الله به

186- موانع عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 24

24 - ایمان به خدا و قیامت، پشتوانه اجرایی احکام اسلام و مایه پرهیز از نافرمانی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

اطيعوا الله... ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 94 - 26

26_ توجه به آگاهی دقیق خداوند از اعمال و انگیزه های آن ، زمینه پرهیز از تخلف فرامین خداوند

فَتَّبِعُوا اللَّهَ كَمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 40 - 17

17_ توجه به مالکیت مطلق خداوند و قدرت بیکران او ، بازدارنده آدمی از هرگونه اعتراض به قوانین الهی

الْم تَعْلَمُ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . . . وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ص: 261

جمله «الم تعلم . . .» می تواند به منظور توجیه حد سرقت و برطرف ساختن هر گونه اعتراض درباره آن باشد. به این بیان که مالک تمامی هستی، به هرگونه تصرف در ملک خویش مجاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 14

14_ توجه به نظارت الهی بر هستی عامل گرایش انسان به عبودیت برای خدا و پرهیز از شرک و نافرمانی

فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 11

11_ باور به خالقیت خداوند، مانع عصیان و تمرد نخواهد شد.

ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك . . . خلقتني من نار و خلقتني من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 94 - 13

13_ توجه انسان به نظارت شدن اعمالش از سوی خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، بازدارنده او از تخلف و کجروی

و سیری الله عملکم ورسوله

تذکره به نظارت خدا و رسول او، ظاهراً در راستای دور نمودن متخلفان از انحراف و کجروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 10

10- توجه به رحمت گسترده الهی، پرهیزدهنده بندگان از نافرمانی او است.

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 29 - 6

6 - توجه و اعتقاد به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار انسان ها ، بازدارنده آنان از گناه و نافرمانی است .

لیس علیکم جناح أن تدخلوا بیوتاً غیر مسکونه . . . و اللّٰه یعلم ما تبدون و ما تکتّمون

تذکر به علم همه جانبه الهی در پایان آیه می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 16

16 - توجه و اعتقاد به آگاهی خداوند به حرکات و رفتار انسان ها ، موجب برانگیختن آنان به رعایت دستورات خدا و پرهیز از نافرمانی او است .

قل للمؤمنین یغضّوا . . . إنّ اللّٰه خبیر بما یصنعون

سخن تهدیدآمیز خداوند به مؤمنان (إنّ اللّٰه خبیر بما یصنعون)، می تواند به منظور این مطلب، ادا شده باشد.

ص: 262

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 16 - 8,9

8 - یادآوری دوزخ و عذاب آتش آن ، بهترین و مؤثرترین وسیله اخطار دادن به بندگان و بازداشتن آنان از هرگونه عصیان و نافرمانی پروردگار

لهم من فوقهم ظلل من النار

9 - اخطار کردن و بیم دادن ، از شیوه های بازدارنده از گناه و تربیت مردم حق گریز

ذلک ینخوف اللّٰه به عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 3 - 9

9 - توجه به آگاهی کامل خداوند به اعمال بندگان ، بازدارنده آنان از گناه و نافرمانی

واللّٰه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 13 - 14

14 - توجه به آگاهی کامل الهی به اعمال بندگان ، بازدارنده آنان از تخلف و نافرمانی در برابر دستورات خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وأطیعوا اللّٰه ورسوله و اللّٰه خبیر بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 4 - 6

6 - آگاهی و عقیده به علم همه جانبه خداوند به جهان و انسان ، بازدارنده انسان ها از نافرمانی و گناه

یعلم ما فی السموات... و ما تعلنون واللّٰه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- توجه انسان به وابستگی اش در رشد، تربیت و نعمت ها به خداوند، مانع کفر او و زمینه ساز فریفته نشدن به آنچه مایه بی پروایی، در برابر گناه می گردد.

ما غرک بر تک الکریم

187- موانع عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 22, 24

22_ ترس از عذاب قیامت، بازدارنده آدمی از عصیان و سرپیچی از دستور های الهی

إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

24_ اعتقاد و توجه به ربوبیت خدا، بازدارنده آدمی از سرپیچی کردن از دستور های خدا

ص: 263

ینی أخاف إن عصیت ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 53 - 14

14 - توجه و اعتقاد به با خبر بودن خداوند از تمامی رفتار و کردار آدمیان ، باز دارنده آنان از هر گونه نافرمانی و گناه است .

و أقسموا باللّٰه جهد أیْمَـنهم . . . إنّ اللّٰه خبیر بما تعملون

جمله «إنّ اللّٰه خبیر . . .» تذکری تهدیدآمیز به منافقان بود که به دروغ اظهار اطاعت می کردند؛ ولی در عمل به نافرمانی و گناه مشغول بودند. بنابراین هشدار به آگاهی خداوند از اعمال انسان ها، می تواند به منظور بازداشتن آنان از نافرمانی و گناه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 12

12 - توجه و اعتقاد به علم همه جانبه خداوند ، بازدارنده آدمی از هر گونه نافرمانی از او

فلیحذر الذین یخالفون عن أمره . . . قد یعلم ما أتم علیہ ... و اللّٰه بکلّ شیء علیم

تذکر خداوند به علم همه جانبه خویش _ در پایان سوره و پس از بیان یک سلسله دستورها و آموزش ها از آغاز سوره تا پایان آن (به ویژه جمله «فلیحذر الذین یخالفون عن أمره . . .») _ می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 9 - 5

5 - ایمان به معاد و کیفر اعمال ، بازدارنده انسان از نافرمانی خداوند است .

ما غرک . . . کلاً بل تکذّبون بالذین

188- موانع عصیان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 26

26 _ ترس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از عذاب قیامت ، عامل بازدارنده او از هر نافرمانی و گناه

إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

16 - زمر - 39 - 13 - 3

3 - خوف و هراس پیامبر (صلی الله علیه و آله) از عذاب بزرگ الهی ، بازدارنده آن حضرت از هرگونه عصیان و نافرمانی بود .

إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

ص: 264

189- موانع عصیان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 2

2- آگاهی ملائکه از علم مطلق خداوند به تمامی گفتار و رفتار و حالات ، موجب انقیاد آنان و بازدارنده ایشان از هرگونه نافرمانی

لایسبقونه ... بأمره یعملون . یعلم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

جمله «یعلم ما ..» می تواند در حکم تعلیل برای آیه قبل (لایسبقونه... بأمره یعملون) باشد؛ یعنی، چون فرشتگان آگاه اند که خداوند به تمامی حرکات آنان دانا است، از این رو گوش به فرمان خدا و تسلیم محض او هستند.

190- ناپسندی اصرار بر عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 12

12- اصرار بر عصیان خداوند در عین رحمت گسترده او ، کاری ناموجه و ناروا است .

لاتعبد الشیطنَ إِنَّ الشیطنَ کان للرحمنَ عَصِیًّا

191- نشانه عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 5

5 - کم فروشی ، ازین برنده دیانت انسان و نمونه ای از فسق و سرکشی در برابر خداوند است .

ویل للمطففین . . . کلاً إِنَّ کتَب الفجّار لفی سجّین

«فجور»؛ یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب) و به معنای فسق و عصیان نیز آمده است (قاموس). ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر این است که از «فجّار»، همان «مطففین» اراده شده است.

192- نفرت از عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 18

18 - نفرت درونی مؤمنان ، از کفر ، فسق و عصیان

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

ص: 265

193- نگرانی از عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 65 - 8

8_ بندگان خالص خدا، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

ربّنا اصرف عتّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرامًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند_ هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد_ بسیار نگران و مضطرب اند.

194- هماهنگی فسق با عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 21

21- کفر، فسق و عصیان، سه حلقه پیوسته به یکدیگر

و کزّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

195- هماهنگی کفر با عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 21

21- کفر، فسق و عصیان، سه حلقه پیوسته به یکدیگر

و کزّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

عصیانگر

196- آرزوی عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 1

1_ نیستی و نابودی، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

«لو» در «لو تسوّی» به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله «لو تسوّی . . .» کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

ص: 266

197- ابتلای یهود عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 167 - 2

2_ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجر آور و تحت شکنجه دیگران ، به همگان اعلام کرد .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

198- جن عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 31 - 8

8- وجود افرادی گنه کار و عصیانگر ، در میان جنیان

يغفر لكم من ذنوبكم

199- حسابرسی جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 5

5 - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شديدًا و عذبنها عذابًا نكرًا

«نكر» (مرادف «منكر») به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

200- زمینه کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 17 - 12

12- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم اهلکنا .. و کفی برّک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 3

3 - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض رویه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت و بال امرها و کان ع_قبه امرها خسرّاً

ص: 267

201- زیانکاری جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 3, 2

2 - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان ع_قبه أمرها خسراً

3 - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان ع_قبه أمرها خسراً

202- سرزنش فرزند عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 17 - 1

1- فرزندان گستاخ در برابر پدر و مادر ، مورد نکوهش خداوند

و الذی قال لولدیة أفّ لکما

لحن نکوهش آمیز این آیه و تهدید به عذاب و تعبیر (إِنَّهُمْ کَانُوا خَاسِرِينَ) در آیه بعد، گویای برداشت یاد شده است.

203- شکنجه یهود عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 167 - 2, 1

1_ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

«تأذن» یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). «بعث» (مصدر «لیبعثن») به معنای فرستادن است و چون به «علی» متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. «سوم» (مصدر «یسومون») به معنای تحمیل کردن است.

2_ خداوند تعلق اراده خویش را بر گرفتار ساختن یهودیان متمرّد به زندگی زجر آور و تحت شکنجه دیگران ، به همگان اعلام کرد .

وإذ تأذن ربك لبيعن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

ص: 268

204- عذاب جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 5

5 - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او، سرپیچی کردند، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند.

فحاسبنها حساباً شديداً و عذبنها عذاباً نكراً

«نکر» (مرادف «منکر») به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

205- عصیانگر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 1,4

1_ نیستی و نابودی، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در قیامت

يومئذ يودّ الذين كفروا و عصوا الرسول لو تسوّى بهم الارض

«لو» در «لو تسوّی» به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله «لو تسوّی...» کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

4 - عصیان از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب سرافکنندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوّى بهم الارض

206- فرجام جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 9 - 2,3,1

1 - بسیاری از جوامع انسانی، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند.

و كآئن من قرية عتت عن أمر ربّها.. فذاقت وبال أمرها

«وبال» به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

2 - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان ع_قبه أمرها خسراً

3 - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض رویه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت و بال أمرها و کان ع_قبه أمرها خسراً

207- کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 269

1 - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و كَأَیْنِ مِنْ قَرْیَهِ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا .. فذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا

«وبال» به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

208- مستکبران عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 14، 13، 9

9_ بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کیفر الهی در قیامت

اما الذین استنكفوا و استكبروا فیعذبهم عذاباً ألیماً و لایجدون لهم من دون الله و

13_ خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

14_ مستکبران رویگردان از عبادت خدا ، محروم از شفاعت شافعان

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

209- هلاکت جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 17 - 11

11- نابودی جوامع عصیانگر ، توسط خداوند ، عالمانه و بر اساس بصیرت است .

و کم أهلكنا .. و كفی برّك ... خبیراً بصیراً

عصیانگران

210- {عصیانگران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 59 - 5

5 - متمردان و ستمکاران قوم موسی ، به عذاب آسمانی گرفتار شدند .

فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 12

12 - قوم موسی ، علی رغم اظهار پذیرش تورات و پشیمانیشان برگوش سپاری به فرمان های خدا و موسی (ع) ، تمرد کرده

ص: 270

و عصیانگر شدند .

قالوا سمعنا و عصينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 5

5_ اکثریت قاطع قوم عاد ، با رسولان الهی مخالفت کرده و از پذیرش رسالت و پیام های آنان سرپیچی کردند .

و تلک عاد . . . و عصوا رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 2,5

2_ قوم عاد ، ربوبیت خدا را انکار کرده و از فرمانش سرپیچی کردند .

ألا إن عادًا كفروا ربهم

چون «ربهم» بدون واسطه حرف «باء» مفعول برای «كفروا» قرار گرفته است ، می توان گفت: در «كفروا» معنای عصیان و نافرمانی اشراب شده است؛ یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

5_ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعْدًا لعاد قوم هود

«بُعْدًا» (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: ألا لیبعد قوم عاد بعداً. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مراد عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراسرست و نیز محتمل است «ألا بُعْدًا...» _ چنان چه زمخشری گفته _ بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد؛ یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند] بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاوار چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 68 - 2

2_ قوم ثمود ، ربوبیت خداوند را انکار کردند و از فرمانش سرپیچی نمودند .

ألا إن ثمودا كفروا ربهم

چون «ربهم» بدون واسطه حرف «باء» مفعول برای «كفروا» قرار گرفته است، می توان گفت در «كفروا» معنای عصیان و نافرمانی اشرا ب شده است؛ یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 31 - 1

1- ابلیس ، از فرمان خداوند برای سجده بر آدم (ع) سرپیچی کرد و حاضر نشد در ردیف دیگر سجده کنندگان بر او قرار گیرد .

إلّا إبليس أبى أن يكون مع السّـجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 20

20 - بسیاری از اهل کتاب (یهود و نصارا) ، فاسق و متمرداند .

ص: 271

و کثیر منہم ف_سقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 10 - 1

1 - فرعونیان و اقوام پیش از آنان و قوم لوط ، از فرمان های پیامبران خود سرپیچی کردند .

و جاء فرعون ... فعصوا رسول ربهم

211- آثار پیروی از عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 60 - 4

4_ پیروی از طاغوت ها و سرکشان ، موجب دوری از رحمت خدا در دنیا و آخرت است .

و اتبعوا أمر كل جبار عنيد. و أتبعوا في هذه الدنيا لعنه و يوم القيامة

212- ابزار سرکوبی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 5 - 2

2 - خداوند ، از عوامل طبیعی و بندگان خویش برای سرکوبی سرکشان زمین ، استفاده می کند .

بعثنا عليكم عبداً لنا أولى بأس شديد

213- اتمام حجت با عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهيم - 14 - 13 - 13

13- کیفر و مجازات متمردان باید پس از ارشاد و اتمام حجت به آنان صورت گیرد .

جاءتهم رسلهم بالبينات ... وقال الذين كفروا لرسلم لنخرجنكم ... فأوحى إليهم ر

214- اجتناب از پیروی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 12

12_ ضرورت پرهیز از فرمانبری و پیروی متکبران و سرکشان حق ناپذیر

و اتبعوا أمر کل جبار عنید

ص: 272

215- اطاعت از عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 9

9- اطاعت و پیروی از گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند ، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است .

لاتعبد الشیطنَ إِنَّ الشیطنَ کان للرحمن عَصِيًّا

216- بی اعتباری خویشاوندی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 216 - 2

2 - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک .. فإن عصوک فقل إني بریء مما تعملون

217- بی یآوری عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 32 - 4

4- عصیانگران مستحق عذاب ، فاقد کمترین یاور در برابر خداوند

و من لایجب داعی الله .. و لیس له من دونه أولیاء

218- حتمیت عذاب اخروی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 15 - 18

18 - هیچ کس ، حتی پیامبران ، در صورت سرپیچی از فرمان های خدا از عذاب اخروی در امان نیستند .

إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

219- حتمیت عذاب عصیانگران

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 48 - 10

ص: 273

10 - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و . . .) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بآیتی . . . و أقيموا الصلوه ... و اتقوا يوماً لا تجزی نفس عن نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 22 - 2

2 - هیچ کس - حتی پیامبران - در صورت نافرمانی ، از عذاب الهی مصون نبوده و کسی قادر به رهایی خویش از آن نیست .

قل إتی لن یجیرنی من اللّٰه أحد

220- حسابرسی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 8 - 6

6 - سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، در پی دارنده محاسبه سخت الهی و عذاب ناخوشایند و ناشناخته (عذاب استیصال)

عتت عن أمر ربّها و رسله فحاسبنها حساباً شديداً و عذبنها عذاباً نكراً

221- دشمنی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 2 - 1

1 - رو به رو شدن قرآن و پیامبر اسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرآن ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

«عزت» در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است؛ ولی هرگاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به کار رفته است. «شقاق» به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبر اسلام و قرآن است. گفتمی است تنکیر «عزت» و «شقاق» دلالت بر شدت آن دو دارد.

222- ذلت عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- سرپیچی کنندگان از احکام الهی در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن و مطرود شدن) هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خسئین

ص: 274

223- روش مبارزه با عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 27 - 3

3 - کلام ، ابزار پیامبران برای مبارزه با منحرفان و سرکشان بوده است .

واحلل عقده من لسانی

224- زمینه عذاب عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 4

4 - رهاکنندگان عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران ، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أن اعبدوا الله .. و يؤخركم إلى أجل مسمى

225- زیان عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 10 - 5

5 - « عن أبي جعفر و عن أبي عبد الله (ع) . . . في قوله : « وقد خاب من دسّها » قال : قد خاب من عصي ؛

از امام باقر و امام صادق (ع) . . . درباره سخن خداوند «وقد خاب من دسّها» روایت شده که فرمود: [یعنی] به تحقیق زیان دید کسی که نافرمانی کرد» .

226- سرزنش عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 18

18 _ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهم كما عن تلكما الشجره وأقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين

227- شرایط کیفر عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 13 - 13

ص: 275

13- کیفر و مجازات متمردان باید پس از ارشاد و اتمام حجت به آنان صورت گیرد .

جاءتهم رسلهم بالبینات... وقال الذین كفروا لرسلم لنخرجنکم... فأوحى إليهم ر

228- طرد عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 7

7- سرپیچی کنندگان از احکام الهی در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن و مطرود شدن) هستند .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبب فقلنا لهم کونوا قرده خسنین

229- عذاب اخروی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 10 - 1

1 - خداوند ، برای عصیان گران و متمردان از امر الهی و پیامبران ، عذابی شدید در آخرت آماده کرده است .

و کائین من قریه عتت عن أمر ربها و رسله .. أعد الله لهم عذاباً شديداً

230- عذاب دنیوی پیروان عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 16

16_ انکار کنندگان ربوبیت خدا ، مخالفان پیامبران و پیروی کنندگان از سرکشان ، در معرض عذاب های دنیوی اند .

ولما جاء أمرنا .. و تلک عاد جحدوا بأیة ربهم ... واتبعوا أمر کل جبار عنیند

231- عذاب دنیوی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 7

7- سرپیچی کنندگان از احکام الهی در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (ذلیل گشتن و مطرود شدن) هستند .

و لقد علمتم الذين اعتدوا منكم فى السبت فقلنا لهم كونوا قردة خسئين

ص: 276

232- عذاب عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 5

5_ منکران رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سرپیچی کنندگان از فرمان های او ، در خطر گرفتار شدن به عذاب الهی هستند .

عذابی أصیب به من أشاء . . . فسأکتبها للذین یتقون ... الذین یتبعون الرسول

«الذین یتبعون . . .» مصداق بارزی برای «الذین یتقون ...» در آیه قبل است. بنابراین همان گونه که مفهوم مخالف «یتقون و ...» برخی مصداقی «من أشاء» را تبیین می کرد، مفهوم «یتبعون ...» نیز روشنگر مصداقی بارز از «من أشاء» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 32 - 4

4- عصیانگران مستحق عذاب ، فاقد کمترین یاور در برابر خداوند

و من لایجب داعی الله . . . و لیس له من دونه اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 7

7- عذاب آتش برای عصیان گران خدا و رسول او ، دائمی و ابدی است .

و من یعص الله ورسوله فإنّ له نار جهنّم خـ لدین فیها أبداً

233- عذاب عصیانگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 162 - 4,5

4_ خداوند گروهی از بنی اسرائیل را به دلیل تمردشان (طلب آمرزش نکردن و به جان آن سخنی دیگر گفتن) به عذاب آسمانی گرفتار ساخت .

فأرسلنا علیهم رجلاً من السماء بما كانوا یظلمون

5_ عذاب نازل شده بر متمردان بنی اسرائیل ، سزای گناهان پیشین آنان و گناه رعایت نکردن آداب مقرر شده برای ورود به بیت المقدس

فبدل الذين ظلموا منهم... فأرسلنا عليهم رجلاً من السماء بما كانوا يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ظلم و گناه در «بما كانوا يظلمون» غیر از گناهی باشد که جمله «فبدل...» بیانگر آن است. بنابراین تفریح «فأرسلنا...» بر «فبدل...» می رساند که عذاب به خاطر تبدیل فرمان الهی بوده و «باء» سببیه در «بما كانوا...» می رساند که عذاب به سبب ظلم و گناه سابق بنی اسرائیل بوده است. یعنی گناه تبدیل، به ضمیمه گناهان سابق باعث ارسال عذاب بر آنان شد.

ص: 277

234- عصیانگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 10,11

10 - گروهی از بنی اسرائیل زمان داود و عیسی عصیان پیشه و تجاوزگر بودند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل . . . ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

11 - گرفتاری کافران بنی اسرائیل به لعنت داود و عیسی (ع) ، برخاسته از عصیان پیشگی و تجاوزگری آنان

لعن الذین کفروا . . . ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق «ذلک» اشاره به «لعنت» گرفته شده است.

235- عصیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 1

1- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنم . . . ثم لنحن أعلم ... بها صلیاً

«صلیاً» (از صَ لَمِ یَصْلِی) تمیز برای «أولی» و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت «أعلم... صلیاً» این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. «أولویت» برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

236- عصیانگران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 48 - 10

10 - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و . . .) راه نجاتی نیست .

لا تشرُوا بآیتی . . . و اقیموا الصلوه ... واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

2- از بین هر گروه و مسلک در قیامت ، تجاوزکارترین و مستکبرترین افراد بیرون کشیده خواهند شد .

ثُمَّ لَنُنزِعَنَّ... عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

«عتیاً» مصدر و به معنای استکبار و تجاوز از حد است (لسان العرب). «عُتُوٌّ» نیز به معنای دور شدن از طاعت می باشد (مفردات راغب).

237- عصیانگران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 7

7_ قوم عاد ، متشکل از سرانی متکبر و سرکش و توده هایی پیرو و مطیع

و اتباعوا امر کل جبار عنید

238- عصیانگران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 1

1_ تاریخ یهود ، شاهد نسلهایی دنیاگرا و معصیتکار

فخلف من بعدهم خلف ورثوا الکتب يأخذون عرض هذا الأذنی و یقولون

239- فرجام عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 4

4- امت های گنهکار و متمرّد از فرمان خدا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و سرنوشتی شوم

فجعلنها نکلا لما بین یدیها و ما خلفها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 14 - 7

7_ بهره مندی مطیعان از بهشت و گرفتاری عصیانگران در آتش ، به اراده و خواست خداست .

و من یطع الله ... یدخله جنات ... و من یعص الله ... یدخله ناراً

240- کیفر اخروی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- سرکشان و عصیان گران در قیامت ، هر یک برای چشیدن عذاب ، گرفتار مرحله ای مناسب با کردار خویش خواهند بود .

ثُمَّ لَنُنزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ

جمله «لَنُنزِعَنَّ...» دلالت دارد که بیرون کشیدن فردی که از دیگران گنه کارتر است، تا آنجا ادامه خواهد یافت که هر یک از عصیان گران در جایگاه مناسب خویش قرار گیرند و کیفر ببینند.

ص: 279

241- کیفر دنیوی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 4

4- امت های گنهکار و متمرّد از فرمان خدا، در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و سرنوشتی شوم

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

242- کیفر عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 167 - 6

6_ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمرّدان و فاسقان ستم پیشه

لیبعثن علیهم .. . إن ربک لسریع العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 11

11_ تمرّد کنندگان از فرمان خدا_ هر چند از پیامبران باشند_ در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی اند .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

«من الله» به معنای «من عذاب الله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 3 - 10

10 - تخلف کنندگان از کفّاره ظهار، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

فتحریر رقبه .. . و الله بما تعملون خبیر

جمله «و الله بما تعملون .. .» پیامدار این حقیقت است که ظهارکننده، باید بداند که در صورت تخلف و فرار از دادن کفّاره ظهار، خداوند به عمل او آگاهی داشته و سزای وی را خواهد داد.

243- کيفر عصيانگران بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 59 - 5

5 - متمردان و ستمكاران قوم موسى ، به عذاب آسمانى گرفتار شدند .

فأنزلنا على الذين ظلموا رجزاً من السماء

ص: 280

244- محرومیت عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 10

10- عصیان کنندگان از فرمان ها و رهنمود های حضرت ابراهیم (ع)، هر چند از فرزندان او باشند، از تقرب به خداوند دور و فاقد منزلت هستند .

فمن تبعنی فإنه منی و من عصانی فإنک غفور رحیم

245- مراتب عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 2,5

2- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش دوزخ

علی الرحمن عتیاً . ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیاً

5- خداوند از هرکسی، به مرتبه و میزان استحقاق دوزخ برای هر یک از مستکبران و عصیان گران داناتر است .

ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیاً

246- مرگ عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 4 - 4 - 71

4 - رهاکنندگان عبادت خدا، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أن اعبدوا الله... و يؤخركم إلى أجل مسمى

247- مسخ عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 2

2- مسخ شدن ، مجازات اصحاب سبت و دیگر امت های متخلف از احکام خدا

فجعلنها نکالا لما بین یدیها و ما خلفها

248- موانع حاکمیت عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 59 - 15

ص: 281

15_ پذیرش ربوبیت خدا و پیروی از برنامه های پیامبران ، مانع از حاکمیت و سلطه ستمگران و سرکشان *

و تلک عاد جحدوا بأی_ت ربهم . . . واتبعوا أمر کل جبار عنید

249- هدایت عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 13 - 13

13- کیفر و مجازات متمردان باید پس از ارشاد و اتمام حجت به آنان صورت گیرد .

جاءتهم رسلهم بالبینت . . . وقال الذین كفروا لرسلمهم لنخرجنکم ... فأوحی إليهم ر

250- هشدار به عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 231 - 21

21_ هشدار الهی نسبت به مُتخلفین از دستورات الهی و احکام طلاق

و اذ طَلَّقتم . . . و اتقوا الله و اعلموا انّ الله بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 167 - 13

13_ متخلفان از احکام الهی و قوانین دین ، در خطر گرفتار شدن به عذاب برزخ تا برپایی قیامت هستند .

لیبعثن علیهم إلى یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

ص: 282

1- اجتناب از زیاد شمردن عطایا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 6 - 2,4

2 - بسیار نشمردن و زیاد ندیدن عطایا و خدمات خود، توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

تستکثر

عبارت «تستکثر»، حال برای ضمیر «لاتمنن» است؛ یعنی، عطا مکن در حالی که آن را زیاد می بینی.

4 - دوری از منت نهادن و زیاد شمردن عطایا و خدمات خود، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و لاتمنن تستکثر

2- عطایای شوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 99 - 3,4

3_ لعنت الهی و دور شدن از رحمت او، عطایی شوم و سزایی ناگوار است .

بئس الرفد المرفود

کلمه «الرفد» (عطیه و بخشش) فاعل برای «بئس» است و «ال» در آن «ال» جنسیه می باشد و «المرفود» (عطیه و بخشش) مخصوص به ذم است و «ال» در آن عهد ذکر کرده و اشاره به لعنت و دوری از رحمت خداست. بنابراین «بئس الرفد المرفود»؛ یعنی، آن عطیه (گرفتاری به لعنت خدا) بد عطیه و بخششی است.

4_ جزایی که در دنیا نصیب فرعونیان شد، عطیه ای شوم و نیز سزایی که در آخرت بدان خواهند رسید، سزایی نامیمون است .

وَأْتَبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ

در آیه شریفه، سزا و کیفر تحکماً و از روی استهزا به «رفد» (عطیه و بخشش) تشبیه شده است.

عطایای اخروی

3- اهمیت عطایای اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 67 - 10، 11، 19

10 - دستیابی مجاهدان به مواهب اخروی و منافع معنوی، هدفی اساسی در تشریح جهاد

و الله یرید الآخره

11 - سرکوب دشمنان دین در میدان نبرد، آخرت جویی و موجب رسیدن به منافع معنوی و مواهب اخروی است.

ما کان لنبی أن یکون له أسری . . . و الله یرید الآخره

4- عطایای اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 5

5 - عطا های رضایت بخش خداوند در آخرت، دلیل برتری زندگی اخروی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دنیای آن حضرت است.

و للآخره خیر لک من الأولى . و لسوف یعطیک ربک فترضی

5- قانونمندی عطایای اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 132 - 5

5 - درجات و مراتب آخرت بر اساس آگاهی خداوند از اعمال جن و انس و سنجش دقیق آن اعطا می گردد.

و لکل درجت مما عملوا و ما ربک بغفل عما یعملون

عطایای خدا

6- آثار ذکر عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 5

5 - سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمت کوثر ، وادارسازنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نماز و اخلاص در آن

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ

حرف «فاء» در «فصلّ»، لزوم نماز را بر آیه قبل تفریع کرده است.

7- آثار عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 284

10 - بخشودن خطاها و بخشیدن عطاها، شیوه خداوند برای رشد و تربیت انسانها است.

برّک الکریم

«الکریم» وصفی است که «برّک» را توضیح داده و گوشه ای از ربوبیت خداوند را برجسته کرده است.

8- اجتناب از هبه عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 3

3 - باز بودن دست سلیمان (ع)، در بخشش یا منع عطای الهی (قدرت، مکنّت و ثروت خود) به دیگران

ه_ذا عطاؤنا فامنن أو أمسک

9- ارزش عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 2,8

2 - امکانات اعطا شده از جانب خداوند، بسی بهتر و ارزشمندتر از امکانات داده شده از سوی بشر

فما ءاتین الله خیر ممّا ءاتیکم

8 - ارجمندی عطایای الهی و بی ارزشی هر عطای غیر الهی در نظر سلیمان (ع)

أتمدّونن بمال فمّا ءاتین الله خیر ممّا ءاتیکم

10- امیدواری به عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 7

7_ مؤمنان راستین، امیدوار به فضل و عطایای خدا و رسولش

سیؤتینا الله من فضله و رسوله

11- اهمیت عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 6

6 - دنیا، فاقد زمینه مناسب برای بهره بردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از عطا های ویژه الهی و رسیدن آن حضرت به خرسندی کامل

و للأخـره خیر لك من الأولی . و لسوف یعطیک ربك فترضی

ص: 285

12- تداوم عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 20 - 5

5- مقام ربوبیت الهی ، مقتضی عطا و افاضه پیاپی و مستمر به آدمیان

كَلَّا نَمَدُّهُـؤُلَاءَ وَهـِؤُلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ

13- دریافت عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 16 - 1

1 - تقوایبشگان بهشتی ، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ماءاتیههم ربهم

واژه «أخذ» در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می پذیرند؛ برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می چشند.

14- ذکر عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 10 - 8

8 - توجه به رسیدن عطای خداوند ، پیش از کمک خواستن از او ، زمینه پرهیز از دریغ داشتن کمک ، به کسانی است که دست نیاز به سوی انسان دراز می کنند .

ووجدك عائلاً فأغنى . . . و أمّا السائل فلا تنهر

خداوند در آیات پیشین، پیامبر(صلی الله علیه و آله) را متوجه ساخت که به مجرد فقیر یافتن آن حضرت، وی را غنی ساخت و اکنون از او می خواهد که از رد حاجتمندان _ آن هم پس از اظهار نیاز کردن آنان _ پرهیزد. مقایسه آن عطا و این فرمان، بیانگر برداشت یاد شده است.

15- رضایت به عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 11، 1

1_ لزوم خشنود بودن به عطای خدا و رسولش و طمع نداشتن به بیش از حق خود

و لو أنهم رضوا ما آتاهم الله ورسوله

ص: 286

11_ راضی بودن به عطایای خداوند و امید داشتن به فضل او، نشأت گرفته از میل و رغبت واقعی انسان به خدا

و لو أنهم رضوا ما آتاهم الله .. إنا إلى الله رغبون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «إنا إلى الله رغبون»، تعلیل برای جمله پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 11

11 - لزوم رضا دادن به داده خدا و اظهار تسلیم در برابر اراده او در تنگدستی

الله یسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر

16- زمینه عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 8

8_ توکل بر خداوند و کافی دانستن او برای رفع نیازهای انسان، زمینه ساز جلب فضل و عطایای الهی

و قالوا حسبنا الله سیؤتینا الله من فضله

از اینکه خداوند قبل از بیان امیدواری به فضل خویش، موضوع توکل (حسبنا الله) را مطرح کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 7

7_ یکتاپرستی، پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، استغفار از شرک و گناه و حرکت به سوی خدا، موجب جلب عنایت خدا و دستیابی به معیشتی نیکو در دنیا است.

ألا تعبدوا إلا الله .. و أن استغفروا ربکم ثم توبوا إليه یمتعکم مت عا حسناً

17- عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 3 - 5,6

5- امکانات و دارایی های انسان ، رزقی است عطا شده از جانب خدا

و مما رزقنهم ینفقون

6_ باور به خدادادی بودن امکانات و دارایی ها ، زمینه ساز پیدایش روحیه انفاق گری در انسان

و مما رزقنهم ینفقون

از هدفهای یادآوری این حقیقت (خدادادی بودن داراییها)، در بیان لزوم انفاق، تسهیل امر انفاق و ایجاد روحیه انفاق گری در انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 287

6 - دستیابی اهل تقوا به هدایت ، موهبتی است از جانب خدا به آنان

أولئك على هدى من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 11، 4

4 - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

11 - میوه درختان از مواهب الهی و رزق و روزی انسانهاست .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 14، 5، 4، 2، 1

1 - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعاً

کلمه «جمعياً» به معنای کل است و بدل برای «ما» ی موصوله می باشد.

2 - خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در «لکم» به دست آمده است.

4 - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خلق لكم ما في الأرض

5 - حلیت تصرف در همه موهبت های طبیعی زمین

خلق لكم ما في الأرض جميعاً

14_ کفر به خداوند بخشنده نعمت ها و برطرف کننده نیاز ها ، امر شگفت آور و غیر منطقی است .

كيف تكفرون بالله... هو الذي خلق لكم ما في الأرض جميعاً

برداشت فوق بر این اساس است که: آیه مورد بحث با صدر آیه قبل در ارتباط باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 7

7 - علم خداوند ذاتی و دانش دیگران عطایی است از جانب او

لاعلم لنا إلا ما علمتنا إنك أنت العليم الحكيم

چون جمله «إنك أنت...» پس از بیان ذاتی نبودن علم فرشتگان و موهبتی بودن آن آمده، اشاره به این حقیقت دارد که علم الهی ذاتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 40 - 10

10 - خداوند عطا کننده نعمت به آدمیان است .

ص: 288

نعمتی التي أنعمت عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 53 - 2,3,5

2 - خداوند ، عطا کننده تورات به موسی (ع)

و إذ آتینا موسی الکتب

«ال» در «الکتب» عهد ذهنی است و اشاره به تورات دارد.

3 - خداوند ، به جز تورات حقایق دیگری را - که وسیله تمییز حق از باطل بود - در اختیار موسی (ع) قرار داد .

و إذ آتینا موسی الکتب و الفرقان

عطف «الفرقان» بر «الکتب» می تواند عطف صفتی بر صفت دیگر گرفته شود و هر کدام بیانگر بعدی از ابعاد تورات باشد؛ یعنی، ما به موسی (ع) چیزی را عطا کردیم که هم کتاب بود و هم فرقان و می تواند مراد از کتاب و فرقان دو چیز متفاوت باشد؛ یعنی، به موسی کتاب (تورات) دادیم و نیز به او فرقان عطا کردیم. بر این مبنا مراد از «فرقان» معجزات، براهین و مانند آن خواهد بود. (اقتباس از الکشاف)

5 - تورات عطا شده به موسی (ع) از نعمت های خداوند به بنی اسرائیل

و إذ آتینا موسی الکتب و الفرقان

با توجه به آیه 47 معلوم می شود: این بخش از آیات در صدد بیان نعمتهای گرانقدری است که خداوند به بنی اسرائیل عطا فرموده است. بنابراین عطای تورات و فرقان نیز در آیه مورد بحث، به عنوان یک نعمت بزرگ مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 7

7 - « منّ » و « سلوی » دو خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به قوم موسی

و أنزلنا علیکم المنّ و السلوی کلوا من طیبیت ما رزقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 63 - 4

4 - تورات کتابی است از جانب خداوند و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما آتيناكم

مراد از «ما»ی موصوله در «ما آتيناكم» تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 87 - 2،6

2 - خداوند ، اعطا کننده تورات به موسی (ع)

و لقد آتينا موسى الكتب

6 - خداوند ، عطا کننده معجزات و دلایل فراوان و روشن به عیسی (ع)

و آتينا عيسى ابن مريم البينات

«بینه» به معنای حجت و دلیل واضح و روشن است و معجزه از مصداقهای مورد نظر آن می باشد. «ال» در «البينات» یا عهد ذهنی است و اشاره به دلایل و معجزاتی از قبیل زنده کردن مردگان، بینا کردن نابینایان و ... دارد و یا برای استغراق

ص: 289

است و حکایت از کثرت و فراوانی بینات دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 90 - 7

7 - پیامبری ، فضل و بخششی است از جانب خدا برای گزینش شدگان به نبوت

أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

مراد از «فضله» وحی و در نتیجه پیامبر شدن کسی است که به وی وحی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 4

4 - تورات ، کتابی از جانب خدا و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ماء آتینکم

مراد از «ما آتیناکم» (آنچه را به شما دادیم) تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 99 - 3

3 - خداوند ، عطاکننده دلایل و معجزات به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد أنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 122 - 2

2 - خداوند ، ارزانی کننده نعمت بر بندگان خویش است .

نعمتی التي أنعمت علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 124 - 11

11 - امامت ، عهد و منصبی است والا و الهی و عطا کننده آن خداوند است .

إني جاعلك للناس إماماً .. لا ینال عهدی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 154 - 9

9 - اعطای حیات ویژه به شهیدان ، جلوه ای از همراهی و حمایت خداوند از صبرپیشگان راه ایمان است .

إن الله مع الصبرین . ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله أموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 3

3 - بهره وری مؤمنان از روزی ها و نعمت های خداوند ، مقصود اصلی از اعطای آنها به انسانهاست . *

ص: 290

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ

قرآن در توصیه به اهل ایمان - مبنی بر بهره‌گیری از نعمتها - (كلوا من طيبات ما رزقنكم) تصریح کرده که خداوند آن نعمتها را روزی ایشان قرار داده است ولی در توصیه به عموم مردم در آیه 168 (كلوا مما فى الارض) بیان نداشت که خداوند امکانات زمین را روزی همگان قرار داده است. از مقایسه میان این دو تعبیر و تفاوت یاد شده می‌توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 15، 18

15 - حکومت از آن خداوند است و به هر کس بخواهد اعطا می‌کند .

والله يوتى ملكه من يشاء

18 - دانایی گسترده خداوند نسبت به شایستگی افراد و سعه وجودی او ، منشأ اعطای حکومت به آنان طبق مشیت خویش

ان الله اصطفيه عليكم . . . و الله واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 251 - 10، 11، 12

10 - سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

واتيه الله الملك والحكمة و علمه مما يشاء

11 - خداوند علومی را که مشیت او اقتضا می‌کرد به داود آموخت .

و علمه مما يشاء

12 - خداوند برخی دانش‌های درخواستی داود را به وی آموخت . *

و علمه مما يشاء

چنانچه «من» در «مما يشاء» برای تبعیض باشد، مراد از ضمیر فاعلی در «يشاء»، داود خواهد بود؛ نه الله. چون معنا ندارد خداوند چیزی را بخواهد؛ ولی برخی از آن انجام پذیرد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 2، 3، 5

2_ پادشاهی ، سلطنت و قدرت نمرود ، داده ای از جانب خداوند

ان اتیه الله الملك

3_ حاکمیت و سلطه طغیانگران ، داده ای از جانب خداوند

ان ءاتیه الله الملك

5_ محاجّه درباره وحدانیت و ربوبیت الهی و انکار آن ، علی رغم بهره مندی از داده های خداوندی ، شگفت آور و خلاف عقل سلیم است .

الم تر الى الذی حاجّ ابرهیم فی ربّه ان اتیه الله الملك

مقصود از استفهام در «الم تر . . .» ، بیان شگفتی از چنین محاجّه و انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 18

ص: 291

18_ اعطای ولایت تکوینی از جانب خدا، برای برخی از بندگان خاص خود

و اذ قال ابرهیم . . . یأتینک سعياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 269 - 1

1_ حکمت، موهبت الهی است که خداوند به هر کس خواهد، عطا می کند.

یؤتی الحکمہ من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 16

16_ خرسندی و رضایتمندی تقوایندگان در بهشت، موهبت الهی به ایشان

لِّلَّذِینَ اتَّقَوْا . . . و رضوان من اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 9، 12

9_ خداوند به هر کس که بخواهد مُلک (قدرت و حاکمیت) می دهد و از هر کس بخواهد، باز می ستاند.

تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممّن تشاء

12_ اصل، در مشیت الهی، اعطای خیر و رحمت به انسان است.

تؤتی الملک من تشاء . . . و تعزّ من تشاء

از تقدیم اعطای ملک بر گرفتن آن «تؤتی الملک . . . و تنزع ...»، و از تقدیم اعطای عزّت بر ذلّت «تعزّ من تشاء و تدلّ ...»، مطلب فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 33 - 8

8_ خداوند با اعطای علم، ایمان، اسم اکبر، میراث علم و آثار علم نبوت به انبیا، آنان را برگزیده است.

انّ الله اصطفى ادم ونوحاً

امام باقر (ع): ... يا محمد ... فأتى لم اقطع العلم و الايمان و الاسم الاكبر و ميراث العلم و آثار علم النبوه ... من بيوتات الانبياء الذين كانوا بينك و بين ابيك آدم و ذلك قول الله تبارك و تعالى: «انّ الله اصطفى ادم و ...».

کافی، ج 8، ص 117، ح 92؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 168، ح 31.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 4

4_ زکریا با مشاهده رزقی که خارج از اسباب طبیعی به مریم اعطا شده بود، علی رغم کهنسالی خود، از خدا تمنای فرزند کرد.

هنا لک دعا زکریا ربّه

بنابراینکه مشارالیه «هنا لک»، اعطای رزق از راه غیر طبیعی به مریم باشد که خداوند، بدین گونه به آن اشاره کرده است: ان

ص: 292

اللّٰهُ يَرْزُقُ مِنْ يَشَاءِ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 79 - 5

5_ كتاب و حكمت ، عطية الهى به انبيا

ان يؤتية الله الكتاب و الحكم

بنابراينكه «الحكم»، به معنى حكمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 81 - 3

3_ كتاب و حكمت ، عطية الهى به انبيا

لما اتيتكم من كتاب و حكمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 1,2

1_ فروفريستادن خوابى آرام بخش از سوي خداوند بر پيكارگران احد ، به دنبال اندوههاىي كه در آن كارزار بر ايشان گذشت .

ثم انزل عليكم من بعد الغمّ امنه نعاساً

«امنه» (آرامش خاطر)، مفعول برای «انزل» است و «نعاساً» به معنای خواب، عطف بیان و يا بدل از «امنه» است.

2_ خواب آرامش بخش به دنبال هجوم پي در پي اندوه ها ، موهبتى الهى به بندگان

ثم انزل عليكم من بعد الغمّ امنه نعاساً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 163 - 9

9_ اعطای درجات و جایگاه های متفاوت از سوي خداوند ، متكى به بينايى و آگاهى كامل او به عملکرد انسانهاست .

هم درجات عند الله و الله بصير بما يعملون

جمله «و الله بصیر بما یعملون» به این معنا اشاره دارد که در محاسبه اعمال و اعطای درجه و مقام بر مبنای آن، اشتباهی رخ نخواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 4

4_ فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان ، موجب شادمانی آنان

فرحین بما اتیهم الله من فضله

با توجه به معنای «فضل» (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 20

20_ خداوند ، افاضه کننده علم غیب بر رسولان خویش

ص: 293

و ما كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 4,6

4_ داده های الهی (امکانات مادی و معنوی) به انسان ها ، فضل خداوند و از ملک اوست .

و لا يحسبن الذين يبخلون بما آتاهم الله من فضله

6_ ارزشمندی داده های الهی (امکانات مادی و معنوی) به انسانها

و لا يحسبن الذين يبخلون بما آتاهم الله من فضله

از اینکه خداوند امکاناتی را که در دسترس انسانها قرار داده، فضل خویش نامیده و به خود نسبت داده است، ارزشمندی آن به دست می آید ؛ البته بنا بر اینکه ضمیر «فضله»، به «الله» برگردانده شود ؛ نه به «ما آتاهم الله».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 40 - 8

8_ خداوند با لطف و تفضل خویش ، هر عمل نیکی را پاداشی عظیم عطا خواهد کرد .

و ان تك حسنه يضاعفها ويؤت من لدنه اجراً عظيماً

لطف و تفضل از کلمه «من لدنه» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 49 - 11,12,15

11_ مشیت الهی در اعطای کمال و رشد و تنزیه انسان ها ، گزاف و بدون دلیل نیست .

بل الله يزكي من يشاء و لا يظلمون فتيلاً

12_ خداوند ، در اعطای رشد و کمال لایق به انسان ها ، هیچ ستمی نمی کند .

بل الله يزكي من يشاء و لا يظلمون فتيلاً

15_ خداوند در اعطا نکردن کمال و پاک نمودن یهودیان کفرپیشه ، هرگز ستمی به آنها نکرده است .

الم تر .. بل اللّٰه يزكّي من يشاء و لا يظلمون فتبلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 54 - 3,4,8,11,12

3_ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام يحسدون النَّاس على ما اتيهم اللّٰه من فضله فقد اتينا ال ابرهيم

مراد از «فضله» به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

4_ اعطای قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام يحسدون النَّاس على ما اتيهم اللّٰه من فضله

از مصادیق «فضل» _ به قرینه ذیل آیه _ قرآن می باشد.

8_ اعطای کتاب و حکمت (پیامبری) و ملک عظیم به آل ابراهیم (ع)، از تفضّلات الهی

فقد اتينا ال ابرهيم الكتب و الحكمه و اتيناهم ملكاً عظيماً

برخی از مفسران برآنند که مراد از حکمت، نبوت و پیامبری است.

ص: 294

11_ نبوت، فهم، منصب قضاوت و لزوم اطاعت مردم، داده های خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

فقد اتينا ال ابرهيم الكتب والحكمه و اتيناهم ملكاً عظيماً

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق درباره «الكتاب» فرمود: التّبوه، و درباره «الحكمه» فرمود: الفهم و القضاء، و درباره «ملكاً عظيماً» فرمود: الطّاعه.

کافی، ج 1، ص 206، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 491، ح 303؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 248، ح 160.

12_ مقام امامت، فضل و داده خداوند به خاندان ابراهیم (ع)

و اتيناهم ملكاً عظيماً

امام باقر (ع) در معنای «ملك عظیم» در آیه فوق فرمود: .. ان جعل فيهم ائمه.

کافی، ج 1، ص 206، ح 5؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 248، ح 158.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 34

34_ خداوند، پاداش مجاهدان را به طور کامل و بدون هیچ کاستی عطا می کند.

فلما كتب عليهم القتال .. و لا تظلمون فتیلا

جمله «لا- تظلمون فتیلا» به این معناست که در اعطای پاداش به آنان، ظلمی نمی شود. یعنی پاداش خود را به طور کامل دریافت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 95 - 7، 15

7_ اعطای درجه و اجر و پاداش از سوی خداوند بر اساس نظامی عادلانه

فضّل الله المجاهدون باموالهم و انفسهم على القاعدین درجه و کلاً .. اجرأ عظيماً

15_ خداوند ، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است .

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً . . . وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ

«اجراً عظيماً»، مفعولٌ به برای «فَضَّلَ» است و در «فَضَّلَ»، معنای عطا کردن تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 96 - 2

2_ درجه ها و منزلت های اعطایی خداوند ، اجر بزرگ مجاهدان در راه او

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجْرًا عَظِيمًا. درجات منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 6

6_ اعطای کتاب آسمانی به امت های پیش از اسلام

و لقد وصينا الذين اتوا الكتب من قبلكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 295

6_ پیروزی مؤمنان در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن كان لكم فتح من الله

قید «من الله» ظاهراً قید توضیحی است. یعنی هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 46 - 10

10_ انجیل ، کتاب آسمانی عیسی (ع) و عطایی از جانب خداوند به وی

و ءاتینہ الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 47 - 2

2_ تعالیم انجیل ، تعالیمی فرو فرستاده شده از جانب خداوند

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل الله فیہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 48 - 1

1_ قرآن ، کتابی فرو فرستاده شده از جانب خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و انزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 54 - 29,30,31

29_ عشق به خدا و محبوب وی شدن ، عطیه و فضلی خدادادی است .

یحبههم و یحبونه . . . ذلک فضل الله

30_ حالت فروتنی در برابر مؤمنان و سرفرازی در قبال کافران ، عطیه و فضلی خدادادی است .

اذله على المؤمنين اعزه على الكافرين . . . ذلك فضل الله

31_ توفیق بر جهاد در راه خدا و بی اعتنائی به ملامت های دشمنان ، عطیه و فضلی خدادادی است .

يجهدون في سبيل الله ولا يخافون لومه لائم ذلك فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 87 - 19، 17، 14، 5، 4، 1

1_ اهل ایمان نباید خویشتن را از بهره‌وری مواهب پاکیزه و حلال الهی منع کنند .

يا ايها الذين ءامنوا لاتحرموا طيبات ما احل الله لكم

برداشت فوق بر این مبناست که تحریم در «لاتحرموا . . .»، تحریم عملی باشد یعنی خودداری کردن و استفاده نبردن از حلالهای الهی بدون اعتقاد به حرمت آن

4_ مؤمنان نبایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

يا ايها الذين ءامنوا لاتحرموا طيبات ما احل الله لكم

ص: 296

با توجه به ارتباط این بخش از آیات و بیان احکام قسم در آیه 89 می توان گفت مراد از «لاتحرموا...» نهی از تحریم طیبات به وسیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام کردن) خواهد بود.

5_ مؤمنان ، شایسته ترین انسان ها برای بهره جویی از مواهب پاکیزه خداوند

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم

مخاطب قرار دادن اهل ایمان _ نه همه مردم _ و سپس توصیه به بهره برداری از طیبات، اشاره به این است که تنها مؤمنان شایسته ترین افراد برای بهره مندی از مواهب الهی هستند.

14_ محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، زیان رسانی به خود آدمی است .

ولاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم ولاتعتدوا

چنانچه تحریم طیبات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله «لاتعتدوا» می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله «لاتحرموا...» باشد یعنی مبادا طیبات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن حقوق خویش است.

17_ ناسازگاری ایمان با افراط و تفریط در بهره گیری از مواهب الهی در دنیا

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا... ولاتعتدوا

19_ افراط و تفریط در بهره جویی از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، عامل محرومیت از محبت خداوند

لاتحرموا... ولاتعتدوا إنّ الله لایحب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 88 - 10، 9

9_ ضرورت رعایت تقوا در بهره گیری از امکانات و روزی های خدادادی

و کلووا مما رزقکم الله حللاً طیباً و اتقوا الله

10_ تحریم مواهب خدادادی بر خویش و یا دیگران و بهره نجستن از آنها خلاف تقواست .

و کلووا مما رزقکم الله حللاً طیباً و اتقوا الله

امر به تقوا پس از تصریح به اباحه مواهب خدادادی و نهی از تحریم حلالها می تواند اشاره به این باشد که اگر اعتقاد و یا التزام عملی بر خلاف این احکام باشد، به دور از تقوایبستگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 9

9_ نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله اني منزلها عليكم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً . . .

مجمع البيان، ج 3، ص 410؛ نورالثقلین، ج 1، ص 691، ح 437.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 13

13_ إن النبي(صلی الله علیه و آله) قال: إذا رأيت الله يعطى العباد ما يسألون على معاصيهم إياه فإنما ذلك استدراج منه لهم ثم تلا: «فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء».

ص: 297

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: هر گاه دیدی خداوند علی رغم معاصی بندگان، آنچه را از او بخواهند به آنان می دهد، این استدراج (نزدیک شدن تدریجی عذاب) خداست بر آنان، سپس آن حضرت آیه «فلما نسوا ..» را تلاوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 2

2_ اعطای بینات (دلایل روشن) به پیامبر(صلی الله علیه و آله)، پرتویی از ربوبیت خداوند

قل إني على بينة من ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 84 - 5

5_ فرزند صالح، موهبتی الهی و امتیازی برای انسان است.

ووهبنا له إسحق و يعقوب

لحن آیه در مقام امتنان به ابراهیم(ع) است و مقتضای این گونه بیان آن است که این نوع نعمت امتیازی ویژه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 3

3_ حیات انسان، و امکانات دیگر زندگی او، جملگی از آن خداوند و داده اوست.

كما خلقنكم أول مرة و تركتم ما خولنكم وراء ظهوركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 104 - 5,7,8

5_ قرآن و پیامبر(صلی الله علیه و آله) و برهانهای ارائه شده از جانب خداوند، پیام آور بیش و آگاهی برای انسان است.

قد جاءكم بصائر من ربكم

7_ بینش و آگاهیهای ارائه شده از سوی خداوند، در جهت کمال و منافع انسان است.

فمن أبصر فلنفسه

8_ نفع و ضرر انسان در گرو پذیرش و یا عدم پذیرش بینشهای ارائه شده از جانب خداوند است.

فمن أبصر فلنفسه و من عمى فعليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 2

2_ شرح صدر موهبتی الهی است.

یشرح صدره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 154 - 2،4

2_ خداوند پس از ابلاغ احکام دهگانه (پرهیز از شرک و ...)، تورات را به موسی (ع) عطا کرد.

ثم ءاتینا موسی الکتب

ص: 298

4_ خداوند با اعطای تورات به موسی (ع) نعمت خویش را بر وی تمام و کامل کرد.

تماما على الذى أحسن

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول «تمام» کلمه ای مانند «نعمه» باشد؛ یعنی: «تماما النعمه على الذى أحسن».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 165 - 3,6

3_ خداوند در اعطای نعمتهای خویش برخی از مردم را بر برخی دیگر برتری بخشید. (برتری در مقام، ثروت و ...)

و رفع بعضکم فوق بعض در جت

6_ مزایای هر فرد و امکانات دنیوی او، موهبتهایی است خدادادی.

فی ماء اتیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 1

1_ خداوند انسانها را برای بهره گیری از زمین و امکانات آن توانا ساخت.

و لقد مکنکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 2,3

2_ خداوند، عطا کننده شکل و شمایل انسانی به انسانهاست.

ثم صورنکم

3_ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لآدم

«خلقناکم» (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها

شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا ..) می رساند که آن چیز همان شد که به «آدم ابوالبشر» معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 15 - 3

1 - خداوند درخواست ابلیس (مهلت خواهی تا قیامت) را اجابت کرد.

أنظرنی .. قال إنک من المنظرین

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق کلمه «المنظرین»، «إلی یوم یبعثون» باشد که به قرینه آیه قبل حذف شده است. گفتنی است که برخی مهلت دهی به ابلیس را - بنابر ظاهر آیه - استجابت درخواست ابلیس دانسته اند و برخی دیگر جمله «إنک ...» را اخبار از تقدیر الهی به زنده ماندن ابلیس شمرده اند. یعنی چه وی درخواست می کرد و یا درخواست نمی کرد، چنین مقدر شده بود.

3 - خداوند، ابلیس را در پی درخواست زنده ماندن تا رستاخیز، عمری طولانی داد.

ص: 299

أنظرنی إلى یوم یبعثون. قال إنک من المنظرین

ذکر نکردن متعلق «المنظرین» می تواند اشاره به این باشد که خواسته ابلیس تنها در اصل «انظار» اجابت شده است، و نه در مدت آن؛ یعنی تا روز قیامت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 13

13 _ استدلالها و براهین، افاضاتی است از ناحیه خداوند بر قلب و اندیشه انسانها

ما لم ینزل به سلطنا

مراد از تنزیل می تواند ایجاد کردن باشد. یعنی خداوند هیچ دلیل و براهنی برای شرک نیافریده است. در این صورت مقصود از «سلطانا» اعم از براهین عقلی و نقلی خواهد بود. و نیز می تواند مراد از تنزیل، نازل کردن معارف و احکام الهی باشد. در این صورت مقصود از «سلطانا» برهان نقلی خواهد بود. برداشت فوق مبتنی بر معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 62 - 14، 11

11 _ خداوند نوح (ع) را به حقایقی پوشیده بر مردم آگاه ساخت .

و أعلم من اللّٰه ما لاتعلمون

من در «من اللّٰه» می تواند برای ابتدای غایت باشد. در این صورت «أعلم من اللّٰه ...» یعنی علم من از جانب خداست و خدا مرا به حقایقی آشنا کرده است. و نیز می تواند «من اللّٰه» به معنای «درباره خدا» باشد. یعنی من حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانم که شما نمی دانید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

14 _ علم انبیا، دریافت شده از خداوند

و أعلم من اللّٰه ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 11

11 _ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و یوأكم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تتحتون الجبال بیوتاً

6_ خداوند با عنایت ویژه خویش به مردم مدین ، در مدتی کوتاه جمعیت اندکشان را فزونی بخشید و از آنان امتی بزرگ ساخت .

و اذکروا إذ کنتم قلیلاً فکثرکم

عطف «کثرکم» به وسیله «فاء» بر جمله قبل می رساند که زیاد کردن جمعیت مردم مدین در مدتی نسبتاً کوتاه انجام گرفته است و همین معنا بیانگر عنایت ویژه خداوند به آنان است.

7_ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا ، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد .

و اذکروا إذ کنتم قلیلاً فکثرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 105 - 6

6_ دلایل و معجزات موسی (ع)، موهبتی الهی پیشاروی فرعونیان و نشأت گرفته از مقام ربوبی خداوند

قد جئتکم ببینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 129 - 15

15_ خداوند با رساندن تقوایپیشگان به حکومت، آنان را آزمایش خواهد کرد.

و العقبه للمتقين... فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 145 - 1,2,3

1_ خداوند در میعادگاه مناجات، الواح نگارش یافته ای را به موسی عطا کرد.

و کتبنا له فی الألواح... فخذها

«ال» در «الألواح» عهد ذکری و اشاره به «ما اتیتک» در آیه قبل است.

2_ خداوند، نگارنده نوشته های موجود در لوحه های اهدا شده به موسی (ع)

و کتبنا له فی الألواح

3_ الواح عطا شده به موسی (ع)، در بردارنده پندهایی از هر چیز پندآموز

و کتبنا له فی الألواح من کل شیء موعظه

«موعظه» مفعول برای «کتبنا» و «من کل شیء» صفت برای «موعظه» است. مراد از «کل شیء»، به مناسبت مورد، هر چیز پندآموز است.

بنابراین جمله «کتبنا له...» یعنی: از هر چیز پندآموز موعظه ای را در الواح عطا شده به موسی نگاشتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 19

19_ « منّ » و « سلوی » خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا علیهم المن و السلوی کلوا من طیب ما رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 29 - 11

11_ خداوند ، مؤمنان تقوایشه را علاوه بر اعطای بصیرت و بخشش گناهان ، از موهبت های دیگر نیز بهره مند خواهد کرد .

یجعل لکم فرقانا .. و الله ذوالفضل العظیم

برداشت ف___وق مبتنی بر این احتمال است که جمله «والله .. .» مستانفه باشد نه بیانگر تعلیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 53 - 1

1_ خداوند عطاکننده نعمت ها بر جوامع و بازگیرنده و تبدیل کننده آنها به نعمت و عذاب

کفروا بایت الله .. ذلك بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها

ص: 301

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 70 - 2

2_ به اسیران جنگ بدر اعلام شد در صورت پذیرش اسلام و توحید ، خداوند آنان را از مواهبی بهتر از آنچه از ایشان گرفته شد (فدیة) ، بهره مند خواهد ساخت .

إن يعلم الله في قلوبكم خيراً يؤتكم خيراً مما أخذ منكم

مراد از «خیرا» به دلیل «یعفر لکم» توحید و گرایش به اسلام است. زیرا خداوند گناه شرک را هرگز نخواهد بخشید: إن الله لا یغفر ان یشرك به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 74 - 11

11_ خداوند ، مؤمنان راستین را از روزی های نیکو و با کرامت بهره مند خواهد ساخت .

أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 26 - 9

9_ جبهه کفر در کارزار حنین ، در پی فرود آمدن نیروهای غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداوند ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل الله سكينته .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذب الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 9

9_ اعطای امکانات دنیوی فراوان به منافقان از جانب خداوند ، تنها به منظور عذاب و گرفتاری آنان در این دنیا است .

إنما يريد الله ليعذبهم بها في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 2

2_ اجابت درخواست منافقان از سوی خداوند ، در زمینه اعطای مال و ثروت به آنان

فلما ءاتیهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 3

3_ ثروت ها و زیور آلات فرعون و اطرافیان او ، از جانب خداوند و داده او بود .

ربنا انک ءاتیت فرعون و ملاءه زینه و أموالا فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 103 - 5

ص: 302

5_ مؤمنان در پیشگاه الهی، از جایگاه ویژه برخوردار بوده و از الطاف خاص او بهره مند هستند.

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 3 - 11 - 6 - هود

6_ خداوند، عطا کننده معیشتی نیکو به انسانها

یمتعکم مت عاً حسناً

«تمتع» (مصدر تمتع) به معنای بهره مند ساختن است و «متاع» به چیزی که از آن بهره می گیرند و استفاده می کنند (وسایل زندگی) گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 10 - 11 - 1 - هود

1_ خداوند، بخشنده نعمت ها و موهبت های دنیوی به انسانهاست.

ولئن أذقته نعماء

«نعماء» به معنای نعمت است. انتخاب این کلمه به خاطر هم وزن بودنش با کلمه «ضراء» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 28 - 11 - 2 - هود

2_ خداوند، عطاکننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران (ع)

إن كنت علی بیته من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 31 - 11 - 13 - هود

13_ خداوند، اعطاکننده خیر و نیکی به انسان ها و رساننده آنان به مقام های معنوی است.

لا أقول .. لن یؤتیهم الله خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 48 - 8

8_ خداوند ، متاع های دنیوی را از کافران دریغ نمی کند .

و أمم سنمتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 15،16

15_ خداوند ، توان و استعداد آباد کردن زمین را به آدمیان عطا کرده و ایشان را به سوی آبادانی گرایش داده است .

واستعمرکم فیها

استعمره فیه، یعنی: «جعلہ یعمره؛ وی را آبادکننده آن قرار داد» (لسان العرب). بر این اساس «استعمرکم فیها» چنین معنا می شود: خداوند شما را این گونه قرار داده و آفریده است که زمین را آباد سازید؛ یعنی، توان آبادسازی زمین را به شما عطا

ص: 303

کرده و نیاز به آن را در شما ایجاد کرده است تا همواره به سمت آبادسازی زمین در حرکت باشید.

16_ خداوند ، به دلیل اعطای توان و استعداد به بشر برای آبادسازی زمین ، شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله .. استعمرکم فیها

جمله «استعمرکم فیها» نیز همانند «هوانشأکم» دلیل برای «اعبدوا الله» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 2

2_ خداوند ، عطا کننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران

إن كنت علی بیته من ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 86 - 2

2_ منافع حلال و به دست آمده از تجارت های عادلانه و خالی از ظلم و اجحاف ، عطای الهی است .

بقیت الله خیر لکم

برداشت فوق ، از اضافه شدن «بقیت» به «الله» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 2،11

2_ خداوند ، عطا کننده معجزه و دلیل های روشن به پیامبران

إن كنت علی بیته من ربی

11_ معارف الهی و احکام دینی ، از عطا ها و روزی های نیکوی خداوند برای بشریت

ورزقنی منه رزقاً حسناً

می توان گفت مقصود از «رزقاً حسناً» _ به قرینه آیات گذشته (اعبدوا الله ..) _ معارف و احکامی است که خداوند به شعیب (ع) آموخت تا او آنها را به مردم تعلیم دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 96 - 5

5_ خداوند ، موسی (ع) را در آغاز رسالتش از آیت و معجزه بهره مند ساخت نه پس از درخواست و پیشنهاد مردم .

و لقد أرسلنا موسى بأيتنا و سلطن مبین

«باء» در «بایاتنا» برای مصاحبت است و لذا مفاد جمله «لقد أرسلنا ..» این است که موسی(ع) به هنگام بعثش ، آیات و معجزات داشت؛ برخلاف پیامبران پیش از او که خداوند پس از پیشنهاد و درخواست مردم به آنان معجزه می داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 9

9_ بهشت و موهبت های آن ، عطایی الهی است .

عطاءً غیر مجذوذ

ص: 304

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 2

2_ خداوند ، اعطا کننده کتاب آسمانی به پیامبران خویش

و لقد آتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 21

21_ فضیلت های یوسف (ع) و نعمت های عطا شده به او و حضرت ابراهیم و اسحاق (ع) و خاندان یعقوب ، جلوه هایی از ربوبیت خداوند

یجتیبک ربک . . . و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب ... إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 3

3_ خداوند ، عطاکننده حکمت و علم به یوسف (ع)

ءاتینَه حکمًا و علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 10

10_ آگاهی یوسف (ع) به غیب و توان او بر تعبیر رؤیاها ، تنها بخشی از دانش موهبتی خداوند به یوسف (ع) بود .

ذلکما مما علمنی ربی

«من» در «مما» می تواند برای تبعیض باشد و محتمل است بیانگر نوع و جنس باشد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 8,9

8_ توان و قدرت موجودات ، عطایی از خداوند به آنهاست .

ما أنزل الله بها من سلطان

9_ استدلال‌ها و براهین، افاضاتی است از ناحیه خداوند بر قلب و اندیشه انسانها

ما أنزل الله بها من سلطان

برای مردود شمردن پندار اهل شرک کافی بود که گفته شود: مشرکان دلیلی برای عقیده و مرامشان ندارند. رد آن پندار با جمله «ما أنزل الله...» (خداوند برهانی برای عبادت معبودها قرار نداده است) برای رساندن حقیقتی است، که در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 15

15_ خداوند در اعطای پاداش به نیکوکاران، ذره ای از پاداش آنان نمی کاهد.

ولانضیع أجر المحسنين

ص: 305

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 15

15_ خداوند ، آموزنده و اهدا کننده دانش ویژه به یعقوب (ع)

وإنه لذو علم لما علّمه

حرف «لام» در «لما علّمناه» برای تعلیل است و «ما» در آن مصدریه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 24

24_ خداوند بر اساس مشیت خویش ، برتری دهنده برخی از انسان ها بر برخی دیگر و اعطا کننده کمال به بهره مندان از آن

نرفع درجَت من نشاء

اساس مشیت خویش ، برتری دهنده برخی از انسانها بر برخی دیگر و اعطا کننده کمال به بهره مندان از آن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 86 - 11

11_ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 2

2_ فضیلت و برتری یوسف (ع) عنایتی از ناحیه خداوند به او بود .

لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 14

14_ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربي حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 5

5_ خداوند ، اعطا کننده حکومت و فرمانروایی به یوسف (ع)

رب قد ءاتیتنی من الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 22 - 7

7_ امکانات و دارایی های انسان رزقی است عطا شده از جانب خدا .

ص: 306

مما رزقن_هم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 5

5_ خداوند اعطا کننده همسر و فرزند به پیامبران خویش

و جعلنا لهم أزواجًا و ذرية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 11 - 4,7

4- خداوند به هر کس که بخواهد نعمتی بزرگ عطا می کند .

وَلِكُنَّ اللَّهُ يَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

«مَنْت» در لغت به معنای نعمت سنگین و بزرگ است.

7- مقام پیامبری ، موهبت و نعمتی بزرگ از سوی خداوند برای بندگانی خاص است .

وَلِكُنَّ اللَّهُ يَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 1,4

1- خداوند ، همه نیاز ها و خواسته های وجودی بشر را به او عطا کرده است .

وَأَتَى كَمْ مِنْ كَلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ

دو احتمال در باره سؤال در جمله «ما سألتموه» وجود دارد: 1. سؤال به معنای دعا و درخواست زبانی؛ 2. سؤال و درخواست وجود و طبع انسان؛ یعنی، آنچه بشر در وجود و طبیعت خود به عنوان موجودی مستقل نیاز دارد، خداوند به او عطا فرموده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

4- خداوند ، بخشی از هر یک از انواع تقاضا ها و درخواست های انسان را به آنان عطا فرمود .

وَأَتَى كَمْ مِنْ كَلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «من» در «من کلّ» برای تبعیض باشد و نیز مقصود از سؤال در جمله «سألتموه» درخواست و تقاضای زبانی باشد، نه نیازها و خواسته های وجودی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 4

4- اسماعیل و اسحاق (ع)، فرزندان حضرت ابراهیم (ع) و هدیه و بخشش الهی به او بود.

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسحاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 21 - 2

2- رویش متناسب گیاهان و پدیده های معدنی و اعطای مواهب و وسایل معیشت، از خزانه الهی است.

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون. و جعلنا لکم فیها معیش و من لستم له برزقین. و إ

ص: 307

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 1,3

1- «سوره حمد» از عطایای خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد آتینک سبعاً من المثانی

نوع مفسران بر آنند که مراد از «سبعاً» سوره حمد است که هفت آیه دارد و «المثانی» (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره «زمر» (آیه 23) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

3- خداوند، اعطا کننده قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد آتینک .. القرآن العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 44 - 12,3

3- خداوند، در راستای دادن بینات و کتاب به انبیا، قرآن کریم را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اعطا فرمود.

بالبینت و الزبر و أنزلنا إلیک الذکر

12- خداوند، به انبیای پیشین معجزات حسی عطا فرمود و در قبال آن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کتاب آسمانی جهان شمول عطا کرد.*

و ما أرسلنا .. بالبینت و الزبر و أنزلنا إلیک الذکر

«بینه» به معنای دلیل واضح و روشن - اعم از عقلی و حسی - است. طبق شواهد تاریخی مراد از «بینات» در آیه، ممکن است معجزات حسی باشد. جدا ذکر کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اعطای قرآن، مشعر به برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 11

11- خداوند، نیازهای انسان را به تناسب شرایط مختلف زندگی او، تأمین کرده است.

یوم ظعنکم و یوم إقامتکم و من أصوافها و أویارها و أشعارها أثثاً و متَّعاً

برداشت فوق، به خاطر این است که خداوند پوست حیوانات را از آن جهت به عنوان نعمت یادآور شده که وسیله ای است مناسب برای

برپا کردن سرپناه در سفر و حضر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 2,8

2- عنایت خاص خداوند به آدمیان با اعطای ارزشی ویژه به آنان

و لقد کرّمنا بنی ءادم

8- خداوند، روزی های پاک و پاکیزه و متناسب، به آدمیان اعطا کرده است.

و لقد کرّمنا بنی ءادم... و رزقنهم من الطیبات

«طیب» به آن چیزی گفته می شود که برای حواس و جان آدمی لذت بخش باشد (مفردات راغب). و به مناسبت مقام، مراد از آن روزی هایی است که متناسب طبع انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 308

9- خداوند ، تنها خیر و نعمت به انسان ها عطا می کند .

إذا أنعمنا على الإنسان... وإذا مسه الشرّ

از اینکه در آیه خداوند منشأ نعمتها معرفی شده اما شرور به او نسبت داده نشده است نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 44 - 6

6- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خير ثوابًا و خير عقبًا

«ثواب» به معنای «اجر و پاداش» است و «عقب» به معنای «عاقبت و فرجام».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 12

12- صاحبان نعمت و دانش _ حتی افراد برجسته و سرآمد نیز _ باید خداوند را سرچشمه کمالات خود بدانند .

ءاتينهم رحمة من عندنا و علمنه من لدنا علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 84 - 7

7- امکانات و نیروی « ذوالقرنین » و برخورداری او از وسایل و ابزار لازم در مقاصد خویش ، اعطای خداوند به وی بود .

إنا مكّنا له... وءاتينه من كلّ شيء سببًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 95 - 2,3

2- ذوالقرنین ، در پرتو لطف پروردگار ، برخوردار از امکانات مادی بسیار ، بهره مند بود .

قال ما مكّني فيه ربّي خير

3- ذوالقرنین ، خود را مملوک خداوند و عطیه های الهی را ، برخاسته از مقام ربوبیت او می دانست .

ما مکتب فیہ ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 8,9

8- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی (ع) در کودکی او بود .

وَأَتَيْنَاهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا

برای «حکم» معانی مختلفی ذکر شده است ؛ یکی از آن معانی _ که مبنای برداشت یاد شده است _ «علم و فهم» می باشد (لسان العرب .).

9- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

وَأَتَيْنَاهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا

در برداشت یاد شده «حکم» به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی

ص: 309

گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا در آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 13 - 8، 2، 1

1- خداوند ، روحیه رحمت و عطوفتی ژرف به یحیی عطا نمود .

ءاتینَه . . . و حنانًا من لدنًا

«حنان» مصدر و به معنای شفقت و مهربانی است (مصباح). تنوین آن برای تفخیم است. این کلمه عطف بر «الحکم» _ در آیه قبل _ است.

2- خداوند ، منبع مهر و شفقت و عطاکننده آن به برخی از بندگان برگزیده خود

و حنانًا من لدنًا

«من لدنًا» بیانگر این است که عطوفت عطا شده به یحیی برگرفته از ترحم و عطوفت ذات اقدس است.

8- حضرت یحیی (ع) در پرتو عنایات خاص خداوند ، از شایستگی و رشد و تکاملی ویژه ، برخوردار بود .

ءاتینَه . . . و زکوه

«زکاه» در معانی «شایستگی» و «پاکی» و «رشد کردن» و «خجستگی» و «تمجید» استعمال شده است (لسان العرب). در هر مورد، معنا یا معانی مناسب آن، مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 6، 4، 2

2- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س) ، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد .

قال إنا رسول ربك لأهب لك غلًا زكياً

اسناد «هبه فرزند» به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. «زکّی» از ریشه «زکاء» به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). «تزکیه» و «زکاه» در معانی «طهارت» و «نمّو» و «برکت» و «مدح» استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

4- عیسی (ع) ، موهبتی ویژه از جانب خداوند به مریم (س) بود .

إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلًّا زَكِيًّا

با وجود آن که القای روح عیسی (ع) به مریم (س) با وسائط دیگر هم امکان پذیر بوده است، ولی فرستادن جبرئیل و بشارت به مریم و برشمردن ویژگی های آن موهبت، جملگی بر ویژه بودن آن موهبت دلالت دارد.

6- فرزند صالح و پاک نهاد، از موهبت های الهی است.

لأهب لك غلًّا زكِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 53 - 1

1- برانگیخته شدن هارون (ع) به نبوت، موهبت خداوند و پرتوی از رحمت او به موسی (ع) بود.

ووهبنا له من رحمتنا أخاه هـ رون نبِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 76 - 3

ص: 310

3- ارزشمندی و مخصوص بودن هدایت اعطایی از جانب خداوند به مؤمنان و باورداران آیات الهی .

و یزید الله الذین اهتدوا هدی

نکره بودن «هدی» بر ویژگی آن دلالت دارد؛ یعنی، هدایتی که قابل تعریف نیست این آیه به دنبال آیه پیش، پاسخی به گفته کافران است که هنگام شنیدن آیات الهی به مؤمنان، می گفتند: «أیّ الفریقین خیر . . .». بنابراین «الذین اهتدوا» همان «الذین آمنوا» هستند که در آیا پیش از آنان یاد شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 78 - 11، 9

9- اعطای مال و اولاد ، به دست خداوند و در اختیار او است .

أطلع الغیب أم اتّخذ عند الرحمن عهداً

11- مال و اولاد کافران نیز ، عطای الهی است .

أم اتّخذ عند الرحمن عهداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 97 - 2

2- تسهیل آسان سازی فهم مطالب متعالی قرآن برای بشر ، موهبتی از جانب خداوند است .

فإنّما یسرّنه بلسانک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 25 - 5

5- شرح صدر ، بخشش خداوند و برخاسته از مقام ربوبیت او است .

قال ربّ اشرح لی صدری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 1

1 - خداوند تمامی خواسته های موسی (ع) را پذیرفت و به او شرح صدر و بیان روان عطا کرد و هارون را وزیر او قرار داد .

قال ربّ . . . قال قد أُوتيت سؤلک ی_موسی

«سؤل»؛ یعنی احتیاجی که نفس انسان بر تحصیل آن حرص میورزد و فرق آن با آرزو این است که آرزو در فکر انسان می گذرد، ولی «سؤل» پی گیری می شود. گویا همواره رتبه «سؤل» بعد از آرزو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 4

2 - آفریش ، فعل اختیاری خداوند و عطای او است .

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

از تأمل در موارد کاربرد «عطا» و «إعطا» برمی آید که کاربرد این ریشه، درجایی است که اولاً دادن چیزی از روی جبر نباشد و ثانیاً در برابر چیز دیگر نباشد.

4 - خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است .

ص: 311

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

«خلق»، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 99 - 4

4- قرآن، عطیه بزرگ الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مایه تذکر و بیدارباش است.

وقد ءاتینک من لدنا ذکراً

نکره بودن «ذکراً» دلالت بر عظمت آن دارد و مراد از «ذکر» به قرینه «من أعرض عنه» (در آیه بعد) قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 11

11 - دارایی ها و امکانات دنیا، همه از آن خداوند و عطای او است.

متّعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 72 - 2،3

2- اسحاق و یعقوب (ع) موهبت خداوند به ابراهیم (ع) بود.

ووهبنا له إسحق و یعقوب

3- فرزندان و نوادگان، موهبت و عطیه ای از جانب پروردگار است.

ووهبنا له إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 1

1- حضرت لوط (ع)، از علم و حکمت خدا دادی برخوردار بود.

و لوطاً ءاتیناه حکماً و علماً

یکی از معانی «حکم»، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 5،7

5- خداوند، به جای خاندان از دست رفته ایوب (ع)، زن و فرزندان جدید دیگری به او اعطا کرد.

و ءاتینَه اَهله

7- خداوند، افزون بر بازگرداندن زن و فرزندان ایوب (ع) به وی، زن و فرزندان دیگری نظیر آنان به آن حضرت عطا کرد.

و ءاتینَه اَهله و مثلهم معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 2

ص: 312

2- یحیی (ع) موهبتی بی چشمداشت از جانب خداوند به زکریا (ع)، پس از دعا و روی آوردن او به درگاه الهی

إذ نادى رَبَّهُ . . . فاستجبنا له و وهبنا له یحیی

«هبه» به معنای عطیه و بخششی بدون عوض و خالی از اغراض (چشمداشت) است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 13

13 - شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنع-م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 8

8 - شتر، گاو و گوسفند، روزی انسان ها و عطای خداوند به آنان

علی ما رزقهم من بهیمه الأنع-م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 35 - 8

8 - اموال و دارایی ها، رزقی از جانب خدا و عطای او به انسان ها

و ممّا رزقنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 19

19 - اموال مردم، داده خداوند است.

و ءاتوهم من مال اللّٰه الذی ءاتیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 9

9_ تمامی امکانات زندگی دنیایی انسان ، داده های خداوند است .

وَلْـَکِن مَّتَّعْتَهُمْ وَاَبَاءَهُمْ

برداشت فوق، از آن جا است که برخورداری انسان ها از امکانات زندگی، به خدا نسبت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 21 - 6، 3، 2

2 - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع) از سوی پروردگار در پی فرار او از نظام فرعونی

فَقَرَّرْتُ مِنْكُمْ .. فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حِكْمًا

واژه «حکم» می تواند مرادف «حکومت» (سرپرستی و تدبیر امور مردم) باشد و نیز می تواند معادل «حکمه» و به معنای دانش و معرفت باشد. برداشت یاد شده بر پایه معنای دوم است.

3 - جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعونی ، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ص: 313

ففررت منکم . . . فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع «وهب» بر «ففررت» اشاره به تأثیر جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعون در شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه «حکم» به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

6 - دریافت حکمت الهی و نیل به مقام رسالت ، موهبتی خدا دادی است ، نه اکتسابی .

فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 85 - 4

4 - بهشت پر از نعمت ، فضل و ارزانی خدا به انسان است ؛ نه مزدی هم پای عمل وی .

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم

راغب در «مفردات» آورده است: «و یقال لکلّ من حصل له شیء من غیر تعب قد ورث کذا؛ هر کس مالی را به رایگان به دست آورد، گفته می شود به ارث برد». بنابراین، اعمال ما هرگز نمی تواند بهای واقعی بهشت باشد؛ بلکه بهشت فضل ارزانی خدا به مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 1

1 - اعطای علم و دانشی عظیم و ویژه از سوی خدا به داوود و سلیمان (ع)

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً

آمدن تعبیر «علماً» به صورت نکره، بیانگر عظمت و ویژگی دانشی است که به داوود و سلیمان داده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 54 - 10

10 - امکانات و دارایی های انسان ، رزقی عطا شده از جانب خداوند

و ممّا رزقنهم ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 5

5 - متاع دنیوی ، عطای خداوند به انسان ها است .

کمن متّعنه متع الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 7

7 - مال و ثروت ، داده خدا و عطایی از جانب او

وءاتینّه من الکنوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 314

1 - مال و ثروت ، داده خدا و عطایی از جانب او است .

و ابتغ فیما ءاتیک اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 27 - 6، 1

1 - اسحاق و یعقوب (ع) ، موهبت الهی برای ابراهیم (ع) بود .

و ابرهیم . . . و وهبنا له إسحق و یعقوب

6 - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق . . . و جعلنا فی ذرّیّته النّبوه . . . و ءاتیناه أجره فی الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 49 - 5

5 - علم و آگاهی ، موهبتی الهی است .

الذین أوتوا العلم

فاعل محذوف فعل «أوتوا» به قرینه مقام، «اللّٰه» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 66 - 3

3 - نعمت ها و امکانات در اختیار انسان ها ، خدادادی است .

بمآءاتینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 56 - 2

2- ایمان و آگاهی ، موهبتی خداوندی است .

وقال الذين أوتوا العلم والإيمان

مجهول آورده شدن فعل «أوتوا» احتمال دارد به خاطر توجه دادن به این حقیقت باشد که علم و ایمان، موهبتی اند که انسان هایی از آن دو برخوردار می شوند. اگرچه در آیه، بیانی درباره منشأ موهبت، به میان نیامده است، اما به دلیل اطلاع آنان از حقیقتی مانند زمان برزخ و قیامت، حکایت دارد که منشأ علم و ایمان خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 5، 1

1 - خداوند ، عطاکننده حکمت (علم هستی شناسی و انجام دادن خیرات) به لقمان است .

ولقد آتينا لقمان الحكمة

5- برخوردارى فردى غير نبى ، از عطايای ویژه الهی ، امری ممکن است .

ولقد آتينا لقمان الحكمة

ص: 315

برداشت بالا، براساس این دیدگاه مشهور است که لقمان، پیامبر نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 31 - 5

5 - کشتیرانی، دارای اهمیتی اساسی در حمل و نقل نیازمندی های بشر و مواهب الهی به نقاط مختلف است.

ألم تر أنّ الفلك تجرى فى البحر بنعمت الله ليرىكم من آى_ته

بنابراین که «با» در «بنعمت» برای تعدی و یا مصاحبه باشد، نکته بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 16

16 - قوای ادراکی انسان (چشم و گوش و قلب) مواهب الهی اند و شایسته است که به خاطر آنها، به درگاه وی شکرگزاری شود.

ثمّ سوّىه و نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 23 - 1

1 - تورات از سوی پروردگار به موسی (ع) اعطا شد.

و لقد آتينا موسى الكتاب_ب

«ال» در «الكتاب» می تواند برای عهد و اشاره به تورات داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 5

5 - اسلام آوردن زیدبن حارثه، نعمتی اعطایی از جانب خداوند برای وی بود.

و إذ تقول للذى أنعم الله عليه

در این که «مراد از «أنعم الله» چه چیزی است؟»، اختلاف است. مفسران، از مصداق های بارز آن، اسلام آوردن زید را شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، اعطا کننده رحمت ویژه خویش ، بر مؤمنان است .

هو الذی یصلی علیکم

به قرینه «و کان بالمؤمنین رحیماً» مراد از صلوات خدا بر مؤمنان، اعطای رحمت است.

2 - اعطای رحمت ویژه خداوند به مؤمنان ، به منظور بیرون بردن آنان از ظلمت ها و رساندن شان به نور است .

هو الذی یصلی علیکم ... لیخرجکم من الظلمت الی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - علم ، عطیه ای از جانب خداوند است .

یری الذین أُوتوا العلم

آمدن تعبیر «أوتوا العلم» به جای «یعلمون» و یا «العلماء»، نشان دهنده این نکته است که علم، امری اعطایی است. گفتنی است که منشأ علم اگرچه در آیه مشخص نشده؛ اما به دلیل این که مبدأ همه امور خداوند است، می توان گفت که علم منشأیی الهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 5

5 - امکانات و دارایی های انسان ، عطا و داده الهی است .

و أنفقوا ممّا رزقنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 2

2 - قرآن ، ارث و موهبت الهی برای جامعه اسلامی

ثمّ أورثنا الکتب الذین اصطفینا من عبادنا

برداشت یاد شده، از تعبیر ارث درباره اعطای قرآن به دست می آید؛ زیرا ارث چیزی است که برای آن تلاشی صورت نگرفته و در نتیجه حقی هم برای دریافت آن به وجود نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 47 - 6

6 - توجّه و اعتقاد به خدادادی بودن اموال و دارایی ها ، برانگیزاننده انسان به انفاق و دوری از بخل است .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم اللّٰه

برداشت یاد شده براساس این نکته است که آیه شریفه، درصدد ترغیب و تشویق به انفاق است. گفتنی است که تصریح به منشأ خدایی داشتن اموال انسان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 100 - 7

7 - اعطای فرزند از جانب خداوند به انسان ها ، تنها یک بخشش الهی است ؛ نه حق برای آنان .

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

با توجه به تعبیر «هبه» برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 2

2 - مقام خلافت (تدبیر امور مردم به جای خدا) ، موهبتی است الهی که باید تنها از سوی خدا به فردی واگذار شود .

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

استناد تعیین خلیفه به خدا، همراه با تأکید (إِنَّا) گویای برداشت یاد شده است.

ص: 317

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 30 - 1,4

1 - سلیمان (ع)، عطیه الهی به داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمین

4 - فرزند صالح، عطیه الهی برای والدین

و وهبنا لداود سلیمین نعم العبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 1,4,7

1 - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع)، عطیه بزرگ الهی بود.

و هب لی ملکاً... هـذا عطاؤنا

اضافه «عطا» به ضمیر جلاله (نا) بر تعظیم دلالت می کند.

4 - عطیه الهی به سلیمان (ع) بی شمار و بسیار بود.

هـذا عطاؤنا... بغير حساب

برداشت یاد شده براساس این نکته است که «بغير حساب» قید برای «عطاؤنا» باشد.

7 - قدرت، مکنّت و ثروت در صورت بودن در مسیر الهی، عطیه خداوندی است.

و هب لی ملکاً... هـذا عطاؤنا فامنن أو أمسک بغير حساب

از تعبیر «عطاؤنا» درباره قدرت سیاسی و مکنّت و ثروت سلیمان(ع) _ که در مسیر رسالت الهی قرار داشت _ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 4,5

4 - بازگشت خانواده ایوب (ع) و دو چندان شدن آنها، موهبت الهی برای آن حضرت

ووهبنا له أهله و مثلهم معهم

5- خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

ووهبنا له أهله و مثلهم معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 54 - 1

1 - بهشت و نعمت های آن ، روزی و عطای الهی است .

جَنَّتِ عَدْنُ . . . إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 3 - 5

5 - خداوند ، صاحب فضل و عطا است .

ذی الطول

ص: 318

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 53 - 2, 1

1 - خداوند ، آنچه مایه هدایت بود به موسی (ع) عطا فرمود .

لقد آتینا موسی الهدی

2 - هدایت (دین) ، عطیه ای است الهی برای بشر .

و لقد آتینا موسی الهدی

«إیتاء» (مصدر «آتینا») مرادف «إعطاء» به معنای بخشش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 5

5 - خداوند ، اعطا کننده قدرت نطق و سخن گویی به هر موجود

الذی أنطق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 1

1 - اعطای کتاب (تورات) به موسی (ع) از سوی خداوند

و لقد آتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 7

7 - دختر و پسر ، هر دو هدیه الهی به انسان ها

یهب لمن یشاء إنثاً و یهب لمن یشاء الذکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 50 - 8

8 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله . . . « أُوَيَّرُوجُهُم ذَكَرَانًا وَإِنَاثًا » جميعاً يجمع له البنين و البنات يهبهم جميعاً لواحد ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند. .. «أُوَيَّرُوجُهُم ذَكَرَانًا وَإِنَاثًا» روایت شده که فرمود (مراد از آیه این است) که خداوند فرزندان پسر و دختر را باهم به یک خانواده می بخشد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 46 - 7

7 - معجزات پیامبران ، عطا شده از سوی خداوند به ایشان

و لقد أرسلنا موسى ب_اِ_تِنا

اضافه «آیات» به «نا»، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 16 - 6

ص: 319

6- برخورداری از حکومت الهی، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم و النبوه

در صورتی که «الحکم» نظر به حکومت داشته باشد؛ از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 9

9- خداوند، اعطا کننده پاداش و نه نیازمند به اموال و دارایی خلق

یؤتکم أجورکم و لا یسئلكم أموالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 7,9

7- اطمینان و آرامش روحی، موهبتی خداوندی است.

هو الذی أنزل السکینه

9- اعطای روح آرامش و اطمینان از سوی خدا به مؤمنان، مایه فزونی ایمان ایشان

أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمناً مع ایمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 1

1- شادمانی تقوایبندگان در بهشت، از عطایای پروردگار به آنان

ف_کَهِينَ بما آتینهم ربهم

«فاکه» (از مصدر «فکاهه») به معنای شادمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 48 - 3,5,6,1

1 - خداوند ، تنها برآورنده نیازها و عطاکننده ثروت و مکنت به آدمیان

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى

3 - نیازهای مقطعی و دراز مدت بشر ، برآورده شده در نظام هستی از سوی خداوند *

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى

«أَقْنَى»؛ یعنی، «أَعْطَى الْقَنِيَةَ» و «قَنِيَهُ» به سرمایه های باقی و ذخایر پایدار گفته می شود. بنابراین جمع میان «أَغْنَى» و «أَقْنَى» بیانگر مطلب یاد شده است.

5 - خوشنودی به دستاورد و پرهیز از آز و طمع ، موهبتی الهی است . *

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى

بنابر معنایی که برای «أَقْنَى» در لغت یاد شده است (رضاً) مطلب بالا به دست می آید.

6 - « قال أمير المؤمنين (ع) في قول الله « وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى » قال أغنى كلَّ انسان بمعيشته و أرضاه بكسب يده ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که درباره آیه «وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى» فرمود: او است که هرکس را در معیشت بی نیاز می کند و وی را به کسب و درآمدش خوشنود می سازد».

ص: 320

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 82 - 3

3 - قرآن ، رزق معنوی و عطای الهی به انسان ها

و تجعلون رزقکم انکم تکذبون

تعبیر «رزق» درباره قرآن، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 11 - 13

13 - علوم و معارف دینی ، حقیقتی آسمانی داشته و از ناحیه خداوند به اهلش عطا می شود .

و الذین اوتوا العلم

به کار رفتن تعبیر «اوتوا العلم» به جای مثلاً «أهل العلم» یا «العلماء» و ... بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 10 - 2

2 - رزق و روزی مردم ، عطای خداوند و فضل او است .

و ابتغوا من فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 10 - 5

5 - امکانات و دارایی های انسان ، رزقی است عطا شده از جانب خداوند .

من ما رزقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 8

8 - اموال ، توانایی ها و امکانات بشر ، همگی داده خداوند و جلوه لطف او است .

فلينفق ممّا آتته الله لا يكلف الله نفسا إلا ما آتتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 36 - 5

5 - پاداش های بهشتیان ، عطا و تفضل خداوند است .

عطاء

«عطاء» اسم مصدر و به معنای پرداختن و نیز به معنای چیزی است که به دیگری پرداخته می شود. راغب در «مفردات» می گوید: «این کلمه به جایزه و بخشش اختصاص یافته است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 8 - 1

ص: 321

1 - دو چشم انسان ، عطای خداوند و نعمتی بزرگ است .

ألم نجعل له عينين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 9 - 1

1 - زبان و دو لب انسان ، عطای الهی و نعمت هایی بزرگ است .

و لساناً و شفيتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 5 - 1

1 - آموخته های انسان ، هدیه خداوند و نعمت او است .

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

آیه شریفه، در مقام امتنان و برشمردن نعمت هایی است که جلوه های کرم خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 1 - 5

5 - حضرت فاطمه (س) ، خیر فراوان و عطای خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ

هر چند در شأن نزول ها و روایات سخنی از تطبیق «کوثر» بر «فاطمه»(س)، به میان نیامده است؛ ولی از آخرین آیه استفاده می شود که نتیجه عطای «کوثر»، «ابتر» (نسل بریده) نماندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. بنابراین فاطمه(س) که نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) از او است، مصداق «کوثر» خواهد بود.

18- عطایای خدا به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 84 - 1

1_ اسحاق و یعقوب(ع)، موهبت خداوند به ابراهیم(ع) بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 100 - 2

2- فرزندان شدن حضرت ابراهیم (ع)، هبه و بخشش الهی به ایشان بود.

ربّ هب لی من الصّـلحین

ص: 322

19- عطایای خدا به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 6

6_ فضیلت و برتری پیامبران بر همه جهانیان، موهبتی الهی به آنان است.

و کلا فضلنا علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 5

5_ خداوند عطا کننده کتاب و منصب قضاوت و نبوت به پیامبران است.

أولئك الذين ءاتینهم الکتب والحکم والنبوه

20- عطایای خدا به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 16 - 1

1 - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتینا بنی إسرئیل الکتب والحکم والنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 17 - 1

1 - اعطای دلایل آشکار از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، درباره شریعت موسی

و ءاتینهم بینت من الأمر

«من» در «من الأمر» می تواند به معنای «فی» باشد و کلمه «الأمر» اشاره به کتاب و شریعت موسی(ع) داشته باشد.

21- عطایای خدا به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7_ بهره مندی از سلامتی مطلق، تحیت و عطیه خداوند به اهل بهشت

و تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «هم» در «تحیتهم» مفعول و فاعل آن، ضمیر عاید به (اللّه) باشد؛ یعنی، تحیت خدا به اهل بهشت، اعطای سلامتی مطلق به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 16 - 2، 1

1 - تقوایشگان بهشتی، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ص: 323

ءاخذین ما ءاتیهم ربهم

واژه «أخذ» در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می پذیرند؛ برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می چشند.

2 - عطایای خداوند به اهل بهشت ، جلوه ای از ربوبیت و پروردگاری او

ءاتیهم ربهم

22- عطایای خدا به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 16 - 1

1 - تقوایشگان بهشتی ، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ما ءاتیهم ربهم

واژه «أخذ» در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می پذیرند؛ برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می چشند.

23- عطایای خدا به محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 6 - 1

1 - غنایم غزوه بنی نضیر ، موهبت الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما أفاء الله علی رسوله منهم

آیه شریفه در ادامه مسائل غزوه بنی نضیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 89 - 8

8 - حضرت محمد(صلی الله علیه و آله)، دارای کتاب و مقام حکم و قضاوت و نبوت از جانب خداوند است.

أولئك الذين ءاتینهم الكتب والحکم والنبوہ فإن یکفر بها هؤلاء

گر چه در این آیه نام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به صراحت نیامده، ولی یاد انبیای گذشته و اشاره به مقامات آنان و همچنین سخن از کفر مردم مکه، با لطافتی تمام، اشاره به این دارد که خداوند همان مقامات را به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 14

14_ « قال أبو عبد الله (ع) : . . . نحن ذريّة محمد (صلی الله علیه و آله) و أمّنا فاطمه (س) و ما أتى الله أحداً من المرسلين شيئاً إلاّ و قد آتاه محمداً (صلی الله علیه و آله) . . . _ ثم تلا _ « و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذريّة » ؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: ما فرزندان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هستیم و مادرمان فاطمه (س) است و خداوند به هیچ یک از پیامبران (ع) چیزی را نداده مگر آن که آن را به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز داده است، سپس این آیه را تلاوت فرمود:

ص: 324

و لقد أرسلنا رسلاً من قبلك . . .».

24- عطایای خدا به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 17 - 1

1- هدایت بیش از پیش و روحیه تقوا، موهبت الهی به مؤمنان هدایت پذیر

و الذین اهدوا زادهم هدی و ءاتیهم تقویهم

25- فلسفه عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 14

14 - خداوند، با یادآوری عطای ویژه خویش به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت را آماده دریافت فرمان نماز و قربانی ساخت.

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ

26- مشمولان عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 9

9_ وعده خداوند به برخورداران متوکلان از عطا و تفضلش

و قالوا حسبنا الله سیؤتینا الله من فضله

آیه فوق در مقام تعلیم به انسان است و بی تردید آنچه خداوند تعلیم دهد، منطبق با واقعیت می باشد در نتیجه جمله «سیؤتینا» حاکی از عطای الهی به متوکلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 2

2- عیسی (ع) در گهواره، خود را فرزندی خوش رفتار و نیکوکار برای مادرش مریم (س) خواند و این ویژگی را عطیه خداوند دانست.

وَبِرًّا بَوْلِدَتِي

تقدیر «وَبِرًّا بَوْلِدَتِي» به قرینه آیه قبل «وَجَعَلَنِي بِرًّا بَوْلِدَتِي» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 3

3- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم (ع) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

ص: 325

فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

حرف «لَمَّا» بیانگر ترتب جزا(وهبنا ..) بر شرط (اعتزلهم ...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 5

5- برخوردارى فردى غير نبي، از عطايى ويژه الهى، امرى ممكن است.

و لقد آتينا لقمان الحكمة

برداشت بالا، براساس اين ديده گاه مشهور است كه لقمان، پيامبر نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 19 - 5

5- تنها بيعت کنندگان با پيامبر (صلى الله عليه و آله) در جريان حديبيه، برخوردار از غنايم خيبر *

إذ يباعدونك تحت الشجرة... و مغانم كثيرة يأخذونها

از اين كه «مغانم كثيره» به مؤمنان بيعت كننده نويد داده شده است، مطلب بالا احتمال مى رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 1 - 1

1- خداوند، پيامبر (صلى الله عليه و آله) را از خوبى هاى فراوان برخوردار ساخت.

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ

بر حروف اصلى «كوثر» (كاف، ثاء و راء)، حرف «واو» اضافه شد تا بر افزون بودن وصف كثرت دلالت كند؛ اين كلمه نام نهري در بهشت نيز مى باشد (مقاييس اللغه). به مردى كه سرور و داراى خير فراوان باشد «كوثر» گفته مى شود (صحيح) و در معنای آن، عدد فراوان نيز گفته شده است. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کوثر - 108 - 2 - 14، 6

6 - مقام ربوبی خداوند ، جلوه گر در اعطای فاطمه (س) به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ

14 - خداوند ، با یادآوری عطای ویژه خویش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را آماده دریافت فرمان نماز و قربانی ساخت .

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَر

27- موانع عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 15

15_ شرک و کفر ، از موانع دستیابی به علوم موهبتی و خدادادی است .

ص: 326

ذلکما مما علمنی ربی اِنی ترکت مله قوم لایؤمنون باللہ . . . ما کان لنا ان نشکرک بال

28- ناخشودی از عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 59 - 12

12_ ناخشودی انسان از عطایای الهی ، نشانه بی رغبتی وی به خداست .

و لو أنهم رضوا ما آتاهم الله . . . انا إلى الله رغبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 8

8 - ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسان کفور . . . یهب لمن یشاء إنَّ ثأ و یهب لمن یشاء الذکور

29- وسعت عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 20 - 6

6- هیچ گونه منع و محدودیتی برای عطایای خداوند به انسان ها وجود ندارد .

و ما کان عطاء ربک محظورًا

30- هبه عطایای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 3

3 - باز بودن دست سلیمان (ع) ، در بخشش یا منع عطای الهی (قدرت ، مکننت و ثروت خود) به دیگران

ه_ذا عطاؤنا فامنن أو أمسک

1- آثار عفت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6 - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت «إنهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

2- آثار عفت زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5 - عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) _ که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد _ صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

3- آثار عفت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6 - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت «إنهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

4- آثار عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 6

6- عفت و پاک دامنی مریم (س)، زمینه ساز برخورداری وی از عنایات ویژه الهی بود.

التي أحصنت فرجها فنحننا فيها من روحنا

تقدم عبارت «والتي أحصنت فرجها» بر «فنحننا فيها من روحنا» می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

5- آثار عفت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 1

1_ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع)، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند.

ذلك ليعلم أني لم أخنه... وقال الملك اتتوني به أستخلصه لنفسي

6- ارزش عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 30

30 - عفت و پاکدامنی برای زنان، صفتی بس ارزشمند و پسندیده

ولا تکرهوا فتی تکم علی البغاء إن أردن تحصنًا

7- ارزش عفت همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 3

3- ارزش زیبایی و جذابیت همسر، در پرتو عفت و پاکدامنی او است.*

لم يطمثهنّ إنس قبلهم ولا جانّ . . . كأنهنّ الياقوت والمرجان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند نخستین وصف حوریان را مصونیت آنان از بیگانگان بیان داشته و پس از آن به زیبایی و جذابیت آنان اشاره کرده است.

8- اهتمام مخلصان به عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 329

8 - یوسف - 12 - 33 - 3

3_ رنج و محنت در راستای اطاعت خدا و حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

9- اهمیت یوسف (ع) به عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 3

3_ رنج و محنت در راستای اطاعت خدا و حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

10- اهمیت عفت بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 1

1 - لزوم عفت گزینی و پاکدامنی ، بر کسانی که به همسر مناسب و امکانات لازم برای ازدواج ، دستیابی ندارد .

و ليستعفف الذين لا يجدون نكاحًا

11- اهمیت عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 3

3- عفت و پاک دامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتي أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) _ که در این آیات نام او در ردیف پیامبران قرار گرفته _ صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

12- دلایل عفت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 5

5- تکلم عیسی (ع) در گهواره و معرفی خود، از معجزات او و برهانی کافی بر پاکدامنی مریم (س) و مبرّابودن او از

ص: 330

اتهامات مردم بود .

فأشارت إليه .. قال إني عبد الله

13- دلایل عفت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 11

11_ ماجرای میهمانی زلیخا از زنان اشراف و بریدن آنان دست های خویش را ، گویاترین صحنه برای اثبات منزلت والا و عفت و پاکدامنی یوسف (ع)

فَسئله ما بال النسوة الّتی قطعن أیدیهنّ

یوسف (ع) برای رسیدگی به پرونده خویش با عبارت «الّتی قطعن أیدیهنّ» داستان میهمانی زلیخا از زنان اشراف و اینکه آنان دستهای خویش را بریدند را مطرح می کند و از آن جا که یوسف (ع) درصدد اثبات بی گناهی خویش است، می توان گفت: داستان مذکور و مسائل پیرامون آن برای اثبات عفت، پاکدامنی و بی گناهی یوسف (ع) بهترین شاهد بوده است.

14- زلیخا و عفت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 13

13_ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الّتی حصحص الحق

«حصحصه» (مصدر حصحص) به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

15- عفت بی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 4

4 - ضرورت اقدام عملی برای فراهم آوردن تسهیلات ازدواج در جهت حل مشکلات جنسی غیر متأهلان ، قبل از توصیه آنان به عفت و پاکدامنی

وَأَنْكَحُوا الْأَيُّمَ مِنْكُمْ... وَاسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا

توصیه به فراهم ساختن امکانات ازدواج مجردان، پیش از توصیه به عفت‌گزینی، می‌تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

ص: 331

16- عفت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 28

28 _ اهتمام اسلام به عفت و پاکدامنی جامعه

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت . . . محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

17- عفت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 3

3 - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمار چشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ ق_صرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که «قاصرات الطرف» کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 57 - 1

1 - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ ق_صرت الطرف . . . فبأیء الاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 2,5

2- حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

5 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عزّ وجلّ « . . . حور مقصورات فی الخیام » قال الحور هنّ البيض المضمومات]

المضمورات] [المصونات] المنخدرات فی خیام الدرّ و الياقوت و المرجان . . . ;

حلبی می گوید از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزوجلّ «.. حور مقصورات فی الخیام» سؤال نمودم، فرمود: [آن] حوریان همان سفیداندامانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 73 - 2

2 - حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فَبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 75 - 1,2

ص: 332

1 - حوریان عقیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمثهنّ انس قبلهم .. فبأیّ ءالاء ربکما تکذبان

2 - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمثهنّ انس قبلهم .. فبأیّ ءالاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 23 - 2

2 - حوران بهشتی ، در نهایت پاکدامنی بوده و دست هیچ بیگانه ای آنان را لمس نکرده و چشم بیگانه ای آنها را ندیده است .

و حور عین . کأمتل اللؤلؤ المکنون

تشبیه حوران بهشتی به مرواریدهای نهفته در صدف ، می تواند کنایه از مطلب بالا باشد.

18- عفت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 3

3 - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

19- عفت دختران شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 15، 12

12 - پرهیز از اختلاط با مردان نامحرم ، انگیزه دختران شعیب در ندادن آب به گوسفندان خود

قالتا لانسقی حتّی یصدر الرعاء

15 - انتظار کشیدن برای خلوت شدن سرچاه از مردان نامحرم ، عادت دختران شعیب و کار هر روزه آنان در آب دادن به گوسفندان

خویش

برداشت یاد شده با توجه به آمدن فعل مضارع «لانسقی» _ که مفید تکرار است _ به دست می آید.

20- عفت در ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 18

18 - جواز ازدواج با کنیز ، مشروط به پاکدامنی او

ص: 333

فمن ما ملكت ايمانكم . . . محصنات غير مسافحات

ظاهراً کلمه «محصنات»، حال است برای «ما ملکت ایمانکم». بنابراین جواز ازدواج را مشروط می کند به احصان و پاکدامنی کنیز.

21- عفت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 222 - 12

12 - حُسن رعایت عَفَّت کلام

و یسئلونک عن المحیض

از تصریح نکردن قرآن به کلماتی که خلاف عفت است (مثل عدم آمیزش که از آن تعبیر به اعتزال کرده و یا فرج که از آن تعبیر به محیض در جمله دوّم و نیز در «من حیث امرکم اللّهُ» کرده)، حسن رعایت عفت کلام استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 236 - 5

5 - رعایت عَفَّت کلام، از آداب بیان احکام

ما لم تمسّوهنّ

با توجه به اینکه از آمیزش جنسی به «مسّ» (تماس گرفتن) تعبیر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 72 - 11

11 - «فی مجمع البیان فی قوله تعالی: «وإذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً» . . . وقیل هم الذین إذا أرادوا ذکر الفرج کنوا عنه عن أبی جعفر (ع)»؛

امام باقر(ع) در باره سخن خداوند (وإذا مرّوا باللغو مرّوا کراماً) فرمود: آنان کسانی اند که به هنگام نام بردن از عورت، با کنایه از آن نام می برند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 9

9- باید زنان ، در سخن و نیز صدا ، عفت داشته باشند .

فلاتخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض

22- عفت در صدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 32 - 9

9- باید زنان ، در سخن و نیز صدا ، عفت داشته باشند .

ص: 334

23- عفت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 14

14_ طهارت و پاکدامنی ، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

طهرک و اصطفیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 21

21_ پاکدامنی زن ، معیاری در انتخاب وی برای همسری

فانکوهنّ . . . محصنات غیر مسافحات و لا متخذات اخدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 3

3 - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنات الغفلت المؤمنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 6

6 - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قِصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به

دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

24- عفت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 16، 12

12 - پاکدامنی و طهارت از گناه ، از اوصاف برجسته تقوایندگان

طبتم

از این که دربانان بهشت در آستانه ورود تقوایندگان تنها از پاکی و پاکدامنی آنان سخن می گویند، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

16 - پاکدامنی و طهارت از گناه ، عامل ورود تقوایندگان به بهشت

طبتم فادخلوها خ_لدین

ص: 335

25- عفت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 25,26

25_ پاکدامنی و عفت مردان، از شرایط حلیت ازدواج آنان با زنان عفیف و پاکدامن

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

«اخدان» جمع «خدن» به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از رفاقت‌های جنسی نامشروع است و «مسفحین» از «سفاح» به معنای زناست. گفتنی است برداشت فوق بر این مبناست که «محصنین» حال برای «کم» در «لکم» و عامل آن «احل» باشد.

26_ ضرورت رعایت عفت و پاکدامنی برای مردان

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

26- عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 5

5_ قداست و پاکدامنی حضرت مریم (ع)

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 7

7- حضرت مریم (س) بانویی در اوج پاکدامنی و تقوایبشگی

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

مریم عذرا، به محض مشاهده مردی ناشناس در محل استقرار خود، سراسیمه به تذکر و نصیحت و پناه بردن به خداوند اقدام کرد. این بازتاب نشانه رسوخ پاک دامنی در او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 4

4- مریم (س)، دارای گذشته ای درخشان و خالی از هرگونه انحراف از مسیر قدس و پاکی بود .

قالت أئی یکون لی غلـم ... ولم أک بغیاً

«بغی» به زنی گفته می شود که با نامحرمان، تماس نامشروع داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 13

13- اشتهار مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار

ص: 336

ی_لیتنی مت قبل ه_ذا و کنت نسیاً منسیاً

«نَسِي» چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به «منسیاً» (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده؛ بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 4

4- مریم (س)، نزد قوم خود، دارای پیشینه ای سالم و پاک و عاری از هرگونه بدنامی بود.

قالوا ی_مریم لقد جئت شیئاً فریاً

«فریاً» دال بر آن است که مردم به تصور واهی، مریم(س) را خطاکار دانسته، از این عمل شگفت زده شده و آن را قطع روند گذشته مریم دانستند؛ بنابراین سابقه او نزد مردم سابقه ای نیکو بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 4

4- حضرت مریم (س) میرا از گناه و فحشا و سزاوار تکریم بسیار

لقد جئت شیئاً فریاً. .. و برآ بولدتی

عیسی(ع) با اعجاز خود، مریم را از اتهام ناروای مردم تبرئه کرد، آن گاه خود را پیامبری خواند که به مریم خدمت خواهد کرد و در بیان خدمت گزاری خود، صفت مشبهه (برآ) را که بر ثبوت دلالت دارد، به کاربرد تا با تأکید بیشتری احترام به مریم را از وظایف خود شمرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 2, 1

1- داستان حضرت مریم و پاک دامنی و فرزنددار شدن او، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است.

و التي أحصنت فرجها فنفخنا فيها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «الَّتِي» منصوب به عامل مقدری چون «أذکر» یا «أذکروا» باشد.

2- مریم (س)، زنی عفیف و پاک دامن و دارای مقامی بلند در پیشگاه خداوند

والتي أحصنت فرجها

«إحصان» (مصدر «أحصنت») به معنای منع و بازداشتن است و «فرج» در اصل به معنای شکاف میان دو شیء مانند (شرمگاه و ..) است. منع و بازداشتن فرج، کنایه از پاک دامنی و عفاف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 3،8

3 - حضرت مریم (ع)، زنی عفیف و پاکدامن و دارای مقامی بلند در پیشگاه خداوند

الَّتِي أحصنت فرجها

«إحصان» (مصدر «أحصنت») به معنای منع و بازداشتن است. «فرج» در اصل به معنای شکاف میان دو شیء (مانند

ص: 337

شرمگاه و... است. منع و بازداشتن فرج، کنایه از پاکدامنی و عفاف است.

8 - عَفَّتْ و پاک دامنی مریم (س)، زمینه ساز برخورداری او از عنایات ویژه الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

تقدیم عبارت «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» بر «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا»، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

27- عفت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 12

12 - «عن الرضا (ع): ... و لَمَّا قَالَتْ: «استأجره إنَّ خير من استأجرت القويَّ الأمين» قال أبوها كيف علمت ذلك؟ قالت لَمَّا أتيتها برسالتك فأقبل معي قال كوني خلفي ودليني على الطريق ...»

از امام رضا(ع) روایت شده [است که فرمود] آن گاه که دختر شعیب به پدرش گفت: موسی را اجیر کن؛ چون بهترین اجیر کسی است که نیرومند و امین باشد؛ پدر گفت: چگونه به این حقیقت پی برده ای؟ گفت: آن گاه که پیام تو را برای او بردم با من همراه شد و گفت: تو پشت سر من باش و راه را به من نشان ده...».

28- عفت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 2

2 - مؤمنان راستین، انسان هایی عقیف و پاک دامن اند.

قد أفلح المؤمنون... و الذين هم لفروجهم حـفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 29 - 1

1 - پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین است.

و الذين هم لفروجهم حـفظون

«فروج» (جمع «فَرَج») کنایه از شرمگاه و «حفظ» (مصدر «حافظون») به معنای صیانت و نگه داری است؛ یعنی، آنان که دامن های خود

را [پاک] نگه می دارند.

29- عفت والدین مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 1,5

1- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدن بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

ص: 338

5- پدر و مادر مریم (س) میان مردم زمان خود، به پاکی و صلاح مشهور بودند.

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

30- عفت همسر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 12

12 - کسانی که در صدر اسلام در ماجرای «افک» (تهمت زنا) مورد اتهام قرار گرفتند، افرادی پاکدامن و منزّه از این تهمت و آلودگی بودند.

للخبیثین... لللطیّین... أولئک مبرءون ممّا یقولون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که آیه شریفه مربوط به ماجرای «افک» باشد.

31- عفت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 1

1 - زنان بهشت، تنها شیفته و فریفته شوهران خویش و چشم بسته بر هر اجنبی

فیهنّ قـصرت الطرف

«قاصرات الطرف» (زنان فرو هشته نگاه)، ظاهراً کنایه از چشم دریده بودن است.

32- عفت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 1

1 - بندگان مخلص خدا، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند.

وعندهم قـصرت الطرف

مقصود از «قاصرات الطرف» (چشم فرو هشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

33- عفت یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 39 - 13

13 - حضرت یحیی، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان، به جهت پاکدامنی و عفت، و پیامبری از تبار صالحان

ص: 339

انّ الله يشرك بيحيى . . . وسيداً و حصورا و نبياً من الصالحين

«حصور» به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: «وسيداً و حصوراً» و الحصور الذی یأبی النساء . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 172، ح 45؛ مجمع البیان، ج 2، ص 742.

34- عفت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 14، 9، 4

4_ یوسف (ع)، همواره از پذیرش تقاضای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) امتناع میورزید.

و رودته التی هوفی بیتها عن نفسه

برخی از اهل لغت در معنای مراوده، کشمکش و نزاع میان طرفین را قید کرده و گفته اند: «مراوده» این است که یک طرف خواهان چیزی و دیگری غیر آن را خواهان است. برداشت فوق، براساس این معناست.

9_ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او، تمنّای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد.

رودته . . . و قالت هیت لک قال معاذ الله

«معاذ» مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر «أعوذ» است؛ یعنی، «أعوذ بالله معاذاً».

14_ پاک دامنی اعجاب انگیز، و عفاف شگفت آور یوسف (ع)

و رودته التی . . . و غلّقت الأبواب و قالت هیت لک قال معاذ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 24 - 5

5_ خداوند، با ارائه برهان به یوسف (ع)، او را از آمیزش با زلیخا (زنا) و نگاه های شهوانی به وی، حفظ کرد و مصون داشت.

کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء

«فحشاء» به گناه و معصیتی که بسیار زشت و پلید باشد، گفته می شود (لسان العرب). «سوء» به معنای بدی و گناه است که به قرینه مقابله آن با «فحشاء»، مراد از آن گناه کوچک است. «أل» در «السوء» و «الفحشاء» می تواند برای عهد باشد. براین مبنا مقصود از «الفحشاء» آمیزش، و منظور از «السوء» نگاه شهوت آلود، قصد گناه و ... است. این احتمال نیز به نظر قوی می رسد که «أل» در این دو کلمه، برای جنس باشد. براین مبنا نیز گناهان یاد شده از مصداقهای مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 1

1_ یوسف (ع) حافظ عفت خویش و بی اعتنا به تهدید های زلیخا

قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

ص: 340

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 6,7

6_ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع)، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت

7_ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع)، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيت ليسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 51 - 6,7,8,16

6_ زنان اشراف در حضور پادشاه مصر، بر پاکدامنی یوسف (ع) و مبرّا بودنش از هرگونه آلودگی شهادت دادند .

قلن ح_ش لله ما علمنا عليه من سوء

کلمه (بدی و آلودگی) پس از نفی واقع شده است و از این رو شامل هرگونه سوء و بدی می شود و «من» زایده نیز این معنا را تأکید می کند.

7_ یوسف (ع) به دلیل پاکدامنی شگفت انگیزش، از آفریده های بی نظیر خداوند در دیدگاه زنان اشراف مصر

قلن ح_ش لله

8_ یوسف (ع)، برخوردار از عفتی اعجاب برانگیز و درخور برترین ستایش

قلن ح_ش لله

«حاش لله» سخنی است که از شدت شگفت زدگی حکایت دارد.

16_ زلیخا در حضور پادشاه مصر به تقاضای کام روایی از یوسف (ع) اعتراف کرد و به استتکاف یوسف (ع) از پذیرش تقاضایش شهادت داد .

أنا رودته عن نفسه وإنه لمن الص_دقین

جمله «أنا رودته عن نفسه» به بیانی که در آیه 26 ذیل برداشت شماره 2 گذشت _ دلالت بر حصر دارد؛ یعنی، من از او درخواست کردم و او چنین درخواستی نداشت.

2_ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذَلِك لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

چنان چه «ذَلِك لِيَعْلَمَ . . .» کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه «ذَلِك» خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در «يعلم» و «لم أخنه» می تواند به «عزیز» باز گردد و می تواند مراد از آن «ملک» باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین «ذَلِك لِيَعْلَمَ . . .» ؛ یعنی، بیرون رفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

3_ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، در صدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذَلِك لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در «يعلم» و «لم أخنه» به «ملک» باز گردد.

35- گواهان عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 1

1- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال کذلک

«کذلک» خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم (س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

36- گواهی بر عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 4

4- گواهی خداوند ، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

37- گواهی بر عفت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 32 - 3

3_ زلیخا نزد زنان اشراف ، به پاکدامنی و عفت یوسف (ع) و نپذیرفتن تقاضای او (درخواست وصال) شهادت داد .

لَقَدْ رَوَدْتَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ

عصمت و استعصام ، هر دو گویای امتناع ورزیدن و نپذیرفتن می باشند ؛ با این تفاوت که استعصام حاکی از مبالغه است. بنابراین «فاستعصم» ؛ یعنی ، یوسف (ع) بشدت با تقاضای من مخالفت کرد و بر عفت خویش اصرار ورزید.

38- نشانه های عفت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 35 - 5

5_ وجود نشانه های متعدد بر پاکدامنی یوسف (ع)

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيت

ص: 342

39- آثار عَفَّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 28 - 2

2_ پایبندی به مقررات الهی در ازدواج و روابط جنسی، زمینه سبکباری و دور ماندن جوامع از مشقت ها و رنجهاست .

یرید الله ان یخفف عنکم

بیان خواست الهی به سبکباری انسانها پس از تبیین احکام و مقررات ازدواج، اشاره به این است که دوری جوامع بشری از رنجها و مشقتها در گرو پیروی از آن احکام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 8

8 - عفت و پاک دامنی، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا

برداشت یاد شده به خاطر این است که عفت و پاک دامنی مریم(س) موجب شد که او رشد پیدا کند و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار گشته و روح بلند حضرت مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 1

1 - دستیابی به رستگاری اخروی، در گرو داشتن عفت و پاک دامنی است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم لفروجهم ح_فظون

«فروج» (جمع «فَرْج») کنایه از شرمگاه است. «حفظ» (مصدر «حافظون») به معنای صیانت و نگه داری است؛ یعنی: «و آنان که دامن های خود را [پاک] نگه می دارند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 10 - 3

3_ خشوع در نماز، اجتناب از لغو (گفتار بیهوده و کردار عبث)، پرداخت زکات، عفت و پاک دامنی، امانت داری، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم ... أولئك هم الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 14

14 - نیک کرداری، پاک دامنی و دوری از فحشا، باعث جلب مغفرت الهی و بهره مندی از روزی نفیس و ارزشمند او است .

و الطیبون للطيبات أولئك مبرءون مما یقولون لهم مغفرة و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 343

8 - وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز های غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج ، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتی یغنیهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 3

3 - طهارت و پاکدامنی و تلاش در راه اصلاح جامعه ، مایه نجات از امواج بلا و کیفر الهی

أخرجوا آل لوط .. إنهم أناس یتطهرون . فأنجینهم و أهلهم إلا امراته

قوم لوط، وی و خاندانش را به جرم پاکی و پارسایی محکوم به تبعید و اخراج کردند؛ اما خداوند ایشان را به همین دلیل از کیفر دامنگیر آن قوم نجات داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 26

26 - عفت و پاک دامنی و به یاد خداوند بودن ، از اسباب جلب آمرزش خداوند است .

و الحفظین فروجهم .. و الذکرین الله ... أعد الله لهم مغفرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 16

16 - پاکدامنی و طهارت از گناه ، عامل ورود تقوایبشگان به بهشت

طبتم فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 7

7 - چشم پاکی ، زمینه مصونیت از ابتلا به آلودگی

فیهنَّ قـ صرت الطرف لم یطمثهنَّ إنس قبلهم ولا جانّ

«قاصرات الطرف» می تواند کنایه از پاکی چشم باشد. از این که این عبارت قبل از «لم یطمثهنَّ...» مطرح گردیده، مطلب بالا احتمال می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 10

10 - عفت و پاکدامنی ، راه تکامل و تعالی زن و زمینه ساز برخورداری او از الطاف و عنایات الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که عفت و پاکدامنی مریم(س)، موجب شد که او رشد کرده و به حدی برسد که از الطاف ویژه الهی برخوردار باشد و روح بلند مسیح(ع) با عنایت الهی در او دمیده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 29 - 2

ص: 344

2- تأثیر پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، در تعدیل غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (بخل ، آزمندی ، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا .. إِلَّا ... وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَـ فُظُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 5

5- پاکدامنی ، رعایت امانت ، وفای به عهد ، ادای شهادت و مراقبت از نماز ، از موجبات ورود به بهشت

و الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَـ فُظُون ... وَ الَّذِينَ هُمْ لَأْمَنَ تَهُم وَ عَهْدِهِمْ رِعُونَ . وَ الَّذِينَ هُمْ بِش

40- ارزش عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 15 - 15

15_ ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 5 - 7

7_ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان *

و طعامکم حل لهم

بنابر اینکه جمله «طعامکم حل لهم» اخبار از حکمی در شریعت آنان باشد. یعنی آنان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 2

2- دل بستگی زن ، تنها به همسر خویش و چشم ندوختن به اجنبی ، از جمله برترین ارزش های او است .

فیهنَّ قَـ صِرَتِ الطَّرْفِ

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر به دست می آید: الف) «قاصرات الطرف» به معنای چشم نداشتن به اجنبی باشد. ب) آیه شریفه در مقام بیان بهترین ارزش های زنان بهشت است.

41- اهمیت عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 10

10_ لزوم عفت و پاکدامنی برای مردان و حفظ حدود الهی در مسائل جنسی

محصلین غیر مسافحین

ص: 345

«محصنین»، حال است برای فاعل «ابتغاء». یعنی انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی باید به صورت حلال باشد، نه به صورت زنا و بی عفتی. گفتنی است که «سفاح» به معنای زنا و بی عفتی است و «غیر مسافحین»، تأکید برای محصنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 18

18 _ جواز ازدواج با کنیز، مشروط به پاکدامنی او

فمن ما ملکت ایمانکم .. محصنات غیر مسافحات

ظاهراً کلمه «محصنات»، حال است برای «ما ملکت ایمانکم». بنابراین جواز ازدواج را مشروط می کند به احصان و پاکدامنی کنیز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 15

15 _ همسرانی که خود را در نهان از هر آلودگی حفظ می کنند، همسرانی شایسته هستند.

فَالصَّالِحَاتُ .. حافظات للغیب

بدین احتمال که مفعول «حافظات»، «انفسهن» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 25, 26, 28

25 _ پاکدامنی و عفت مردان، از شرایط حلیت ازدواج آنان با زنان عفیف و پاکدامن

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

«اخذان» جمع «خذن» به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از رفاقت‌های جنسی نامشروع است و «مسفحین» از «سفاح» به معنای زناست. گفتنی است برداشت فوق بر این مبناست که «محصنین» حال برای «کم» در «لکم» و عامل آن «احل» باشد.

26 _ ضرورت رعایت عفت و پاکدامنی برای مردان

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

28 _ اهتمام اسلام به عفت و پاکدامنی جامعه

والمحصنت من المؤمنت و المحصنت .. محصنين غير مسفحين و لا متخذى اعدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 33 - 3

3_ رنج و محنت در راستای اطاعت خدا و حفظ حریم عفت ، امری محبوب و ارزشمند برای یوسف (ع) و بندگان خالص خداوند

رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 52 - 6

ص: 346

6_ رعایت عفت و پرهیز از خیانت به ویژه در نهان و به دور از چشم مردم، خصلتی ارزشمند و نیکوست.

ذَلِك لِيَعْلَمَ اَنْى لَمْ اُخْنِه بِالْغَيْبِ

«بالغیب» (در نهان) می تواند حال برای ضمیر فاعلی و نیز برای ضمیر مفعولی در «لم أخنه» باشد. بنابراین «لم أخنه بالغیب»؛ یعنی، به او خیانت نکردم آن گاه که وی [از چشم ما] نهان بود و یا من از او در نهان بودم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 56 - 19

19_ عفت و پاکدامنی، امانت و صداقت، یکتاپرستی، کتمان نکردن دانش و مسؤولیت پذیری، از مصادیق نیکوکاری است.

و لَانْضِيعَ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

از مصداقهای مورد نظر برای «المحسنین» یوسف(ع) است. بنابراین توصیفها و ویژگیهای یاد شده برای او، مصادیق احسان و نیکوکاری در دیدگاه قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 3

3 - حفظ و نگه داری دامن از آلودگی های جنسی، توصیه خدا به اهل ایمان

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... و الذین هم لفروجهم ح_فظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 6 - 1

1 - لزوم حفظ و نگه داری دامن از همگان، جز از همسر و کنیز خویش

و الذین هم لفروجهم ح_فظون. إلا علی أزوجهم أو ما ملکتم ایم_نهم

استثنا در آیه فوق، استثنای مفرغ (خالی از مستثنی منه) است. با توجه به این که حذف «مستثنی منه» در کلام موجب، جایز نیست، حذف آن در آیه بالا، بدان جهت است که «حافظون» متضمن معنای نفی است؛ یعنی، «لایرسلونها علی أحد إلا علی أزوجهم أو ما ملکتم ایمانهم؛ مؤمنان در آمیزش با احدی، خود را آزاد و رها نمی سازند؛ مگر با همسران خود یا کنیزانی که در تملک آنان قرار دارند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - عفت و پاکدامنی برای زنان - حتی سالخوردهگان - در جهت خیر و صلاح خود آنان است .

وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 8

8 - چشم پاکی و دوشیزگی ، از کمالات زن است .

فِيهِنَّ قَصْرُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «قاصرات الطرف» اشاره به چشم پاکی زنان و «لم يطمثهنّ..» اشاره به دوشیزگی آنان باشد.

ص: 347

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 30 - 1

1 - لزوم حفظ و نگه داری دامن از همگان ، جز از همسر و کنیز خویش

و الذین هم لفروجهم حفظون . إلا علی أزوجهم أو ما ملکت أیمانهم

42- توصیه به عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 4 - 2

2 - پاکدامنی و طهارت نفس از هر گونه آلودگی ها و گناهان ، از توصیه های نخستین خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ثیابک فطهر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که طهارت لباس، کنایه از طهارت نفس و روح و جان باشد (مانند پاکدامنی، پاکدلی و ..).

43- خیریت عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 10

10 - عفت و پاکدامنی برای زنان - حتی سالخوردگان - در جهت خیر و صلاح خود آنان است .

و أن یتستغفن خیر لهنّ

44- ظلم بی عفتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 29

29_ ارتکاب زنا و شکستن حریم عفاف ، ستم کاری است .

قال معاذ الله . . . إنه لا یفلح الظالمون

مفاد «معاذ الله» این است که ارتکاب فحشا گناه است و مفهوم «إنه ربی . . .» این است که ارتکاب گناه و فحشا، ناسپاسی در برابر خدا و

قدرناشناسی اوست. از آن رو که «إِنَّه لَایفَلح الظالمون» تعلیل برای این مفاهیم است، معلوم می شود ارتکاب فحشا و نیز ناسپاسی خدا با ارتکاب گناه، از مصداقهای ظلم می باشد.

ص: 348

45- عَفْتٌ در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 15

15 _ ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

46- عَفْتٌ کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 22

22 _ پاکدامنی کنیز پس از ازدواج ، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهریه) متعارف به وی *

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متخذات اخدان

بنابر اینکه «محصنات غیر مسافحات»، حال برای مفعول اول «اتوهنّ» باشد که در این صورت «محصنات» قید برای «اتوا» می شود.

47- عوامل عَفْتٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 49

49 _ وفاکنندگان به سوگند ، راستگویان در گفتار و دارندگان استقامت قلب و عفت در شکم و شهوت ، از راسخان در علم هستند .

و الراسخون فی العلم

رسول الله (صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از مفهوم راسخان در علم فرمود: من برّ یمینه و صدق لسانه و استقام قلبه و من عَفْتٌ بطنه

و فرجه فذلک من الراسخین فی العلم

الدر المنثور، ج 2، ص 151.

48- فضیلت عَفْتٌ

6_ ارجمندی عفت نفس ، خویشتن داری و تظاهر به بی نیازی ، علی رغم نیازمندی شدید

يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ اغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ .. لَا يَسْئَلُونَ النَّاسَ الْحَافًا

چون آیه در مقام مدح چنین افرادی است، صفات شمرده شده به عنوان ارزش تلقی می شود. گفتنی است که «الحاف» به معنای اصرار است و جمله «لا یسئلون» به قرینه «یحسبهم الجاهل اغنیاء» و نیز به قرینه «تعفف» باید به این معنا باشد

ص: 349

که تقاضا نمی کنند تا به اصرار منجر شود؛ نه اینکه تقاضا می کنند ولی اصرار نمیورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 29 - 3

3 - عفت و پاکدامنی ، خصلتی شایسته و عملی بایسته

و الذین هم لفروجهم ح_فظون

49- فطريت عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 5

5 - غیرت و اهتمام به پاکیزگی همسر از هوس بیگانگان ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر *

فیهنَّ ق_صرت الطرف لم یطمثهنَّ انس قبلهم ولا جانّ

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت پاکدامنی همسرانشان را می دهد؛ استفاده می شود که تمایل به پاکی همسر، خواسته ای است اصیل که خداوند آن را برآورده ساخته است؛ نه تمایلی تلقینی و زاییده فرهنگ و محیط.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 74 - 2

2 - تمایل به عفت و پاکدامنی ، ارزشی نهفته در نهاد خلق

لم یطمثهنَّ انس قبلهم ولا جانّ

از این که خداوند به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت عفت و پاکدامنی همسران بهشتی شان را می دهد؛ استفاده می شود که تمایل به آن خواسته ای است اصیل که خداوند آن را برآورده ساخته است؛ نه تمایلی تلقینی و زاییده فرهنگ و محیط.

50- نشانه های عفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 60 - 9

9 - حجاب و پوشش زنان ، نشان عفت آنان و حافظ پاکدامنی ایشان

و القواعد من النساء .. فليس عليهنّ جناح أن يضعن ثيابهنّ ... و أن يستعففن خير له

آیه شریفه به زنان سالخورده، یادآور می شود که رعایت حجاب برای آنان بهتر از بی حجابی است _ هر چند آنان مجاز به ترک حجاب اند _ و خداوند از این مسأله به «عفت گزینند و خویشان داری کنند» تعبیر فرموده است. این تعبیر می تواند گویای این حقیقت باشد که حجاب، نشان عفت و حافظ پاکدامنی زنان است.

ص: 350

1- عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 134 - 4,7

4_ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدت للمتقين. الذين ينفقون... و الكاظمين الغيظ والعافين عن الناس

7_ انفاق مستمر (انفاق در هر شرایط) ، مهار کردن خشم و گذشت از لغزش های مردم ، از مصادیق احسان و نیکوکاری

الذين ينفقون في السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس وال

مراد از «و الله يحب المحسنين»، این است که خداوند دارندگان صفات ذکر شده در آیه را دوست دارد یعنی: و الله يحبهم. ولی به جای ضمیر، کلمه «المحسنين» به کار رفته تا در ضمن، اشاره کند که موارد یاد شده از مصادیق نیکوکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 148 - 5

5_ بخشایش گناهان و گذشت از اسراف ها و زیاده روی ها و ثبات قدم ، پاداش الهی به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربنا اغفر... فاتهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الآخرة

2- آثار عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 237 - 9

9_ گذشت انسان از حق خویش ، راهی نزدیک برای رسیدن به تقوا

و ان تعفوا اقرب للتقوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 136 - 5

5_ انفاق، فرو بردن خشم، گذشت از خطای مردمان و استغفار، از اسباب بهره مند شدن آدمی از آمرزش الهی

سارعوا الی مغفره من ربکم .. الذین ینفقون ... اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم

مراد از «سارعوا الی مغفره ..»، شتاب به اسباب مغفرت است ... و جمله «اولئک جزاؤهم مغفره» با توجه به مشارّالیه آن،

ص: 351

بیانگر آن اسباب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 16

16_ نقش سازنده گذشت، در بقای کانون خانواده و تحکیم بنای همسری

ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح و ان تحسنوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 8

8_ نیکی به مردم در آشکار و نهان و گذشت از بدی های ایشان، در پی دارنده عفو الهی

ان تبدوا خیراً أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإنّ الله کان عفواً قديراً

از جمله مصادیق مورد نظر برای کلمه «خیر»، به قرینه «او تعفوا عن سوء» که بیانگر گذشت از خطاهای دیگران است، احسان و نیکی به مردم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 32

32_ عفو و گذشت، مایه جلب محبت خداوند

فاعف عنهم و اصفح إنّ الله یحبّ المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 16

16 - مؤمنان باگذشت، مورد غفران و آمرزش خدا قرار دارند.

و لیعفوا و لیصفحوا ألا تحبّون أن یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 37 - 10

10 - در گذشتن از خطای دیگران به هنگام غضب ، مایه برخورداری انسان از نعمت های جاودان آخرت

و ما عند الله ... للذین ءامنوا ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 7

7 - در مقابله با بدی ، تنها عفو و گذشت کارساز نیست ؛ بلکه باید درصدد هدایت خطاکار برآمد . *

فمن عفا و أصلح

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «أصلح» توضیح و نتیجه «عفی» نباشد بلکه حامل پیام مستقل باشد.

ص: 352

3- آثار عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 15

15 - عفو و گذشت کریمانه از خطاهای دیگران، زمینه ساز جلب غفران و آمرزش الهی است.

و لیعفوا و لیصفحوا ألا تحبون أن یغفر الله لکم

4- آثار عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 45 - 12، 13

12 - چشمپوشی از قصاص در پی دارنده آمرزش گناهان صاحب حق

فمن تصدق به فهو کفاره له

13 - چشمپوشی از حق قصاص، موجب آمرزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو کفاره له

چنانچه ضمیر «له» به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله «فهو کفاره له» علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

5- آثار عفو از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 5 - 4

4 - اصلاح رفتار فاسد و جبران ضرر و زیان آثار اجتماعی گناه، از شرایط توبه حقیقی است.

إلا الذین تابوا من بعد ذلک و أصلحوا

6- آثار عفو بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی، و شب زنده داری، حلم، ترس از قیامت، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق و دعا و نیایش، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین یقولون ربّنا... أولئک یجزون العرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن _ به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند _ مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

ص: 353

7- آثار عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 160 - 8

8_ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسيئه فلا يجزى إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 7

7- عفو الهی نسبت به بسیاری از گناهان، مانع بروز مصیبت های بیشتر و ویرانگر برای جامعه و مردم

و ما أصـبـکم . . . و یعفو عن کثیر

از ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، استفاده می شود که بخشودگی بسیاری از گناهان، موجب می شود که بازتاب آن دامنگیر انسان نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 34 - 5

5- عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أو یوبقهنّ بما کسبوا و یعف عن کثیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 24

24- نعمت های الهی بر بندگان، ناشی از فضل و بخشش او است؛ نه استحقاق و طلب مندی آنان.

یبتغون فضلاً من الله و رضوناً

تعبیر «فضلاً» می تواند شامل تمامی درخواست ها و تمایلات مؤمنان باشد. در این صورت هر نعمتی «فضل» الهی است؛ نه اجر براساس استحقاق.

8- آثار عفو فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 13

13 - عفو، گذشت و چشم پوشی از دشمنی ها و خطا های همسران و فرزندان، عامل جلب غفران و رحمت خداوند است .

وإن تعفوا و تصفحوا و تغفروا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ص: 354

9- آثار عفو همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 13

13 - عفو، گذشت و چشم پوشی از دشمنی ها و خطا های همسران و فرزندان، عامل جلب غفران و رحمت خداوند است.

وإن تعفوا و تصفحوا و تغفروا فإنّ الله غفور رحيم

10- ارزش عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 12، 11

11 - ولیّ مقتول، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد.

فمن عفى له من أخيه شيء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه «أخيه» به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

12 - ارزش عفو در حال قدرت بر انتقام

فمن عفى له من أخيه شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 15، 14، 8

8 - ارزشمندی و استحباب گذشت انسان از حقّ خویش

وإن تعفوا اقرب للتعوی

14 - طلاق و مشکلات خانوادگی، نباید موجب فراموشی ارزش ها و فضیلت ها (همانند عفو و احسان) گردد.

وإن طَلَّتموهنَّ... و إن تعفوا اقرب للتعوی و لا تنسوا الفضل بینکم

15 - لزوم توجه دائمی به گذشت در روابط اجتماعی

و لا تنسوا الفضل بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 11

11 - عفو و گذشت از خطاهای جنگی رزمندگان (تخلف از دستورات فرماندهی و . . .) امری نیکو و پسندیده

و لقد عفا الله عنهم ان الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 126 - 9

9- « عن علی بن الحسین (ع) : . . . و أما حق من ساءك القضاء علی یدیه بقول أو فعل فإن كان تعمدھا كان العفو أولى بك لما فيه له من القمع و حسن الأدب . . . قال عزوجلّ : « . . . و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین » . . . فإن لم یکن عمداً لم تظلمه . . . »

ص: 355

از امام سجاده (ع) روایت شده است که: .. اما حق کسی که از جانب او سخن یا عمل به تو بدی رسیده این است که: اگر بدی او عمدی باشد، گذشت از او برای تو بهتر است؛ زیرا این گذشت موجب منصرف شدن آن شخص از بدی کردن و ادب نیکو برای او می شود ... خدای عزوجل فرمود: «... و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین» ... و اگر بدی او عمدی نبوده (با این گذشت) به او ظلم نکرده ای».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 16

16 - گذشت از خطاها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر، کاری است شایسته و خداپسندانه .

أنا أدعوكم إلى العزيز الغفّر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 8

8 - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا وأصلح فأجره على الله

ذکر «أصلح» پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 5، 1

1 - شکیبایی و بخشش خطاکار، امری ارزشمند و نیازمند اراده قوی است .

و لمن صبر و غفر إن ذلك لمن عزم الأمور

اضافه «عزم» به «أمور»، از باب اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، «من الأمور المعزومه» معنای این ترکیب در آیه _ چنان که مفسران گفته اند _ این است که صبر و گذشت، از اموری است که نیازمند به تصمیم و اراده استوار، می باشد.

5 - انسان های برخوردار از اراده قوی و خویشتن دار و اهل گذشت ارزشی والا دارند .

و لمن صبر و غفر إن ذلك لمن عزم الأمور

11- امیدواری به عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 99 - 4، 1

1_ امید به عفو الهی، برای مستضعفان ناتوان از هجرت

ألا المستضعفين... لا يستطيعون حيلة... فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

4_ کسانی که از انجام تکالیف الهی معذورند، باید به عفو الهی امیدوار باشند.

ص: 356

12- اهمیت عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 3

3_ لزوم پرده پوشی نیاز نیازمندان و عفو و گذشت از خطای آنان

قول معروف و مغفره خیر

کلمه «مغفره» در اصل به معنای پوشاندن است و معنای آن به تناسب مورد، عفو و گذشت و پوشاندن نیازمندی نیازمندان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 21

21_ عفو و عطوفت از وظایف مدیران و والیان جامعه

و اعف عتّا و اغفر لنا و ارحمنا و انت مولینا

چون جمله «انت مولینا» به منزله علت برای جمله سابق است، می توان نتیجه گرفت که هر کس نسبت به دیگری نحوی از ولایت را به اذن خداوند دارا باشد، باید عفو و .. را نسبت به او اعمال کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 10

10_ شرح صدر، گذشت و تحمل برخورد های مخالفین، از وظایف رهبران الهی

اولئک الذین .. فاعرض عنہم و عظمہم و قل لهم فی انفسہم قولاً بلیغاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 31

31_ عفو و گذشت، حتی نسبت به کافران، احسان و نیکی است.

فاعف عنہم و اصفح إنّ اللّٰه یحب المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 15

15 - ضرورت پرهیز از خرده گیری بر انسان های باگذشت

فمن تصدق به فهو كفاره له

خداوند به صاحبان حق قصاص در صورت گذشت آنان از حق خود، وعده آمرزش داده است و این درسی است به بندگان که از لغزش انسانهای باگذشت چشمپوشی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 357

15- برخورد کریمانه و عفو و اغماض از آزار و اذیت دیگران - حتی کافران و دشمنان - امری شایسته و پسندیده است .

فاصفح الصفح الجمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 17

17 - عفو و گذشت کریمانه ، اخلاقی الهی و رفتاری خدا گونه

و لیعفوا و لیصفحوا ألا تحبون أن یغفر الله لکم

جمله «والله غفور رحیم» به منزله تعلیل برای جمله «و لیعفوا و لیصفحوا» است؛ یعنی، چون خدا غفور و رحیم است پس شما هم خود را متخلق به اخلاق او کنید و از دیگران درگذرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 2

2- نظام حقوقی دین ، طرفدار حاکمیت روحیه عفو و بخشش بر جامعه بشری و روابط انسانی

و لمن انتصر بعد ظلمه ... و لمن صبر و غفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 14

14- جهت گیری اصلی اسلام ، به سمت عفو و امتنان و نه انتقام و سودجویی

فإما منّا بعد و إما فداء

از این که خداوند نخست موضوع عفو و گذشت بدون عوض را مطرح ساخته و در مرحله بعد، مسأله گرفتن «فدیه» را مجاز شمرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 11

11 - اسلام، دین رأفت، مدارا کردن و گذشت است.

عدوًا لكم فاحذروهم و إن تعفوا و تصفحوا و تغفروا

توصیه و ترغیب به گذشت، عفو و چشم پوشی - حتی درباره کسانی که به انسان دشمنی کرده اند - گویای مطلب یاد شده است.

13- اهمیت عفو از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 14

14- گذشت و برخورد کریمانه با دشمنان و کافران در ابتدای نهضت اسلامی و تبلیغات دینی، امری لازم و بایسته است.

فاصفح الصفح الجمیل

ص: 358

نزول آیه فوق _ که از گذشت و عفو سخن به میان آورده است _ (در نیمه اول بعثت) و از جانب دیگر دستور به برخورد شدید با کافران و دشمنان در مدینه (نیمه دوم بعثت) می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

14- اهمیت عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 35 - 13

13 - گذشت و چشم پوشی خداوند از گناهان بزرگ ، بسی با اهمیت تر از پاداش های بزرگ او است .

ليكفّر الله عنهم أسوأ الذي عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

از تقدم ذكرى «ليكفّر الله...» بر «يجزيهم...» می توان برداشت بالا را به دست آورد.

15- اهمیت عفو دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 14

14- گذشت و برخورد کریمانه با دشمنان و کافران در ابتدای نهضت اسلامی و تبلیغات دینی ، امری لازم و بایسته است .

فاصفح الصفح الجميل

نزول آیه فوق _ که از گذشت و عفو سخن به میان آورده است _ (در نیمه اول بعثت) و از جانب دیگر دستور به برخورد شدید با کافران و دشمنان در مدینه (نیمه دوم بعثت) می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

16- پاداش عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 2

2_ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذين يمشون على الأرض هوناً.. و الذين لا يشهدون الزور... أولئك يجزون الغرفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزواً سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

8 - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

ص: 359

ذکر «أصلح» پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

17- تشویق به عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 11

11 _ گذشت خانواده مقتول از دیه ، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

الَّا ان یصدَّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 10، 4

4 _ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند ، به گذشت از کسانی که به ایشان بدی کرده اند .

إن تبدوا .. أو تعفوا عن سوء فإنَّ اللهَ کان عفواً قديراً

10 _ خداوند با حفظ حق انتقام برای ستمدیدگان ، آنان را به عفو و گذشت تشویق کرده است .

لا یحب اللهَ الجهر بالسوء .. أو تعفوا عن سوء فإنَّ اللهَ کان عفواً قديراً

جمله «ان تبدوا .. او تعفوا»، می تواند تکمیل و توضیح «الا من ظلم» باشد. یعنی در عین اینکه برای مظلوم جایز است تا ماهیت ظالم را افشا کند، ولی بهتر است آبروی او را حفظ کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 14

14 _ ترک انتقام و گذشت از حقوق شخصی ، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

فمن تصدق به فهو كفارة له

18- توصیه به عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 13

13 - عفو و گذشت کریمانه از لغزش های دیگران ، توصیه الهی به اهل ایمان

و لیعفوا و لیصفحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 3

3 - خویشتن داری و گذشت به جای انتقام جویی و مقابله به مثل ، توصیه اکید خداوند به دادخواهان ستمدیده است .

و لمن انتصر بعد ظلمه ... و لمن صبر و غفر إنّ ذلك لمن عزم الأمور

لام در «لمن صبر» لام قسم و در «لمن عزم الأمور» لام تأکید است که در هر دو نمایانگر اهمیت توصیه الهی به عفو و

ص: 360

گذشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 12

12 - خطاپوشی از لغزش های کوچک خطاکاران ، رهنمود الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مبلغان دینی

الذین یجتنبون ... إلاّ اللّٰم إن ربک وسع المغفره

واژه «إن ربک» می تواند تعریض به این باشد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبران الهی نیز باید این شیوه را برگزینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 9

9 - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر عفو ، چشم پوشی و بخشودن دشمنی های همسران و فرزندان خویش

عدواً لکم ... و إن تعفوا و تصفحوا و تغفروا

19- جرایم غیر قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 66 - 8

8 - سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه ، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نفع عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمین

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند _ در برابر عفو گروهی دیگر _ می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 8

8 _ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نفع عن طائفه ... نعذب طائفه ... بعضهم من بعض

«بعضهم من بعض» تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

20- جرم غیر قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 6

6 - کیفر « قذف » (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنات .. فاجلدوهم ثم نین جلدہ

ص: 361

21- جرم قتل بعد از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 26

26 - ولیّ مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جمله «فله عذاب أليم» را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال است.

22- حق قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 8,9,10,11

8 - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از «من» قاتل و مقصود از «أخیه» ولیّ مقتول می باشد. ضمیرهای «له» و «أخیه» به «من»، یعنی قاتل باز می گردد و «شیء» عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله «فمن عفی ...» چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولیّ مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

9 - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

10 - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از «شیء» چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن «شیء» اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

11 - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه «أخیه» به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

23- درخواست عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 17، 15

15_ درخواست مؤمنان از خداوند مبنی بر تحمیل نکردن عقوبت های طاقت فرسا بر آنان

ص: 362

و لا تحمّلنا ما لا طاقة لنا به

چون در بخشهای قبلی تکالیف مشقّتبار مطرح شده و نفی گردیده است (لا يكلف الله نفساً الاّ وسعها)، الزاماً این بخش از آیه می تواند مشقّت و دشواری در غیر تکالیف باشد که همان عقوبت و عذاب است.

17 - مؤمنان ، خواستار عفو (رفع آثار گناه) ، غفران و رحمتِ پروردگارِ خویش

و اعف عتّا و اغفر لنا و ارحمنا

24- زمینه عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 1

1 - شکیبایی و بخشش خطاکار ، امری ارزشمند و نیازمند اراده قوی است .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلك لمن عزم الأمور

اضافه «عزم» به «أمور»، از باب اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، «من الأمور المعزومه» معنای این ترکیب در آیه _ چنان که مفسران گفته اند _ این است که صبر و گذشت، از اموری است که نیازمند به تصمیم و اراده استوار، می باشد.

25- زمینه عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 7

7 - احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصّینا الإنسـن . . . أوزعنی أن أشکر . . . و أن أعمل صـلحاً ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و . . . یاد شده است؛ در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه «أولـنک» این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

26- زمینه عفو دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 12

12- عقیده به قیامت و هدف داری و حکمت آمیز بودن جهان خلقت ، موجب آسانی تحمل مشکلات و مقتضی گذشت و نادیده گرفتن اذیت و آزار و آسیب های وارده از سوی دشمنان است .

و ما خلقنا السموت .. إلا بالحقّ ... فاصفح الصفح الجمیل

«فا» در «فاصفح» تفریع است و جمله «فاصفح . . .» را بر جمله «و ما خلقنا السموات ... إلا بالحق و إن الساعه لأتیه» عطف کرده است. بنابراین، استفاده می شود که به حق آفریده شدن جهان اقتضا دارد تا انسان حق طلبی همچون رسول الله (صلی الله علیه و آله) در مسیر حق بردبار باشد و تلاش خود را در برابر حق ناپذیری کافران بیهوده نپندارد.

ص: 363

27- زمینه عفو دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 37 - 11

11 - نقش ایمان در غلبه انسان بر هیجانات درونی خویش و گذشت از خطای دیگران

لذین ءامنوا .. و إذا ما غضبوا هم یغفرون

از تقدیم ضمیر فاعل (هم) بر «یغفرون» - که به زبان اهل بلاغت برای تقوی و قوت یافتن حکم است - استفاده می شود که در پرتو ایمان مطمئناً می توان بر خشم و غضب خویش فائق آمد.

28- سختی عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 126 - 8

8- گذشت از دشمن و نادیده گرفتن اذیت و آزارش ، امری دشوار و نیازمند شکیبایی است .

و إن عاقبتهم فعاقبوا .. و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 8

8_ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أولَـ

29- شرایط عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 64 - 10

10_ شرط گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آنهاست .

و لو اثمهم اذ ظلموا .. و استغفر لهم الرسول ... لوجدوا الله تواباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 39 - 5

5_ معافیت قانونی سارق از حد سرقت در صورت توبه و اصلاح (خودسازی) *

فمن تاب . . . و اصلح فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

یادآوری پذیرش توبه سارق پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به سقوط حد از وی باشد.

ص: 364

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 9

9- عفو الهی نسبت به لغزش های انسان ها ، منوط به برخورداری وی از اعمالی نیک و مورد قبول خداوند

أولئك الذين نتقبل عنهم... و نتجاوز عن سيئاتهم

موضوع قبول اعمال نیک، قبل از «نتجاوز عن سيئاتهم» مطرح شده است. از این نکته استفاده می شود که اعمال نیک و مورد قبول خداوند، زمینه عفو لغزش ها را فراهم آورده است.

30- شرایط عفو اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 3

3- مشرکان ، در عصر اصحاب کهف ، در صورت بازگشت کامل یکتاپرستان به شرک ، از کیفر آنان چشم پوشی می کردند .

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملتهم

در اصل، باید برای فعل «یعیدوکم» حرف «الی» به کار رود؛ جایگزینی حرف «فی» گویای این است که چنانچه اصحاب کهف، به طور کامل، در شرک مستقر شوند و هیچ گفته و کرداری خلاف آن نداشته باشند، مشرکان، از سنگ سار آنان صرف نظر خواهند کرد.

31- شرایط عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 25 - 9

9- صلاح پیشگی ، از شرایط لازم برخورداری از عفو و آمرزش خداوند

إن تکنونوا صلحین فإنه کان للأوین غفوراً

32- صبر در عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 8

8_ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن

باطل ، امرى دشوار و مقتضى صبر و شكيبايى

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أولـ

ص: 365

33- ظلم عفو ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 29 - 7

7- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا *

ما یبدل القول لدیّ و ما أنا بظلمّ م للعبید

برداشت بالا- بدان احتمال است که «و ما أنا بظلامّ..» تعلیل «ما یبدل...» باشد؛ یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی - چون ظلمی نیست - تبدیل قول هم نخواهد بود.

34- عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 32

32_ خداوند ، همواره « عفو » (بسیار با گذشت) و « غفور » (بسیار آمرزنده) است .

انّ الله کان عفوّاً غفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 6

6_ خداوند ، بسیار بخشنده و تواناست .

فإنّ الله کان عفوّاً قدیدراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 60 - 7

7- خدا ، عفوّ (با گذشت) و غفور (آمرزنده) است .

إنّ الله لعفوّ غفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خداوند، « عفو » (درگذرنده) و « غفور » (آمرزنده) است .

وإنَّ اللهَ لعَفْوٌ غفورٌ

35- عفو از اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 148 - 5

5_ بخشایش گناهان و گذشت از اسراف ها و زیاده روی ها و ثبات قدم، پاداش الهی به مجاهدان صابر و نیایشگر

ص: 366

ربنا اغفر .. فاتيهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره

36- عفو از اصحاب يمينا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 4

4 - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . *

فأما من أوتي كتبه يمينا . فسوف يحاسب حساباً يسيراً

نادیده گرفتن «سینات» _ که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده _ مصداق حساب آسان است.

37- عفو از انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 149 - 10، 9، 7

7 _ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فإن الله كان عفواً قديراً

9 _ عفو ، در عین قدرت بر انتقام ، تخلقی به اخلاق الهی است .

أو تعفوا عن سوء فإن الله كان عفواً قديراً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «فان الله ..» ، جانشین جواب شرط بوده و تقدیر کلام را این گونه بدانیم «ان تعفوا عن سوء فقد تخلقتم باخلاق الله ان الله كان عفواً قديراً» یعنی اگر خطای دیگران را نادیده انگارید، به صفتی از صفات خداوند متخلق شده اید که آن، عفو در عین قدرت است.

10 _ خداوند با حفظ حق انتقام برای ستمدیدگان ، آنان را به عفو و گذشت تشویق کرده است .

لا يحب الله الجهر بالسوء .. أو تعفوا عن سوء فإن الله كان عفواً قديراً

جمله «ان تبدوا .. او تعفوا»، می تواند تکمیل و توضیح «الا من ظلم» باشد. یعنی در عین اینکه برای مظلوم جایز است تا ماهیت ظالم را افشا کند، ولی بهتر است آبروی او را حفظ کند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - ترک انتقام و گذشت از حقوق شخصی ، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

فمن تصدق به فهو كفاره له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 128 - 8

8- گذشت از دشمن و چشم پوشی از انتقام و مقابله به مثل در راه تبلیغ دین ، از مصادیق احسان است .

وإن عاقبتهم فعاقبوا... و لئن صبرتم لهو خیر للصلبرین... إن الله مع... و الذین

ص: 367

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 16

16 - گذشت از خطاها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر، کاری است شایسته و خداپسندانه.

أنا أدعوكم إلى العفـر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

38- عفو از اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 15 - 7

7 - چشمپوشی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از افشا و بیان حقایق مخفی شده توسط اهل کتاب

بین لکم . . . و یعفوا عن کثیر

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از «کثیر»، به قرینه فراز پیشین، حقایق مخفی شده باشد. بنابراین عفو به معنای فاش نساختن و مسکوت گذاشتن است.

39- عفو از بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 7

7 - در مقابله با بدی، تنها عفو و گذشت کارساز نیست؛ بلکه باید درصدد هدایت خطاکار برآمد. *

فمن عفا و أصلح

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «أصلح» توضیح و نتیجه «عفی» نباشد بلکه حامل پیام مستقل باشد.

40- عفو از برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 1

1_ یوسف (ع) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لا تثریب علیکم

روا نداشتن سرزنش برادران که جمله «لا تثریب . . .» گویای آن است ، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 368

1_ یعقوب (ع) از ستم فرزندان در حق خویش درگذشت و آنان را بخشود.

قال سوف أستغفر لکم ربی

41- عفو از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 52 - 1,4,5

1 - خداوند، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد.

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

4 - آمرزش گناه ارتداد و گوساله پرستی بنی اسرائیل، از نعمت های بزرگ خداوند بر آنان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

چون آیه های این بخش از سوره، در صدد بیان نعمتهای الهی به بنی اسرائیل است، مفاد جمله «عفونا عنکم» نیز به منظور بیان نعمت ایراد شده است و از آن جا که این معنا با حرف «ثم» به دیگر نعمتها عطف گردیده، اشاره به رتبه برتر نعمت آمرزش نسبت به نعمتهای دیگر دارد.

5 - امتنان خدا بر بنی اسرائیل به خاطر آمرزش گناه گوساله پرستی ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک

روشن است که عفو از گناه پس از ارتکاب آن است. بنابراین «من بعد ذلک» بیانگر زمان آمرزش نخواهد بود؛ بلکه اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل استحقاق آمرزش را نداشت، ولی مع ذلک خداوند بر آنان تفضل کرده و گناهمشان را بخشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 27,28,29

27_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به عفو و گذشت از خطاهای بنی اسرائیل و ترک هرگونه تعرض نسبت به آنان

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه ضمیر «عنهم» به همه بنی اسرائیل برگردد.

28_ وجود گروهی متعهد در میان بنی اسرائیل ، دلیل امر الهی به عفو و مدارای پیامبر (صلی الله علیه و آله) با همه آنان

إلا قليلا منهم فاعف عنهم و اصفح

تقریب عفو با کلمه «فاء» بر جمله «و لا تزال . . . الا قليلا منهم»، اشاره به برداشت فوق دارد.

29_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور عفو و گذشت از غیر خائن بنی اسرائیل

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه مراد از ضمیر در «عنهم»، تنها گروه غیر خائن باشد.

42- عفو از تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 27

ص: 369

27_ گذشت از خطاکاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطاهای ایشان ، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است .

من بعد أن نزع الشيطان بيني وبين إخوتي

43- عفو از حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 10،20

10_ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

20_ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً أو اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسكنی و لاتطلقنی و ادع لك ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له كله .

کافی، ج 6، ص 145، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 558، ح 600.

44- عفو از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 12،13،16

12_ گذشت از خطاکاران ، و طلب آموزش برای ایشان و مشورت در امور اجتماعی ، وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به مسلمانان

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

13_ گذشت از خطای مردم و طلب آموزش برای آنان و نیز مشورت با مسلمانان در مسائل اجتماعی ، نمودی از مهربانی و خلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لو كنت فظاً غليظ القلب .. فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

تفریع جمله «فاعف عنهم و...» بر جمله های پیشین، که بیانگر خُلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، در حقیقت اشاره به مصادیق و نمونه هایی از خوی نیکوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد. گفتنی است که امر به عفو و... به معنای ادامه دادن آن است.

16_ عفو از خطاکاران پیکار احد، تکلیف الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فاعف عنهم و استغفر لهم

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات نبرد احد، از جمله افراد مورد نظر که پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به نادیده گرفتن خطای آنان است، خطاکاران نبرد احد می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 12

12_ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصیه خداوند به موسی (ع)*

ص: 370

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 16

16 - گذشت از خطاها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر، کاری است شایسته و خداپسندانه.

أنا أدعوكم إلى العزيز الغفّر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 10

10 - عفو، چشم پوشی و بخشودن دشمنی ها و خطا های مردمان، توصیه خداوند به مؤمنان

وإن تعفوا و تصفحوا و تغفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان یک اصل در برخورد با دیگران باشد؛ نه در خصوص برخورد با همسران و فرزندان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 10

10 - بخشودن خطاها و بخشیدن عطاها، شیوه خداوند برای رشد و تربیت انسان ها است.

بربک الکریم

«الکریم» وصفی است که «ربک» را توضیح داده و گوشه ای از ربوبیت خداوند را برجسته کرده است.

45- عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

27_ گذشت از خطاکاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطاهای ایشان ، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است .

من بعد أن نزع الشيطان بيني وبين إخوتي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 96 - 7

7 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : بعث أمير المؤمنين (ع) إلى بشر بن عطار التميمي في كلام بلغه فمرّ به رسول أمير المؤمنين (ع) في بني أسد وأخذه فقام إليه نعيم بن دجاجه الأسدي فأفلقته فبعث إليه أمير المؤمنين (ع) فأتوه به وأمر به أن يضرب فقال له نعيم : أما والله إنَّ المقام معك لذّ وإنَّ فراقك لكفر قال : فلما سمع ذلك منه قال له : يا نعيم قد عفونا

ص: 371

عنك إنَّ اللهَ - عزَّوجلَّ - يقول: « ادفع بالتي هي أحسن السيئه » . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که امیرالمؤمنین(ع) به علت سخنی که بشر بن عطارد تمیمی گفته بود [شخصی را] سراغ او فرستاده. فرستاده امام او را در بنی اسد یافت و بازداشت کرد. نعیم بن دجاجه اسدی برخاست و او را آزاد نمود. امیرالمؤمنین(ع) سراغ نعیم فرستاد و او را آوردند و دستور داد او را بزنند. نعیم گفت: به خدا ماندن با تو ذلت است و جدا شدن از تو کفر است راوی گوید: امام(ع) که این را از او شنید، فرمود: ای نعیم! تو را بخشیدم؛ زیرا خدای - عزَّوجلَّ - می فرماید: «ادفع بالتي هي أحسن السيئه»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 4

4 - تنها انسان های صابر و شکيبا ، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لمن صبر و غفر إنَّ ذلك لمن عزم الأمور

ذکر صبر قبل از غفران، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکيبایی نباشد؛ آتش انتقام در انسان شعلهور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

46- عفو از دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 109 - 20

20 - نادیده گرفتن توطئه دشمنان و گذشت کردن از آزار های ایشان ، مرحله ی تاکتیکی در مبارزه با آنان است .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی الله بامرہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 86 - 6

6- گذشت و اغماض پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دشمنان و کافران ، به خیر و صلاح آن حضرت و در راستای تربیت و کمال اوست .

فاصفح الصفح الجمیل . إن ربک هو الخلق العلیم

جمله «إن ربک . . .» به منزله تعلیل برای «فاصفح . . .» است؛ یعنی، ای پیامبر! گذشت کن؛ زیرا پروردگار و مربی تو می داند که چه کاری به مصلحت و در جهت تربیت و رشد توست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 126 - 8

8- گذشت از دشمن و نادیده گرفتن اذیت و آزارش ، امری دشوار و نیازمند شکیبایی است .

وإن عاقبتهم فعاقبوا .. و لئن صبرتم لهو خیر للصیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 128 - 8

8- گذشت از دشمن و چشم پوشی از انتقام و مقابله به مثل در راه تبلیغ دین ، از مصادیق احسان است .

ص: 372

وإن عاقبتهم فعاقبوا... و لئن صبرتم لهو خیر للصلبرین... إن الله مع... و الذین

47- عفو از دشمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 10

10 - عفو، چشم پوشی و بخشودن دشمنی ها و خطا های مردمان، توصیه خداوند به مؤمنان

وإن تعفوا و تصفحوا و تغفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان یک اصل در برخورد با دیگران باشد؛ نه در خصوص برخورد با همسران و فرزندان.

48- عفو از دیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 11، 10، 9

9_ در صورت چشمپوشی خانواده مقتول از خونبها، پرداخت آن واجب نیست.

و دیه مسلّمه الی اهله الا ان یصدّقوا

10_ بخشش خونبها از سوی خانواده مقتول، نوعی صدقه است.

و دیه مسلّمه الی اهله الا ان یصدّقوا

مراد از «ان یصدّقوا»، گذشت از دیه است. و خداوند از آن به صدقه دادن تعبیر کرد تا اشاره کند به اینکه گذشت از دیه نوعی صدقه است.

11_ گذشت خانواده مقتول از دیه، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

الا ان یصدّقوا

49- عفو از زشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 8، 4

4_ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند ، به گذشت از کسانی که به ایشان بدی کرده اند .

إِنْ تَبَدُّوا... أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوَاً قَدِيراً

8_ نیکی به مردم در آشکار و نهان و گذشت از بدی های ایشان ، در پی دارنده عفو الهی

إِنْ تَبَدُّوا خِيراً أَوْ تَخْفَوْهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوَاً قَدِيراً

از جمله مصادیق مورد نظر برای کلمه «خیر»، به قرینه «او تعفوا عن سوء» که بیانگر گذشت از خطاهای دیگران است، احسان و نیکی به مردم می باشد.

ص: 373

50- عفو از سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 19

19 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به پذیرش بیعت متعهدان به شرایط ایمان ، با وجود پیشینه ناشایست آنان

یَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ... فَبَايِعْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ

از سیاق آیه و شرایط تاریخ نزول آن، استفاده می شود که برخی از زنان بیعت کننده، خطاهایی در گذشته داشته اند که چه بسا پذیرش بیعت آنان دشوار می نموده است؛ ولی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمان داده تا بیعت ایشان را بپذیرد و برای آنان طلب آمرزش کند.

51- عفو از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 16

16_ گذشت ستم دیدگان از ستم پیشگان ، زمینه ساز شمول مغفرت الهی بر ستمکاران است .

لَا تُتْرِكُ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ

52- عفو از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 34 - 2

2_ محاربان مفسد در صورتی که پیش از دستگیری توبه کنند ، به عذاب آخرت گرفتار نخواهند شد .

و لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدُرُوا عَلَيْهِمْ

53- عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 -

8,9,10,11,13,16,18,20,27

8 - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از «من» قاتل و مقصود از «أخیه» ولی مقتول می باشد. ضمیرهای «له» و «أخیه» به «من»، یعنی قاتل باز می گردد و «شیء» عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله «فمن عفی ...» چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

9 - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

ص: 374

فمن عفی له من أخیه شیء

10 - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از «شیء» چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن «شیء» اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

11 - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه «أخیه» به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

13 - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء . . . و أداء إلیه یا حسن

16 - گذشت از قصاص ، مظهر عواطف ایمانی و اخوت اسلامی است .

فمن عفی له من أخیه شیء

18 - اولیای مقتول در صورت گذشت از حق قصاص و مطالبه دیه از قاتل ، باید با وی به گونه ای پسندیده رفتار کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف

فاعل «اتباع» محتمل است ولی مقتول، و محتمل است قاتل باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. بر این مبنا «اتباع بالمعروف»؛ یعنی، اولیای مقتول باید به گونه ای پسندیده با قاتل رفتار کنند؛ وی را آزار ندهند؛ در گرفتن دیه بر او سخت نگیرند؛ و بیش از حد متعارف از او مطالبه نکنند و

20 - تجویز عفو از قصاص و تبدیل آن به دیه ، حکمی است رحمت آفرین برای جامعه اسلامی

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

27 - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص . . . فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از «من» در جمله فوق، قاتل باشد نه ولیّ مقتول. بر این مبنا «ذلک» به «عفو» - که از جمله

«فمن عفی له» به دست می آید - اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 6

6 - قانون قصاص اصل و عفو از آن ، تبصره آن است .

و لكم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 9،10،11،25

9_ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو کفاره له

10_ خودداری از قصاص مجرمان در پیشگاه خداوند پسندیده تر از پافشاری بر قصاص آنان است .

فمن تصدق به فهو کفاره له

ص: 375

وعده آمرزش گناهان به کسانی که از حق قصاص صرفنظر کنند، حاکی از عنایت ویژه خداوند به آنان است.

11 _ چشمپوشی از قصاص بدون دریافت بهایی در مقابل آن، از مصادیق صدقه

فمن تصدق به فهو کفار له

واژه «تصدق» به معنای عفو بدون عوض می باشد.

25 _ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو کفار له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از «فمن تصدق به فهو کفار له» فرمود: یکفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا . . .

کافی، ج 7، ص 358، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 637، ح 226 و 227

54- عفو از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 13 - 31

31 _ عفو و گذشت، حتی نسبت به کافران، احسان و نیکی است .

فاعف عنهم و اصفح إنَّ الله يحب المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 15، 11

11- پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه دار عفو کریمانه و گذشت شایسته از کافران و مشرکان و نادیده گرفتن اذیت و آزار آنان بود .

فاصفح الصفح الجمیل

«صفح» به معنای عفو بدون ملامت کردن و به رخ کشیدن است که از آن می توان گذشت کریمانه و بزرگووارانه برداشت کرد.

15- برخورد کریمانه و عفو و اغماض از آزار و اذیت دیگران _ حتی کافران و دشمنان _ امری شایسته و پسندیده است .

فاصفح الصفح الجمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 86 - 6

6- گذشت و اغماض پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دشمنان و کافران، به خیر و صلاح آن حضرت و در راستای تربیت و کمال اوست .

فاصفح الصفح الجمیل . إن ربک هو الخلق العلیم

جمله «إن ربک . . .» به منزله تعلیل برای «فاصفح . . .» است؛ یعنی، ای پیامبر! گذشت کن؛ زیرا پروردگار و مربی تو می داند که چه کاری به مصلحت و در جهت تربیت و رشد توست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 15 - 5

5 - عفو و گذشت از کافران به هنگام ضرورت، امری شایسته و عمل صالح است .

یغفروا للذین لا یرجون . . . من عمل صـلِحًا

ص: 376

55- عفو از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 7

7_ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا

56- عفو از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 12

12 - خداوند ، با بازگرداندن رحمت خویش بر متخلفان از حکم الهی (حرمت آمیزش در شب های ماه رمضان) گناه آنان را مورد عفو قرار داد .

فتاب علیکم و عفا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 6

6 - عفو خداوند ، نسبت به بسیاری از گناهان و خطا های انسان ها

و يعفو عن كثير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 34 - 5

5 - عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار ، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أو يوبقهنّ بما كسبوا و يعف عن كثير

57- عفو از گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

29_ عفو از گناهکاران مؤمن ، جلوه ای از فضل خداوند

و لقد عفا عنکم و اللّٰه ذو فضل علی المؤمنین

جمله «و اللّٰه ذو فضل . . .» ، به منزله علّتی برای عفو است ؛ یعنی چون خداوند صاحب فضل است از گناه شما صرفنظر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 40 - 7

ص: 377

7_ تعیین موارد اجرای حد و یا سقوط آن و گذشت از مجرمان ، به اراده و مشیت الهی است . *

والسارق و السارقة فاقطعوا ... يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

مراد از جمله «يعذب ...» می تواند حکمی باشد که از جمله «فاقطعوا ...» به دست می آید و مقصود از جمله «يغفر ...» برداشتن آن حکم است که جمله «فان الله يتوب ...» بدان اشاره کرد. گفتنی است که تقدیم عذاب بر مغفرت، این احتمال را تقویت می کند.

58- عفو از لغزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 45 - 15

15_ ضرورت پرهیز از خرده گیری بر انسان های باگذشت

فمن تصدق به فهو كفاره له

خداوند به صاحبان حق قصاص در صورت گذشت آنان از حق خود، وعده آمرزش داده است و این درسی است به بندگان که از لغزش انسانهای باگذشت چشمپوشی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 4

4_ گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلين

59- عفو از متخلفان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 95 - 1

1_ سوگند دروغ منافقان متخلف از جنگ تبوک ، به منظور گذشت کردن مؤمنان از تخلف آنان و متعرض نشدن به آنها

سيحلّفون بالله لكم إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم

60- عفو از مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7_ عفو خداوند از مسلمانان پیکارگر احد، نسبت به فرارشان از آن کارزار

و لقد عفا عنکم . . . اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جمله «لقد عفا عنکم»، می‌رساند که فرار پیکارگران احد (اذ تصعدون . . .) نیز مشمول عفو الهی قرار گرفته است.

ص: 378

61- عفو از مجاهدان احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 24,25

24_ عفو خداوند از سستی ، نزاع و نافرمانی پیکارگران احد

حتّی اذا فشتتم .. و لقد عفا عنکم

25_ شایستگی عفو از تخلفات جنگی پیکارگران

و لقد عفا عنکم

62- عفو از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 4

4_ گذشت و عفو خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به اذن دادن به بهانه جویان (منافقان) برای نرفتن به جنگ تبوک

عفا الله عنک لم اذنت لهم

63- عفو از مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 134 - 3,8

3_ فرو بردن خشم و گذشت از لغزش های مردم ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدت للمتّقین .. و الکاظمین الغیظ و العافین عن التّاس

8_ اتفاق مستمر و در هر شرایط ، مهار کردن خشم و گذشت از لغزش های مردم ، از عوامل جلب محبت الهی

الذّین ینفقون فی السّرّاء و الصّرّاء و الکاظمین الغیظ و العافین عن التّاس و اللّ

چون مراد از «المحسنین» که سزاوار محبت الهی هستند، دارندگان صفات ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8_ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ .. . أُولَئِكَ جَزَاءُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

64- عفو از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 379

11- پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه دار عفو کریمانه و گذشت شایسته از کافران و مشرکان و نادیده گرفتن اذیت و آزار آنان بود .

فاصفح الصفح الجمیل

«صفح» به معنای عفو بدون ملامت کردن و به رخ کشیدن است که از آن می توان گذشت کریمانه و بزرگووارانه برداشت کرد.

65- عفو از مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 14 - 1

1 - خداوند مؤمنان مکه را به صبر در برابر حرکات ناشایست مشرکان و عفو از خطاکاری آنان فرمان داد .

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لایرجون ایتام الله

با توجه به این که این آیات در مکه نازل شده، به دست می آید که این فرمان در مقطع قبل از هجرت بوده است و منظور از «الذین لایرجون...» مشرکان اند.

66- عفو از مقابله به مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 128 - 3،8

3- رعایت عدالت در مقابله به مثل و یا گذشت از آن ، نشانه تقوای پیشگی و احسان و موجب جلب حمایت خداوند است .

وإن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم... إن الله مع الذین اتقوا و

8- گذشت از دشمن و چشم پوشی از انتقام و مقابله به مثل در راه تبلیغ دین ، از مصادیق احسان است .

وإن عاقبتهم فعاقبوا... ولئن صبرتم لهو خیر للصلبرین... إن الله مع... و الذین

67- عفو از مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 13

لیدخل المؤمنین... جنّات... و یکفّر عنهم سیّئاتهم

نفس تکفیر سیّئات، خود بیانگر تفضّل است و در عین حال تعبیر «یدخل» ممکن است بیانگر همین حقیقت باشد که همه مؤمنان، در آن حدی نیستند که به اقتضای اعمالشان، بهشتی باشند؛ بلکه باید فضل الهی، کاستی های آنان را جبران کند و آنان را وارد بهشت گرداند.

ص: 380

68- عفو از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 18

18_ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت فعفونا عن ذلك

69- عفو الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 129 - 3

3_ انحصار حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند بر هستی، دلیل انحصار عفو و یا مجازات بندگان به وی

او یتوب علیهم او یعدّبهم .. و لله ما فی السموات و ما فی الارض یغفر لمن یشاء

جمله «و لله ما فی السموات»، بیان علت جمله های سابق است.

70- عفو انفاقران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 12

12 - سپاس گزاری از عالمان خداترس، تلاوت گران قرآن، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان، رفتاری ارزشمند و خدایی است.

إنّما یخشی الله من عباده العلم_وا .. إنّ الذین یتلون کتَب الله ... إنّّه غفور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

71- عفو اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 5

5- عفو و اغماض خداوند ، از خطاها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و تتجاوز عن سيئاتهم

72- عفو اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 381

15 - خداوند ، مسلمانان عصر بعثت را به عفو و گذشت از توطئه گران اهل کتاب فرا خواند .

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی اللّٰه بأمره

«عفو» و «صفح» به معنای گذشت از خطا و گناه است. گفته شده «صفح» علاوه بر آن، دلالت بر سرزنش نکردن نیز دارد.

73- عفو با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 9

9_ عفو ، در عین قدرت بر انتقام ، تخلیق به اخلاق الهی است .

أو تعفوا عن سوء فإنّ اللّٰه کان عفواً قديراً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «فان الله ..»، جانشین جواب شرط بوده و تقدیر کلام را این گونه بدانیم «ان تعفوا عن سوء فقد تخلقتم باخلاق الله ان الله کان عفواً قديراً» یعنی اگر خطای دیگران را نادیده انگارید، به صفتی از صفات خداوند متخلّق شده اید که آن، عفو در عین قدرت است.

74- عفو با قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 12

12 - ارزش عفو در حال قدرت بر انتقام

فمن عفی له من أخیه شیء

75- عفو بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 280 - 7،8،10،12،14

7_ ارجمندی والاتر گذشت طلبکار از بدهی وامداران تنگدست ، نسبت به مهلت دادن آنان

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراین احتمال که بهتر بودن گذشت، نسبت به مهلت دادن باشد؛ یعنی ثواب گذشت بیشتر از ثواب مهلت دادن است.

8_ ارزش والای گذشت طلبکار از بدهی وامدار تنگدست، به جای بازپس گیری وام از وی

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراینکه بهتر بودن گذشت، در مقایسه با بازپس گیری وام باشد؛ یعنی گذشت از آن مال بهتر است از به دست آوردن آن؛ چون ثواب صدقه خواهد ماند، ولی مال به دست آمده بقایی ندارد.

10_ گذشت از بدهی وامداران تنگدست، نمونه ای از صدقه

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

ص: 382

گذشت از بدهی وامداران به صدقه تعبیر شده است.

12_ آگاهی به فرجام اعمال نیک (صدقه ، گذشت از وامداران تنگدست و . . .) برانگیزنده آدمی برای انجام آن اعمال

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

مفعول «تعلمون» در برداشت فوق خیر بودن صدقه گرفته شده است؛ و جواب شرط (ان کنتم تعلمون) محذوف می باشد یعنی: اگر به نیکی صدقه آگاه باشید صدقه خواهید داد.

14_ ارزش والاتر گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، در صورت توجه و آگاهی به تنگدستی آنان

خیر لکم ان کنتم تعلمون

امام صادق (ع): «و ان کان ذو عسره . . .»، ان کنتم تعلمون انه معسر فتصدقوا علیه بما لکم علیه فهو خیر لکم

کافی، ج 4، ص 35، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 295، ح 1182.

76- عفو بر پاکندگان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 12

12 - سپاس گزاری از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان ، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ . . . إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

77- عفو بی منت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 16

16- « قال الرضا (ع) في قول الله عزّ وجلّ: « فاصفح الصفح الجميل » قال: العفو من غير عتاب ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند «فاصفح الصفح الجميل» روایت شده است که حضرت فرمود: مراد عفو و گذشت بدون سرزنش

است».

78- عفو تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 5

5- عفو و اغماض خداوند ، از خطاها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و تتجاوز عن سيئاتهم

ص: 383

79- عفو تلاوت کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 12

12 - سپاس گزاری از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان ، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

80- عفو جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 3

3_ خداوند از پیامبرش خواست تا با جاهلان و سفیهان مدارا کند و کردار جاهلانه آنان را نادیده انگارد .

وَأَعْرَضَ عَنِ الْجَاهِلِينَ

«اعراض» به معنای روی گرداندن است و رویگردانی گاهی کنایه از مدارا کردن و نادیده گرفتن است و گاهی به معنای بی اعتنائی کردن و دوری گزیدن. با توجه به صدر آیه می توان گفت مراد از اعراض، معنای اول است.

81- عفو حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 5

5- عفو و اغماض خداوند ، از خطا ها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

وَتَتَجَاوَزُ عَنِ سَيِّئَاتِهِمْ

82- عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 52 - 3، 1

1 - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثم عفونا عنكم من بعد ذلك

3 - گناه ارتداد ، گناهی قابل عفو و آمرزش الهی

ص: 384

ثم اتخذتم العجل . . ثم عفونا عنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 12

12 - خداوند ، با بازگرداندن رحمت خویش بر متخلفان از حکم الهی (حرمت آمیزش در شب های ماه رمضان) گناه آنان را مورد عفو قرار داد .

فتاب علیکم و عفا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 284 - 9

9_ خداوند پس از محاسبه اعمال و نیات انسان ، وی را یا عفو خواهد کرد و یا عذاب .

و ان تبدوا . . فیغفر لمن یشاء و یعدّب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 17، 18

17_ مؤمنان ، خواستار عفو (رفع آثار گناه) ، غفران و رحمت پروردگار خویش

و اعف عنّا و اغفر لنا و ارحمنا

18_ عفو و غفران ، زمینه و مقدمه رحمت خاصّ الهی *

و اعف عنّا و اغفر لنا و ارحمنا

چون عفو و غفران جلوه ای از رحمت الهی است، بنابراین مراد از «و ارحمنا» طلب رحمتی خاص خواهد بود. گفتنی است که تقدّم ذکر عفو و غفران، نشانه مقدمه بودن آن دو برای رحمت خاصّ الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 24

24_ عفو خداوند از سستی ، نزاع و نافرمانی پیکارگران احد

حتّی اذا فشتتم . . . و لقد عفا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 153 - 7,8

7_ عفو خداوند از مسلمانان پیکارگر احد ، نسبت به فرارشان از آن کارزار

و لقد عفا عنکم . . . اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جمله «لقد عفا عنکم»، می رساند که فرار پیکارگران احد (اذ تصعدون . . .) نیز مشمول عفو الهی قرار گرفته است.

8_ دلهره و ترس و گریز مسلمانان از مهلکه کارزار احد ، موجب بی توجهی در یاری رسانی به هم‌زمان خویش *

حتّی اذا فشتتم . . . اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 10,13

ص: 385

10 _ عفو خداوند از گناه فراریان جنگ احد

انّ الذّین تولّوا . . و لقد عفا الله عنهم

13 _ عفو و چشم پوشی خداوند از لغزش ها و گناهان ، پرتویی از غفران و حلم او

و لقد عفا الله عنهم انّ الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 32,33

32 _ خداوند ، همواره « عفو » (بسیار با گذشت) و « غفور » (بسیار آمرزنده) است .

انّ الله كان عفواً غفوراً

33 _ تخفیف احکام برای معذورین ، پرتویی از عفو و غفران الهی

فلم تجدوا ماء . . انّ الله كان عفواً غفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 99 - 1,2,4,7

1 _ امید به عفو الهی ، برای مستضعفان ناتوان از هجرت

الاّ المستضعفین . . لا يستطيعون حيلة . . فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

2 _ عفو الهی از گناه ترک هجرت ، هر چند از سر ناتوانی باشد ، حتمی است .

لا يستطيعون حيلة . . فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

4 _ کسانی که از انجام تکالیف الهی معذورند ، باید به عفو الهی امیدوار باشند .

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

7 _ خداوند ، آمرزنده ای پرده پوش است .

و كان الله عفواً غفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7_ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18_ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16_ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ... عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفّاره جمله «عفا الله عما سلف» می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 101 - 11

11 - بیان نکردن و مکلف نساختن مردم به پاره ای از احکام، پرتوی از عفو و گذشت خداوند

لاتسئلوا عن اشیاء... عفا الله عنها و الله غفور حلیم

هرگاه فعل «عفی» با «عن» متعدی شود متعلق محذوفی برای «عن» در نظر گرفته می شود یعنی «عفی صارفاً عنه» (مفردات راغب). و صرف نظر کردن خداوند از ایجاد تکلیف، تفضل او به بندگان است. توصیف خداوند به «غفور» - در ذیل آیه - می تواند ناظر به این جهت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 4

4 - عفو و مغفرت خداوند جلوه ای از رحمت اوست .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 4

4 - گذشت و عفو خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به اذن دادن به بهانه جویان (منافقان) برای رفتن به جنگ تبوک

عفا الله عنک لم اذنت لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 6,9

6 - عفو خداوند ، نسبت به بسیاری از گناهان و خطاهای انسان ها

و یعفو عن کثیر

9 - « هشام بن سالم عن ابي عبد الله (ع) قال : أما الله لیس من عرق یضرب و لا نكبه و لا صداع و لا مرض إلا بذنب و ذلك قول الله

عزّوجلّ فی کتابه « و ماأصابکم من مصیبه فیما کسبت أیدیکم و یعفو عن کثیر » قال : ثمّ قال ما یعفو الله أكثر مما یؤخذ به ;

هشام بن سالم از امام صادق(ع) روایت نموده که فرمود: هیچ رگی نمی زند و هیچ گرفتاری و سردرد و مرضی عارض نمی شود مگر این که اثر گناهی است که انجام گرفته، و این است سخن خدای عزّوجلّ در کتاب خودش «و ما أصابکم من مصیبه فیما کسبت أیدیکم و یعفو عن کثیر» سپس امام فرمود: آنچه را خدا عفو می کند بیشتر از آن است که مورد مؤاخذه قرار می دهد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 5

5- عفو و اغماض خداوند ، از خطاها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

ص: 387

83- عفو خطا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 63 - 8

8_ پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت، اظهار ندامت کردند.

ثم جاؤك يحلفون بالله ان اردنا الا احساناً .. فاعرض عنهم

کلمه «اعراض»، به قرینه «عظهم» (آنان را نصیحت کن)، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 38 - 2

2_ به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام، از خطاهای گذشته آنها چشمپوشی خواهد شد.

قل للذين كفروا ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق «ان ينتهوا» دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه 36 مطرح شد؛ یعنی سرمایه گذاریها و شرارتهای علیه اسلام. جمله «ان يعودوا» نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از «یغفر لهم ...» انتقام نگرفتن از شرارتهای گذشته کافران است.

84- عفو خطاکار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 199 - 1

1_ خداوند پیامبرش را به پیشه ساختن عفو از خطاکاران فرمان داد.

خذ العفو

«أخذ» (مصدر خذ) به معنای گرفتن و از چنگ ندادن است که به مناسبت مورد، کنایه از ملتزم شدن می باشد. بنابراین «خذ العفو» یعنی عفو و گذشت را از چنگ مده و بدان ملتزم باش.

85- عفو خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 9

9_ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين . . . لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

ص: 388

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 9

9_ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

ی_أبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 74 - 3

3- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لا تَوَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ .. فَاَنْطَلِقَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 4

4- ابراهیم (ع) به هدایت شدن آزر ، در عین اصرار و تعصب او بر بت پرستی امیدوار بود .

سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي

ممکن است مراد ابراهیم(ع) از طلب مغفرت، طلب مقدمات مغفرت (ترک بت پرستی) باشد، زیرا آن حضرت از هدایت یافتن آزر ناامید نشده بود و لذا سعی در رام کردن او از طریق برانگیختن احساسات وی داشت.

86- عفو خطاهای رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 10

10_ خطا و لغزش رهبر جامعه و فرماندهان نظامی ، قابل اغماض و بخشش

عفا الله عنك لم اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا

87- عفو خطاهای فرماندهی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 _ خطا و لغزش رهبر جامعه و فرماندهان نظامی ، قابل اغماض و بخشش

عفا الله عنك لم اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا

88- عفو خویشاوندان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 389

12 - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی . . . و لیعفوا و لیصفحوا

«عفو» در لغت به معنای گذشت است و «صفح» به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

89- عفو در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 126 - 6

6- تبلیغ دین و هدایت مردمان ، پیامدار اذیت و آزار دشمنان و نیازمند مقاومت ، شکیبایی و گذشت است .

ادع إلى سبیل ربّک . . . و إن عاقبتکم . . . و لئن صبرتم لهو خیر للصّـبرین

90- عفو در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 12

12 _ گذشت مالی ، راهی مناسب برای رسیدن به تقوا ، در مسائل خانوادگی

و ان تعفوا اقرب للتقوی

با توجه به مورد آیه که گذشت مالی است و بنابر اینکه مراد از «تقوا» با توجه به مورد، تقوا در مسائل خانوادگی باشد.

91- عفو در معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 134 - 4,7

4 _ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدت للمتّقین. الذّین ینفقون . . . و الکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس

7_ انفاقِ مستمر (انفاق در هر شرایط) ، مهار کردن خشم و گذشت از لغزش های مردم ، از مصادیق احسان و نیکوکاری

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّ

مراد از «و الله يحب المحسنين»، این است که خداوند دارندگان صفات ذکر شده در آیه را دوست دارد یعنی: و الله يحبهم. ولی به جای ضمیر، کلمه «المحسنين» به کار رفته تا در ضمن، اشاره کند که موارد یاد شده از مصادیق نیکوکاری است.

ص: 390

92- عفو دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 39 - 5

5_ معافیت قانونی سارق از حد سرقت در صورت توبه و اصلاح (خودسازی) *

فمن تاب . . . و اصلح فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

یادآوری پذیرش توبه سارق پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به سقوط حد از وی باشد.

93- عفو دشمنی فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 9

9 - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر عفو ، چشم پوشی و بخشودن دشمنی های همسران و فرزندان خویش

عَدُوًّا لَكُمْ . . . وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا

94- عفو دشمنی همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 9

9 - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر عفو ، چشم پوشی و بخشودن دشمنی های همسران و فرزندان خویش

عَدُوًّا لَكُمْ . . . وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا

95- عفو شاگردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 5

5- عفو و اغماض خداوند ، از خطا ها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و تتجاوز عن سيئاتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 12

12 - سپاس گذاری از عالمان خداترس ، تلاوت گران قرآن ، برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان مخلص و گذشت از لغزش های آنان ، رفتاری ارزشمند و خدایی است .

ص: 391

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چگونگی رفتار خداوند با این دسته از انسان ها، می تواند برای همگان آموزنده باشد.

97- عفو قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 13، 27، 8

8 - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از «من» قاتل و مقصود از «أخیه» ولی مقتول می باشد. ضمیرهای «له» و «أخیه» به «من»، یعنی قاتل باز می گردد و «شیء» عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله «فمن عفی ...» چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

13 - قاتل در صورتی که از قصاص عفو شود ، باید به اولیای مقتول خون بها بپردازد .

فمن عفی له من أخیه شیء .. و أداء إلیه یا حسن

27 - قاتل ، در صورتی که از قصاص عفو شود و پس از آن دیگری را به قتل برساند ، باید کشته شود و مورد عفو قرار نگیرد .

کتب علیکم القصاص .. فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اساس است که: مقصود از «من» در جمله فوق، قاتل باشد نه ولی مقتول. بر این مبنا «ذلک» به «عفو» - که از جمله «فمن عفی له» به دست می آید - اشاره دارد.

98- عفو گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 30 - 7

7 - جرمی که از سر ستمکاری و تجاوزگری نباشد ، موجب استحقاق عذاب الهی نخواهد شد .

و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه «عدواناً و ظلماً»، قید احترازی باشد.

8_ گذشت از گناه نقض حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در گرو پذیرفتن حاکمیت کامل آن حضرت است.

یریدون ان یتحاکموا .. و لو اثمهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله

مراجعه منافقان به طاغوت، نقض حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و جمله «جاؤک ..»، کنایه از پذیرفتن حاکمیت پیامبر است؛ چون ظاهراً صرف آمدن نزد رسول خدا، موضوعیت ندارد.

9_ گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در گرو توبه آنان به درگاه خدا و قبول آنان از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

یریدون ان یتحاکموا . . . و لو اَنَّهُمْ اذ ظلموا ... لوجدوا اللّٰهَ تَوَّاباً

جمله «و استغفر لهم الرسول» می تواند کنایه از این باشد که قبول توبه آنان «لوجدوا اللّٰهَ تَوَّاباً» در صورتی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بازگشت آنان را بپذیرد.

10 _ شرط گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آنهاست .

و لو اَنَّهُمْ اذ ظلموا . . . و استغفر لهم الرسول ... لوجدوا اللّٰهَ تَوَّاباً

99- عفو گناه صغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 31 - 5، 16

5_ لزوم چشمپوشی از خلافکاری های کوچک کسانی که مرتکب خلاف های بزرگ نمی شوند . *

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

این آیه می تواند درسی باشد برای زندگی اجتماعی مردم که همان گونه که خداوند در صورت اجتناب از گناهان بزرگ، گناهان کوچک را نادیده می انگارد، شما مردم نیز چنین باشید.

16 _ مؤمنان پرهیزکننده از گناهان کبیره، معاف از پاسخگویی درباره گناهان صغیره خویش

ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم

امام کاظم (ع): ... من اجتنب الکبائر من المؤمنین لم یسئل عن الصغائر سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت فرمود.

توحید صدوق، ص 407، ح 6، ب 63؛ نورالثقلین، ج 1، ص 473، ح 206؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 238، ح 112؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 365، ح 4، 13.

100- عفو گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 23

23 _ جهالت، عذری قابل قبول برای اغماض و گذشت از خطاکاران

أنه من عمل منكم سوءاً بجهله ثم تاب

101- عفو مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 12

12_ گذشت مالی ، راهی مناسب برای رسیدن به تقوا ، در مسائل خانوادگی

و ان تعفوا اقرب للتقوی

با توجه به مورد آیه که گذشت مالی است و بنابر اینکه مراد از «تقوا» با توجه به مورد، تقوا در مسائل خانوادگی باشد.

ص: 393

102- عفو مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 11

11 _ لزوم عفو از خطای مؤمنان مجاهد در راه خدا

ان الذین امنوا... و اللّٰه غفور رحیم

عبداللّٰه بن جحش و همراهانش، به خاطر قتال در ماه حرام، مرتکب خطا شدند، ولی خداوند از خطای آنان گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 11

11 _ عفو و گذشت از خطا های جنگی رزمندگان (تخلّف از دستورات فرماندهی و...) امری نیکو و پسندیده

و لقد عفا اللّٰه عنهم انّ اللّٰه غفور حلیم

103- عفو مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 10,25

10 _ خودداری از قصاص مجرمان در پیشگاه خداوند پسندیده تر از پافشاری بر قصاص آنان است.

فمن تصدق به فهو کفاره له

وعده آمرزش گناهان به کسانی که از حق قصاص صرفنظر کنند، حاکی از عنایت ویژه خداوند به آنان است.

25 _ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو کفاره له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از «فمن تصدق به فهو کفاره له» فرمود: یکفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 27, 29

27_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به عفو و گذشت از خطا های بنی اسرائیل و ترک هرگونه تعرض نسبت به آنان

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه ضمیر «عنهم» به همه بنی اسرائیل برگردد.

29_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور عفو و گذشت از غیر خائنان بنی اسرائیل

ص: 394

فاعف عنهم و اصفح

بنابر اینکه مراد از ضمیر در «عنهم»، تنها گروه غیر خائن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 15 - 8

8_ چشمپوشی و گذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به بسیاری از خطاهای اهل کتاب

و یعفوا عن کثیر

بر اساس این احتمال که مراد از «کثیر» به مناسبت معنای عفو (گذشت از خطا)، گناهان و لغزشهای اهل کتاب باشد، نه حقایق مخفی شده.

105- عفو مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 8

8_ ذوالقرنین، از سوی خداوند، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی، مخیر شد.

قلنا ی ذالقرنین إِمَّا أَنْ تَعُدَّ بِ و اما ان تَتَّخِذَ فِیْهِمْ حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 87 - 1

1- ذوالقرنین، از کیفر ساحل نشینان غرب، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند، به مجازات تهدید کرد.

قال أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعْدَبُهُ

106- عفو مساکین گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 12

12 - گذشت از لغزش های خویشاوندان، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لا يأتل أولوا الفضل منكم والسعه أن يؤتوا أولى القربى . . . و ليعفوا و ليصفحوا

«عفو» در لغت به معنای گذشت است و «صفح» به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

ص: 395

107- عفو مشرکان از محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 2 - 12

12 - « قال الرضا (ع) : لم يكن أحد عند مشرکی أهل مکة أعظم ذنباً من رسول الله (صلی الله علیه و آله) لأنهم كانوا يعبدون من دون الله ثلثمائة وستين صنماً ، فلما جاءهم (صلی الله علیه و آله) بالدعوة إلى كلمة الإخلاص ، كبر ذلك عليهم وعظم . . . فلما فتح الله عز وجل على نبيه (صلی الله علیه و آله) مكة قال له يا محمد : « إنا فتحنا لك [مكة] فتحاً مبيناً ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر » عند مشرکی أهل مكة ;

امام رضا(ع) فرمود: هیچ کس در نزد مشرکان عرب، گناهِش از گناه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بزرگ تر نبود؛ زیرا مشرکان 360 بت را می پرستیدند و چون پیامبر(صلی الله علیه و آله) آنان را به کلمه توحید و اخلاص دعوت کرد، در نظر آنان [گناه] بزرگ و عظیم بود . . . پس چون خدای عزوجل، مکة را برای پیامبرش فتح کرد؛ به آن حضرت فرمود: ای محمد! ما مکة را با فتح آشکاری برای تو فتح کردیم، تا خدا گناهان گذشته و آینده تو در نزد مشرکان اهل مکة را بپوشاند».

108- عفو مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 16، 15

15_ گذشت مظلوم از ظالم کافی در آموزش او نیست و به مغفرت و رحمت الهی نیز منوط است .

لا تتریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

از اینکه یوسف(ع) پس از گذشتن از حق خویش و بخشودن برادرانش از خداوند می خواهد گناه آنان را ببامرزد ، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

16_ گذشت ستم دیدگان از ستم پیشگان ، زمینه ساز شمول مغفرت الهی بر ستمکاران است .

لا تتریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

109- عفو معاونان جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 8

8_ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نَعَفَ عن طائفة .. نَعَذِبَ طائفة ... بعضهم من بعض

«بعضهم من بعض» تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

110- عفو مفلس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 396

7_ ارجمندی والاتر گذشت طلبکار از بدهی وامداران تنگدست ، نسبت به مهلت دادن آنان

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراین احتمال که بهتر بودن گذشت، نسبت به مهلت دادن باشد؛ یعنی ثواب گذشت بیشتر از ثواب مهلت دادن است.

8_ ارزش والای گذشت طلبکار از بدهی وامدار تنگدست ، به جای بازپس گیری وام از وی

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراینکه بهتر بودن گذشت، در مقایسه با بازپس گیری وام باشد؛ یعنی گذشت از آن مال بهتر است از به دست آوردن آن ؛ چون ثواب صدقه خواهد ماند، ولی مال به دست آمده بقایی ندارد.

10_ گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، نمونه ای از صدقه

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

گذشت از بدهی وامداران به صدقه تعبیر شده است.

12_ آگاهی به فرجام اعمال نیک (صدقه ، گذشت از وامداران تنگدست و . . .) برانگیزنده آدمی برای انجام آن اعمال

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

مفعول «تعلمون» در برداشت فوق خیر بودن صدقه گرفته شده است؛ و جواب شرط (ان کنتم تعلمون) محذوف می باشد یعنی: اگر به نیکی صدقه آگاه باشید صدقه خواهید داد.

14_ ارزش والاتر گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، در صورت توجه و آگاهی به تنگدستی آنان

خیر لکم ان کنتم تعلمون

امام صادق (ع): «و ان کان ذو عسرہ . . .»، ان کنتم تعلمون انه معسر فتصدقوا علیه بما لکم علیه فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 66 - 17

17 - نقش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبر جامعه اسلامی در عفو گروهی از منافقان بر اساس مصالح و کیفر گروهی دیگر

إن نغف . . . نغذب

با توجه به اینکه مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد، و نیز با الغای خصوصیت و تعمیم دادن صدور حکم عفو و مجازات به رهبر جامعه اسلامی مطلب فوق را می توان استفاده کرد.

112- عفو مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 218 - 11

11 - لزوم عفو از خطای مؤمنان مجاهد در راه خدا

ان الذین امنوا . . . و الله غفور رحیم

ص: 397

عبدالله بن جحش و همراهانش، به خاطر قتال در ماه حرام، مرتکب خطا شدند، ولی خداوند از خطای آنان گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 14، 11

11 - لغزش های مؤمنان قابل گذشت است .

و يتوب الله على المؤمنين و المؤمنات

تعبیر «یتوب» (بازگردد خدا بر مؤمنان) به جای ذکر پاداش در مقابل «لیعذب» اشعار دارد به این که خداوند، امانت را عرضه کرده است تا بر مؤمنان پاداش دهد؛ اما آنان لغزش هایی پیدا می کنند و خداوند به آنها توفیق توبه می دهد.

14 - گذشت از لغزش مؤمنان ، برخاسته از آمرزشگری و رحمت خداوند است .

و يتوب الله على المؤمنين . . . و كان الله غفوراً رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 15 - 4

4 - مؤاخذه سخت کافران و چشم پوشی از خطای مؤمنان ، برخاسته از سلطه خداوند بر تمام هستی است .

إنّ بطش ربك . . . و هو الغفور الودود . ذوالعرش

113- عفو مهاجران گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 12

12 - گذشت از لغزش های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

و لا یأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى القربى . . . و لیعفوا و لیصفحوا

«عفو» در لغت به معنای گذشت است و «صفح» به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

114- عفو مهریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ سقوط وظیفه شوهران از پرداخت مهر به همسرانی که قبل از آمیزش طلاق داده می شوند، در صورت عفو و گذشت زنان از آن

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ . . . إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ

4_ عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولی زن از حق وی

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلقه است، ظاهر این است که «الّا»، بیانگر موارد استثناء و

سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که «الذی . . .» حمل بر ولیّ زن شود؛ نه شوهر.

7- چشمپوشی زن، شوهر و ولیّ زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است.

و ان تعفوا اقرب للتعوی

در صورتی که خطاب «ان تعفوا» به کلیه افراد - اعم از زن و مرد و ولیّ - باشد.

11- ولیّ زن مطلقه می تواند از حقّ وی (نصف مهر)، صرفنظر کند.

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآند که مراد از «الذی . . .» ولیّ زن است؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

115- عفو نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 12

12 - بازگشت از مواضع منافقانه به ایمان و عمل خالصانه، پیش از فرارسیدن مرگ، مورد قبول خداوند و جبران کننده گناه دورویی و نفاق

ول کتکم فتنتم أنفسکم . . . حتی جاء أمر الله

116- عفو هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 28 - 1

1 - تأکید هابیل بر دست نیازیدن به قتل برادر، حتی در صورت اقدام قابیل برای کشتن او

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما إنا بباسط یدی إلیک لاقتلک

لام قسم در «لئن» و نیز «باء» زایده در «ببساط»، دلالت بر تأکید دارد.

117- عفو هنگام غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- چشم پوشی از خطای دیگران، به هنگام خشم، از صفات مهم اهل ایمان

للذین ءامنوا .. الذین ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

اهمیت این صفت، از تخصیص به ذکر یافتن آن، استفاده می شود.

10- در گذشتن از خطای دیگران به هنگام غضب، مایه برخورداری انسان از نعمت های جاودان آخرت

و ما عند اللّٰه .. للذین ءامنوا ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

ص: 399

118- عفو هنگام قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 9

9_ گذشت ، بزرگواری و منزّه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 5

5_ گذشت در عین قدرت بر انتقام از ویژگی های محسنان است .

فإن الله لا یضیع أجر المحسنین . . . قال لا تثریب علیکم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 12

12 - غفران و بخشش لغزش ها در عین عزت و قدرتمندی ، رفتاری پسندیده و شایسته

ألا هو العزیز الغفّـر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 16

16 - گذشت از خطا ها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر ، کاری است شایسته و خداپسندانه .

أنا أدعوکم إلی العزیز الغفّـر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 6

6- عفو، گذشت و خویشتن داری در حال توانمندی بر انتقام، نشانگر اراده و تصمیم قوی انسان است .

ولمن صبر و غفر إن ذلک لمن عزم الأمور

قدرت بر انتقام از واژه «غفر» استفاده می شود؛ چه این که ظهور مغفرت آن است که انسان توان انتقام را داشته باشد.

119- عفو یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 15، 1

1_ یعقوب (ع) از ستم فرزندان در حق خویش درگذشت و آنان را بخشود .

قال سوف أستغفر لکم ربی

ص: 400

15_ یعقوب (ع) ، شخصیتی بزرگوار ، کریم و با گذشت بود .

ی_أبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربی إنه هو الغفور الرحیم

120- عفو یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 47 - 12

12_ یوسف (ع) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا .. قال تزرعون

یوسف(ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف(ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 10

10_ یوسف (ع) ، انسانی با گذشت ، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم ج_هلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 1,2,3

1_ یوسف (ع) ستم های برادرانش را در حق خویش نادیده گرفت و آنان را بخشود .

قال لاثریب علیکم

روا داشتن سرزنش برادران که جمله «لاثریب ..» گویای آن است ، می رساند که یوسف(ع) آنان را مورد عفو خویش قرار داد.

2_ یوسف (ع) انسانی با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لاثریب علیکم

3_ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود.

لا تثریب علیکم

«تثریب» به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

121- عوامل عفو گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 5

5 - خداترسی و تقوایبشگی، عامل زدایش بدی ها از انسان ها و گذشت از آنها، از سوی خداوند

و من یتق الله ینکفر عنه سیئاته

ص: 401

122- فضیلت عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 263 - 1

1 _ ارزش و برتری گفتار پسندیده و عفو و گذشت ، نسبت به بخششی که آزار به دنبال دارد .

قول معروف و مغفره خیر من صدقه یتبعها اذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 280 - 7,8,14

7 _ ارجمندی والاتر گذشت طلبکار از بدهی وامداران تنگدست ، نسبت به مهلت دادن آنان

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراین احتمال که بهتر بودن گذشت، نسبت به مهلت دادن باشد؛ یعنی ثواب گذشت بیشتر از ثواب مهلت دادن است.

8 _ ارزش والای گذشت طلبکار از بدهی وامدار تنگدست ، به جای بازپس گیری وام از وی

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراینکه بهتر بودن گذشت، در مقایسه با بازپس گیری وام باشد؛ یعنی گذشت از آن مال بهتر است از به دست آوردن آن ؛ چون ثواب صدقه خواهد ماند، ولی مال به دست آمده بقایی ندارد.

14 _ ارزش والاتر گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، در صورت توجه و آگاهی به تنگدستی آنان

خیر لکم ان کنتم تعلمون

امام صادق (ع): «و ان کان ذو عسرہ . . .»، ان کنتم تعلمون انه معسر فتصدقوا علیه بما لکم علیه فهو خیر لکم

کافی، ج 4، ص 35، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 295، ح 1182.

123- فلسفه تشویق به عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - تشویق به عفو و گذشت، در جهت تحکیم همبستگی اجتماعی است؛ نه حمایت از متجاوزان

فمن عفا و أصلح .. إنّه لا یحبّ الظالمین

جمله «إنّه لا یحبّ الظالمین» ممکن است برای دفع این توهم باشد که ارزش نهادن به عفو و اغماض، به معنای حمایت خدا از ظالمان نیست؛ بلکه صرفاً برای رفع اختلافات و استحکام پیوندهای اجتماعی است.

124- فلسفه عفو از بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 402

8 - ایجاد زمینه های سپاسگزاری در بنی اسرائیل ، از هدف های آموزش گناه ارتداد ایشان

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

125- کشتن قاتل پس از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 24،26

24 - کسانی که پس از عفو قاتل از قصاص و یا گرفتن دیه در پی کشتن وی برآیند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

برداشت فوق بر این مبناست که «ذلک» اشاره به گرفتن دیه باشد. در این صورت جمله «فمن اعتدی...» بیانگر این است که: اولیای مقتول اگر قاتل را عفو کنند و از او مطالبه دیه نمایند، پس از آن حق ندارند در صدد کشتن وی باشند و او را قصاص کنند.

26 - ولی مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جمله «فله عذاب أليم» را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال است.

126- گناه قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 5

5_ ستم به پیامبران گناهی قابل آموزش

سوف أستغفر لکم ربی

127- گناهان قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 31 - 10

10- تنها برخی از گناهان ، قابل بخشش در پرتو ایمان و اعتقاد به خداوند *

أجيبوا داعي الله وءامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم

«من» در «من ذنوبكم» برای تبعیض است و این احتمال وجود دارد که تبعیض، نظر به نوع گناه داشته باشد؛ یعنی، برخی از گناهان با ایمان آوردن بخشیده می شود و برخی دیگر خیر.

ص: 403

128- مجازات قتل بعد از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 178 - 26

26 - ولی مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جمله «فله عذاب أليم» را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال است.

129- محدوده عفو از قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 5

5 - گذشت از حق قصاص تا زمانی پسندیده است که حکمت قانون قصاص از میان نرود .

فمن عفی له . . . و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

طرح مسأله عفو از قصاص و مطالبه دیه و سپس بیان برترین حکمتهای اجتماعی برای قصاص؛ یعنی، تضمین حیات جامعه، می تواند اشاره به نکته ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

130- محرومان از عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 35 - 6

6 - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و یعف عن کثیر . و یعلم الذین یح دلون فی ءای تنا ما لهم من محیص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب ندارند؛ می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

131- مضمولان عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 20

20_ عفو، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان، از شوون ولایت الهی

و اعف عَنَّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا

جمله «انت مولینا» به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است؛ یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و . .

ص: 404

132- مضمولان عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 13

13 - ورود مؤمنان به بهشت ، در پرتو تفضّل الهی و گذشت او از لغزش های آنان

لیدخل المؤمنین ... جنّات ... و یکفّر عنهم سیئاتهم

نفس تکفیر سیئات، خود بیانگر تفضّل است و در عین حال تعبیر «یدخل» ممکن است بیانگر همین حقیقت باشد که همه مؤمنان، در آن حدی نیستند که به اقتضای اعمالشان، بهشتی باشند؛ بلکه باید فضل الهی، کاستی های آنان را جبران کند و آنان را وارد بهشت گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 12

12 - کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

یٰۤاَیُّهَا الْاِنْسَـنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْکَرِیْمِ

133- منشأ عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 49 - 4

4 - اختیار عفو و یا تخفیف عذاب جهنم ، تنها از آن خدا و در اختیار مقام ربوبی او است .

ادعوا ربکم ینخّف عنّا یومًا من العذاب

134- منشأ عفو گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 4

4 - هر کس تقوا پیشه سازد ، خداوند بدی هایش را می زداید و از گناهانش درمی گذرد .

و من یتق الله یکفّر عنه سیئاته

135- موارد عفو از مجازات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 91 - 13

13_ اشخاص معذور از جهاد، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین كفروا منهم عذاب أليم .. ما على المحسنين من سبيل

ص: 405

136- موجبات عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 13 - 28

28_ وجود گروهی متعهد در میان بنی اسرائیل ، دلیل امر الهی به عفو و مدارای پیامبر (صلی الله علیه و آله) با همه آنان

إلا قليلا منهم فاعف عنهم و اصفح

تفریع عفو با کلمه «فاء» بر جمله «و لاتزال . . . الا قليلا منهم»، اشاره به برداشت فوق دارد.

137- موجبات عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 8

8_ نیکی به مردم در آشکار و نهان و گذشت از بدی های ایشان ، در پی دارنده عفو الهی

إن تبدوا خيراً أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإنّ الله كان عفواً قديراً

از جمله مصادیق مورد نظر برای کلمه «خیر»، به قرینه «او تعفوا عن سوء» که بیانگر گذشت از خطاهای دیگران است، احسان و نیکی به مردم می باشد.

138- نشانه های عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 8 - 4

4 - اعطای نامه عمل به دست راست حاضران در قیامت ، رمز و نشانه چشم پوشی از لغزش های آنان است . *

فأما من أوتى كت به بیمینه . فسوف يحاسب حساباً يسيراً

نادیده گرفتن «سیئات» _ که در بعضی از سوره های دیگر درباره گروهی از حاضران قیامت مطرح شده _ مصداق حساب آسان است.

139- وسعت عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أویوبقهنّ بما کسبوا و یعف عن کثیر

ص: 406

140- آثار عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 160 - 8

8_ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 7

7- عفو الهی نسبت به بسیاری از گناهان ، مانع بروز مصیبت های بیشتر و ویرانگر برای جامعه و مردم

و ما أصـبـكـم . . . و يعفو عن كثير

از ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، استفاده می شود که بخشودگی بسیاری از گناهان، موجب می شود که بازتاب آن دامنگیر انسان نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 34 - 5

5- عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار ، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أو يوبقهنّ بما كسبوا ويعف عن كثير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 24

24- نعمت های الهی بر بندگان ، ناشی از فضل و بخشش او است ؛ نه استحقاق و طلب مندی آنان .

يبتغون فضلاً من الله ورضوناً

تعبیر «فضلاً» می تواند شامل تمامی درخواست ها و تمایلات مؤمنان باشد. در این صورت هر نعمتی «فضل» الهی است؛ نه اجر

141- اهمیت عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 35 - 13

13 - گذشت و چشم پوشی خداوند از گناهان بزرگ ، بسی با اهمیت تر از پاداش های بزرگ او است .

ليكفّر الله عنهم أسوأ الذي عملوا و يجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

از تقدم ذكرى «ليكفّر الله...» بر «يجزيهم...» می توان برداشت بالا را به دست آورد.

ص: 407

142- زمینه عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 7

7 - احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ .. أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ ... وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و .. یاد شده است؛ در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه «أولئک» این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

143- شرایط عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 25 - 9

9- صلاح پیشگی ، از شرایط لازم برخوردار بودن از عفو و آمرزش خداوند

إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّ كُنَّا لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا

144- عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 52 - 3، 1

1 - خداوند ، گناه گوساله پرستی بنی اسرائیل را مورد عفو خویش قرار داد .

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ

3 - گناه ارتداد ، گناهی قابل عفو و آمرزش الهی

ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ .. ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 12

12 - خداوند ، با بازگرداندن رحمت خویش بر متخلفان از حکم الهی (حرمت آمیزش در شب های ماه رمضان) گناه آنان را مورد عفو قرار داد .

فتاب علیکم و عفا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 284 - 9

9_ خداوند پس از محاسبه اعمال و تیات انسان ، وی را یا عفو خواهد کرد و یا عذاب .

و ان تبدوا .. . فیغفر لمن یشاء و یعدّب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 408

17 - مؤمنان ، خواستار عفو (رفع آثار گناه) ، غفران و رحمت پروردگار خویش

و اعف عَنَّا و اغفر لنا و ارحمنا

18 - عفو و غفران ، زمینه و مقدمه رحمت خاص الهی *

و اعف عَنَّا و اغفر لنا و ارحمنا

چون عفو و غفران جلوه ای از رحمت الهی است، بنابراین مراد از «و ارحمنا» طلب رحمتی خاص خواهد بود. گفتنی است که تقدّم ذکر عفو و غفران، نشانه مقدمه بودن آن دو برای رحمت خاص الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 24

24 - عفو خداوند از سستی ، نزاع و نافرمانی پیکارگران احد

حتّٰی اذا فِشَلْتُمْ . . . و لقد عفا عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 153 - 7، 8

7 - عفو خداوند از مسلمانان پیکارگر احد ، نسبت به فرارشان از آن کارزار

و لقد عفا عنکم . . . اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جمله «لقد عفا عنکم»، می رساند که فرار پیکارگران احد (اذ تصعدون . . .) نیز مشمول عفو الهی قرار گرفته است.

8 - دلهره و ترس و گریز مسلمانان از مهلکه کارزار احد ، موجب بی توجهی در یاری رسانی به هم‌زمان خویش *

حتّٰی اذا فِشَلْتُمْ . . . اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 155 - 10، 13

10 - عفو خداوند از گناه فراریان جنگ احد

انّ الذّين تولّوا . . و لقد عفا الله عنهم

13 _ عفو و چشم پوشی خداوند از لغزش ها و گناهان ، پرتویی از غفران و حلم او

و لقد عفا الله عنهم انّ الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 32,33

32 _ خداوند ، همواره « عفو » (بسیار با گذشت) و « غفور » (بسیار آمرزنده) است .

انّ الله كان عفواً غفوراً

33 _ تخفیف احکام برای معذورین ، پرتویی از عفو و غفران الهی

فلم تجدوا ماءً . . انّ الله كان عفواً غفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 99 - 1,2,4,7

ص: 409

1_ امید به عفو الهی ، برای مستضعفان ناتوان از هجرت

ألا المستضعفين .. لا يستطيعون حيلة ... فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

2_ عفو الهی از گناه ترک هجرت ، هر چند از سر ناتوانی باشد ، حتمی است .

لا يستطيعون حيلة .. فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

4_ کسانی که از انجام تکالیف الهی معذورند ، باید به عفو الهی امیدوار باشند .

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

7_ خداوند ، آمرزنده ای پرده پوش است .

وكان الله عفواً غفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 7

7_ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فإن الله كان عفواً قديراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 18

18_ گوساله پرستی و ارتداد یهودیان عصر موسی (ع) و عفو خداوند از آنان

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينات فعفونا عن ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 16

16_ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد وانتم حرم .. عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم

کفاره جمله «عفا الله عما سلف» می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 101 - 11

11 - بیان نکردن و مکلف نساختن مردم به پاره ای از احکام، پرتوی از عفو و گذشت خداوند

لاتسئلوا عن اشیاء .. عفا الله عنها و الله غفور حلیم

هرگاه فعل «عفی» با «عن» متعدی شود متعلق محذوفی برای «عن» در نظر گرفته می شود یعنی «عفی صارفاً عنه» (مفردات راغب.) و صرف نظر کردن خداوند از ایجاد تکلیف، تفضل او به بندگان است. توصیف خداوند به «غفور» _ در ذیل آیه _ می تواند ناظر به این جهت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 149 - 4

ص: 410

4_ عفو و مغفرت خداوند جلوه ای از رحمت اوست .

لئن لم یرحمنا ربنا و یغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 4

4_ گذشت و عفو خداوند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به اذن دادن به بهانه جویان (منافقان) برای نرفتن به جنگ تبوک

عفا الله عنک لم أذنت لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 6,9

6 - عفو خداوند ، نسبت به بسیاری از گناهان و خطاهای انسان ها

و یعفو عن کثیر

9 - « هشام بن سالم عن أبي عبد الله (ع) قال : أما الله ليس من عرق يضرب و لا نكبه و لا صداع و لا مرض إلا بذنب و ذلك قول الله عزّوجلّ فی کتابه « و ما أصابکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم و یعفو عن کثیر » قال : ثمّ قال ما یعفو الله أكثر مما یؤاخذ به ;

هشام بن سالم از امام صادق (ع) روایت نموده که فرمود: هیچ رگی نمی زند و هیچ گرفتاری و سردرد و مرضی عارض نمی شود مگر این که اثر گناهی است که انجام گرفته، و این است سخن خدای عزّوجلّ در کتاب خودش «و ما أصابکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم و یعفو عن کثیر» سپس امام فرمود: آنچه را خدا عفو می کند بیشتر از آن است که مورد مؤاخذه قرار می دهد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 5

5- عفو و اغماض خداوند ، از خطاها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و تتجاوز عن سیئاتهم

145- محرومان از عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 35 - 6

6 - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و یعف عن کثیر . و یعلم الذین یجـدلون فی ءایـتنا ما لهم من محیص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب ندارند؛ می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

ص: 411

146- مضمولان عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 13

13 - ورود مؤمنان به بهشت ، در پرتو تفضّل الهی و گذشت او از لغزش های آنان

لیدخل المؤمنین ... جنّات ... و یکفر عنهم سیئاتهم

نفس تکفیر سیئات، خود بیانگر تفضّل است و در عین حال تعبیر «یدخل» ممکن است بیانگر همین حقیقت باشد که همه مؤمنان، در آن حدی نیستند که به اقتضای اعمالشان، بهشتی باشند؛ بلکه باید فضل الهی، کاستی های آنان را جبران کند و آنان را وارد بهشت گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 12

12 - کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

یٰۤاَیُّهَا الْاِنْسَـنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْکَرِیْمِ

147- موجبات عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 8

8_ نیکی به مردم در آشکار و نهان و گذشت از بدی های ایشان ، در پی دارنده عفو الهی

اِنْ تَبَدَّوْا خَیْرًا اَوْ تَخَفَوْهُ اَوْ تَعَفَوْا عَن سَوْءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ کَانَ عَفُوًّا قَدِیْرًا

از جمله مصادیق مورد نظر برای کلمه «خیر»، به قرینه «او تعفوا عن سوء» که بیانگر گذشت از خطاهای دیگران است، احسان و نیکی به مردم می باشد.

148- وسعت عفو خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 34 - 5

5- عفو و اغماض الهی از گناهان بسیار ، باعث مصونیت انسان از آثار ویرانگر گناهان در دریا

أويوقههّنّ بما كسبوا ويعف عن كثير

ص: 412

1- آموزش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 24

24 - مردان و زنان با عفت و پاکدامن ، مشمول آموزش خداوندند .

وَالْحَفْظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَفْظَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

2- آموزش مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 24

24 - مردان و زنان با عفت و پاکدامن ، مشمول آموزش خداوندند .

وَالْحَفْظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَفْظَاتِ .. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

3- ازدواج با زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5,6,2

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده ، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف ، ممنوع است .

الْخَبِيثَاتِ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» _ با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است _ زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لا ینکح إلا زانیه ...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

5 - زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

6- زنان پاکدامن و منزّه از فحشا، تنها با مردان پاکدامن، و مردان پاکدامن و منزّه از فحشا، تنها با زنان پاکدامن حق

ص: 413

ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا، ممنوع است.

و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

4- ازدواج با عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 5 - 11, 12, 15

11 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن و مؤمن

اليوم احل لكم .. و المحصنت من المؤمنت

احصان (مصدر محصنه) به معنای عقیف بودن، آزاده بودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است. در آیه مورد بحث تنها معنای اول و دوم می تواند مراد باشد و برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

12 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب

اليوم احل لكم .. و المحصنت من الذين اتوا الكتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از «محصنات»، زنان پاکدامن باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هن العفائف.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 296، ح 39؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 449، ح 13.

15 - حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان، امتنان خداوند بر مسلمانان

اليوم احل لكم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از «لام انتفاع» در «لکم»، امتنان استفاده می شود.

5- ازدواج با مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 2، 6

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و

ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عفیف، ممنوع است.

الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» _ با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است _ زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لا ینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

6- زنان پاکدامن و منزله از فحشا، تنها با مردان پاکدامن، و مردان پاکدامن و منزله از فحشا، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا، ممنوع است.

و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات

ص: 414

6- افترا به عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 9

9_ نسبت دادن فحشا و بی عفتی به پاکدامنان (قذف) ، حرام و موجب دوری از رحمت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

7- اهمیت انفاق به فقراى عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 19 - 5

5 - لزوم توجه به محرومان عقیف و ناشناخته جامعه و اکتفا نکردن به انفاق بر سائلان و درخواست کنندگان

وفى أموالهم حقّ للسائل والمحروم

از مقابله «محروم» با «سائل»، استفاده می شود که در جامعه برخی از نیازمندان، روی سؤال ندارند و در نتیجه ناشناخته می مانند. اهل تقوا از این گروه غافل نیستند.

8- پاداش زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 25

25 - مردان و زنان عقیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الح فظین فروعهم و الح فظت . . . أعدّ الله لهم... أجراً عظیماً

9- پاداش مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 25

25 - مردان و زنان عقیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

وَالْحَفَظِينَ فَرُوجِهِمْ وَالْحَفَظَاتِ . . . أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ... أَجْرًا عَظِيمًا

10- تنزيه زنان عفيف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 415

11 - زنان و مردان نیک سرشت و نیک کردار، از نسبت های ناروای افراد خبیث و بدخواه در باره آنان، منزّه و پیراسته اند.

للخبیثین... لللطیّین... أولئك مبرءون ممّا یقولون

مشارالیه «أولئك» «طیّین» (مردان و زنان نیک و پاکدامن) است و مرجع ضمیر «یقولون»، «خبیثین» (مردان و زنان خبیث) می باشد.

11- تنزیه مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - زنان و مردان نیک سرشت و نیک کردار، از نسبت های ناروای افراد خبیث و بدخواه در باره آنان، منزّه و پیراسته اند.

للخبیثین... لللطیّین... أولئك مبرءون ممّا یقولون

مشارالیه «أولئك» «طیّین» (مردان و زنان نیک و پاکدامن) است و مرجع ضمیر «یقولون»، «خبیثین» (مردان و زنان خبیث) می باشد.

12- زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن و مؤمن

الیوم احل لكم... و المحصنت من المؤمنت

احصان (مصدر محصنه) به معنای عقیف بودن، آزاده بودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است. در آیه مورد بحث تنها معنای اول و دوم می تواند مراد باشد و برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

12 - جواز ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب

الیوم احل لكم... و المحصنت من الذین اتوا الکتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از «محصنات»، زنان پاکدامن باشد. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هن العفائف.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 296، ح 39؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 449، ح 13.

15_ حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان، امتنان خداوند بر مسلمانان

الیوم احل لکم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از «لام انتفاع» در «لکم»، امتنان استفاده می شود.

25_ پاکدامنی و عفت مردان، از شرایط حلیت ازدواج آنان با زنان عفیف و پاکدامن

محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

«اخذان» جمع «خذن» به معنای رفیقان است که به مناسبت مورد، مراد از رفاقت‌های جنسی نامشروع است و «مسفحین» از «سفاح» به معنای زناست. گفتنی است برداشت فوق بر این مبناست که «محصنین» حال برای «کم» در «لکم» و عامل

ص: 416

آن «احل» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 5

5_ قداست و پاکدامنی حضرت مریم (ع)

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

13- زندگی با زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

14- زندگی با مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 5

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

15- سخن پسندیده زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 7

7- گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

16- سخن پسندیده مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 7

7 - گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

ص: 417

17- شخصیت زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 15، 7، 6، 5، 2

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عقیف، ممنوع است.

الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لا ینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

5 - زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات

6 - زنان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با مردان پاکدامن ، و مردان پاکدامن و منزّه از فحشا ، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، ممنوع است .

و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات

7 - گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات

15 - « فی مجمع البیان قال : سبحانه « الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات » قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطیبات من الرجال و الطیبون من الرجال للطیبات من النساء . . . و هو المروی عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . . »

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

18- شخصیت مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - زنان ناپاک و آلوده به فحشا، تنها با مردان ناپاک و آلوده به فحشا و مردان ناپاک و آلوده، تنها با زنان ناپاک و آلوده حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان پاک و عفیف، ممنوع است.

الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات

برداشت یاد شده مبتنی بر دو نکته است: 1- مقصود از «الخبیثات» و «الخبیثین» - با توجه به این که این آیه به دنبال آیات مربوط به احکام زنا و فحشا آمده است - زنان و مردان زناکار و آلوده به فحشا باشد. 2- آیه شریفه همانند آیه «الزانی لاینکح إلا زانیه...» در صدد بیان یک حکم شرعی در امر ازدواج باشد، چنان که روایت منسوب به امام باقر(ع) و امام

ص: 418

صادق(ع) این همانندی را تأیید می کند (مجمع البیان، ذیل آیه).

5- زنان نیک (نیک سرشت و نیک کردار) ، تنها شایسته مردان نیک ، و مردان نیک ، تنها شایسته زنان نیک اند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

6- زنان پاکدامن و منزله از فحشا ، تنها با مردان پاکدامن ، و مردان پاکدامن و منزله از فحشا ، تنها با زنان پاکدامن حق ازدواج دارند و ازدواج آنان با مردان و زنان ناپاک و آلوده به فحشا ، ممنوع است .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

7- گفتار و سخن پسندیده و نیک ، تنها شایسته مردان و زنان نیک است و از آنان سر می زند .

و الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

15- « فی مجمع البیان قال : سبحانه « الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات » قیل فی معناه أقوال : . . . و الثالث الخبیثات من النساء للخبیثین من الرجال و الخبیثون من الرجال للخبیثات من النساء و الطَّيِّبَاتُ من النساء للطَّيِّبِينَ من الرجال و الطَّيِّبُونَ من الرجال للطَّيِّبَاتِ من النساء . . . و هو المروى عن أبی جعفر و أبی عبد الله . . . »

در «مجمع البیان» از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره سخن خدا «الخبیثات للخبیثین . . .» روایت شده است که فرمود: زنان خبیث برای مردان خبیث و مردان خبیث برای زنان خبیث هستند و زنان پاکدامن برای مردان پاکدامن و مردان پاکدامن برای زنان پاکدامن اند...».

19- فضایل بی همسران عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 6

6- مردان و زنان غیر متأهل عقیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم الله من فضله

20- فضایل زنان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 13

13- مردان و زنان نیک و پاکدامن ، از غفران خداوند و روزی نفیس و ارزشمند او بهره مندند .

و الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

واژه «کریم» در هر چیزی که در جنس و نوع خودش، شریف و ارزشمند باشد، به کار می رود. (مفردات راغب).

21- فضایل مردان عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 13

13 - مردان و زنان نیک و پاکدامن، از غفران خداوند و روزی نفیس و ارزشمند او بهره منداند.

ص: 419

و الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبِ تَأْوِيلٌ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

واژه «کریم» در هر چیزی که در جنس و نوع خودش، شریف و ارزشمند باشد، به کار می رود. (مفردات راغب).

22- فقیر عقیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 273 - 14، 8، 7، 1

1 - محصورشدگان در راه خدا و ناتوان از کسب روزی که خویشان دار بوده و تنگدستان از چهره هایشان شناخته می شود و نیز هرگز چیزی از دیگران نمی خواهند، از بهترین مصارف انفاق

للفقراء... لا یسئلون الناس الحافاً

7 - سیمای فقیران و تنگدستان، بیانگر وضعیت اقتصادی نابهنجار آنان، هر چند خویشان داری کرده و تظاهر به فقر نمایند.

یحسبهم الجاهل اغنیاء من التّعفف تعرفهم بسیمهم

8 - تنگدستان خویشان دار، هرگز با اصرار از مردم چیزی نخواهند.

لا یسئلون الناس الحافاً

در برداشت فوق جمله «لا یسئلون الناس الحافاً» به همان معنای ظاهریش گرفته شده است؛ یعنی برای درخواست خویش اصرار نمیورزند. بر این مبنا جمله «یحسبهم الجاهل» به این معناست که رفتار و منش آنان به گونه ای است که به هنگام تقاضا، معلوم می شود که آنان از تهیدستانند.

14 - اصحاب صفّه، تنگدستان خویشان دار محصور شده در راه خدا

للفقراء الذین احصروا

امام باقر(ع) نزلت الآیه فی اصحاب الصفه.

گفتنی است که اصحاب صفّه، تنگدستانی عقیف و خویشان دار بودند که انجام وظایف الهی (جهاد و نبرد و...) آنان را از کسب معاش بازداشته بود. رفتار و منش آنان به گونه ای بود که ناآشنایان نه تنها به فقر آنان پی نمی بردند؛ بلکه آنان را غنی و مالدار می پنداشتند.

23- گرایش به زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 9

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیثات للخبیثین . . . و الطیبون للطیبات

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

ص: 420

24- گرایش به مردان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 9

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیثات للخبیثین . . . و الطیبون للطیبات

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

25- گرایشهای زنان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 9

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیثات للخبیثین . . . و الطیبون للطیبات

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

26- گرایشهای مردان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 9

9- گرایش و همسویی زنان و مردان خبیث (بدکردار و ناپاک) به همدیگر و مردان و زنان نیک و پاکدامن به یکدیگر

الخبیثات للخبیثین . . . و الطیبون للطیبات

برخی از مفسران برآنند که آیه شریفه، در صدد بیان یک واقعیت خارجی در جامعه است، نه حکم شرعی؛ به این معنا که زنان و مردان خبیث و آلوده به همدیگر و زنان و مردان پاکدامن به یکدیگر گرایش و تمایل دارند و نهایتاً به همدیگر می پیوندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 2

2 - مؤمنان راستین ، انسان هایی عقیف و پاک دامن اند .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذین هم لفروجهم حـفظون

ص: 421

28- آثار قذف عیفتان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 7 - 6

6 - نسبت دادن دروغین زنا به زنان پاکدامن ، در پی دارنده لعنت خدا (محروم شدن از رحمت خدا و گرفتار شدن به خشم و غضب او)

والخ_مسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الك_ذبین

29- آموزش عیفتان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 26 - 13

13 - مردان و زنان نیک و پاکدامن ، از غفران خداوند و روزی نفیس و ارزشمند او بهره منداند .

و الطیبون للطیب_ت أول_ئک مبرءون ممّا یقولون لهم مغفره و رزق کریم

واژه «کریم» در هر چیزی که در جنس و نوع خودش، شریف و ارزشمند باشد، به کار می رود. (مفردات راغب).

30- ازدواج با عیفتان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 5

5 - « عن ابی ساره قال : سألت أبا عبد الله (ع) عنها _ یعنی المتعه _ فقال لی : حلال فلا تتزوج إلاّ عفیفة . . . ان الله عزّوجلّ یقول : »

والذین هم لفروجهم حافظون » فلا تضع فرجک حیث لاتأمن علی درهمک ;

ابی ساره گوید: از امام صادق(ع) از ازدواج موقت سؤال کردم؟ پس حضرت به من فرمود: حلال است؛ پس ازدواج نکن مگر با زنان

پاکدامن خداوند _ عزّوجلّ _ می فرماید: «الذین هم لفروجهم حافظون». پس با کسی که در مال خود او را آمین نمی دانی، هم بستر نشو.

31- امداد به عیفتان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 8

8- امدادسانی به انسان های شایسته و پاکدامن _ به ویژه در شرایط سخت _ از جلوه های ربوبیت خداوند است .

قد جعل ربك تحتك سريراً

ص: 422

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 6

6 - مردان و زنان غیر متأهل عقیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم الله من فضله

32- اهمیت آبروی عقیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 10

10 - اهتمام اسلام به حفظ آبرو و شخصیت زنان پاکدامن

والذین یرمون المحصنات ثمّ لم یأتوا بأربعة شهداء . . . و أولئك هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 7

7 - اهتمام اسلام به حفظ آبرو و حیثیت زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن در جامعه

إنّ الذین یرمون المحصنات الغفلت المؤمنات . . . لهم عذاب عظیم

33- پادشاه مصر و عقیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 54 - 10

10_ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین امین

34- تفصل به عقیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 6

6 - مردان و زنان غیر متأهل عقیف ، از فضل و امداد خداوند در فراهم آمدن امکانات ازدواج ، برخوردارند .

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتی یغنیهم الله من فضله

35- تهمت به عقیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 423

10 - اشاعه فحشا در میان جامعه اسلامی و تهمت آلودگی جنسی به مؤمنان پاکدامن ، از ترفند های منافقان

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفُحْشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

تعبیر «فی الذین آمنوا» (در میان صفوف مؤمنان) بیانگر این نکته است که اشاعه دهندگان فحشا، خود از مؤمنان نیستند؛ بلکه در میان صفوف مؤمنان رخنه کرده اند و آنان را به فساد می کشانند. گفتنی است چون آیات پیشین درباره ماجرای «افک» بود که به دست منافقان انجام گرفت، می توان استفاده کرد که مقصود در «الذین یحبون...» همان منافقان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - زنان و مردان نیک سرشت و نیک کردار ، از نسبت های ناروای افراد خبیث و بدخواه در باره آنان ، منزّه و پیراسته اند .

لَلْخَبِيثِينَ... لِلطَّيِّبِينَ... أُولَئِكَ مِبْرَعُونَ مِمَّا يَقُولُونَ

مشارالیه «أُولَئِكَ» «طیبین» (مردان و زنان نیک و پاکدامن) است و مرجع ضمیر «يقولون»، «خبیثین» (مردان و زنان خبیث) می باشد.

36- حمایت از عفیفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

29 - کنیزان پاکدامن و شخصیت انسانی آنان ، مورد حمایت اسلام است .

و لا تکرهوا فتی تکم علی البغاء إن أردن تحصنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

37- روزی نیکوی عفیفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - مردان و زنان نیک و پاکدامن ، از غفران خداوند و روزی نفیس و ارزشمند او بهره منداند .

و الطیبون للطیب ت أولئک مبرعون ممّا یقولون لهم مغفره و رزق کریم

واژه «کریم» در هر چیزی که در جنس و نوع خودش، شریف و ارزشمند باشد، به کار می رود. (مفردات راغب).

38- سرزنش تهمت به عفيفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 4 - 8

8 - اتهام بی دلیل زنا به زنان پاکدامن ، بدترین نوع فسق است و نسبت دهندگان آن ، سرآمد فاسقان اند .

والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء . . . وأولئك هم الفسقون

ص: 424

ضمیر «هم» ضمیر فصل و «الفاسقون» مسند همراه با «ال» جنس و مفید حصر است. منحصر کردن اهل فسق به نسبت دهندگان زنای بی دلیل به زنان پاکدامن، بیانگر برداشت یاد شده است.

39- فاسدان و عفیفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 8

8 - انسان های صالح و پاکدامن ، عناصری مزاحم و غیرقابل تحمل برای فاسدان و منحرفان

أخرجوا آل لوط من قريبتكم إثمهم أناس يتطهرون

موضع گیری مفسدان در قبال لوط(ع) و خاندانش، نشان می دهد که آنان تلاش های خیرخواهانه وی را برنتابیدند و او را به عنوان عنصری مزاحم محکوم به اخراج کردند.

40- قذف عفیفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 23 - 5,6,9,12

1 - قذف کنندگان و اتهام زندگان به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، مورد نفرین در دنیا و آخرت

إنّ الذين يرمون المحصنات الغفلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والآخرة

«محصنات» به معنای زنان عقیف و پاکدامن است (لسان العرب). مقصود از «غافلات» (زنان غافل) ممکن است زنانی باشند که آن قدر از آلودگی جنسی به دوراند که گویا به کلی از چنین مسائلی بی خبراند و ممکن است زنانی باشند که از آنچه به آنان نسبت ناروا داده اند (فحشا)، کاملاً بی خبراند و در هر دو صورت به چنین زنانی زنان نجیب گفته می شود.

2 - قذف زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن (نسبت دادن زنا به آنان) ، در پی دارنده خشم الهی و محرومیت از رحمت او

إنّ الذين يرمون المحصنات الغفلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والآخرة

«لعن» (مصدر «لعنوا»)، به معنای طرد کردن و دور ساختن فرد از خیر و نیکی است (لسان العرب). و هم چنین طرد برخاسته از خشم و غضب می باشد (مفردات راغب).

5 - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عقیف و مؤمن است .

إنّ الذين يرمون المحصنات .. لهم عذاب عظیم

6- قذف و اتهام به زنان پاکدامن ، نجیب و مؤمن ، از گناهان کبیره است .

إنّ الذین یرمون المحصنات .. لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه شریفه، قذف کنندگان و تهمت به زنان مورد طرد و لعن در دو عرصه دنیا و آخرت قرار گرفته اند و به عذاب بزرگ الهی تهدید شده اند.

9- « عن أبی عبداللّٰه (ع) قال : قذف المحصنات من الكبائر لأنّ اللّٰه عزّوجلّ یقول : لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود قذف زنان پاکدامن (یعنی، نسبت زنا دادن به آنان) گناه کبیره است؛ زیرا خدای _ عزّوجلّ _ [در باره قذف کنندگان] می فرماید: لعنوا فی الدنیا و الآخره و لهم عذاب عظیم».

ص: 425

41- کیفر قذف عفیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 1

1 - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد.

الذین یرمون المحصنات... یومئذ یوقیهم الله دینهم

ضمیر «هم» در «یوقیهم» و «دینهم» به «قذف کنندگان» (الذین یرمون المحصنات) بازمی گردد و «توفیه» (مصدر «یوقی») به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از «دین» - به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است - جزا می باشد.

42- منشأ امداد به عفیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 9

9 - فضل خداوند، منشأ امداد او به زنان و مردان عفیفاً است.

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله

43- نقش عفیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 8

8 - انسان های صالح و پاکدامن، عناصری مزاحم و غیرقابل تحمل برای فاسدان و منحرفان

أخرجوا آل لوط من قریبتکم إثمهم أناس یتطهرون

موضع گیری مفسدان در قبال لوط(ع) و خاندانش، نشان می دهد که آنان تلاش های خیرخواهانه وی را برنتابیدند و او را به عنوان عنصری مزاحم محکوم به اخراج کردند.

ص: 426

1- احکام عقد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 1 - 1,3

1_ وجوب وفا به تمامی عقد ها و پیمان ها (فردی ، اجتماعی ، بین المللی و پیمان های الهی)

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

3_ لزوم و وجوب التزام به مفاد عقد ، اصل و قاعده اولیّه در تمامی عقود

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

صیغه امر «اوفوا» دلالت بر وجود التزام به مفاد عقد دارد که از آن به لزوم عقد تعبیر می شود. و چون «عقود» جمع دارای «ال» است، عموم از آن استفاده می شود.

2- احکام عقد شرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 4

4- شرکت ، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است .

فكانت لمسکین يعملون فی البحر

3- تاریخ عقد شرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 4

4- شرکت ، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است .

فكانت لمسکین يعملون فی البحر

4- عقد جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 10

10_ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

«جعاله» در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله «لمن جاء...» گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را «جاعل»، انجام دهنده را «عامل» و اجرت را «جُعل» می نامند.

5- عقد شرکت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 4

4- شرکت، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است.

فكانت لمسكين يعملون في البحر

6- عقد ضمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 14

14_ ضمان و كفالت، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است.

و أنا به زعيم

«ضمان» در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را «ضامن»؛ بدهکار را «مضمون عنه» و طلبکار را «مضمون له» می نامند و «كفالت» در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در «أنا به زعيم» به «حمل بعير» باز گردد، مراد از «زعيم» (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در «به» به گوینده «لمن جاء...» (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از «زعيم» کفیل خواهد بود.

7- عقد كفالت

14_ ضمان و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و أنا به زعیم

«ضمان» در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را «ضامن» ; بدهکار را «مضمون عنه» و طلبکار را «مضمون له» می نامند و «کفالت» در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که

ص: 428

حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در «أنا به زعیم» به «حمل بعیر» باز گردد، مراد از «زعیم» (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در «به» به گوینده «لمن جاء...» (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از «زعیم» کفیل خواهد بود.

8- گواهان عقد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 3

3 - خدا، گواه قرارداد های میان مردم و شاهد گفت وگو های طرفین قرارداد

قال إني أريد... إنيما الأجلين قضيت... و الله على ما نقول وكيل

(وکیل) به قرینه متعدی شدن با «علی»، متضمن معنای «شهادت» است؛ یعنی، «و الله علی ما نقول شاهد».

9- مشروعیت عقد شرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 4

4- شرکت، عقدی مشروع و سابقه دار در ادیان الهی است.

فكانت لمسكين يعملون في البحر

10- نظارت خدا در عقد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 28 - 5

5 - ایمان راستین به خداوند، مقتضی ناظر دانستن او بر معاملات و عقد قراردادها

و الله على ما نقول وكيل

11- وفای به عقد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 1 - 3

1_ وجوب وفا به تمامی عقد ها و پیمان ها (فردی ، اجتماعی ، بین المللی و پیمان های الهی)

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

3_ لزوم و وجوب التزام به مفاد عقد ، اصل و قاعده اولیّه در تمامی عقود

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

ص: 429

صیغه امر «اوفوا» دلالت بر وجود التزام به مفاد عقد دارد که از آن به لزوم عقد تعبیر می شود. و چون «عقود» جمع دارای «ال» است، عموم از آن استفاده می شود.

عقود

12- احکام عقود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 10،14

10_ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

«جعاله» در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله «لمن جاء...» گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را «جاعل»، انجام دهنده را «عامل» و اجرت را «جُعل» می نامند.

14_ ضمان و كفالت، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است.

و أنا به زعيم

«ضمان» در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را «ضامن»؛ بدهکار را «مضمون عنه» و طلبکار را «مضمون له» می نامند و «كفالت» در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را كفيل می نامند. چنان چه ضمير غائب در «أنا به زعيم» به «حمل بعير» باز گردد، مراد از «زعيم» (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمير در «به» به گوینده «لمن جاء...» (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از «زعيم» كفيل خواهد بود.

13- عقود در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 19

19_ جعاله، ضمان و كفالت، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

14- عقود قانونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10_ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

ولمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

«جعاله» در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله «لمن جاء...» گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را «جاعل»، انجام دهنده را «عامل» و اجرت را «جُعل» می نامند.

ص: 430

و أنا به زعیم

«ضمان» در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را «ضامن» ; بدهکار را «مضمون عنه» و طلبکار را «مضمون له» می نامند و «كفالت» در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را كفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در «أنا به زعیم» به «حمل بعیر» باز گردد، مراد از «زعیم» (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در «به» به گوینده «لمن جاء...» (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از «زعیم» كفیل خواهد بود.

ص: 431

1- عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 6,8

6_ استدلال بر شناخت صفات خداوند از طریق برهان « ائی »

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لآیات

برهان «ان» یا «ائی»، پی بردن از معلول به علت است و در آیه شریفه، پدیده ها و چگونگی آنها، که معلول خدا و صفات او هستند، نشانه و دلیل خداوند و صفات او معرفی شده است.

8_ ارزش عقل و نقش آن در شناخت خداوند

لآیات لاولی الالباب

«لب» به معنای عقل خالص و بدور از وهم و خیال است که از آن می توان به خرد ناب تعبیر کرد.

2- آثار بی عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 93 - 11

11_ ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شرکت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع اللّٰه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است که طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 100 - 6

6_ به کار نبستن عقل و خرد ، عامل آلودگی انسان به پلیدیهاست .

و یجعل الرجس علی الذین لا یعقلون

3- آثار رشد عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 19، 17

17- انسان رشد یافته ، متوجه به پروردگار و رشددهنده خویش

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ .. قَالَ رَبِّ

انسان در چهل سالگی؛ یعنی، اوج کمال و قوای عقلانی به پروردگار خویش التجا جست و نقش خداوند را در رشد و کمال خود در می یابد. بدین جهت در آیه شریفه به جای سایر اوصاف الهی، صفت «رَبِّ» یاد شده است.

19- سپاس گزاری در برابر نعمت دهنده حقیقی ، لازمه کمال عقل و اندیشه

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ .. قَالَ رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

از این که خداوند اولین بازتاب وصول انسان به مرحله کمال عقلی (40 سالگی) را گرایش انسان به شکر منعم حقیقی دانسته است، مطلب یاد شده به دست می آید.

4- آثار سلامت عقل محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 22 - 6

6 - سلامت عقلانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 23 - 3

3 - عقل سالم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن ، تضمین کننده دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأفق المبین

5- آثار عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 44 - 5

5 - عقل به تنهایی، برای قضاوت در حقانیت تعالیم آسمانی و یا عدم آن، کافی نیست.

و ما ائینهم من کتب یدرسونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 10 - 17

17 - عزت و پیروزی در عرصه جدال و ستیزش اندیشه ها و عقاید، از آن اندیشه و عقیده ای است که بر عقل، فطرت و طبع آدمی استوار باشد.

ص: 433

فَللَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ . . . وَ مَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که مکر شکست خورده کافران، در مقابل کلام طیب خداوند و صعود و موفقیت آن قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 70 - 5

5 - عقل و ایمان ، مایه حیات انسان است .

و قرءان مبین . لینذر من کان حیاً

بیشتر مفسران برآنند که در جمله «من کان حیاً» یا استعاره به کار رفته و مقصود از آن انسان عاقل یا مؤمن است. و یا این که در این جمله، مجاز مرسل به کار رفته است؛ یعنی، چون تعالیم قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبب حیات واقعی بشر است، از این رو تعبیر «حی» آمده است؛ مثل آیه شریفه: «استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم» (انفال (8) آیه 24). گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 12

12 - خرد ناب و به دور از ناخالصی ها (هوا و هوس و . . .) زمینه تذکر و بیداری انسان ها

و ذکری لأولی الألباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 37 - 3

3 - دریافت پیام های نهفته در متن تاریخ ، نیازمند قلبی آگاه یا گوش شنوا و حق پذیر

إن فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقى السمع و هو شهید

عبارت «لمن کان له قلب أو ألقى» . . . می رساند که برای فهم صحیح تاریخ، یکی از دو شرط لازم است: یا خردمندی و تیزهوشی در درک و تحلیل و یا حق شنوی از اهل خرد و اندیشه.

6- آثار عقل سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- تلقی صحیح و اندیشه درست ، دو پایه اساسی برای هدایت و راهیابی به حق است .

وقالوا لو کنا نسمع أو نعقل

7- آثار کمال عقل محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 22 - 4

ص: 434

4 - مشاهده کمال عقلانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی معاشران آن حضرت ، دلیلی کافی بر مردود بودن ادعای جنون درباره او است .

و ما صاحبکم بمجنون

عنوان «صاحبکم» گویای مردود بودن اتهام جنون است؛ زیرا مصاحبت روز مره کسانی که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) تهمت جنون می زدند، با آن حضرت، مایه شناخت وضعیّت فکری آن بزرگوار بوده و دستاویزی برای نسبت جنون باقی نمی گذارد.

8- ارزش عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 170 - 14

14 - ارزش عقل و تبعیت از آن

أولو کان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 197 - 19

19 - اهمیّت و ارزش عقل

واتقون یا اولی الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 8

8 - عقل ، ارزشمند بوده و در شناخت حقایق و پیشگیری از نابکاری ها نقشی مهم و اساسی دارد .

إن فی ذلک لآیّاتٍ لّأولی النّهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 128 - 11

11 - عقل و خرد ، گوهری ارزشمند و بازدارنده انسان از کار های ناروا

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى

«نهی» یا جمع «نهییه» (عقل) است و یا لفظی است مفرد و به معنای عقل (قاموس). از آن جهت این نام بر عقل نهاده شده است که بازدارنده و نهی کننده آدمی از زشتی ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 14

14 - ارزش عقل و برهان در بینش دین و قرآن

قل هاتوا برهـنکم إنا کنتم صـدقین

برهان خواستن خداوند از انسان، نشانگر ارزش برهان و دلیل عقلی قانع کننده است.

ص: 435

9- اهمیت تبعیت از عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 170 - 14

14 - ارزش عقل و تبعیت از آن

أولوکان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً

10- اهمیت عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 22

22 - « قال أبوقتاده : سألتُ النبیّ (صلی الله علیه و آله) عن قوله تعالی : « أیکم أحسن عملاً » ما عنی به ؟ فقال : یقول : أیکم أحسن عقلاً
; ...

ابوقتاده گوید: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خداوند متعال: «أیکم أحسن عملاً» سؤال کردم که مقصود خداوند چیست؟
فرمود: مراد این است که کدام یک از شما، از نظر عقل نیکوتر است. «...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 5 - 5

5 - عقل ، از ابزار شناخت معارف الهی

هل فی ذلک قسم لذی حجر

11- بی عقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 100 - 3

3_ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

مراد از «الذین لایعقلون» _ به قرینه مقابله با «ماکان لنفس أن تؤمن . . .» _ تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر

«لا یعقلون» به جای «لایؤمنون» برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 128 - 12

12 - کسانی که از سرنوشت اقوام پیشین عبرت نمی گیرند ، از خرد بی بهره اند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأُيُوتُ لَأُولَى النُّهَى

ص: 436

12- بینش عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 60 - 2

2 - بی تفاوت بودن در برابر احسان دیگران ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند و عقل

هل جزاء الإحسَن إلا الإحسَن

پرسش در آیه شریفه در حقیقت به داوری کشاندن عقل است و نیز مهر تأییدی از جانب خداوند بر داوری های عقل سلیم می باشد.

13- توصیه های عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 35 - 11

11 _ عقل هر انسانی بر تبعیت از کسی که به سوی حق هدایت می کند ، فرمان می دهد .

أفمن يهدى إلى الحق أحق أن يتبع أمن لا يهدى إلا أن يهدى

14- دلایل سلامت عقل محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 70 - 5

5 - حقانیت سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) (پیام ها و رهنمود های او) ، گواه برخورداری آن حضرت از روح و اندیشه ای سالم

أم يقولون به جنّ بل جاءهم بالحقّ

15- دین و عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 7

7 _ اسلام ، دین منطقی و برهان است ؛ نه زور و اجبار

لا اكره فی الدّین قد تبین الرّشد من الغیّ

16- زمينه بي اعتنايي به ملاكهاي عقلي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 437

6- تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی، زمینه سازی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن كان من عند الله . . . فی شقاق بعید... ألا إنهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در یک سیاق قرار دارند - نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

17- زمینه رشد عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 151 - 29

29_ عمل به توصیه های پنجگانه (پرهیز از شرک و ..) زمینه ساز شکوفایی عقل و اندیشه

ذلکم وصیکم به لعلکم تعقلون

برداشت فوق مبتنی بر این است که «تعقلون» به منزله فعل لازم بوده و نیاز به مفعول نداشته باشد و مراد از توصیه عملکردن به احکام یاد شده باشد.

18- زمینه زوال عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 54 - 13

13 - فسق پیشگی، زمینه ساز از بین رفتن توان تفکر و اندیشه در انسان

فاستخفّ قومه . . . إنهم كانوا قومًا فاسقین

چنانچه جمله «إنهم كانوا قومًا فاسقین» تعلیل برای «فاستخفّ» باشد، به دست می آید که فسق و فجور در انسان، مایه خفت و سبک مغزی می گردد و توان تفکر و اندیشه را از او سلب می کند.

19- سلامت عقل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 21

21 - مؤمنان ، برخوردار از عقل سلیم و خردناب و کافران فاقد آن هستند .

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

این که خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذیراند، اشاره به گروه مؤمنان و کافران دارد؛ زیرا آیات یاد شده درصدد توصیف این دو گروه است.

ص: 438

20- سلامتی عقل برگزیدگان بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 16

16 - تنها ، برگزیدگان و پیروی کنندگان بهترین سخن ، صاحبان عقل سلیم و خرداند .

الذین یستمعون القول فیَتَّبِعُونَ أحسنه . . . و أولئك هم أولوا الألباب

«لَبَّ» (مفرد «ألباب») به معنای عقل سلیم و خرد ناب است. گفتنی است تعریف دو جزء مبتدا (أولئك) و خبر (هم) مفید حصر است.

21- عدم استفاده از عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 7

7 - به کار نگرفتن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و إنك لتدعوهم إلى صراط مستقیم . . . أنشأ لكم السمع ... قليلاً ما تشكرون

22- عقل جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 6 - 1

1 - جبرئیل ، فرشته ای صاحب کمال عقل و درایت

ذو مرّه فاستوی

یکی از معانیی که واژه «مرّه» بر آن اطلاق می شود، «عقل» است. نکره آمدن «مرّه» نیز برای تفخیم و به تقدیر «ذو مرّه کامله» است.

23- عقل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 4 - 4

4- جن ، دارای عقل و در معرض سفاهت و کم خردی

و أنه كان يقول سفيها على الله شططا

24- عقل در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 439

14 _ برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

25- عقل سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 5

5 _ محاجّه درباره وحدانیت و ربوبیت الهی و انکار آن ، علی رغم بهره مندی از داده های خداوندی ، شگفت آور و خلاف عقل سلیم است .

الم تر الى الذی حاجّ ابرهیم فی ربّه ان اتیه الله الملك

مقصود از استفهام در «الم تر . . .»، بیان شگفتی از چنین محاجّه و انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 12

12 _ اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ فی خلق السموات . . . لآیات لاولی الالباب

26- عقل لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 18

18 - « عن هشام بن الحكم قال : قال لی أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . یا هشام ! إنّ الله یقول فی کتابه . . . » و لقد آتینا لقمان الحکمه « قال : الفهم و العقل . . . »

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: . . . ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید: . . . «و لقد آتینا لقمان الحکمه» می گوید: فهم و عقل به [او دادیم] . . .».

27- عقل و ولایت خدا

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. . قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله «إنی أمرت .. .» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ ...» نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم

می رانند.

28- عقل همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 3

3 - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «فرش» در آیه شریفه _ به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) _ همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف «مرفوعه» اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

29- عوامل احیای عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 54 - 2

2 - هدایت ، بیدار سازی ، پند آموزی و احیای خردناب ، قلمرو رسالت موسی (ع) و کتاب آسمانی او (تورات)

هدی و ذکری لأولی الألب

30- عوامل تضعیف عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 23 - 5

5 - گرایش به مادی گرایی و دنیاطلبی ، قدرت اندیشه (خرد) را تضعیف و آدمی را به سوی تقلید کورکورانه سوق می دهد .

و كذلك .. إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا

31- عوامل زوال عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 13

13_ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله . . . و نرد ... كالذی استهوتة الشیطان

«استهوتة الشیاطین» یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله «استهوتة الشیاطین» را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به کار می برند. (لسان العرب).

ص: 441

32- عوامل زیان به عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 47 - 3

3 - شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

33- فاقدان عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 22 - 2

2_ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کنند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

34- فاقدان عقل سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 21

21 - مؤمنان ، برخوردار از عقل سلیم و خردناب و کافران فاقد آن هستند .

إِئْمَا یتذکرُ أولوا الألباب

این که خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذیراند، اشاره به گروه مؤمنان و کافران دارد؛ زیرا آیات یاد شده درصدد توصیف این دو گروه است.

35- قرآن و عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 50 - 8

8_ احكام وقوانين قرآن ، مبتنی بر علم و عقل

وإن احکم بینهم بما أنزل اللّٰه . . . افحکم الجهلیه یبغون

جهل _ در لغت _ مقابل عقل و نیز علم، کاربرد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 442

12- معارف و آموزه های قرآن مطابق و هماهنگ با خرد ناب است .

هـ ذابـلـغ للناس . . . و لیذکر أولوالألـبـب

از اینکه خداوند هدف از نزول قرآن را پندپذیری صاحبان خرد قرار داد، معلوم می شود که قرآن با موازین عقلی مطابق و هماهنگ است و اگر غیر از این بود، خردورزان از آن پند نمی گرفتند؛ بلکه نتیجه معکوس در بر می داشت.

36- محدوده عقل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 3 - 7

7 - مفاهیم وحی ، قبل از نزول در قالب واژگان عرب ، مفاهیمی فراتر از عقل بشر بوده است .

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

از این که فلسفه عربی بودن قرآن، خردورزی در آن قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

37- ملاکهای سنجش عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 4 - 6

6_ رعایت ادب و حرمت افراد در روابط اجتماعی ، نشانگر میزان اندیشه و خرد انسان

إِنَّ الَّذِينَ ينادونك من وراء الحجرت أكثرهم لا يعقلون

از مفهوم «اكثرهم» ، استفاده می شود که هر جا اندیشه باشد، آداب صحیح روابط اجتماعی نیز خواهد بود.

38- نشانه های بی عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 2 - 2

2_ انکار وحی و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بی خردی و کوتاه نظری

أكان للناس عجباً أن أوحينا إلى رجل منهم

استفهام در «أكان للناس عجباً» استفهام انکاری و برای اظهار شگفتی از موضع گیری انکارآمیز مردم مکه در برابر پدیده وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت است که: مسأله وحی و نبوت مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و بیانگر بی خردی و کوته نظری منکران آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 16 - 9

ص: 443

9_ انکار آسمانی بودن قرآن و رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) علی رغم آگاهی به زندگی و شخصیت پیش از بعثت او، نشانه بی خردی است .

قل لو شاء الله ما تلوته علیکم . . . فقد لبثت فیکم عمراً من قبله أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 35 - 12

12_ پیروی از غیر خدا و سر برتافتن از هدایت های الهی ، نشانه ای است از کوتاه نظری و نابخردی .

أفمن یهدی الی الحق أحق أن یتبع أمن لایهدی . . . فما لکم کیف تحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 21

21_ شرک و کفر ، نشانه نادانی و بی خردی است .

ولکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 12

12_ شرک‌ورزی و انکار رسالت پیامبران ، نشانه بی خردی است .

ی قوم اعبدوا الله . . . أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 109 - 16

16_ تکذیب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاطر بشر بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین و سنت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحی إلیهم من أهل القرى . . . أفلا تعقلون

لحن جمله «و ما أرسلنا . . .» گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی از افراد بشر باشد؛ بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 6

6_ اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلت

آیه شریفه در مقام تعجب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (وقد خلت . .) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 36 - 1

ص: 444

1 - برابر دانستن مسلمانان با مجرمان ، نشانه کوتاه فکری و بی خردی است .

ما لکم کیف تحکمون

آیه شریفه دارای دو استفهام است: 1_ «ما» که درصدد بیان منشأ و اساس قضاوت است؛ 2_ «کیف» که مربوط به کیفیت قضاوت است. این عبارت در جایی به کار می رود که فردی بدون داشتن دلیل و منطق صحیح، درباره چیزی قضاوت کند و این کار افراد جاهل و بی خرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 4

4 - احساس امنیت در برابر عذاب الهی به جهت برخورداری از امکانات مادی ، احساسی بی پایه و نشان نابخردی است .

لذی حجر .. الّتی لم یخلق مثلها فی البَلِّ د

خبر از هلاکت قوم عاد با وجود تمدن پیشرفته آنها _ پس از سوگندهایی که خردمندان را مخاطب ساخته بود _ نشانگر این است که اهل خرد، امکانات مادی را نجات بخش از عذاب الهی نمی دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 _ پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توییح و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 5

5 _ پرستش چیزی ناتوانتر از پرستنده آن ، نابخردی و مایه شگفتی است .

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم ءاذان یسمعون بها

استفهام در جمله «ألهم ..» به انگیزه تعجب ایراد شده و منشأ تعجب به مناسبت مورد، نابخردی پرستشگران بتهاست.

39- نشانه های رشد عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 15،24

15- توجه به نعمت های الهی و ارج نهادن به زحمات والدین ، از نمود های رشد عقلی و کمال وجودی انسان در چهل سالگی

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ

خداوند، سن چهل سالگی را به عنوان زمینه و مقدمه توجه انسان به پروردگار و شکر نعمت ها و تقدیر از والدین دانسته است. این مطلب نشانگر آن است که انسان به طور طبیعی، در این سن به دلیل کمال وجودی و یا رشد قوای عقلانی، به ارزش ها می اندیشد.

24- گرایش به صلاح و جلب رضای الهی ، نمودی از کمال عقلی انسان

ص: 445

حتّی إذا بلغ أشده وبلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی . . و أن أعمل صـلحاً ترضـیه

توجه به قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که تعبیر «أربعین سنه» ناظر به بلوغ عقلی است، چه این که «بلغ أشده» می تواند اشاره به بلوغ جسمی داشته باشد. بنابراین آنچه بر سن چهل سالگی انسان در آیه مترتب شده، از کمال عقلی نشأت یافته است.

40- نشانه های عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 19

19 - پندپذیری، نشانه عقل و خرد است .

إنّ فی ذلک لذکرى لأولی الألبـب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 6 - 3

3 - کفر و نپذیرفتن عمدی آیین اسلام، نشانه جنون و بی خردی است و ایمان و هدایت، نشانه خردورزی است .

بأیّکم المفتون

برداشت یاد شده، از آن جا است که به کافران، جنون نسبت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 6

6 - عبرت گرفتن از قوم عاد و دل خوش نبودن به نیروی جسمی در برابر تهدید های الهی، نشان خردورزی است .

لذی حجر . . التّی لم یخلق مثلها فی البـلـد

41- نشانه های عقل سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 19

19 - پندپذیری، نشانه عقل سلیم و خردناب است .

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 17

17 - گوش سپردن به سخنان و برگزیدن بهترین آنها ، نشانه عقل سلیم و خرد ناب است .

الذین یستمعون القول فیَتَّبِعُونَ أحسنه . . . و أولئک هم أولو الألباب

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 446

4- بیداری و پند آموزی، نشانه عقل سلیم و خرد ناب است .

و ذکرى لأولى الألبـب

42- نعمت عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 46 - 4

4_ شنوایی، بینایی و عقل و درک آدمی، از مهمترین نعمتهای الهی در وجود انسان

إن أخذ الله سمعكم وأبصركم وختم على قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 2 - 68 - 3

3- برخوردارى پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از نعمت نبوت و عقل

ما أنت بنعمه ربك بمجنون

واژه «جنون»، قرینه است بر این که نعمت اعطایی به پیامبر(صلی الله علیه و آله) «عقل» است و برخی از مفسران آن را نعمت «نبوت» دانسته اند؛ چنان که در آیه 164 سوره «آل عمران» بدان اشاره شده است: «لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولاً من أنفسهم..».

43- نقش عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 170 - 16

16 - عقل مایه هدایت پذیری انسانهاست .

أولوكانءاباؤهم لایعقلون شیئاً و لایهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 191 - 19

19 - جهان بینی توحیدی و هدفداری جهان بدون اتکای بر وحی - با عقل و منطق - قابل درک است .

و يتفكرون في خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً

زیرا صاحبان خرد ناب پس از اندیشه در جهان، بدون تکیه بر وحی، به توحید ربوبی و هدفداری جهان رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 58 - 13

13 - عقل و منطق، زیر بنای دین اسلام و احکام و شعایر آن

اتخذوها هزواً ولعباً ذلک بانهم قوم لا یعقلون

ص: 447

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 9،11

9_ عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لايستوى الخبيث و الطيب . . . فاتقوا الله ياولى الالب

11_ تنها صاحبان عقل و خرد از زمينه رعايت تقوا برخوردارند .

فاتقوا الله ياولى الالب

علی رغم اینکه همه انسانها وظیفه دار رعایت تقوا هستند خداوند صاحبان خرد را مخاطب قرار داد تا به این نکته اشاره فرماید که تنها اهل خرد و اندیشه زمینه رعایت تقوا و پرهیز از خبیثها و گرایش به پاکیها را دارا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 10

10_ به کار نگرفتن عقل و اندیشه زمینه توجه به دنیا و غفلت از آخرت

و ما الحیوه الدنيا إلا . . . أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 151 - 27

27_ توصیه های خداوند (پرهیز از شرک و . . .) حقایقی است که آدمی باید در آنها دقت کند و ضرورت پرهیز از آنها را با عقل خویش دریابد.

ذلکم وصیکم به لعلکم تعقلون

مفعول «تعقلون» ضرورت پرهیز از محرمات یاد شده است. مراد از «توصیه» می تواند به قرینه «تعقلون» سفارش به تأمل و دقت در احکام مذکور باشد. بنابراین جمله «ذلکم وصاکم به . . .» یعنی خداوند سفارش کرده که در محرمات بیان شده دقت کنید؛ باشد که ضرورت پرهیز از آنها را با عقل خویش دریابید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 16 - 11

11_ عقل ، وسیله ای برای شناخت حقایق

قل لو شاء الله ما تلوته علیکم . . أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 10

10_ عقل ابزاری برای شناخت ربوبیت خدا و پدیده های طبیعی ، منبعی برای شناخت اوست .

إن فی ذلک لآیات لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 8

8 - عقل ، ارزشمند بوده و در شناخت حقایق و پیشگیری از نابکاری ها نقشی مهم و اساسی دارد .

ص: 448

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأُولَىٰ تِلْكَ لَأُولَىٰ النَّهْيِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 128 - 11

11 - عقل و خرد، گوهری ارزشمند و بازدارنده انسان از کارهای ناروا

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأُولَىٰ تِلْكَ لَأُولَىٰ النَّهْيِ

«نهی» یا جمع «نهی» (عقل) است و یا لفظی است مفرد و به معنای عقل (قاموس). از آن جهت این نام بر عقل نهاده شده است که بازدارنده و نهی کننده آدمی از زشتی ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 16

16 - مشرکان صدر اسلام، پیروی از سحر را با عقل و خرد ناسازگار می دیدند .

أَفْتَاتُونَ السَّحْرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 8 - 7

7 - عقل و دل، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

يَجِدُ دَلَّ فِي اللَّهِ بغير علم و لا هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 113 - 4

4 - فهم صحیح تعالیم پیامبران، در گرو به کار بستن عقل و شعور است .

إِنْ حَسَابِهِمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 8

8- عقل، وسیله تشخیص ارزش ها و پیدا کردن زندگی بهتر و برتر

و ما عند الله خیر و ابقى أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 24 - 11، 7

7- آیه بودن رخدادهای طبیعی، برای کسانی قابل درک است که قوه عقلانی خویش را به کار می گیرند.

و من آءایته یریکم البرق... و ینزل من السماء ماء فیحیی به الأرض... إن فی ذلک

11 - خرد، از ابزار شناخت است.

لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 449

14 - روم - 30 - 28 - 22

22 - آیات خدا و معارف دینی ، به وسیله عقل ، قابل درک و فهم است .

نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 20,22

20 - لازم است که به دلایل متقن عقلی و وحی و کتاب آسمانی ، اتکا شود .

يَجِدُ دَلِيلًا فِي اللَّهِ بغير علم و لا هُدًى و لا كتابٍ مَنيرٍ

به قرینه «هدی» و «کتاب» - که دلایل نقلی اند - «علم» در آیه ، می تواند دلیل عقلی باشد.

22 - آگاهی عقلانی و وحی و کتاب آسمانی ، سه منبع معتبر در جهان بینی است .

يَجِدُ دَلِيلًا فِي اللَّهِ بغير علم و لا هُدًى و لا كتابٍ مَنيرٍ

ذکر «علم» در کنار «هدی» و .. می تواند به آن دسته از آگاهی هایی اشاره داشته باشد که از طریق عقل به دست می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 18 - 19

19 - عقل و خرد ناب ، از ابزار و راه های شناخت حقایق

الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ .. وَأُولَئِكَ هُمُ الْوَالِدُونَ الْأَلْبَابُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 21 - 12

12 - تأمل و نگرش ژرف ، از ابزار های شناخت

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطًا مَّا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 21 - 4

4 - حس ، عقل و وحی ، ابزار اصلی دریافت معارف صحیح *

أشهدوا خلقهم . . ما لهم بذلك من علم ... أم ءاتینهم کتبا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیات سه گانه، اشاره به این نکته داشته باشد که مشرکان در ادعای خویش، به هیچ یک از منابع اصلی معرفت (حس، عقل و وحی) متکی نیستند و در نتیجه می توان استفاده کرد که ابزار شناخت، وحی، حس و عقل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 62 - 5

5 - راه شیطان ، در تضاد با درک فطری انسان

إنه لكم عدو مبين

واژه «مبین» می رساند که انسان، برای درک دشمنی شیطان و نادرستی وسوسه ها و القائات وی، نیاز به تأمل فراوان ندارد؛ بلکه به آسانی با ذخایر فطری و عقلی خود آن را در می یابد.

ص: 450

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 37 - 7

7 - « عن هشام بن الحكم قال ، قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) يا هشام . . . إنَّ الله يقول في كتابه « إنَّ في ذلك لذكرى لمن كان له قلب » يعني عقل . . . » ;

هشام بن حکم می گوید: امام کاظم (ع) به من فرمود: ای هشام! خدای تعالی در کتاب خود فرموده «إنَّ في ذلك لذكرى لمن كان له قلب» و مراد [از قلب]، «عقل» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 36 - 3

3 - داوری درباره دین و دینداران ، باید مبتنی بر عقل و منطق و انگیزه صحیح باشد .

ما لكم كيف تحكمون

44- نقش عقل سلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 54 - 3

3 - داشتن خردناب و عقل سلیم ، شرط بهره جستن و تاثیر پذیرفتن از تعالیم پیامبران و کتاب های آسمانی (تورات و . . .)

هدى و ذكرى لأولى الألباب

45- هماهنگی اسلام با عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 125 - 11

11- راه خدا و اسلام ، سازگار با عقل ، علم و عواطف انسانی

ادع إلى سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه

46- هماهنگی دین و عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

27_ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جمله «إنی أمرت . . .» حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری «أغیر الله أتخذ . . .» نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم

ص: 451

می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 151 - 27, 28

27_ توصیه های خداوند (پرهیز از شرک و ..) حقایقی است که آدمی باید در آنها دقت کند و ضرورت پرهیز از آنها را با عقل خویش دریابد.

ذلکم وصیکم به لعلکم تعقلون

مفعول «تعقلون» ضرورت پرهیز از محرّمات یاد شده است. مراد از «توصیه» می تواند به قرینه «تعقلون» سفارش به تأمل و دقت در احکام مذکور باشد. بنابراین جمله «ذلکم وصاکم به ...» یعنی خداوند سفارش کرده که در محرّمات بیان شده دقت کنید؛ باشد که ضرورت پرهیز از آنها را با عقل خویش دریابید.

28_ تعالیم پنجگانه (اجتناب از شرک، احسان به والدین و ..) تعالیمی مطابق با عقل

ذلکم وصیکم به لعلکم تعقلون

47- هماهنگی سبیل الله با عقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 125 - 11

11- راه خدا و اسلام ، سازگار با عقل ، علم و عواطف انسانی

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

48- هماهنگی عقل و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 170 - 15

15 - هماهنگی و همسویی عقل و دین

اتبعوا ما أنزل الله .. أو لو کان ءاباؤهم لایعقلون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- معارف و آموزه های قرآن مطابق و هماهنگ با خرد ناب است .

هـ_ذا بلِغ للناس . . . و لیذکر أولوالألْب_ب

از اینکه خداوند هدف از نزول قرآن را پندپذیری صاحبان خرد قرار داد، معلوم می شود که قرآن با موازین عقلی مطابق و هماهنگ است و اگر غیر از این بود، خردورزان از آن پند نمی گرفتند؛ بلکه نتیجه معکوس در بر می داشت.

ص: 452

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

